

فصلنامه علمی

راهبرد اجتماعی فرهنگی

۳۸

سال دهم - شماره سی و هشتم - بهار ۱۴۰۰

هیئت تحریریه

محمدباقر خرمشاد / استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

مهرداد نوابخش / استاد دانشکده ادبیات دانشکده علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

بهرام بیات / استاد جامعه شناسی دانشگاه عالی دفاع ملی

غلامرضا خواجه سروری / استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

مرتضی فرهادی کمره‌ای / استاد جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

محبوبه مباشری / دانشیار ادبیات دانشگاه الزهرا

ابراهیم فیاض / دانشیار انسان شناسی دانشگاه تهران

حمید پارسانیا / دانشیار جامعه شناسی دانشگاه تهران

سیدمحمد حسینی / دانشیار الهیات دانشگاه تهران

نشانی: تهران، خیابان آیت‌الله طالقانی، نرسیده به پل حافظ، پلاک ۳۷۶

کدپستی: ۱۵۹۱۸۱۶۹۱۱ تلفن: ۶۶۹۷۱۶۸۱ نمابر: ۶۶۴۹۹۱۲۱

وبسایت: rahbordfathangi.csr.ir

پست الکترونیک: rahmagiran@gmail.com

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۹۰/۲۵۵۹۵ مورخ ۹۰/۱۰/۴ هیئت نظارت بر مطبوعات منتشر می‌شود.

به استناد نامه شماره ۳۵۱۱/۱۸/۲ مورخ ۹۲/۰۳/۱۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی دارای مرتبه علمی - پژوهشی است.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

www.isc.gov.ir

پایگاه استنادی علوم جهان

www.sid.ir

مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

www.magiran.com

بانک اطلاعات نشریات کشور

www.csr.ir

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

www.ensani.ir

پرتال جامع علوم انسانی

www.civilica.com

مرجع دانش

www.noomags.ir

پایگاه مجلات تخصصی نور

بسم الله الرحمن الرحیم



پژوهشکده تحقیقات راهبردی

صاحب امتیاز

پژوهشکده تحقیقات راهبردی
مجمع تشخیص مصلحت نظام

مدیر مسئول

محسن رضایی میرقائد
دانشیار دانشگاه امام حسین (ع)

سر دبیر

غلامرضا جمشیدپهنا
استاد دانشگاه تهران

دبیر تخصصی

احسان خضری

مدیر داخلی

عقیقه عابدی

ویراستار

مهناز پورهاشمی

صفحه‌آرا

نجمه قادری

شاپا: ۷۰۸۱-۲۲۵۱

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X

تیراژ چاپی: ۱۵۰ نسخه

انتشارات

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

• اهداف فصلنامه

۱. ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۲. مساعدت به نظام سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۳. اشاعه و توسعه ادبیات مطالعات راهبردی و سیاست‌گذاری در میان محققان و پژوهشگران علوم اجتماعی؛
۴. ایجاد زمینه برای پیوند تحقیقات و مطالعات اجتماعی و فرهنگی با حوزه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کشور؛
۵. ارتقای کیفیت راهبردها و سیاست کلان کشور در حوزه‌های فرهنگی - اجتماعی

• راهنمای تدوین مقاله و شرایط پذیرش آن در فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی به‌منظور ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی کشور، تازه‌های پژوهشی صاحب‌نظران این حوزه را منتشر می‌کند تا در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد.

مقالات ارسالی باید شرایط زیر را دارا باشند:

الف) شرایط علمی

۱. مقاله باید دارای اصالت و نوآوری (Original research)، تحلیلی و نتیجه‌کاوش‌های نویسنده یا نویسندگان باشد.
۲. در نگارش مقاله باید روش تحقیق علمی رعایت شود و از منابع معتبر و اصیل نیز استفاده شده باشد.
- توضیح: مقاله پس از دریافت، نخست در هیئت تحریریه بررسی و ارزیابی می‌شود و در صورت داشتن شرایط لازم، برای داوران ارسال می‌گردد. پس از وصول دیدگاه‌های داوران، نتایج و امتیازات کسب شده، در هیئت تحریریه مطرح می‌شود و در صورت کسب امتیازات کافی و پذیرش آن، در نوبت چاپ قرار می‌گیرد.

ب) شرایط نگارش

۱. مقاله باید از جهت نگارش، ساختاری محکم و استوار داشته باشد و اصول فصاحت و بلاغت در آن رعایت شود.
 ۲. عنوان مقاله باید کوتاه و گویا باشد.
 ۳. نام مؤلف یا مؤلفان همراه با درجه علمی، نشانی محل کار و نشانی اینترنتی (Email) ذکر شود (ذکر شماره تلفن مسئول مکاتبات نیز لازم است).
 ۴. چکیده فارسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه) باشد.
 ۵. کلیدواژه فارسی حداکثر شش کلمه باشد.
 ۶. مقاله باید دارای مقدمه روشن و دقیق باشد چنانکه خواننده را برای ورود به مبحث اصلی آماده سازد.
 ۷. بیان پیشینه تحقیق از شرایط مقاله است.
 ۸. در متن اصلی مقاله باید موضوع به‌طور روشن تحلیل شود.
 ۹. مقاله باید دارای نتیجه‌گیری دقیق باشد.
 ۱۰. چکیده انگلیسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰) کلمه باشد.
 ۱۱. کلیدواژه انگلیسی حداکثر پنج کلمه باشد.
 ۱۲. نام نویسنده و درجه علمی و محل کار به لاتین ذکر شود.
 ۱۳. ارجاعات متن باید داخل پرانتز به ترتیب نام نویسنده، سال و صفحه ذکر شود؛ مثال: (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۲۵۴) (Giddens, 2009: 14).
 ۱۴. منابع و مأخذ پایانی باید به ترتیب زیر ذکر شود:
- الف: کتاب:** نام خانوادگی (شهرت)، نام، سال انتشار (درون پرانتز)، نام کتاب، نام مترجم یا مصحح، شهر محل نشر، نام ناشر، نوبت چاپ
- ب: نشریه:** نام خانوادگی (شهرت)، نام، سال انتشار (درون پرانتز)، عنوان مقاله (درون گیومه) نام نشریه، شماره دوره، صفحات مقاله (از ص تا ص)
- ج: مجموعه مقالات:** نام خانوادگی، نام، سال انتشار (درون پرانتز)، عنوان مقاله (درون گیومه)، نام گردآورنده یا ویراستار، نام مجموعه مقالات، محل نشر، نام ناشر، شماره صفحات مقاله (از ص تا ص)
- د: سایت‌های اینترنتی:** نام خانوادگی، نام، (آخرین تاریخ)، عنوان موضوع (درون گیومه)، نام و نشانی اینترنتی به صورت ایتالیک
- ه: لوح فشرده:** نام خانوادگی، نام، سال انتشار (درون پرانتز)، عنوان، نام لوح فشرده، محل نشر، نام ناشر
۱۵. مقاله باید حداکثر ۲۵ صفحه و هر صفحه در ۲۳ سطر تنظیم شود.
 ۱۶. مقاله باید از طریق سایت فصلنامه ارسال شود.
 ۱۷. اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ترکیبات خارجی بلافاصله پس از فارسی آن داخل پرانتز در متن مقاله ذکر شود.
 ۱۸. مقالات مستخرج از پایان‌نامه باید تأیید استاد راهنما را همراه داشته باشد.
 ۱۹. مقالات ارسالی به‌هیچ وجه برگردانده نمی‌شود.
 ۲۰. مقاله نباید در هیچ مجله یا همایشی ارائه شده باشد.
- یادآوری: مجله در پذیرش یا نپذیرفتن مقاله همچنین ویراستاری آن آزاد است.
- دریافت مقاله از طریق سایت فصلنامه انجام می‌گیرد.
- یادآوری: مشخصات تمامی نویسندگان در بخش مورد نظر در سایت ذکر شود.

راهبرد اجتماعی فرهنگی

شماره ۳۸، بهار ۱۴۰۰، سال دهم

فهرست مطالب

تحلیل محیط نهادی مدیریت مهاجرت به خارج از کشور با تأکید بر اسناد بالادستی

بهناز موحدی، میثم موسایی، سید کاظم سجادیپور، ابراهیم متقی، علی بقایی سرابی / ۵

طراحی الگوی فرهنگ سازی در مصرف بهینه آب شرب با روش داده بنیاد

سعید نفیسی فر، سید عبدالله حیدریه / ۳۹

امکان سنجی و الزامات تعمیم پذیری پدیده مرز به فضای مجازی

سید محمد مهدی غمامی، سجاد خلیلی نژاد / ۶۵

بین المللی سازی مؤسسات پژوهشی در ایران: بررسی روندها و چشم انداز

مریم صنیع اجال / ۹۹

راهبردهای شورای عالی فضای مجازی در سیاست گذاری رسانه های نوین ارتباطی

حمید محمدی، اکبر نصرالهی / ۱۲۷

بازنمایی عوامل و مؤلفه های خلیات ایرانی ها در میدان دانشگاه: (مطالعه موردی: دانشگاه کردستان و

دانشگاه علامه طباطبائی)

سارا معروفی، خلیل غلامی، کمال خالق پناه / ۱۵۷

تبیین و اعتباریابی الگوی مسئولیت اجتماعی رسانه ی ملی در تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و

بلوچستان

مسعود فاضلی رستم پور، فاطمه عزیزآبادی فراهانی، حمیدرضا حسینی دانا، علی اکبر فرهنگی / ۱۸۷

اسامی داوران

محمد حسین پناهی، حسن بشیری، علی آدمی، علی کریمی مله، فاطمه ثقفی،
علی اصغر خندان، مسعود درودی، علی اشرف نظری، سید مجید امامی، معصومه باقری،
محمد حسینی مقدم، اکرم رجبی، فیروز رازنهان، ابوالحسن خلیج منفرد، محمد زرشگی،
سید محمد شبیری، محمد حسن صنعتی، یاسر پر خورداری، رسول افضلی، محمد سلطانی فر،
حسن بشیر، علی اکبر ضیایی، علی کمیجانی، علیرضا کیقبادی، میثم بلباسی، یعقوب احمدی،
علی احمدی، زهرا غفاری، محمد جواد عباسی، اصغر میر فردی، حسین محبوبی منش

An Analysis of the Institutional Environment of Migration Management with an Emphasis on the Relevant Higher Order Documents

Behnaz Movahedi

Ph D. Student in Sociology, Department of Economic and Deveioption, Science and Research Branch Islamic Azad university, bssmovahedi@gmail.com

Meysam Mousai

Corresponding Author, Professor of Social science, Department of Planning and Development, Tehran University, mousaaei@ut.ac.ir

Mohamad Kazem Sajjadpour

Professor of Political Sciences , Department of International Relations, Tehran University, smksajjad@yahoo.com

Ebrahim Mottaghi

Professor of Political Science, Department of International Relations, Tehran University, emottaghi@ut.ac.ir

Ali Baghaei Sarabi

Assistant Professor of Department of Social Sciences, Tehran Central Branch, Islamic Azad university, a.baghaeisarabi@iauctb.ac.ir

Abstract

Migration is currently one of the top ten issues in the world and its management has taken a considerable importance. Since Iran as a country of emigrants' origin is facing an outflow of human and economic capital, it is important to recognize and analyze the attitude of the institutional environment towards migration management. According to the neo-institutionalist approach, the governmental higher order documents, as an institutional environment governing migration management, determine other countries' approaches towards the way they take advantage of the opportunities and ensure greater coordination at the level of executive institutions. This paper aims to interpret and analyze the institutional

environment of migration management through thematic analysis method. According to the thematic model of the governmental higher-order documents relevant to the issue, migration management is based on the following four criteria: paying enough attention to human dignity and high humane values, strengthening the social consensus and convergence, participating in and being attracted by the national development, and preventing the emigration of the elite. Three different approaches, namely support-oriented, opportunity-oriented, and threat-oriented ones, with the dominance of the second one, have been deduced from the content of the relevant governmental higher-order documents. The orientation of policies on regulating the migration flow of the skilled labor is mainly based on the participatory policy approach rather than the policy of retention and return. As the obtained results show, it is necessary to introduce a national migration management discourse in all policies and executive programs within the framework of a national strategic migration management document.

Keywords: *Migration Management, Institutional Analysis, Institutional Environment, Governmental Higher – order Documents*

تحلیل محیط نهادی مدیریت مهاجرت به خارج از کشور با تاکید بر اسناد بالادستی^۱

بهناز موحدی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران،
ایران Behnaz.movahedi95@yahoo.com

میثم موسایی

نویسنده مسئول، استاد گروه برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
mousaaei@ut.ac.ir

سید کاظم سجادی‌پور

استاد گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران smksajjad@yahoo.com

ابراهیم متقی

استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران emottaghi@ut.ac.ir

علی بقایی سرابی

استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران، ایران
a.baghaeisarabi@iauctb.ac.ir

چکیده

مهاجرت در حال حاضر در زمره‌ی ده مسئله اول جهان است و موضوع مدیریت آن، اهمیت قابل توجهی یافته است. از آنجایی که کشور ایران به عنوان یک کشور مهاجرفرست با خروج سرمایه انسانی و اقتصادی مواجه است، شناخت و تحلیل نگرش محیط نهادی نسبت به مدیریت مهاجرت اهمیت می‌یابد. مطابق رویکرد نونهادگرایی، اسناد بالادستی بعنوان محیط نهادی ناظر بر مدیریت مهاجرت، نوع رویکرد کشورها را در چگونگی بهره‌گیری از فرصت‌ها و هماهنگی در سطح نهادهای اجرایی تعیین می‌کند. هدف از این مقاله، تفسیر و تحلیل محیط نهادی مدیریت مهاجرت به خارج از کشور با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون است. براساس الگوی مضمونی اسناد بالادستی مرتبط، مدیریت مهاجرت به خارج در کشور مبتنی بر چهار مقوله‌ی «توجه به کرامت و ارزش والای انسانی»، «تقویت وفاق و همگرایی اجتماعی»، «جذب و مشارکت در توسعه ملی» و «پیشگیری از مهاجرت نخبگان» است. سه رویکرد حمایت‌محور، فرصت‌محور و

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

تهدیدمحور از مضمون اسناد بالادستی استنتاج شده که رویکرد فرصت‌محور وجه غالب دارد. جهت‌گیری سیاست‌ها در مورد تنظیم جریان مهاجرت نیروی کار ماهر، عمدتاً مبتنی بر رویکرد سیاستی مشارکت است تا سیاست نگهداشت و بازگشت. با توجه به نتایج پژوهش، ایجاد گفت‌وگو ملی مدیریت مهاجرت در کلیه‌ی سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی در چارچوب یک سند ملی راهبردی مدیریت مهاجرت ضروری است.

واژه‌های کلیدی: مدیریت مهاجرت، تحلیل نهادی، محیط نهادی، اسناد بالادستی

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۲۱ تاریخ بازبینی: ۹۹/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۲۷

فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۳۸، بهار ۱۴۰۰، صص ۵-۳۸

مقدمه و بیان مسئله

در دنیای امروز، مهاجرت‌های بین‌المللی یک مسئله‌ی جهانی است و کمتر جایی را در جهان می‌توان یافت که با این پدیده مواجه نشده باشد. مهاجرین بین‌المللی در حال حاضر با رشدی فزاینده، ۳,۵ درصد جمعیت جهانی را تشکیل می‌دهند و فرایندهای مهاجرتی با تغییرات و پیچیدگی‌های خود، علاوه بر تغییر در ساختارهای جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشورهای پذیرنده و فرستنده، سیاست‌های مهاجرتی کشورها را نیز به چالش کشانده است.

از آنجایی که مهاجرت‌های خارج از سیاستگذاری و برنامه‌ریزی، می‌تواند آثار سویی برای جوامع مقصد و مبدأ به همراه داشته باشد در سال‌های اخیر، درعرصه‌ی بین‌المللی موضوع مدیریت مهاجرت به طور جدی‌تری مطرح شده، تا آنجا که سال ۲۰۱۸ توسط سازمان ملل، با عنوان «اجماع جهانی برای مهاجرت» نام‌گذاری شد. طبق تعریف سازمان بین‌المللی مهاجرت، «مدیریت مهاجرت»^۱ به اقداماتی باز می‌گردد که توسط دولتها و سازمان‌های بین‌الدولی^۲ در خصوص جنبه‌های مختلف مهاجرت انجام می‌دهند. بر این مبنا در چارچوب ادبیات مهاجرت، نقش نهادهای سیاستگذار یعنی دولتها در چگونگی پرداختن به موضوع مهاجرت پررنگ‌تر می‌گردد. برای کشور ما نیز بعنوان کشوری فرستنده، پذیرنده مهاجرین و همچنین قراردادن در گذر مهاجرتی، موضوع مدیریت مهاجرت اهمیت می‌یابد. به ویژه آنکه همواره مهاجرت جزء لاینفک تاریخ کشور ما بوده و روندهای تاریخی این

1. Migration management

2. IGO

پدیده، اشکال و ابعاد مختلف را به خود گرفته است، بطوری که در وجه مهاجرفرستی اشکال مختلفی از مهاجرت همچون مهاجرت نیروی کار اعم از ماهر و نیمه ماهر، دانشجویان، سرمایه‌گذاران و پناجویی و پناهندگی را به طور فزاینده‌ای شاهد بوده‌ایم و آمارها بیانگر آن است که تنها در یک دوره زمانی ۳۰ ساله، مهاجران ایرانی ساکن در امریکا به ۲ برابر، در آلمان به ۱,۳ برابر، در کانادا ۵,۵ برابر، در انگلستان به ۲,۸ برابر و در سوئد به ۲ برابر رسیده است (پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه شریف، ۱۳۹۹). در این بین روندهای گوناگون مهاجرت‌های بین‌المللی ایرانیان و خروج سرمایه‌های انسانی، علمی، تخصصی و اقتصادی و اثرات و تبعات حاصل از آن بر ساختارهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی، بر اهمیت موضوع مدیریت مهاجرت به خارج از کشور صحنه می‌گذارد و نقش پراهمیت نهاد سیاستگذاری در این عرصه را توجیه می‌نماید. نهادهای سیاستگذار از مهم‌ترین بازیگران عرصه‌ی مدیریت مهاجرت محسوب شده و بعنوان رکنی مهم، محیط نهادی ناظر بر مدیریت مهاجرت را در سطوح اجرایی تحت تأثیر قرار می‌دهند. محیط نهادی در چارچوب سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها، بیانگر طرز تلقی و رویکرد کشورها در بهره‌گیری از فرصت‌های حاصل از مهاجرت در فرایند توسعه است و جهت‌گیری آنها را در سایر سطوح نهادی تحت الشعاع قرار می‌دهد. بر همین اساس، کشورهای مختلف در رویارویی با این پدیده سیاست‌های مختلفی را دنبال می‌کنند. بعنوان مثال طبق گزارش سازمان ملل متحد کمتر از نیمی از دولت‌ها (۴۲ درصد)، سیاست‌هایی را به منظور تشویق اتباع دور از وطن خود برای سرمایه‌گذاری در کشور و ۷۲ درصد، سیاست‌هایی را برای بازگشت اتباع خود به مبدأ تدوین کرده‌اند (United Nations, 2017).

با این وصف، تبعات حاصل از اجرای سیاست‌های مهاجرتی می‌تواند نقش مؤثری در ساختار جمعیتی، انباشت و تقویت سرمایه انسانی، جذب سرمایه، رشد و توسعه کشورهای مبدأ و مقصد داشته باشد. از آنجایی که کشور ما در جریان مهاجرفرستی شاهد روند خروج سرمایه‌های انسانی و اقتصادی ارزشمندی بوده است؛ بطوری که در دو فاصله زمانی ۲۰۰۰ و ۲۰۱۵، روند تعداد نیروی کار

متخصص ایرانی در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ از ۲۵ درصد به ۲۹,۶ درصد افزایش یافته است (DIOC, 2020)، اتخاذ سیاست‌های مهاجرتی همچون بازگشت، مشارکت یا نگهداشت می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر ساختارهای جمعیتی، رشد و توسعه ملی داشته باشد.

برهمن اساس، در چارچوب نهادهای سیاستگذار، اسناد بالادستی همچون قانون اساسی و سیاست‌های کلان همچون سیاست‌های کلی جمعیت، ظرفیت بسیار مؤثری در تعیین خطوط اصلی و اتخاذ تصمیماتی هستند که برای حفظ منافع عمومی، هماهنگی و انسجام هدف‌های جامعه اعمال می‌شوند و شناخت، تفسیر و تحلیل این اسناد می‌تواند رویکرد کشور ما را بعنوان یکی از کشورهایی که با پدیده‌ی مهاجرت‌های بین‌المللی به خارج از کشور روبرو است، در چگونگی مدیریت این فرایند مهم جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مشخص نماید.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

اهمیت موضوع مهاجرت، ظرفیت و نقش سیاست‌ها، خط مشی‌های نظام در راهبری و جهت‌گیری مدیریت آن، این سؤال را در ذهن مطرح می‌نماید که رویکرد سیاست‌های کلی کشور در رویارویی با پدیده‌ی مهاجرت به خارج چگونه است؟ محورهایی که این سیاست‌ها در ارتباط با مدیریت مهاجرت مورد تأکید قرار گرفته است، چیست و این محورها شامل چه موضوعاتی است؟ به عبارتی از متن سیاست‌ها و اسناد بالادستی چه مضامینی مبتنی بر چه محورهایی استنتاج می‌گردد و این محورها بیانگر چه نوع جهت‌گیری در مدیریت مهاجرت به خارج از کشور است؟

لذا هدف اصلی در این نوشتار، شناسایی و تحلیل محیط نهادی ناظر بر مدیریت مهاجرت به خارج از کشور با تأکید بر اسناد بالادستی شکل گرفته، تا بدین ترتیب وضعیت فعلی مدیریت مهاجرت در کشور در محیط نهادی توصیف، تفسیر و تحلیل گردد و الگوی مضمونی آن ترسیم شود. در واقع به دنبال آن است تا با بررسی اسناد بالادستی و سیاست‌های کلان به عنوان یکی از نهادهای مهم و تأثیرگذار در عرصه‌ی مدیریت مهاجرت، رویکردها و محورهای اصلی سیاستی در زمینه‌ی ساماندهی و

نظم‌بخشی به وجوه مختلف مهاجرت به خارج را شناسایی و تحلیل کند. شناخت، توصیف، تفسیر سیاست‌ها و خط مشی‌های مرتبط با مهاجرت نه تنها ظرفیت‌ها و جهت‌گیری سیاست‌های کشور ما نسبت به این پدیده را مشخص نماید، بلکه چارچوب‌های علمی و تحلیلی مناسبی را در اختیار سیاستگذاران این عرصه برای ارزیابی قرار دهد.

۲. پیشینه پژوهش

در راستای شناخت چارچوب‌های تحلیلی در باب مدیریت مهاجرت، بررسی‌ها حاکی از آن است که هرچند درخصوص مهاجرت به خارج پژوهش‌های زیادی از دهه‌ی ۷۰ شمسی تاکنون در کشور انجام شده، ولی تاکنون مطالعه‌ای که درصدد شناخت و تحلیل جهت‌گیری‌های اسناد بالادستی در خصوص ابعاد مختلف مهاجرت به خارج از کشور باشد، انجام نشده است. عمده مطالعات انجام شده در این باب بر اثرات مهاجرت به داخل بر نهادهای اقتصادی و یا بررسی علل و ریشه‌های مهاجرت به خارج با تأکید بر مهاجرین ماهر، نخبگان و اثرات آن بر رشد و توسعه تمرکز داشته‌اند.

تنها مطالعه انجام شده در زمینه مدیریت مهاجرت، مقاله‌ی سجادی‌پور با عنوان «چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی در مدیریت مهاجرت بین‌المللی (مطالعه موردی ایران)» در سال ۱۳۸۴ است که در آن وضعیت کشور بر مبنای اصول بین‌المللی مدیریت مهاجرت، تحلیل شده است (سجادی‌پور، ۱۳۸۴). پژوهش‌های انجام شده در سایر کشورها نیز عمدتاً در چارچوب تحلیل قواعد، سیاست‌ها و تجربیات اجرایی آن کشورها بوده است. بعنوان نمونه آلبا^۱ و کاستیلو^۲ در مقاله‌ای رویکردهای جدید مهاجرت در مکزیک و آمریکای مرکزی را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهند. نتیجه‌ی این بررسی، حاکی از تغییر سیاست‌های این کشورها در چارچوب به رسمیت شناختن قانون مهاجرت و تمرکز قدرت سیاسی مدیریت مهاجرت در یک سازمان واحد اجرایی، قانونگذاری در مجلس، و سیاست‌های

1. Alba

2. Castillo

دولت در اجرای قانون و نظارت بر آن است (Alba & Castillo, 2012).

۳. ملاحظات مفهومی و نظری

۳-۱. تعاریف

طبق تعریف سازمان بین‌المللی مهاجرت^۱، مدیریت مهاجرت به رویکردهای برنامه‌ریزی شده برای پیاده‌سازی و عملیاتی کردن چارچوب‌های سیاستی و تقنینی گفته می‌شود که توسط نهادهای متولی مهاجرت توسعه یافته‌اند (IOM, 2021)، بنابراین مدیریت مهاجرت بین‌المللی دربرگیرنده‌ی طیف گسترده‌ای از اقدامات و برنامه‌ها با هدف تجدید سیاست‌های مربوط به حرکات و جابجایی‌های فرا مرزی مردم است. این طیف گسترده از اقدامات توسط کنشگران این عرصه، اعم از دولتی و غیردولتی انجام می‌گیرد. از نگاه گیجر^۲ و پیکاد^۳ مفهوم مدیریت مهاجرت حداقل به سه فرایند اشاره دارد: اول اینکه مفهومی است که توسط کنشگران و بازیگران این حوزه و در جهت مفهوم‌سازی و توجیه مداخلات آنها در زمینه مهاجرت بکار گرفته شده است. دوم، مدیریت مهاجرت به طیف وسیعی از شیوه‌هایی که در حال حاضر وجود دارد، اشاره می‌کند. به عبارتی، بخشی از سیاست‌های مهاجرت فعلی است که اغلب توسط سازمان‌ها اجرا می‌گردد و سوم به مجموعه گفتمان‌ها و روایت‌های جدید در مورد مهاجرت و چگونگی پرداختن به آن مرتبط است. بازیگران، شیوه‌ها و گفتمان‌های مدیریت مهاجرت با هم مرتبط هستند، اما کاملاً پیچیده و جزئی هستند (Geiger & Pécoud, 2010).

۳-۲. مفهوم‌سازی مدیریت مهاجرت

از نظر گیجر و پیکاد سه مفهوم اصلی شامل بازیگران و کنشگران مدیریت مهاجرت، سیاست‌ها و شیوه‌های اجرایی و گفتمان‌ها در مفهوم‌سازی مدیریت مهاجرت حائز اهمیت هستند. دولت‌ها، به‌عنوان اصلی‌ترین بازیگران و کنشگران

1. International Organization for Migration (IOM)

2. Geiger

3. Pécoud

این عرصه هستند که تلاش می‌نمایند مدیریت و کنترل آن را بدست گیرند. بخشی از تلاش‌ها در قالب اتخاذ سیاست‌های کلان برای به نظم درآوردن روند مهاجرت بوده است و با تصویب و ابلاغ سیاست‌ها و تبلور آن در قوانین، مقررات و بخشنامه‌های موضوعی مختلف در عرصه مدیریت مهاجرت ایفای نقش می‌نمایند. سیاست‌ها و قوانینی که دولتها تصویب و اجرا می‌نمایند بر کنشگری آنها در عرصه داخلی و بین‌المللی مؤثر واقع می‌گردد. بخش دیگری از بازیگران را کنشگران سازمان‌های دولتی بین‌المللی تشکیل می‌دهند که طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های مرتبط با مهاجرت را انجام می‌دهند و نقش تأثیرگذاری در شکل‌گیری تصمیمات دولتها از طریق تولید دانش دارند و به‌واسطه ارائه‌ی تخصص علمی، فنی، امور مدیریتی و تبادل اطلاعات به کشورها، امر مدیریت مهاجرت را در سطح بین‌المللی تسهیل می‌نمایند (Geiger & Pécoud, 2010, p. 5).

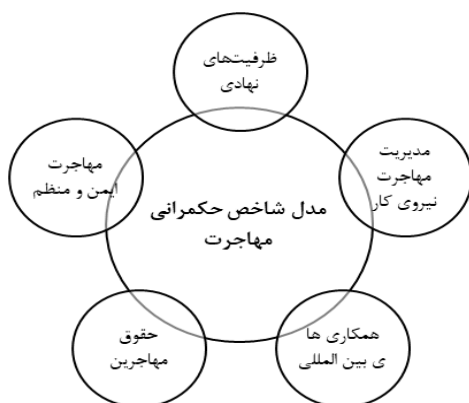
مدیریت مهاجرت با طیف وسیعی از سیاست‌های اجرایی، شیوه‌ها، قوانین و مقررات نیز همراه است و کشورها بنا بر سیاست‌های کلان اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی و دیپلماتیک، شیوه‌های مختلفی را برای اعمال سیاست‌های مدیریتی خود در این بخش، اعمال می‌نمایند. بسیاری از دولتها، سیاست‌ها یا برنامه‌هایی را به منظور تشویق شهروندان مهاجر خود به بازگشت تدوین نموده‌اند. در اروپا، پدیده‌ی مهاجرت را وسیله‌ای برای رفع کمبود نیروی کار ناشی از سالخوردگی جمعیت می‌دانند.

رکن سوم مدیریت مهاجرت تولید گفتمان است. گفتمان در مورد آنچه در حوزه مهاجرت مطرح است و اینکه چگونه باید از طریق آن «مدیریت» شود. گفتمان‌ها مقوله‌های فکری جدیدی را ایجاد و بازتولید می‌کنند، از جمله «پیوند مهاجرت-توسعه»، «مهاجرت موقت»، «قاجاق انسان»، «مهاجرت غیرقانونی» یا «ترانزیت»، «برنامه مدیریت مرزها»، «پذیرش و بازگشت»، «مهاجرت و امنیت» و... (Geiger & Pécoud, 2010, pp. 8-10).

۳-۳. چارچوب‌های سیاستی مدیریت مهاجرت

یکی از این چارچوب‌های سیاستی که سازمان بین‌المللی مهاجرت در راستای

گفتمان‌سازی مدیریت مهاجرت ارائه نموده است، «شاخص حکمرانی مهاجرت»^۱ است که به منظور ارزیابی و از ارتباط بین توسعه، مهاجرت، حکمرانی و معیارهای اندازه‌گیری توسط سازمان بین‌المللی مهاجرت تعیین شده است. این چارچوب از ترازیبی ۱۵ کشور با سطوح مختلف توسعه اقتصادی، انواع پروفایل مهاجرتی (کشورهای فرستنده و گیرنده) و مناطق جغرافیایی پراکنده استخراج شده است. پنج حوزه اصلی به عنوان مؤلفه‌های سازنده حکمرانی مهاجرت مؤثر، شناسایی شده‌اند که شامل؛ ظرفیت نهادی، حقوق مهاجران، مهاجرت ایمن و منظم، مدیریت مهاجرت نیروی کار، همکاری‌ها، مشارکت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است.



شکل ۱. مدل شاخص حکمرانی مهاجرت سازمان بین‌المللی مهاجرت

(The Economist Intelligence Unit, 2016)

در بخش ظرفیت نهادی، موضوعاتی شامل؛ توجه دولت‌ها به راهبردهای مهاجرتی، قانون‌های مهاجرت به داخل و مهاجرت به خارج و دسترسی به آمار و شفافیت مدنظر قرار گرفته است. در بخش حقوق مهاجران به عملکرد دولت‌ها در زمینه‌ی ایجاد ساختارها و زیرساخت‌هایی برای خدمات اجتماعی پایه برای مهاجران، حقوق خانواده‌ها، حق داشتن

کار، اقامت بلندمدت و مسیرهای مشخص برای شهروندی لحاظ شده است. در بخش مهاجرت ایمن و منظم مکانیزم‌هایی که دولتها برای کنترل مرزها، مبارزه با قاچاق انسانها و سیاست‌های جامعه‌پذیری مهاجران در نظر گرفته‌اند، بررسی می‌شود. مدیریت مهاجرت نیروی کار، بخش دیگری از این شاخص می‌باشد که در این بخش سیاست‌های دولتها در ارتباط با مدیریت مهاجرت نیروی کار، طرح‌های تشخیص و به رسمیت شناختن مهارت‌ها و توانمندی‌ها، تنظیم مهاجرت دانشجویان، معاهده‌های دوجانبه نیروی کار و طرح‌های وصول وجوه ارسالی مهاجران مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در بخش همکاری‌ها و مشارکت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مواردی همچون قراردادهای بین‌المللی، قوانین و تعهدات، فرایندهای شوراهای منطقه‌ای و معاهده‌های دوجانبه ارزیابی می‌گردند.

آنچه تاکنون مطرح شد برای ایجاد فهم درست از مدیریت مهاجرت بر پایه چهارچوب مفهومی، پیش‌فرضها، ارکان و اصول آن بود تا بتوان ابعاد گوناگون مهاجرت را در بستر سیاست‌ها تحلیل نمود. در این بخش، بر مبنای دیدگاه‌های مکتب نونهادگرایی تشریح خواهد شد که چرا رویکردهای سیاستی دولتها در چارچوب اسناد بالادستی برای تحلیل مدیریت مهاجرت اهمیت دارد و در این مطالعه مبنای تحلیل قرار گرفته است.

۳-۴. تحلیل نهادی^۱ و مدیریت مهاجرت

از منظر نونهادگرایی، نهادها مهم و مستعد تجزیه و تحلیل هستند. ویلیامسون^۲ بعنوان پایه‌گذار نونهادگرایی، محیط نهادی^۳ و هر فرد را در تعیین نوع ساماندهی مؤثر می‌داند. بدین معنی که تغییر محیط نهادی (شامل قواعد اساسی بازی) نسبت به ساماندهی (تدبیر امور) یک عامل برون‌زا است و با تغییرات ساماندهی نمی‌توان نحوه تغییرات در محیط نهادی را تبیین کرد. (Williamson, 1994, p. 178).

1. Institutional Analysis

2. williamson

3. Institutional Environment

مقابل، طبق دیدگاه نونهادگرایی نورث^۱، میان ترتیبات نهادی^۲ و محیط نهادی تمایز قائل شده است. وی، ترتیبات نهادی را زیرمجموعه محیط نهادی می‌داند و محیط نهادی نیز مجموعه‌ای از قواعد بنیادین سیاسی، اجتماعی و حقوقی است که بر فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی حاکم است. محیط نهادی، قواعد بازی را تعریف نموده و روشن می‌کند چه سازمان‌هایی وجود دارد و چه استراتژی‌هایی برای سازمان‌ها قابل پیگیری است. سازمان‌ها و افراد نیز به هنگام پیگیری اهداف خود تغییراتی در قواعد بازی می‌دهند (نصیری اقدام، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۲-۱۶۵).

دیدگاه‌های مرتبط با سیاست‌ها و استراتژی‌های مدیریت مهاجرت همچون؛ (Cohen, 2003)، (Harris, 2005)، (Düvell, 2007)، (Luckanachai & Rieger, 2010) (Papademetriou, 2013) بر نقش و اهمیت نهادها در چارچوب سیاست‌گذاری در حیطه مدیریت مهاجرت تأکید دارند. این نهادها بر چگونگی رفتار مهاجران و فرایندهای مهاجرتی از یک سو و از سوی دیگر بر چگونگی استفاده از ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و مدیریت تهدیدها از طریق پیش‌بینی زیرساخت‌های اداری مؤثر خواهند بود. بر همین اساس، از آنجایی که محیط نهادی بر نحوه قانون‌گذاری و همچنین عملکرد ترتیبات نهادی یعنی سازمان‌های دولتی از مسئولیت‌های اجرایی تا پاسخگویی تأثیر می‌گذارد، تحلیل موضوع این پژوهش مبتنی بر رویکرد نهادی انتخاب گردید تا از آن در پرداختن به تحلیل مدیریت مهاجرت در کشور، با تمرکز بر سطح دوم تحلیل نونهادگرایی بهره گرفته و به بررسی محیط نهادی ناظر بر مهاجرت بین‌المللی، در چارچوب اسناد بالادستی و سیاست‌های کلان نظام طی چهار دهه اخیر بپردازیم.

۴. روش تحقیق

این پژوهش از حیث مسیر یک پژوهش کیفی، توصیفی، تفسیری و تحلیلی است. با توجه به هدف اصلی تحقیق مبنی بر تحلیل نهادی مدیریت مهاجرت در سطح محیط نهادی، روش تحلیل داده‌ها، روش تحلیل مضمون^۳ است. به عقیده براون^۱ و

1. Douglass C. North

2. Institutional Arangement

3. Thematic Analysis

کلارک^۲ (2006) تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی که، داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. مضمون یا تم، مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و سؤالات تحقیق است و تا حدی معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد (Braun & Clarke, 2006). با توجه به مسیر تحقیق، فرایند کدگذاری داده‌ها، استقرایی می‌باشد. از نظر پتون^۳ در تحلیل مضمون استقرایی مضامین شناخته‌شده به شدت با خود داده‌ها مرتبط هستند (Patton, 1990, p. 85). روش دسته‌بندی مضامین، بر اساس شیوه‌ی دسته‌بندی کینگ^۴ قالب مضامین است. ویژگی شیوه‌ی قالب مضمونی، سازماندهی سلسله مراتبی مضامین و گروه‌بندی مضامین در قالب خوشه‌ها می‌باشد و فهرستی از مضامین حاصل از متن را به صورت درختی و سلسله مراتبی نشان می‌دهد (King, 1998, p. 263). مضامین شامل مضامین اصلی، فرعی و محوری است. مضامین فرعی، مفاهیمی هستند که براساس داده‌های تحقیق و در مرحله‌ی اولیه به طور مستقیم شناخته شده‌اند، مبین نکته مهم و برجسته‌ای در متن بوده، در سطح توصیفی قرار داشته و آنچه در متن آمده را در قالب مفاهیم، همانگونه توصیف نموده‌اند و در سطح پایین‌تری از سلسله مراتب مضامین قرار دارند. مضامین اصلی، آنچه در متن آمده را تعبیر و تفسیر نموده‌اند و در سطح بالاتری از سلسله مراتب مضامین قرار دارد و مضامین محوری، مضامینی هستند که در سطح تفسیری کلان‌تری قرار داشته و در برگرفته‌ی مضامین فرعی و اصلی می‌باشد. (عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ زاده، محمد، ۱۳۹۰، ص. ۱۶۰).

با ترکیب روش‌های کینگ و هاروکس^۵ (2018)، براون و کلارک (2006) و

-
1. Braun
 2. Clarke
 3. Patton
 4. King
 5. Horrocks

آتراید- استرلینگ^۱ (2001)، فرایند انجام تحلیل مضمون در قالب سه مرحله انجام می‌گیرد؛ تجزیه و توصیف متن، تشریح و تفسیر متن و ادغام و یکپارچه‌کردن مجدد متن (Braun & Clarke, 2006, p. 177)

شیوه‌ی جمع‌آوری داده‌ها، مطالعات اسنادی برای شناسایی اسناد بالادستی و سیاست‌های کلان در ارتباط با موضوع نظم‌بخشی و ساماندهی جنبه‌هایی از مهاجرت به خارج از کشور است. منظور از اسناد بالادستی، اسنادی است که به تصویب بالاترین مراجع قانون‌گذاری کشور رسیده است و جنبه قانونی دارد و باید محور برنامه‌ریزی‌های بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت کشور قرار بگیرد (بنافی زاده، مسعود؛ نوروزی، محمد، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۴).

براین اساس، اصولی از قانون اساسی، بندهایی از سند چشم‌انداز نظام در ۱۴۰۴، اهداف و سیاست‌های کلی فرهنگی برنامه سوم توسعه، سیاست‌های کلی برنامه چهارم، پنجم و ششم توسعه، سیاست‌های کلی جمعیت، سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور، سیاست‌های کلی علم و فناوری و سیاست‌های کلی قضایی و همچنین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بعنوان متون اصلی پژوهش شناسایی و بعد از ایجاد کوتاه‌نوشت‌هایی برای برخی از اسناد حقوقی همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مضامین کدگذاری، تفسیر و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. کدگذاری یکبار بصورت دستی و سپس با کمک نرم افزار مکس کیودا انجام شده است. برای اطمینان از ساختار مضامین و کدگذاری انجام شده در متن و اثبات روایی و پایایی تحلیل قالب مضامین یکبار کدگذاری بصورت دستی و در مرحله بعد با کمک نرم افزار انجام گرفته، سپس نتایج این دو کدگذاری با یکدیگر مقایسه و از روش هولستی^۲ برای محاسبه پایایی استفاده شد.^(۱)

۵. یافته‌های پژوهش

در پاسخ به سؤال اول تحقیق، نتایج حاصل از توصیف، تفسیر و تحلیل داده‌های

1. Attrid-stirling

2. Holsti

پژوهش و قالب مضمون بدست آمده، بیانگر رویکرد و جهت‌گیری اسناد بالادستی نظام نسبت به مدیریت مهاجرت بر پایه چهار مضمون محوری؛ شامل «توجه به کرامت و ارزش والای انسانی»، «تقویت وفاق و همگرایی اجتماعی»، «جذب و مشارکت در توسعه ملی» و «پیشگیری از مهاجرت نخبگان» است. مضامین محوری فوق در برگرفته مضامینی هستند که رویکرد سیاستگذاران را نسبت به برخی وجوه و ابعاد مهاجرت تبیین می‌کنند که در ذیل به تفسیر و تحلیل آنها پرداخته خواهد شد.

۵-۱. توجه به کرامت و ارزش والای انسانی

نتایج حاصل از بررسی و تفسیر داده‌های اسناد بالادستی بیانگر دسته‌ای از مضامین هستند که حکایت از حق برخورداری ایرانیان خارج، از حقوق مدنی و سیاسی می‌نماید. حقوق مدنی و سیاسی گونه‌ای از حقوق هستند که آزادی انسان را در برابر نقض غیرموجه توسط دولت‌ها و سایر نهادهای اجتماعی حفاظت کرده و توانایی فرد را برای مشارکت در زندگی مدنی و سیاسی حکومت، بدون تبعیض یا سرکوب سیاسی تضمین می‌کنند. به عنوان نمونه از آنجایی که طبق ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌ها در قبال کلیه افراد تحت صلاحیت خود، حتی اینکه در خارج از قلمرو سرزمینی آنها باشند، متعهد هستند. لذا، ایرانیان خارج از سرزمین ایران نیز می‌توانند از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند.

مضامین فرعی ذیل مضمون اصلی «برخورداری از حقوق مدنی و سیاسی» بر دو دسته‌اند: دسته اول مضامینی هستند که شمول اثرات حاصل از حقوق و تکالیف این اسناد، کلیه آحاد ملت ایران را دربر می‌گیرد. بنابراین ایرانیان در هر کجای دنیا که باشند از این حقوق برخوردارند. مضامین «حق دادخواهی و دسترسی همه به دادگاه صالحه»، «حمایت یکسان در برابر قانون»، «حمایت از حقوق ایرانیان خارج از کشور»، «حق برخورداری از تابعیت و یا تحصیل آن»، «حق تردد آزادانه به وطن»، «حق آزادانه ترک وطن» که بر مضمون «حقوق مدنی و سیاسی» دلالت دارند و مضامین «برخورداری از امنیت شخصی»، «برخورداری از امنیت اجتماعی» و «برخورداری از امنیت قضایی» که بیانگر «برخوردای از امنیت»

هستند، در این دسته جای می گیرند. دسته دوم از مضامین، موضوعاتی هستند که به طور مستقیم به ایرانیان خارج از کشور اشاره داشته است. «حمایت از حقوق ایرانیان خارج از کشور» مضمونی است که به طور مشخص در سیاست‌های کلی ناظر بر تدوین برنامه چهارم و پنجم توسعه مورد تأکید قرار گرفته است. این مضمون می‌تواند در برگرفته‌ی ابعاد مختلف حقوق ایرانیان خارج از کشور اعم از مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد که دولت باید ضمانت تحقق و اجرای مقررات ناظر بر آن‌را بر عهده بگیرد.

در مجموع مضمون «برخورداري از حقوق مدنی و سیاسی» و «مضمون برخورداري از امنیت» و مضامین فرعی ذیل آنها، بیانگر نگرش کلی اسناد بالادستی به موضوع مهاجرین بر محور «توجه به کرامت انسان‌ها» دارد. کرامت به معنای برتری، تقدم و احترام به انسان است (عباسی، ۱۳۹۰، ص. ۸۵). در واقع مضمون «برخورداري از حقوق مدنی و سیاسی» به مضمون «توجه به کرامت انسانها» روح عملیاتی‌تری می‌بخشد و یکی از مضامین محوری اسناد بالادستی در مدیریت مهاجرت است. در جدول زیر به برخی از مضامین و مستندات مرتبط با مضمون محوری «توجه به کرامت و ارزش والای انسانی» اشاره شده است.

جدول ۱. برخی از مضامین و مستندات مرتبط با مضمون محوری «توجه به کرامت و ارزش والای انسانی»

مضمون اصلی	مضمون فرعی	متن اصلی مرتبط	مستندات
برخورداري از حقوق مدنی و سیاسی	حق برخورداري از تابعیت و تحصیل آن	تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید	اصل ۴۱ قانون اساسی/ بند ۳
	حق آزادانه ترک وطن	هر کس آزاد است هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند	بندهای ۲ ماده ۱۲ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی
برخورداري از امنیت	برخورداري از امنیت قضایی	تضمین کند که مقامات صالح قضائی - اداری یا مقننه یا هر مقام دیگری که به موجب مقررات قانونی آن کشور صلاحیت دارد درباره شخص دادخواست‌دهنده احقاق حق بکنند و همچنین امکانات تظلم به مقامات قضائی را توسعه بدهند	بند ۳ ماده ۲، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

۵-۲. ارتقاء همبستگی و اعتماد ملی

یکی از مضامین محوری منتج از متن اسناد بالادستی، مضمون «ارتقاء همبستگی و

اعتماد ملی» است که بر پایه‌ی دو مضمون اصلی «تقویت هویت ملی» و «تقویت انسجام اجتماعی» بدست آمده است.

به طور کلی، هویت در دو سطح فردی و جمعی قابل بررسی است. آنچه در اسناد بالادستی پیرامون هویت مورد توجه قرار گرفته، هویت ملی ایرانیان خارج از کشور است که در حوزه‌ی هویت جمعی قرار می‌گیرد. هویت اجتماعی، گستره‌ای بزرگ از هویت‌ها را در ذیل خود قرار می‌دهد و هویت ملی به‌عنوان یکی از جنبه‌های هویت جمعی محسوب شده و در بین ابعاد هویتی، عام‌ترین سطح آن است (آزادارمکی، تقی؛ وکیلی، عارف، ۱۳۹۲، ص. ۱۴). در بین ابعاد هویتی، بی‌شک عام‌ترین سطح آن؛ یعنی هویت ملی جایگاه ویژه‌ای دارد و استحکام و استقرار آن می‌تواند افراد را در برابر تغییرات سریع جهان امروز تا حد زیادی حفظ کند. هویت ملی علاوه بر ایجاد همبستگی میان افراد جامعه، مسیر و هدف جمعی آنان را نیز مشخص می‌کند. دولت‌ها با تکیه بر هویت ملی، نظام ارزشی مورد نظر خود را از طریق آموزش، تبلیغات و سایر ابزارهای جامعه‌پذیری به افراد جامعه القا می‌کنند (ربانی و رستگار، ۱۳۹۲، ص. ۲). در این میان هویت ملی، متغیری محوری در تعریف ارزش‌ها و هنجارهای جمعی افراد یک جامعه است. مضامین فرعی منتج از متون اسناد بالادستی، شامل آموزش و گسترش زبان فارسی، توسعه‌ی فعالیت‌های فرهنگی در خارج از کشور، تقویت هویت اسلامی و ایرانی و تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی، بیانگر جهت‌گیری سیاستگذاران مبنی بر تقویت هویت ملی است. مضامین «ارتقاء وفاق اجتماعی و همگرایی اجتماعی منتج از متون اسناد بالادستی» با مفاهیمی چون «انسجام اجتماعی» و «نظم اجتماعی» دارای قرابت است و به‌نظر می‌رسد، سیاستگذاران با طرح مضامین فرعی ذیل مضامین اصلی «تقویت هویت ملی» و «تقویت انسجام اجتماعی ملی» در سطحی کلان‌تر به دنبال «ارتقاء همبستگی و انسجام ملی» بوده‌اند. در جدول زیر به برخی از مضامین و مستندات مرتبط با مضمون محوری «ارتقاء همبستگی و انسجام ملی» اشاره شده است.

جدول ۲. برخی مضامین و مستندات مرتبط با مضمون محوری «ارتقاء همبستگی و اعتماد ملی»

مضمون اصلی	مضمون فرعی	متن اصلی مرتبط	مستندات
تقویت هویت ملی	آموزش و گسترش زبان فارسی	تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور و کمک به ترویج زبان فارسی در میان آنان	سیاست‌های کلی قانون برنامه‌ی چهارم و پنجم توسعه کشور
	تقویت هویت اسلامی و ایرانی	تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور	سیاست‌های کلی قانون برنامه‌ی چهارم و پنجم کشور
تقویت انسجام اجتماعی	ارتقاء وفاق و همگرایی اجتماعی	تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی (ایرانی، اسلامی، انقلابی) و ارتقاء وفاق و همگرایی اجتماعی در پهنه‌ی سرزمینی بویژه در میان مرزنشینان و ایرانیان خارج از کشور	بند ۱۳ سیاست‌های کلی جمعیت

۵-۳. جذب و مشارکت در توسعه ملی

مضامین «بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و فنی»، «ایجاد زمینه‌های مناسب برای جذب نخبگان»، «تشویق به سرمایه‌گذاری درداخل» و «تسهیل مشارکت در توسعه‌ی ملی» از جمله موضوعاتی هستند که در سیاست‌های کلی ناظر بر برنامه‌های توسعه، سیاست‌های کلی علم و فناوری و سیاست‌های کلی برای رشد و توسعه علمی و تحقیقات کشور مورد توجه قرار گرفته‌اند و بیانگر سیاست مبنی بر «زمینه‌سازی برای جلب سرمایه و توان علمی و تخصصی» ایرانیان خارج از کشور است. با توجه به ظرفیت‌های علمی و تخصصی در بین ایرانیان خارج از کشور و تأثیر این سرمایه‌ها در رشد و توسعه‌ی کشورهای مقصد و از سوی دیگر، وجود سرمایه‌های عظیم اقتصادی در نزد ایرانیان خارج از کشور، زمینه‌سازی بر جلب سرمایه و توان علمی و تخصصی ایرانیان خارج از کشور به عنوان یکی از سیاست‌های ناظر بر برنامه‌های توسعه مطرح است.

از سوی دیگر، برای اولین بار در سیاست‌های ناظر بر برنامه‌ی ششم به ظرفیت‌های ایرانیان خارج در جهت دفاع از منافع ملی و تأثیر برنظام سلطه اشاره شده است. این موضوع، نشانگر جهت‌گیری به سمت سیاست مبتنی بر بهره‌گیری از ظرفیت آنان در جهت «دیپلماسی عمومی نوین» است. از نگاه سیاستگذاران با توجه به وجود ظرفیت‌های علمی و فنی در بین جامعه نخبگان ایرانی خارج و همچنین سرمایه‌های عظیم اقتصادی در نزد آنان، بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها در

«دیپلماسی عمومی نوین» به عنوان یک ابزار ارزشمند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جهت تأمین و تقویت منافع ملی کشور در نظر گرفته شده است. «دیپلماسی عمومی نوین» روشی نو برای تأثیرگذاری بر هویت، گفتمان‌ها، کنش‌های بازیگران قلمرو عمومی جهانی و شکل‌دهی محیط مناسب برای موفقیت دستگاه دیپلماتیک یک کشور با کمک شبکه‌ها و رسانه‌های جدید جهانی محسوب می‌شود. در این دیپلماسی نقش بازیگران غیردولتی، مانند مراکز آکادمیک، جوامع معرفتی^۱، خبرنگاران، روزنامه‌نگاران و غیره پذیرفته شده‌اند (سجادپور، سید محمد کاظم؛ وحیدی، موسی الرضا، ۱۳۹۰). با توجه به این تعاریف، بهره‌گیری از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور برای ارائه‌ی تصویری مثبت از کشور در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه گنجانده شده است. کلیه‌ی مضامین تحت عنوان کدهای اصلی و فرعی این بخش، بیانگر اتخاذ سیاست جذب و مشارکت ایرانیان خارج برای توسعه‌ی ملی در اسناد بالادستی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی فنی، اقتصادی آنان است. لذا مضمون «جذب و مشارکت در توسعه ملی» به عنوان کد محوری از این مجموعه از سیاست‌ها انتخاب شده است. در جدول زیر به برخی از مضامین و مستندات مرتبط با مضمون محوری «جذب و مشارکت در توسعه ملی» اشاره شده است.

جدول ۳. برخی مضامین و مستندات مرتبط با مضمون محوری «جذب و مشارکت در توسعه ملی»

مضمون اصلی	مضمون فرعی	متن اصلی مرتبط	مستندات
زمینه‌سازی برای جلب سرمایه و توان علمی و تخصصی	بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و فنی	ایجاد زمینه‌های لازم در جهت جلب سرمایه و توان علمی و تخصصی ایرانیان خارج از کشور در توسعه‌ی ملی	سیاست‌های کلی قانون برنامه‌ی ششم توسعه کشور
توان علمی و تخصصی	تشویق به سرمایه‌گذاری در داخل	تشویق ایرانیان خارج از کشور برای حضور و سرمایه‌گذاری، و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان	بند ۱۲ از سیاست‌های کلی جمعیت
مشارکت در دیپلماسی عمومی	زمینه‌سازی برای تأثیر بر سیاست‌های نظام سلطه	ایجاد زمینه‌های لازم... و تأثیر بر سیاست‌های نظام سلطه در دفاع از منافع ملی	سیاست‌های کلی قانون برنامه‌ی ششم توسعه کشور

۵-۴. پیشگیری از مهاجرت نخبگان

مضامین «شناسایی، پرورش، هدایت و جذب استعداد‌های درخشان» و «شناسایی و

جذب نخبگان» از جمله مضامین منتج از سیاست‌های کلی علم و فناوری و سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه‌ی علمی و تحقیقات کشور است که با هدف «حفظ و جذب سرمایه انسانی» مورد تأکید سیاست‌گذاران قرار گرفته‌اند. این مضامین، بیانگر سیاست نظام برای «پیشگیری از مهاجرت نخبگان» است که به‌عنوان مضمون محوری از متن سیاست‌های فوق انتخاب شده است. از آنجایی که سیاست‌گذاران، شناسایی، هدایت و پرورش این استعدادها و از سوی دیگر، شناسایی نخبگان، جذب و بکارگیری آنان را در بخش‌های مختلف، مورد نظر داشته‌اند، این موارد دلالت بر مضمون «حفظ و جذب سرمایه‌های انسانی» دارند. در جدول زیر به برخی مضامین و مستندات مرتبط با مضمون محوری «پیشگیری از مهاجرت نخبگان» اشاره شده است.

جدول ۴. برخی مضامین و مستندات مرتبط با مضمون محوری «پیشگیری از مهاجرت نخبگان»

مضمون اصلی	مضمون فرعی	متن اصلی مرتبط	مستندات
حفظ و جذب سرمایه‌های انسانی	شناسایی، پرورش و جذب استعدادهای درخشان	شناسایی، هدایت، پرورش، جذب و بکارگیری استعدادهای درخشان	بند ۷ سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه‌ی علمی و تحقیقاتی کشور

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش از نقطه‌نظر رویکردهای ناظر بر مقولات استنتاج شده از اسناد بالادستی، با توجه به توصیف و تفسیر داده‌های حاصل از تحلیل مضامین، کلیه‌ی مضامینی که ذیل مضمون «حق برخورداری از حقوق مدنی و سیاسی» قرار دارند؛ همچون «حق دادخواهی و امکان دسترسی به دادگاه صالحه»، «حمایت از حقوق ایرانیان خارج از کشور»، «حق برخورداری از تابعیت و تحصیل آن»، «حق ورود قانونی به کشور»، «حق آزادانه‌ی ترک وطن»، «برخورداری از امنیت قضایی»، بر «رویکرد حمایت محور» این اسناد در مدیریت مهاجرت به خارج دلالت می‌کنند. ضمن اینکه، همه‌ی مضامین فوق بجز مضمون حمایت از حقوق ایرانیان خارج دارای شمولیت عام هستند. در مقابل، دسته‌ای از مضامین همچون «تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی اسلامی و انقلابی» و یا «تشویق به سرمایه‌گذاری درداخل» که به طور مستقیم شمولیت آن بر ایرانیان خارج از کشور وارد است و ذیل دو کد محوری «ارتقاء همبستگی و انسجام ملی» و «جذب و مشارکت در توسعه ملی» قرار گرفته‌اند، بیانگر رویکرد سیاست‌گذاران مبنی بر

استفاده از ظرفیت‌های ایرانیان خارج و جذب مشارکت آنان برای توسعه‌ی ملی از یک سو و از سوی دیگر مشارکت آنان در دیپلماسی عمومی نوین است و از «رویکرد فرصت محور» در سیاستگذاری و مدیریت مهاجرت حکایت می‌کند.

تحلیل مضمون بخش دیگری از سیاست‌های کلان همچون «شناسایی و جذب نخبگان»، بیانگر «رویکرد پیشگیرانه» سیاستگذاران نسبت به مهاجرت نخبگان و تلاش در جهت حفظ سرمایه‌های انسانی و اتخاذ سیاست‌هایی برای جذب آنان در فرایند توسعه‌ی کشور است. این مورد که ذیل کد محوری «پیشگیری از مهاجرت نخبگان» قرار داشته و بیانگر سیاست مبتنی بر حفظ و نگهداشت نخبگان بوده، می‌تواند به عنوان نشانه‌های وجود «رویکرد تهدیدمحور به مهاجرت نخبگان» تلقی گردد.

در عین حال از بررسی مضامین مرتبط با مدیریت مهاجرت در اسناد بالادستی و روند سیاستگذاری حول موضوع مدیریت مهاجرت، مشخص شد که رویکرد حمایت‌محور با شمولیت عام برای کلیه ایرانیان با قدمت بسیار بیشتر قابل مشاهده است. اما رویکرد حمایت‌محور در سطح خاص و با شمولیت به طور مستقیم ایرانیان خارج از کشور، برای اولین بار در فرایند نظام برنامه‌ریزی توسعه‌ی کشور در سیاست‌های کلی ناظر بر برنامه‌ی چهارم و پس از آن در سیاست‌های کلی ناظر بر برنامه پنجم توسعه، عیناً قابل استنتاج است.

همچنین رویکرد فرصت‌محور به ایرانیان خارج از کشور با وجه غالب‌تری نسبت به رویکرد حمایت‌محور، از برنامه‌ی سوم توسعه آغاز گردیده است. همنشینی مضمون «تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی» در کنار مضمون «ارتقاء وفاق و همگرایی اجتماعی» در سیاست‌های کلی جمعیت در سال ۱۳۹۳، دلالت بر آن دارد که سیاستگذاران، بواسطه تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی از طریق تقویت نظام ارزشی و تولید برنامه‌های فرهنگی و آموزش زبان فارسی به‌دنبال ارتباط، تعامل، همبستگی و همگرایی بیشتر ایرانیان خارج با داخل بوده‌اند.

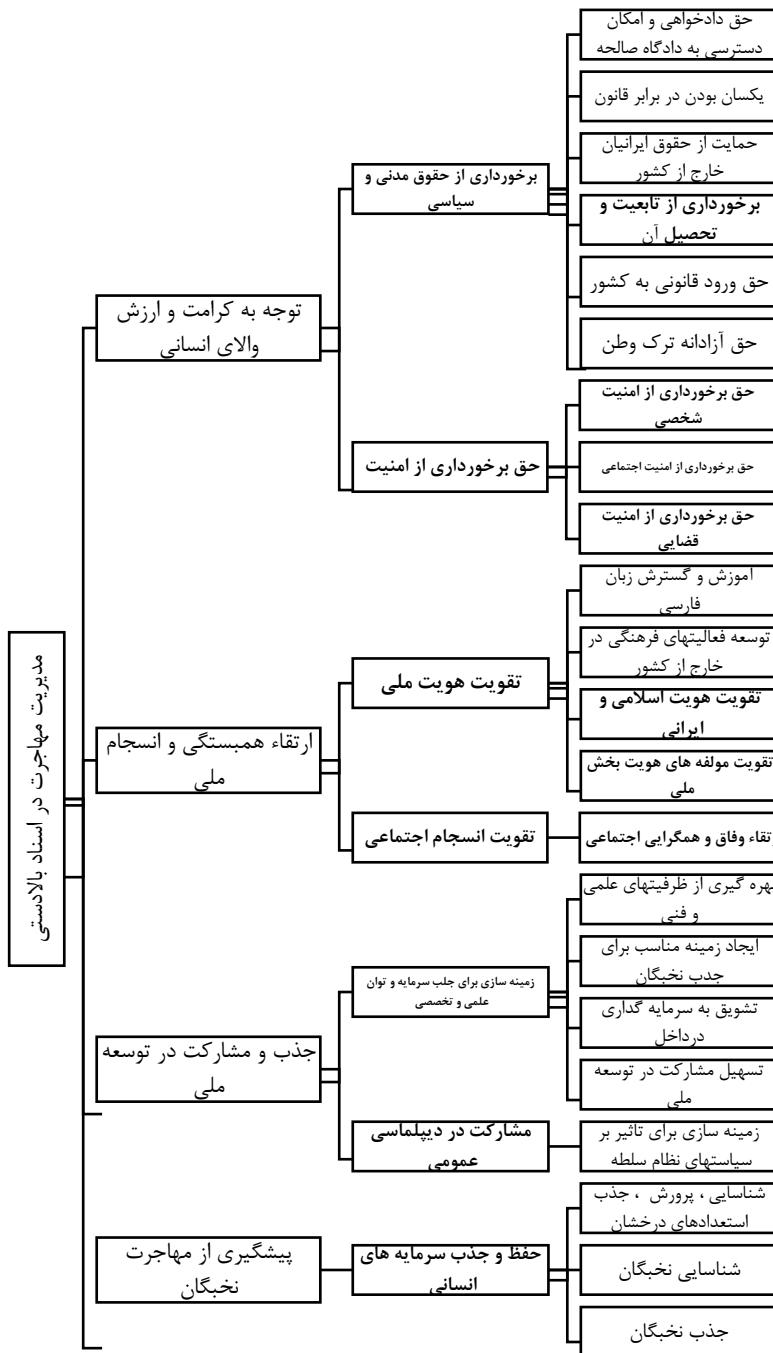
موضوع نقش آفرینی ایرانیان خارج در دیپلماسی عمومی نوین که در این پژوهش تحت عنوان کد اصلی «مشارکت در دیپلماسی عمومی نوین» در نظر

گرفته شده است، بیانگر جهت‌گیری توسعه یافته‌تر و متفاوت‌تری در مدیریت مهاجرت و بهره‌گیری از فرصت‌ها است که در سیاست‌های کلان مورد توجه قرار گرفته است.

مضمون «زمینه‌سازی برای جلب سرمایه و توان علمی و تخصصی» با هدف مشارکت در توسعه‌ی ملی در سیاست‌های کلی برنامه‌ی چهارم، پنجم و ششم و همچنین، سیاست‌های کلی رشد و توسعه و علم و فناوری مورد توجه قرار گرفته که بیانگر سیاست جذب و مشارکت ایرانیان خارج در مدیریت مهاجرت به خارج و رویکرد فرصت‌محور است.

اما در بین مضامین منتج از اسناد بالادستی، سیاست دیگری در بین سیاستگذاران استنتاج گردیده است که دلالت بر پیشگیری از مهاجرت نخبگان و حفظ سرمایه‌های انسانی جامعه نخبگان و استعدادهای برتر دارد که در این پژوهش با کد محوری «پیشگیری از مهاجرت نخبگان» بیان شده است. این مضمون بیانگر رویکرد تهدیدمحور از سوی سیاستگذاران در مواجهه با مهاجرت نخبگان است. همانطور که ملاحظه می‌گردد، این رویکرد تهدیدی نسبت به مهاجرت عمدتاً معطوف به جامعه خاص نخبگان و استعدادهای برتر و با هدف بهره‌گیری از توان علمی و جذب آنان در فرایند توسعه‌ی کشور است.

از منظر سیاستگذاری در مورد مهاجرت نیروی کار ماهر در چارچوب سه سیاست کلی نگهداشت، جذب و بازگشت و مشارکت، از مقولات ملاحظه می‌شود که جهت‌گیری سیاست‌ها در مورد تنظیم جریان مهاجرت نیروی کار ماهر عمدتاً، مبتنی بر رویکرد سیاستی مشارکت است تا سیاست مبتنی بر نگهداشت و بازگشت. مضامین «تسهیل مشارکت در توسعه ملی»، «تشویق به سرمایه‌گذاری در داخل» و «بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و فنی ایرانیان خارج از کشور» مضامینی هستند که دلالت بر وجه غالب سیاست «مشارکت» در مقابل سیاست «جذب و بازگشت» دارند که تنها از مضمون «ایجاد زمینه‌ی مناسب برای جذب نخبگان» قابل استنتاج است. تصویر زیر الگوی مضمونی مدیریت مهاجرت به خارج را در اسناد بالادستی نشان می‌دهد.



شکل ۲. الگوی مضمونی مدیریت مهاجرت به خارج در اسناد بالادستی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تحلیل اسناد بالادستی بیانگر سیاست‌های ناظر بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی در قالب مضامینی است که در چهار مقوله‌ی محوری «توجه به کرامت و ارزش والای انسانی»، «تقویت وفاق و همگرایی اجتماعی»، «جذب و مشارکت در توسعه‌ی ملی» و «پیشگیری از مهاجرت نخبگان» صورت‌بندی شده است. بعلاوه این سیاست‌ها ذیل سه رویکرد حمایت محور، فرصت محور و تهدید محور گنجانده شده که در این میان رویکرد فرصت‌محور غالب است. همچنین ملاحظه شد که جهت‌گیری سیاست‌های مهاجرت نیروی کار ماهر عمدتاً، مبتنی بر رویکرد سیاستی مشارکت است تا سیاست مبتنی بر نگهداشت و بازگشت.

اما از مطالعه‌ی سیاست‌های کلان مدیریت مهاجرت به خارج به‌عنوان یکی از مهمترین سطوح نهادی مؤثر بر سیاست‌های اجرایی، موارد ذیل به دست آمده است:

۱. از آنجایی که سیاست‌های کلی، تعیین‌کننده خطوط اصلی هستند که برای حفظ منافع عمومی، هماهنگی و انسجام هدف‌های جامعه اعمال می‌شوند، قاعدتاً می‌بایست این سیاست‌ها ضمن مشخص کردن حوزه عمل، جهت‌گیری کلیه بازیگران سطح نهادی مدیریت مهاجرت به خارج را بازتعریف نمایند. اما در خلال این مطالعه، ضعف این موضوع مشخص شد. به‌عنوان مثال علی‌رغم آنکه در سیاست‌های کلی ناظر بر برنامه‌ی پنجم توسعه به موضوع تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور از طریق ترویج خط و زبان فارسی تأکید شده، در ماده‌ی ۵ قانون برنامه، مجدداً همان سیاست‌ها آمده اما برای تحقق آن برنامه‌ای عملیاتی پیش‌بینی نشده است. درخصوص تسهیل مشارکت ایرانیان در توسعه‌ی ملی به‌عنوان یکی دیگر از سیاست‌های کلی ناظر بر برنامه پنجم، نیز صرفاً به نوشتن یک گزاره کلی در متن برنامه پنجم مبنی بر «استفاده از ظرفیت‌های ایرانیان مقیم خارج از کشور» بدون ارائه‌ی برنامه اجرایی اکتفاء شده است. لذا به‌نظر می‌رسد یا شکافی در نگرش سیاستگذاران با برنامه‌ریزان این حوزه وجود دارد، یا برنامه‌ریزان فهم مشترکی از اسناد بالادستی ندارند.

۲. از جمله مواردی که مانع از عملیاتی شدن این سیاست‌ها می‌گردد، عدم پیش‌بینی شاخص‌های کیفی و کمی قابل سنجش و ارزیابی آنها است. مثلاً در حالی که مضمون تسهیل مشارکت ایرانیان خارج در توسعه ملی در سیاست‌های کلی برنامه‌ی چهارم و پنجم توسعه آورده شده، هیچ‌گونه شاخصی برای ارزیابی آن پیش‌بینی نشده است.

۳. موضوع دیگری که در این مطالعه مشخص شد، ضرورت ایجاد بازنگری در قوانین به تبع سیاست‌های کلان است. به عنوان مثال، درحالی که سیاست‌های کلی جمعیت بر مواردی همچون؛ تشویق ایرانیان خارج از کشور برای حضور، سرمایه‌گذاری و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان تأکید دارد، در ماده‌ی ۹۸۹ قانون مدنی، محدودیت‌هایی برای ورود اموال غیرمنقول ایرانی‌های دوتابعیتی پیش‌بینی شده است. در قانون سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیز انتظار می‌رود سیاست‌های تشویقی برای جذب سرمایه‌گذاران ایرانی مقیم خارج لحاظ گردد.

۴. همان‌گونه که پیش‌تر آمد، یکی از ارکان مهم در مدیریت مهاجرت گفتمان‌سازی و ایجاد روایت جدید در مورد مهاجرت و چگونگی پرداختن به آن تعیین شده است. در حال حاضر، خلاء ناشی از فقدان یک نظام جامع آماری در راستای این گفتمان‌سازی احساس می‌شود. موضوع نظام آماری اولین بار در سال ۱۳۹۳ در چارچوب سیاست‌های کلی جمعیت، تحت عنوان مدیریت مهاجرت به داخل و خارج، هماهنگ با سیاست‌های کلی جمعیت مورد توجه قرار گرفته است و به‌طور خاص بندهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ این سیاست‌ها مرتبط با مدیریت مهاجرت هستند. پژوهشکده‌ی مرکز آمار نیز اقدام به شناسایی متغیرها و شاخص‌های مرتبط نموده است. مشخصاً بند ۱۱ این سیاست‌ها به موضوع مدیریت مهاجرت به خارج اختصاص داشته، ذیل آن سه شاخص «درصد جمعیت علاقمند به مهاجرت به خارج»، «درصد رشد سالانه ایرانیان مهاجرت کرده از کشور به تفکیک مهاجرت» و «میزان مهاجرفرستی به خارج از کشور به تفکیک ویژگی‌های جمعیتی» مطرح شده است. از بین شاخص‌های مزبور اطلاعات مرتبط با دو شاخص اول، در دسترس نبوده و نیازمند تولید آمار است. اطلاعات شاخص سوم نیز پراکنده و

غیرمنسجم هستند (پژوهشکده مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). بنابراین می‌توان اذعان نمود، مفهوم‌سازی و شناخت ابعاد مختلف مهاجرت به خارج مستلزم تبدیل مدیریت مهاجرت به یک گفتمان فراگیر در سطح ملی است. به عبارتی برای اینکه بتوان پدیده‌ی مهاجرت را مدیریت نموده و از فرصت‌های موجود در آن بهره جست، نیاز است که گفتمان مدیریت مهاجرت را در کلیه‌ی سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط وارد نمود.

۵. از سوی دیگر سیاست‌های کشور در مدیریت مهاجرت به خارج، با توجه به هفت اصل اجماعی مدیریت مهاجرت که از سوی سازمان بین‌المللی مهاجرت تعیین شده نیز، قابل تحلیل است. در حالی‌که اصل اول و دوم، بر افزایش هماهنگی ذی‌نفعان این عرصه در سطوح نهادی تأکید دارد، ردپایی از این اصول در سیاست‌های کلان کشور مشاهده نشد. این امر مستلزم ایجاد دانشی فراگیر و فهمی مشترک درخصوص پدیده‌ی مهاجرت، میان سیاستگذاران و دستگاه‌های اجرایی است. مدیریت مهاجرت یک موضوع فرابخشی بوده و نیازمند عزم جدی و هماهنگی بین همه‌ی بازیگران اعم از سیاستگذاران، مجریان سیاست‌ها، سازمان‌های بین‌الدولی و سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در این حوزه است. اصل سوم بر گردآوری اطلاعات آماری درباره مهاجرت تأکید دارد که هرچند این موضوع در شاخص‌های ذیل سیاست‌های کلی جمعیت مورد توجه قرار گرفته، اما لازم است با رویکردی جامع‌تر و در فضای همکاری بین‌بخشی به آن پرداخته شود. اصل چهارم بر تقویت همکاری‌های بین‌المللی اشاره نموده که در متن سیاست‌های کلان، مضمونی که بر تقویت این نوع از همکاری‌ها اشاره داشته باشد، ملاحظه نشد. اصل پنجم بر ضرورت به بازی گرفتن تمام بازیگران اشاره دارد. در کنار بازیگران و کنشگران دولتی و بین‌الدولی، سازمان‌های مردم‌نهاد نقش بسیار مؤثری در ایجاد شبکه‌های ارتباطی با مهاجران، برقراری تعامل و ارتباط با وطن و شناسایی ظرفیت‌های و پتانسیل‌های آنان دارند و لازم است تأکید بر استفاده از ظرفیت آنها در این سیاست‌ها مدنظر قرار بگیرد. توجه به اصل ششم، یعنی مدیریت مهاجرت نیروی کار، در شرایط کنونی کشور بسیار حائز اهمیت

است به‌ویژه آنکه در سالهای اخیر ایرانیان زیادی با هدف دستیابی به فرصت‌های شغلی اقدام به مهاجرت نموده‌اند. آخرین اصل، مهاجرت ایمن و امن بوده که لازم است چارچوب‌های آن مشخص و سازوکارهای قانونی و اجرایی آن پیش‌بینی گردد.

در مجموع می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که کشور در زمینه‌ی دستیابی به چارچوب سیاستی منسجم در خصوص مدیریت مهاجرت به خارج با خلاء جدی روبروست. رفع این کاستی در درجه اول مستلزم گفت‌وگو و گفت‌وگو سازی است. به‌علاوه توجه به چگونگی اجرایی نمودن سیاست‌های مصوب، تعیین نقش هریک از بازیگران، شفافیت وظایف هریک و پیشگیری از تداخل و موازی‌کاری در قالب تدوین سند ملی راهبردی مدیریت مهاجرت می‌تواند راهگشا باشد.

پی‌نوشت

۱. فرمول آن عبارتست از: $PAO = \frac{n^2 M}{n^2 + PAO}$. (درصد توافق مشاهده شده (ضریب پایایی) و M تعداد توافق در دو مرحله کدگذاری، n تعداد واحدهای کدگذاری شده در مرحله اول و $2n$ تعداد واحدهای کدگذاری شده در مرحله دوم است. این رقم بین صفر (هیچ توافق) تا یک (توافق کامل) متغیر است.

منابع و مآخذ

- آزادارمکی، تقی؛ وکیلی، عارف (۱۳۹۲)، مطالعه جامعه‌شناختی مفهوم هویت ملی میان اندیشمندان ایرانی، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، ۲(۱).
- بنافی زاده، مسعود؛ نوروزی، محمد (۱۳۹۲)، تحلیل آسیب‌شناسانه از ترجمان اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه و بودجه*، ۱۸(۴)، ۱۶۱-۱۹۵.
- پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه شریف (۱۳۹۹)، *سالنامه آماری مهاجرتی ایران*، تهران: پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه شریف.
- پژوهشکده مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵)، *شناسایی و رصد شاخص‌های سیاستهای کلی جمعیت از نگاه آمار*، پژوهشکده مرکز آمار ایران.
- حیدری، حسن؛ داودی، نرمین؛ طالبی، فرزانه (۱۳۹۵)، آثار کلان اقتصادی و بخشی مهاجرت نیروی کار متخصص و غیر متخصص در کشور ایران، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۲(۴)، ۴۲-۲۵.
- ربانی، علی؛ رستگار، یاسر. (۱۳۹۲)، تحلیلی بر وضعیت هویت ملی و ابعاد ششگانه آن، *نشریه جامعه‌شناسی کاربردی*، ۴(۲)، ۱-۲۰.
- سجادپور، سید محمدکاظم (۱۳۸۴)، چارچوبهای مفهومی و عملیاتی در مدیریت مهاجرت بین‌المللی، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ۲۰(۳)، ۹-۳۰.
- سجادپور، سید محمد کاظم؛ وحیدی، موسی الرضا (۱۳۹۰)، دیپلماسی عمومی نوین: چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی. *فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۴۱(۴)، ۷۷-۹۵.
- طیبی، سید کمیل؛ عمادزاده، مصطفی؛ حصوری، هاجر (۱۳۹۰)، اثر فرار مغزها بر رشد

اقتصادی کشورهای در حال توسعه، نشریه پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، (۲)۱، ۷۱-۹۴.

عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ زاده، محمد (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، ۵(۱۰)، ۱۵۱-۱۹۸.

عباسی، بیژن (۱۳۹۰)، حقوق بشر و آزادی های بنیادین، تهران: نشر دادگستر.
عرب مازار، علی اکبر؛ مشرفی، رسام؛ مصطفی زاده، محمد (۱۳۹۶)، مهاجرت نیروی کار از ایران به کشورهای OECD و عوامل اقتصادی مؤثر بر آن، اقتصاد و الگوسازی (۳۰)، ۶۳-۹۴.

متوسلی، محمود؛ فتح الهی، جمال (۱۳۸۹)، مقدمه ای بر نظریات ویلیامسون و کاربرد آن در تحلیل مسائل توسعه ایران، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، ۱۰(۳).
نصیری اقدم، علی. (۱۳۹۱)، روش شناسی تحلیل نهادی مسائل اقتصادی، فصلنامه علمی - پژوهشی روش شناسی علوم انسانی، ۱۸(۷۱)، ۱۶۲-۱۶۵.

Alba, F., & Castillo, M. (2012). *New approaches to migration management in Mexico and Central America*. Washington DC: Migration policy institute.

Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative research*, 1(3), 385-405.

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-10.

Cohen, S. (2003). *Asylum and Immigration Control Past and Present*. Trentham Books.

DIOC. (2020). Database on Immigration in OECD countries Retrived from ECD.

Düvell, F. (2007). Towards sustainable migration policies. In M. Jandl, *Innovative concepts for alternative migration policies: ten innovative approaches to the challenges of migration in the 21st century*. Amsterdam: Amsterdam University Press.

Geiger, M., & Pécoud, A. (2010). *The Politics of International Migration Management*. London: Palgrave MacMillan.

Harris, N. (2005). *Migration and Development*. *Economic and Political Weekly*, 40(43), 4591-4595.

IOM. (2004). *Essentials of Migration Management; A Guide for Policy Makers and Practitioners*. United Nations.

- IOM. (2021). *Glossary on Migration*. Switzerland: International Organization for Migration.
- King, N. (1998). Template analysis. In G. Symon, & C. Cassell (Eds.), *Qualitative Methods and Analysis in Organizational Research*. Sage Publications Ltd.
- King, N., & Horrocks, C. (2018). *Interviews in qualitative research*. Sage.
- Lowell, B. (2001). *Policy Responses to the International Mobility of Skilled Labour*. Geneva: International Migration Branch, International Labour Office.
- Luckanachai, N., & Rieger, M. (2010). *A review of international migration policies*. International Labour Organization.
- Papademetriou, D. G. (2013). The Global and European Neighbourhood Migration Systems; Trends, Policy Choices, Governance Challenges and a Look Ahead. In E. Schrijvers, J. Holtslag, & M. Kremer, *Making Migration Work: The Future of Labour Migration in the European Union* (pp. 39-50). Amsterdam University Press.
- Patton, M. Q. (1990). *Qualitative evaluation and research methods*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- The Economist Intelligence Unit. (2016). *Measuring well-governed migration: The 2016 Migration Governance Index*. London: The Economist Intelligence Unit.
- United Nations. (2013). *International Migration Policies; Government Views and Priorities*. United Nations.
- United Nations. (2017). *International Migration Policies Data Booklet*. United Nations.
- Williamson, O. (1994). The Institutions and Governance of Economic Development and Reform. *The World Bank Economic Review*, 8(suppl_1), 171-197.
- Williamson, O. (2000). The New Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead. *Journal of Economic Literature*, 38(3), 595-613.

References

- Abedi Jafari, Hassan; Taslimi, Mohammad Saeed; Faqihi, Abul Hassan; Sheikhzadeh, Mohammad (2011), Theme Analysis and Theme Network: A Simple and Efficient Method for Explaining Patterns in Qualitative Data, *Strategic Management Thought*, 5 (10), 151-198. (In Persian(
- Abbasi, Bijan (2011), *Human Rights and Fundamental Freedoms*, Tehran: Justice Publishing. (In Persian(
- Arab Mazar, Ali Akbar; Musharraf, painter; Mostafazadeh, Mohammad (2017), Labor migration from Iran to OECD countries and economic factors affecting it, *Economics and Modeling* (30), 63-94. (In Persian(
- Alba, F., & Castillo, M. (2012). *New approaches to migration management in Mexico and Central America*. Washington DC: Migration policy institute.
- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative research*, 1(3), 385-405.
- Azadarmaki, Taqi; Vakili, Aref (2013), Sociological study of the concept of national identity among Iranian thinkers, *Quarterly Journal of Socio-Cultural Development Studies*, 2. (In Persian(
- Banafizadeh, Massoud; Nowruzzi, Mohammad (1392), Pathological analysis of the translation of upstream documents of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Program and Budget*, 18 (4), 161-195. (In Persian(
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-10.
- Cohen, S. (2003). *Asylum and Immigration Control Past and Present*. Trentham Books.
- DIOC. (2020). Database on Immigration in OECD countries Retrived from ECD.

- Düvell, F. (2007). Towards sustainable migration policies. In M. Jandl, *Innovative concepts for alternative migration policies: ten innovative approaches to the challenges of migration in the 21st century*. Amsterdam: Amsterdam University Press.
- Geiger, M., & Pécoud, A. (2010). *The Politics of International Migration Management*. London: Palgrave MacMillan.
- Harris, N. (2005). Migration and Development. *Economic and Political Weekly*, 40(43), 4591-4595.
- IOM. (2004). *Essentials of Migration Management; A Guide for Policy Makers and Practitioners*. United Nations.
- IOM. (2021). *Glossary on Migration*. Switzerland: International Organization for Migration.
- Iran Statistics Center Research Institute. (1395), Identify and monitor indicators of general population policies from a statistical point of view. Iran Statistics Center Research Institute. (In Persian)
- Haidari, Hassan; Davoodi, Nermin; Talebi, Farzaneh (1395), Macroeconomic effects and part of the migration of skilled and non-skilled labor in Iran. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 22 (4), 42-25. (In Persian)
- King, N. (1998). Template analysis. In G. Symon, & C. Cassell (Eds.), *Qualitative Methods and Analysis in Organizational Research*. Sage Publications Ltd.
- King, N., & Horrocks, C. (2018). *Interviews in qualitative research*. Sage.
- Lowell, B. (2001). *Policy Responses to the International Mobility of Skilled Labour*. Geneva: International Migration Branch, International Labour Office.
- Luckanachai, N., & Rieger, M. (2010). *A review of international migration policies*. International Labour Organization.
- Papademetriou, D. G. (2013). The Global and European Neighbourhood Migration Systems; Trends, Policy Choices, Governance Challenges and a Look Ahead. In E. Schrijvers, J. Holtslag, & M. Kremer, *Making Migration Work: The Future of Labour Migration in the European Union* (pp. 39-50). Amsterdam University Press.
- Patton, M. Q. (1990). *Qualitative evaluation and research methods*. Thousand Oaks, CA: Sage.

- Sharif University Policy Research Institute. (1399), Iranian migration Statistical Yearbook. Tehran: Sharif University Policy Research Institute. (In Persian)
- Rabbani, Ali; Rastegar, Yasir. (2013), An Analysis of the Status of National Identity and Its Six Dimensions, *Journal of Applied Sociology*, 4 (2), 1-20. (In Persian)
- Sajjadpour, Seyed Mohammad Kazem. (1384), Conceptual and operational frameworks in international migration management. *Geographical Research Quarterly*, 20 (3), 9-30. (In Persian)
- Sajjadpour, Seyed Mohammad Kazem; Wahidi, Musa Reza (1390), New Public Diplomacy: Conceptual and Operational Frameworks. *Quarterly Journal of Politics, Journal of the Faculty of Law and Political Science*, 41 (4), 77-95. (In Persian)
- Taybi, Seyed Kamil; Emadzadeh, Mostafa; Hossouri, Hajar (2011), The effect of brain drain on economic growth in developing countries, *Journal of Economic Growth and Development Research*, 1 (2), 71-94. (In Persian)
- Motusali, Mahmoud; Fath Elahi, Jamal (2010), An Introduction to Williamson Theories and Its Application in the Analysis of Iran's Development Issues, *Quarterly Journal of Economic Research*, 10 (3). (In Persian)
- Nasiri Aqdam, Ali. (2012), Methodology of Institutional Analysis of Economic Problems, *Journal of Humanities Methodology*, 18 (71), 162-165. (In Persian)
- The Economist Intelligence Unit. (2016). *Measuring well-governed migration: The 2016 Migration Governance Index*. London: The Economist Intelligence Unit.
- United Nations. (2013). *International Migration Policies; Government Views and Priorities*. United Nations.
- United Nations. (2017). *International Migration Policies Data Booklet*. United Nations.
- Williamson, O. (1994). The Institutions and Governance of Economic Development and Reform. *The World Bank Economic Review*, 8(suppl_1), 171-197.
- Williamson, O. (2000). The New Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead. *Journal of Economic Literature*, 38(3), 595-613.

Designing a Culture-Creating Model for the Optimal Consumption of Drinking Water with Grounded Theory Approach

Saeed nafisifar

PhD student in Business Management, Semnan Branch, Islamic Azad University,
Semnan, Iran. saeednafisifar@yahoo.com

Seyed Abdullah Heydarieh

Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Management, Semnan
Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran. a.heidariyeh@semnaniau.ac.ir

Abstract

This study aims at designing a culture-creating model through Grounded Theory Approach (GTA) for the optimal consumption of drinking water in Semnan the province. The statistical population of the study included 21 experts of the Urban and Rural Water and Wastewater Industry (URWWI) in this province. Because of the constructive nature of the research, the GTA was followed and snowball sampling technique was adopted for drawing the sample. The main data collection tool used in this research was in-depth interviews with the experts of the URWWI in this province. Findings of the research, after completing the three steps of the open, axial, and selective coding process showed that the paradigm model of the study consisted of 172 final codes, 18 main concepts, and 6 general categories.

The results showed that social and individual factors, governmental bureaux and organizations, senior managers, legal factors, and technical-engineering factors as causal factors; individual underlying factors and social issues as underlying factors; managers' mindsets and support, performance of those in charge, the will of the society as intermediary conditions; proper performance, continuous training at various levels, advertising and media information as strategy; individual consequences, short-term results, long-term results, national and regional results as implications lead to the emergence of a pattern of culture-creating in the optimal use of water resources of the country.

Keywords: *Culture-creating, optimal water consumption, Grounded Theory Approach*

طراحی الگوی فرهنگ‌سازی در مصرف بهینه آب شرب با روش داده بنیاد^۱

سعید نفیسی‌فر

دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

saeednafisifar@yahoo.com

سید عبدالله حیدریه

نویسنده مسئول، استادیار گروه مدیریت، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

a.heidariyeh@semnaniau.ac.ir

چکیده

هدف اصلی این مقاله، طراحی الگوی فرهنگ‌سازی در مصرف بهینه آب شرب با روش داده بنیاد در استان سمنان است. جامعه آماری پژوهش ۲۱ نفر از خبرگان صنعت آب و فاضلاب شهری و روستایی کشور و استان بود. بنا به ماهیت ساختنی بودن پژوهش از رویکرد داده بنیاد استفاده شده است و برای نمونه‌گیری از روش گلوله‌برفی بهره برده شد. ابزار اصلی گردآوری اطلاعات، انجام مصاحبه‌های عمیق با خبرگان صنعت آب و فاضلاب بوده است. یافته‌های پژوهش پس از به انجام رساندن فراگرد سه‌گانه کدگذاری باز، محوری و انتخابی نشان داد که مدل پارادایمی پژوهش حاضر از ۱۷۲ کد نهایی، ۱۸ مفهوم اصلی و ۶ مقوله کلی تشکیل شده است. نتایج پژوهش نشان داد که عوامل اجتماعی، فردی، ارگان‌های دولتی، مدیران ارشد، عوامل حقوقی-قانونی و فنی-مهندسی به عنوان شرایط علی، عوامل زمینه‌ای-فردی و نارسایی‌های اجتماعی به عنوان شرایط زمینه‌ای، طرز تفکر و حمایت مدیران، عملکرد متولیان امر، اراده و خواست جامعه به عنوان شرایط مداخله‌گر، عملکرد درست و صحیح، آموزش مستمر در سطوح مختلف، تبلیغات و اطلاع‌رسانی رسانه‌ها به عنوان راهبرد و پیامدهای فردی، نتایج کوتاه‌مدت، نتایج بلندمدت، نتایج ملی و منطقه‌ای به عنوان پیامد، به بروز الگوی فرهنگ‌سازی در مصرف بهینه منابع آبی کشور منجر می‌شود.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ‌سازی، مصرف بهینه آب، رویکرد داده بنیاد

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۲۲ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۲/۰۶

فصلنامه راهبرد اجتماعی-فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۳۸، بهار ۱۴۰۰، صص ۳۹-۶۴

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز (http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/) است.

مقدمه و بیان مسأله

روند افزایشی تقاضا برای آب در همه مناطق جهان مسئله‌ای اجتناب‌ناپذیر است. باتوجه به کم بودن آب شیرین به عنوان یک ماده حیاتی و مسأله جهانی، امروزه دنیا شتابان به عمق این فاجعه، مسائل و محدودیت‌های ناشی از آن دست پیدا می‌کند. کشور ایران، کشوری پهناور با اقلیمی متفاوت و خشک است که مردمان نواحی وسیعی از آن همواره از کم آبی و در مواردی بی‌آبی رنج برده‌اند. رشد جمعیت، توسعه صنعت، گسترش شهرنشینی و بالا رفتن سطح رفاه، سبب افزایش تقاضای آب شده است (Lede, Meleady, & Seger, 2019). این در حالی است که عموماً منابع ارزان و محلی تأمین آب، قبلاً مورد بهره‌برداری قرار گرفته و سایر منابع تأمین آب، از محل مصرف دور بوده و نیازمند صرفه هزینه زیاد برای بهره‌برداری می‌باشد. بهره‌برداری تلفیقی از منابع آب سطحی و زیرزمینی، از زمان معرفی توسعه پایدار منابع آب مورد توجه زیادی قرار گرفته است (Khosravi, Afshar, & Molajou, 2020). شایان ذکر است که در میان مصارف متعدد آب، تأمین آب شهری بنابر مسائل بهداشتی و نیاز اولیه و ضروری انسان به آن و همچنین احتمال بروز و شیوع تنش‌های اجتماعی از حساسیت بالاتری برخوردار است. بنابراین تأمین آب مورد نیاز برای همه این فعالیت‌ها، باید بخش عمده سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی کلان یک کشور توسعه‌یافته یا در حال توسعه‌ای چون میهن اسلامی ما را به خود اختصاص دهد که این برنامه‌ریزی‌ها، بدون همکاری آگاهانه و مسئولانه شهروندان یک جامعه به نتیجه نخواهد رسید (Okhravi & Rayat, 2019).

از سوی دیگر فرهنگ‌سازی مصرف بهینه آب در جامعه نیازی ضروری

می‌باشد. علاوه بر این باتوجه به ظرفیت‌های اجتماعی و معنوی کشور، نیاز به فرهنگ‌سازی مصرف بهینه آب شرب یک ضرورت انکارناپذیر است. مقوله شهرنشینی از بین تغییر و تحولاتی که در دهه اخیر روی داده، تصویری برجسته و مناسب است. در شهرهای کشور ایران، مشکلات شهری همچنان در حال موج زدن است که منابع آبی یکی از این چالش‌ها محسوب می‌شود. رشد جمعیت، بهبود صنعت و مزیت رقابتی آن و گسترش شهرنشینی، منجر به صعودی بودن تقاضای آب شده است، در حالی که منابع آبی کشور جزء منابع محدود به شمار می‌رود. مطالعات نشان داده است که منابع آبی بر فاکتورهای اثرگذاری همچون فواید اقتصادی، استحکام محیط‌زیست و نیازهای معیشتی بر حیات اجتماعی تکیه می‌کند. کمبود منابع آب شیرین در کشور ما یک مسئله اجتماعی بوده و اگر بدرستی تشریح، تدوین، تشخیص و درمان نشود، تبدیل به یک پدیده‌ای به نام آسیب اجتماعی می‌شود که در آن صورت، عواقب سنگینی برای کشور و جامعه به همراه خواهد داشت (Dehghan & Pour Reza Karimsara, 2016). بحران آب یکی از سه بحران اصلی جهان امروز است، لذا در ضرورت حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع محدود آب (بوژه آب شرب) تردیدی نیست. تلاش دولت‌ها و ذینفعان بخش آب در گستره جهان برای حفظ و نجات این منبع حیاتی از تخریب و نابودی بیشتر نیز شاهد این ادعاست. در میان این تلاش‌ها، به کارگیری مفهوم توسعه پایدار و فرهنگ جدید مدیریت آب از جمله مواردی است که روز به روز فراگیرتر می‌شود (Jeannotte, 2003).

در خصوص اثرات و عواقب خشکسالی‌ها، آلوده‌سازی محیط‌زیست و طی سال‌های اخیر موضوع تغییر اقلیم، به اندازه کافی صحبت به میان آمده است و همه، گویای وضعیت ناخوشایند جهانی آب می‌باشد. نقش آموزش و فرهنگ‌سازی در کنار استفاده از سرمایه‌های اجتماعی برای دستیابی به هدف توسعه پایدار ضرورت می‌یابد. در زمینه فرهنگ‌سازی و آگاهی بخشی نیز باید یکپارچگی در کل چرخه آب از مبدأ تا مقصد (نقاط مصرف) رعایت شود. بر این اساس، هماهنگی درون بخشی به عنوان مسئول تأمین، انتقال و توزیع آب در زمینه

فرهنگ‌سازی و آگاهی بخشی ضروری است.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

هدف این مطالعه ارائه مدلی جامع در زمینه فرهنگ‌سازی در مصرف بهینه آب شرب می باشد.

سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که الگوی فرهنگ‌سازی در مصرف بهینه آب شرب در استان سمنان چگونه است؟

۲. پیشینه پژوهش

نتایج مطالعه‌ای با عنوان «ارزیابی شیوه‌های اطلاع‌رسانی ترویج فرهنگ مصرف آب» نشان داد که میزان تأثیر انواع تبلیغات در اصلاح فرهنگ آب، بیشتر از سطح متوسط بوده است. تبلیغات خیابانی بالاترین و برنامه‌های رادیویی پایین‌ترین رتبه را به خود اختصاص داده است. علاوه بر این اصلاح فرهنگ آب بر حسب سن معنی‌دار است (Ismagilova, Hughes, Dwivedi, & Raman, 2019).

یافته‌های پژوهشی تحت عنوان «درک عمومی از کمبود آب، رفتارهای حفاظت و پشتیبانی از استفاده مجدد از آب» در آمریکا نشان داد که درصد ناچیزی از مردم در مورد کمبود آب نگران‌اند و علاوه بر این نتایج پژوهش نمایانگر این بود که مردم از قرار گرفتن در معرض آب بازیافت شده ترس دارند (Kandiah, Berglund, & Binder, 2019).

ظاهری و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با عنوان «شناسایی و ارائه راهکارهایی در جهت مدیریت بهینه مصرف آب شرب (مطالعه موردی؛ روستاهای شهرستان تبریز)»، نشان دادند که عوامل مدیریتی، فرهنگی، بهداشتی، رفاهی، فنی، حقوقی - قانونی، اقتصادی، روانی، اجتماعی و ...، از جمله مهمترین عوامل تأثیرگذار در مصرف بی‌رویه آب شرب هستند (Zaheri et al., 2019).

داس^۱ و همکاران (۲۰۱۸) مطالعه‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر مصرف آب در ساختمان‌های جنوبی برزیل» انجام دادند. داده‌ها بر روی مصرف آب، ویژگی‌های

اجتماعی اقتصادی و ویژگی‌های ساختاری ساختمان‌ها از مجموعه داده‌های نمونه‌ای از ۸۹ ساختمان شامل ۳۱۷۱ واحد مسکونی جمع‌آوری شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که متغیرهای متعددی در رابطه با جنبه‌های سازنده وجود دارد، از جمله سیستم جایگزینی آب که در توضیح مصرف آب در ساختمان‌ها (در متر مکعب در ماه) و مصرف آب در سرانه (در لیتر به ازای هر فرد در روز). نتایج به دست آمده در درک بیشتر از متغیرهای مربوط به مصرف آب در ساختمان‌های مسکونی در جنوب برزیل و ممکن است برای مقامات در توسعه سیاست‌های پایدار مفید باشد (Dias, Kalbusch, & Henning, 2018).

جوراگای^۱ و همکاران (۲۰۱۸) پژوهشی با عنوان «سنجش داده‌ها بر اساس مصرف آب خانوار و تجزیه و تحلیل توسط یک سیستم تأمین آب متناوب»، را انجام دادند. یک روش اصلی که با استفاده از دقت پردازشگرهای داده‌ها به طور مداوم سطح آب در مخازن آب را در فاصله ۳۰ ثانیه برای یک هفته در ۲۸ خانوار در نپال صورت پذیرفت. مصرف آب ساعتی و روزانه با استفاده از کاهش وارد شده در سطح آب محاسبه شد. با استفاده از دقت متوسط ۹۸٪ در تعیین میزان مصرف آب کلی، میانگین مصرف روزانه آب به میزان ۵۶ L / capita / day محاسبه شد. بر این اساس، توالی با ۳۱٪ و بعد از آن آشپزخانه با (۲۷٪)، لباسشویی با (۱۶٪)، دوش با (۱۳٪) و سایر فعالیت‌ها با (۱۳٪) بیشترین مصرف آب مصرفی را به خود اختصاص داده بودند (Guragai, Hashimoto, Oguma, & Takizawa, 2018).

کانگ^۲ و همکاران (۲۰۱۷) تحقیقی با عنوان «مصرف آب پایدار؛ چشم‌انداز مصرف‌کنندگان اسپانیایی»، انجام دادند. این مطالعه با هدف بررسی نقش اعتقادات مصرف‌کنندگان اسپانیایی نسبت به آب، خشکسالی و منابع مرتبط در شکل دادن ادراکات آن‌ها، رفتار خود گزارش شده و قصد رفتاری برای مصرف آب پایدار که شامل نه تنها فعالیت‌های عادات ماهیانه حفاظت آب است، بلکه اقدامات پیشگیرانه مصرف‌کنندگان را نیز در بر می‌گیرد. در این تحقیق یک مدل جامع ارائه شد که نشان

1. Guragai

2. Kang

می‌دهد که چگونه اعتقادات آب (اعتقادات آب‌رسانی به آب، باور عاطفی آب، شدت خشکسالی درک‌شده و نگرانی از کمبود منابع آب) بر روی نگرش، هنجار ذهنی، کنترل درک‌شده و تعهد اخلاقی نسبت به مصرف آب پایدار تأثیر می‌گذارد، که این به نوبه خود بر رفتار مصرف پایدار آب و پذیرش کاهش مصرف آب پایدار اثرگذار است. نتایج آزمون‌های مدل نشان داد که اثرات قابل ملاحظه‌ای از صرفه‌جویی در مصرف آب شامل، اعتقادات محیط‌زیستی و نگرانی منابع آب نسبت به ادراکات و رفتار مصرف‌کنندگان اسپانیایی نسبت به مصرف آب پایدار است (Kang et al., 2018).

سوپسکی و همکاران^۱ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «تغییر شیوه مصرف آب خانگی پس از خشکسالی در سه شهر استرالیا» بیان نمودند که یکی از بزرگترین چالش‌های در حال حرکت به سوی آینده حساس به پایدار و آبی، تغییر عادات مصرف آب مردم در روز است. تجربه خشکسالی هزاره در استرالیا (سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۰) و محدودیت‌های آبی که در آن زمان اعمال شده بود، سبب شد تا افراد تغییرات رفتاری روزانه را به نحوی خاص انجام دهند که این خود باعث تغییر پایدار در بعضی از کارها و تغییر در سایر افراد نیز می‌شود. تعهد و مقاومت در برابر صرفه‌جویی در آب، یک محدوده فضایی دارد که با تغییرات شرایط، این مقاومت به خودی خود شکسته خواهد شد (Supski, Lindsay, & Tanner, 2017).

احمدی و زارعی (۲۰۱۷) تحقیقی با عنوان بررسی تأثیر دینداری بر گرایش به صرفه‌جویی در مصرف آب، را انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد که دینداری بر میزان گرایش به صرفه‌جویی در مصرف آب، تأثیر معناداری دارد و می‌تواند به طور معناداری تغییرات گرایش به صرفه‌جویی در مصرف آب را پیش‌بینی کند (Ahmadi & zareei, 2017).

رازمووا^۲ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «نقش تعرفه آب به عنوان تعیین‌کننده‌ای از نوآوری‌های صرفه‌جویی در آب در بخش هتل»، تلاش نمودند تا بینش‌هایی را درباره نقش تعرفه‌های آب در اجرای نوآوری‌های صرفه‌جویی در

1. Supski

2. Razumova

آب در هتل‌های میزبان^۱ ارائه نمایند. با استفاده از چارچوب فرضیه پورتر^۲، یک مدل پیش‌بینی احتمال اجرای این نوع نوآوری به دست آمده است. نتایج نشان می‌دهد که هتل‌ها در مناطقی با بالاترین حد تعرفه آب بیشتر به نوآوری‌های صرفه‌جویی در مصرف آب روی می‌آورند تا هتل‌ها در نقاط دیگر (Razumova, 2016).

شان^۳ و همکاران (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «مصرف آب خانگی: بینش از یک نظرسنجی در یونان و لهستان»، بیان نمودند؛ تعیین رفتار مصرف‌کنندگان داخلی آب می‌تواند، یک رویکرد پیشگیرانه‌تر برای مدیریت تقاضای آب را تسهیل کند و به عنوان پایه‌ای برای توسعه هر استراتژی مداخله‌ای که به دنبال کاهش مداوم و قابل توجه مصرف آب داخلی است، عمل کند. به عنوان بخشی از پروژه اتحادیه اروپا برای تأمین منابع انسانی و مدیریت منابع آب، یک نظرسنجی در مورد مصرف آب خانگی برای پاسخ دادن به سؤال در مورد چگونگی استفاده از آب در داخل خانه در اتحادیه اروپا انجام شد. این مقاله نشان‌دهنده تجزیه و تحلیل سه عنصر اصلی مربوط به رفتار مصرف‌کنندگان داخلی آب، رفتارهای استفاده نهایی، مشخصات اجتماعی و جمعیتی و ساختارهای روان‌شناختی مانند نگرش و باورها، در مصرف آب می‌باشد (Shan, He, Suriyaprakash, & Yang, 2016).

مطالعه‌ای در سال ۲۰۱۵ به «رتبه‌بندی سناریوهای مدیریت تأمین و توزیع آب شرب در شرایط بحران با استفاده از تکنیک پرومته^۴» پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که معیار قابلیت اطمینان تأمین مقدار آب و پس از آن هزینه اجرای طرح به ترتیب بیشترین وزن را در سناریوها به خود اختصاص دادند. با رتبه‌بندی سیاست‌ها مشخص شد، اقداماتی از جمله تقویت پدافند غیرعامل در سیستم‌های تأمین و انتقال و توزیع، رتبه اول را کسب کرده است. قرارداد با شرکت‌های تولید آب بسته‌بندی، مدیریت مصرف، ایجاد فرهنگ صرفه‌جویی و تشویق مردم برای ذخیره آب اضطراری، رتبه‌های دوم و سوم را در اقدامات پیش از بحران دارند (LUJUMWA, 2015).

1. Mirworkan

2. Porter

3. Shan

ویلیس^۱ و همکاران (۲۰۱۳) در «ارزیابی صرفه‌جویی آب در خانوارها با توجه به فاکتورهای جمعیت شناختی و وسایل کارآمد» نشان دادند، بین گروه‌های اجتماعی و جمعیت‌شناختی مختلف در جامعه از نظر اهمیت دادن به صرفه‌جویی در مصرف آب، تفاوت وجود دارد. همچنین لوازم کارآمد و مناسب در مقدار مصرف آب مؤثر می‌باشد. همچنین بیان شد که امروزه با افزایش رشد جمعیت و افزایش مصرف آب، تأکید زیادی به فرهنگ‌سازی در اصلاح الگوی مصرف آب از طریق افزایش مشارکت افراد وجود دارد (Willis, Stewart, Giurco, Talebpour, & Mousavinejad, 2013).

چوانگ^۲ (۲۰۱۳) در تحقیقی به «اثرات صرفه‌جویی در انرژی از طریق ترویج آگاهی به ساکنین مجتمع‌های آپارتمانی» پرداختند. نتایج آن منجر به ارتقاء آگاهی، دانش و رفتار ساکنین بعد از ارائه اطلاعات انجام شده است، علاوه بر این آگاهی و رفتار مصرف‌کنندگان پس از این که اطلاعات در اختیار آن‌ها قرار داده شد؛ بهبود یافت (Chuang et al., 2013).

هاسل و کری^۳ (۲۰۰۷) تحقیقی با «عنوان توسعه تغییر رفتار در مصرف آب خانگی»، انجام دادند. نتایج نشان داد که نگرش و اعتقادات مصرف‌کننده به طور قابل توجهی بر میزان مصرف تأثیر می‌گذارند (Hassell & Cary, 2007).

۳. ملاحظات مفهومی و نظری

آب یکی از اساسی‌ترین ارکان توسعه کشور است و اهمیت و نقش آن بر هیچ کسی در زندگی بشری پوشیده نیست. به عبارت دیگر نمی‌توان بر این باور بود که انسان یک روز بدون آب، زندگی خود را به سر ببرد. با توجه به این امر باید نسبت به مدیریت صحیح و بهینه آب توجه ویژه‌ای شود. علاوه بر این کمبود آب در ایران، یکی از عوامل محدودکننده اصلی توسعه و بهبود فعالیت‌های اقتصادی به شمار می‌رود. از این رو، حفظ و نگهداری آن با راهکارهایی همچون اصلاح الگوی مصرف ضروری است. با توجه به اینکه موضوع مورد مطالعه موضوعی

1. Willis

2. Chuang

3. Hassell & Cary

مهمی برای کشور است، در این مطالعه فرهنگ‌سازی بهینه مصرف آب شرب ضرورتی انکارناپذیر بوده و بر همین اساس، پژوهش حاضر با آگاهی از کاستی‌ها و فرصت‌های نهفته در مطالعات گذشته، به مبانی نظری پژوهش خواهد پرداخت. شایان ذکر است که این بخش از ادبیات به نقش فرهنگ، اخلاق فرهنگی و مذهب در مصرف آب شرب می‌پردازد.

۳-۱. فرهنگ

فرهنگ عبارت است از بستری که تمام رفتارهای پایدار اجتماعی را در بر می‌گیرد و تغییر رفتارهای پایدار تنها در صورت تغییر فرهنگ شکل می‌گیرد. پدیده فرهنگ، ارزش‌ها، نگرش‌ها و نمادهای آگاهانه و ناآگاهانه‌ای است که منجر به شکل‌گیری رفتار انسان می‌شود. شناخت فرهنگ اقدامی شایسته و ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، چراکه یکی از مهمترین عوامل اثرگذار خودکنترلی، فرهنگ و فضای حاکم بر آن است (Wang, 2017). فرهنگ، خصوصیات و دانش گروه خاصی از مردم است که شامل زبان، مذهب، عادات اجتماعی، موسیقی و هنر است. تغییرات در فرهنگ‌ها و هویت‌ها، پدیده چندفرهنگی بودن را بوجود آورده و (Azevedo, 2016) رفتارهای مصرفی انسان در بلندمدت به عنوان رفتارهای پایدار به شمار می‌رود (Pacheco-Vega, 2020). جایگاه آب در فرهنگ‌های متعدد بشری به تناسب شرایط اقلیمی، مقدار منابع در دسترس و میزان ارتقاء تکنولوژی در سرزمین‌های مختلف، متفاوت است. بنابراین اگر در پی تغییر رفتار مصرفی جامعه باشیم، بایستی برای عامل فرهنگ اعتبار بیشتری قائل شویم. اکثر رفتارهای اجتماعی بشر در درون فرهنگ رشد یافته و چسبندگی و عدم آن تحت تأثیر نوع فرهنگ و الگوی فرهنگی جامعه می‌باشد (Van Eijck, 2000).

۳-۲. اخلاق فرهنگی در مصرف آب و نقش مذهب در مصرف

چالش‌هایی چون فرهنگ نادرست مصرف آب و اختصاص منابع به پروژه‌های سدسازی و عدم توجه به احداث قنات که از روش‌های جایگزین و کارآمد، برای تأمین آب مصرفی است. تاکنون، اندیشمندان و متخصصان به ارائه‌ی راهکارهای

متعددی برای برون رفت از بحران پرداخته‌اند (Gupta, Pahl-Wostl, & Zondervan, 2013). پیشینه تجربی مطالعات جامعه‌شناسی به شباهت بین تأثیر مذهب بر الگوی مصرف پرداختند که عده کثیری از آنان خودداری از مصرف را علاوه بر دانش فنی، عاملی می‌دانستند که منجر به جمع شدن سرمایه در کشور می‌گردید. شایان ذکر است که بعد از این واقعه، تحولاتی در جامعه‌ی انسانی در نتیجه‌ی صنعتی شدن شکل گرفت که باعث کم‌رنگ شدن نقش دین شد. از این‌رو، تئوری‌پردازان در قرن بیستم از شکل جامعه‌ی مصرفی، اطلاعات کافی را منتشر کردند که نه تنها مصرف بی‌حد و مرز نکوهش نمی‌شود بلکه مصرف، فرایندی است که بیشتر افراد جامعه می‌توانند با آن هویت خود را شناسایی کنند (Zaheri, Vaezi, Esmaili, Khorrami, & Ahmadi, 2019).

از سوی دیگر، الگوی مصرف به معنای تغییر در سطح مصرف بوده به شیوه‌ای که به الگوی مناسب دینی نزدیک‌تر شویم. چراکه الگوی مصرف فقط در حوزه اقتصادی قرار نمی‌گیرد، بلکه متأثر از فاکتورهای گوناگونی است که می‌توان به عوامل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی پرداخت. به عبارت دیگر، مفهوم باورهای مذهبی جزء عوامل فرهنگی بوده و تحت تأثیر نوع الگوی مصرف قرار می‌گیرد. برخی از نتایج مطالعات، بیانگر این امر بوده که همگرایی بیشتری در بین افراد مذهبی و محافظت از طبیعت و منابع آبی وجود دارد (Chuvieco, 2012). علاوه بر این می‌توان بر این باور بود که حوزه‌های مذهبی و فرهنگی بر الگوهای مصرف آب تأثیرگذار است و رابطه‌ی معناداری با هم دارند. اگر الزامات سیاستی و سرمایه‌گذاری دولت‌ها و سیاست‌گذاری‌های دیگر برای حمایت از بخش آب تقویت نشود، بحران آب به بدتر شدن خدمات آبرسانی برای میلیون‌ها نفر، کاهش اراضی کشاورزی، کاهش تولید مواد غذایی، افزایش سریع قیمت مواد غذایی و کاهش مصرف سرانه مواد غذایی منجر خواهد شد (Smith & Ali, 2006).

عدم توجه به توسعه تکنولوژی، ذخیره‌سازی منابع آب و اصلاحات سیاستی ممکن است تقاضای آب برای مصارفی به غیر از کشاورزی را حتی با سرعتی بیشتر از آنکه پیش‌بینی شده است، افزایش دهد، که در این صورت موجب بدتر شدن وضعیت منابع آب و تشدید بحران آب خواهد شد. در صورت تداوم روند فعلی،

سهم جمعیت مواجه با تنش آبی شدید از کل جمعیت جهان از ۲۶/۲ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۴۲/۴ درصد در سال ۲۰۵۰ افزایش خواهد یافت و تعداد افرادی که در سال ۲۰۵۰ شرایط تنش آبی شدید را تجربه خواهند کرد، به حدود ۳/۹ میلیارد نفر خواهد رسید. بر اساس گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی چند انتظار می‌رود، میزان دسترسی به آب آشامیدنی بهداشتی در جهان در دهه‌های آینده افزایش پیدا کند، اما در افق سال ۲۰۵۰ همچنان نزدیک به ۳۰۰ میلیون نفر از دسترسی به آب آشامیدنی و بهداشتی در جهان محروم خواهند بود. از سوی دیگر، تحت تأثیر رشد بالاتر جمعیت نسبت به رشد زمین‌های زیر کشت، سرانه زمین قابل کشت در مناطق مختلف دنیا تا افق سال ۲۰۵۰ کاهش خواهد بود؛ به طوری که از ۰/۲۵ هکتار به ازای هر نفر در سال ۲۰۱۰ به کمتر از ۰/۱۸ هکتار در سال ۲۰۵۰ کاهش خواهد یافت (Khanifilestan, Hashemidaran, & Chalajor, 2020).

۴. روش تحقیق

از آنجایی که مطالعه‌ی حاضر در پی ارائه الگویی برای فرهنگ‌سازی در مصرف بهینه منابع آب شرب کشور است، جزء پژوهش‌های بنیادی کاربردی می‌باشد و از حیث گردآوری داده‌ها، پژوهشی غیرآزمایشی است. برای پاسخ به دغدغه مطالعه حاضر و تدوین مدل پارادایمی از روش تحقیق کیفی و در ایجاد نظریه از رویکرد داده بنیاد سیستماتیک بهره برده شد. نظریه داده بنیاد برگرفته از داده‌هایی است که طی فرایند پژوهش به صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند. رویکرد داده بنیاد، به عنوان رویکردی نظام‌مند و کیفی فرایند یا عکس‌العملی را در رابطه با موضوعی توصیف می‌کند. جامعه آماری پژوهش حاضر را خبرگان صنعت آب و فاضلاب روستایی و شهری استان سمنان با حداقل مدرک کارشناسی، کارشناسی ارشد و ده سال سابقه کار تشکیل می‌دهند. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است.

در این تحقیق ۲۱ مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شد و البته پس از مصاحبه ۱۹ مشخص شد که اطلاعات گردآوری شده به نقطه اشباع رسیده است، اما جهت اطمینان خاطر دو مصاحبه دیگر نیز صورت گرفت. به طور میانگین نیز مصاحبه‌ها

با هر مشارکت‌کننده، ۵۰ دقیقه به طول انجامید و سپس، مصاحبه‌ها به متن تبدیل شد. برای توسعه الگوی فرهنگ‌سازی در مصرف بهینه آب، پژوهشگر به شکلی مداوم و هدفمند، طی فرایند تحلیل داده‌ها بین کدگذاری باز و محوری تلاش می‌کند مقوله‌ها را از طریق کدگذاری باز شناسایی کند و با کدگذاری محوری، مقوله‌ها را به یکدیگر مرتبط کند. بعد از شناسایی و یکپارچه‌کردن ارتباط بین گزاره‌ها (مقوله)، مدل نظری پژوهش توسعه می‌یابد.

۵. یافته‌ها

۵-۱. کدگذاری باز

مفهوم کدگذاری باز، به عنوان جزئی از تحلیل رویکرد داده‌بنیاد با تبیین و تشریح دقیق داده‌ها، نام‌گذاری و دسته‌بندی کردن داده‌ها شکل می‌گیرد. برای طبقه‌بندی این مقوله‌ها، بایستی هر مفهوم بعد از تفکیک، مشخص و برجسته شود و داده‌های خام با استخراج از متن مصاحبه‌ها تفسیر شوند (Torkestani & Jahedi, 2019). افراد مصاحبه‌شونده در پاسخ به سؤالات پروتکل مصاحبه در ارتباط با هر یک از ابعاد مدل پارادایمی پژوهش به تشریح پدیده فرهنگ‌سازی در مصرف بهینه منابع آبی کشور پرداختند. از تحلیل و کدگذاری متون افراد پاسخگو و دیدگاه‌های آن‌ها، کدهای اولیه در قالب یک جدول استخراج و کدهای مشترک و مورد تأکید کلیه آن‌ها به انضمام کدهای با اهمیت از دید پژوهشگر به عنوان کدهای نهایی و همراه با ذکر منبع تشخیص داده شدند. توضیحات افراد مصاحبه‌شونده در پاسخ به پروتکل مصاحبه در ارتباط با شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها باعث پیدایش کدهای جدول ۱ شده است.

۵-۲. کدگذاری محوری

از آنجایی که کدگذاری باز اشاره به تفکیک‌سازی داده‌ها در مقوله‌های مختلف دارد، کدگذاری محوری، مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها را با در نظر گرفتن مشخصه‌ها و ابعادش با هم مرتبط می‌سازد. در پژوهش حاضر به توسعه مدل پارادایمی پژوهش اشاره شد که در آن، رابطه‌ی بین شاخص‌ها و مقوله‌ها با داده‌ها گزارش شده است و در ادامه اجزای مدل پارادایمی پژوهش تشریح می‌شود.

۳-۵. کدگذاری انتخابی

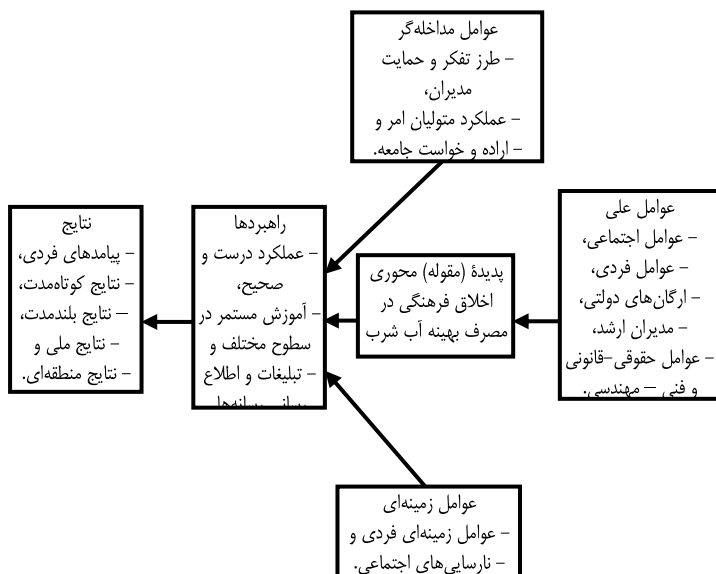
در کدگذاری انتخابی، خروجی فراگردهای قبلی کدگذاری اعم از کدگذاری باز و محوری بکار گرفته می‌شود و همچنین، مقوله اصلی شناسایی شده و به شکلی نظام‌مند به سایر مقوله‌ها ارتباط داده می‌شود. جدول ۱ نتایج کدگذاری باز، محوری و انتخابی را نمایش می‌دهد.

جدول ۱. نتایج کدگذاری باز، محوری و انتخابی

ابعاد	مقوله	مفاهیم
فرهنگ سازمانی	عوامل اجتماعی	ظرفیت‌سازی اجتماعی، مسئولیت اجتماعی، سطح آگاهی اجتماعی، رشد و ارتقاء سطح فرهنگ جامعه، زمینه‌سازی ذهنی، میزان جامعه‌پذیر بودن، مشارکت اجتماعی، شرایط اقتصادی و آموزش همگانی.
	عوامل فردی	مسئولیت‌پذیری، آموزش‌پذیر بودن، ترغیب دیگران، فرهنگ‌سازی شخصی و خانوادگی، سطح شناخت و آگاهی، دینداری، دانش زیست‌محیطی، اعتماد نهادی و درآمد خانوار.
	ارگانهای دولتی	صدا و سیما (تاکتیک‌های رسانه‌ای، اجتماعی کردن مسأله آب، آگاه‌سازی)، وزارت نیرو، شرکت‌های آب و فاضلاب و آب منطقه‌ای، آموزش و پرورش، استانداری، فرمانداری و دانشگاه‌ها جهت ایجاد و ارتقاء فرهنگ مصرف بهینه منابع آب.
	مدیران ارشد	الگو و پیشرو بودن در فرهنگ مصرف، تعهد در دستیابی به اهداف اعلام‌شده، برنامه‌ریزی صحیح، هماهنگی در اجرا، بررسی سطح فرهنگ مصرف، ارائه راهکار برای بهبود آن، نظارت و ارزیابی عملکرد واحدهای ذیربط.
فرهنگ اجتماعی	عوامل حقوقی - قانونی و فنی - مهندسی	قوانین و خلأهای موجود در آن، الزام استفاده از روش‌های نوین و تکنولوژی روز در توزیع آب، بهبود لوازم خانگی مصرف‌کننده آب، ارائه تجهیزات کاهش مصرف آب و الزام تشویق استفاده از آن، الزام استفاده از برچسب آب، اصلاح شبکه و به حداقل رساندن پرت و نشت تصفیه‌خانه‌ها و شبکه، تعمیر و به‌روزرسانی لوازم اندازه‌گیری و افزایش تکنولوژی در خانه‌های آب.
	شرایط زمینه‌ای فردی	اعتقاد به موضوع، همکاری، پذیرش فرهنگ، عدم آگاهی از عوارض و اثرات بی‌آبی، مصرف‌گرایی، عدم اطلاع و عدم انگیزه در خصوص مدیریت مصرف، استفاده از تکنولوژی و روش‌های علمی نوین، مسئولیت‌پذیری، سبک زندگی، سن، تحصیلات، تأهل، شغل، عادت‌واره صرفه‌جویی و هویت ملی.
	نارسایی‌های اجتماعی - اقتصادی	آمایش سرزمین، در اختیار نبودن گزینه دیگر در مصرف آب برای مصرف‌کنندگان، سیستم قیمت‌گذاری، جداسازی تعرفه آب شرب از غیر شرب، توسعه‌ی بی‌رویه فضای سبز، عدم رعایت افراد شاخص، عدم توجه کافی به فرهنگ‌سازی، عدم اطلاع عوام از بحران آب، هزینه‌ی بالای بکارگیری تکنولوژی روز، عدم وجود تعرفه‌های تشویقی/تنبیهی، عدم وجود کمک هزینه تهیه و بکارگیری لوازم کاهنده مصرف، عدم وجود الزامات قانونی، نبود آموزش اصولی نحوه صحیح مصرف، تعهد و مسئولیت اجتماعی.
فرهنگ عملی	طرز تفکر و حمایت مدیران	تدوین سند جامع آب، وجود افکار مساعد در مدیران ارشد، خواست مسئولین، توجه کافی به بحران آب، اهمیت فرهنگ‌سازی، مدیریت صحیح و عادلانه در توزیع آب شرب، ایجاد محدودیت در مجوزهای صنایع آب‌بر بر اساس شرایط هر منطقه، ارائه آمارهای قابل لمس، برنامه‌ریزی دقیق و مصرف بر اساس آمارها و اعتمادسازی.
	عملکرد متولیان امر	هماهنگی ارگان‌ها در اجرای طرح‌ها، مصرف بهینه توسط ارگان‌ها، در نظر گرفتن طرح‌های تشویقی و تسهیلات برای ساخت و استفاده از لوازم کاهنده مصرف توسط دولت، ایجاد نظام تشویق و تنبیه، در نظر گرفتن محدودیت در ایجاد فضای سبز، الزام صنایع به بازچرخانی آب، حمایت تولیدکننده و استفاده‌کننده از لوازم تکنولوژیک و علم نوین، الزام استفاده از لوازم و شیرالات کاهنده در ساخت منازل مسکونی و تفکیک آب شرب از غیر شرب.
	اراده و خواست جامعه	خواستن شهروندان و افراد جامعه، مشارکت و رعایت نمودن افراد شاخص و نخبگان جامعه، مشارکت مردمی، جدی تلقی شدن موضوع از نظر آحاد جامعه، جلوگیری از جبهه‌گیری بدلیل عدم اطلاع و شناخت، مسئولیت‌پذیری جامعه، باور هنجارهای مصرف بهینه، خواست مردم در آموزش و استفاده از تجهیزات و تکنولوژی نوین.
	عملکرد درست و صحیح	نظارت بر عملکرد صحیح متولیان امر، سرمایه‌گذاری در بخش‌های آموزش، استفاده از مزایا و تشویق برای فرهنگ مصرف بهینه، استفاده از تکنولوژی روز و روش‌های علمی نوین در مصرف و تجهیزات آب‌بر، جدی تلقی شدن بحران توسط مسئولین، مدیریت صحیح در آموزش، ارائه راهکار مناسب هر منطقه، برآورد درست و اقتصادی طرح، تلاش برای اجرای اصولی و هماهنگی سازمان‌ها، اصلاح مسیر با ارزیابی عملکرد در هر مرحله، اجرای عدالت در دسترسی به آب شرب بهداشتی، مسئولیت‌پذیر شدن جامعه با مشاهده مسئولیت‌پذیری نخبگان و افراد شاخص و مسئولین.

آموزش و فرهنگ‌سازی از کودکی، ساخت انیمیشن‌های کودکانه، ساخت سمبل‌های مصرف بهینه آب، آموزش در مدارس، ایجاد ساختار آموزشی مناسب در گروه‌های سنی مختلف، ایجاد زمینه مناسب فکری، آموزش همه‌گیر، استفاده از آموزش‌های کارآ و متناسب با سن و تخصص هر شخص، تداوم و استمرار در آموزش، آموزش مدیران و مسئولین	آموزش مستمر در سطوح مختلف	نتایج
تبلیغات صحیح، تبلیغات مستمر، آگاه‌سازی مستمر، اطلاع‌رسانی محدودیت‌ها و پیچیدگی‌های تولید آب، اعلام شرایط واقعی و موجود منابع آبی، اعلام و ارائه راهکارهای کاربردی و صداقت در اطلاع‌رسانی.	تبلیغات و اطلاع‌رسانی رسانه‌ها	
مصرف صحیح، عدم مصرف بی‌رویه، افزایش سطح آگاهی، افزایش مسئولیت‌پذیری، آموزش پذیرش، مدیریت صحیح، عدم مصرف‌گرایی، کاهش فشارهای روانی مربوط به تأمین آب و آرامش.	پیامدهای فردی	
کاهش مصرف سرانه، افزایش آگاهی مردم، مشارکت مردم در آموزش و مصرف بهینه در افراد آموزش دیده.	نتایج کوتاه‌مدت	
دستیابی به روند متعادل مصرف و تثبیت آن، کاهش مصرف سرانه، حفظ و بقاء منابع تأمین آب، دستیابی به پشتوانه آبی و حفظ محیط‌زیست، نهادینه شدن فرهنگ مصرف آب در اذهان عمومی، تغییر و بهینه شدن الگوی مصرف برق، گاز و	نتایج بلندمدت	
دستیابی به همراهی و همکاری مردم در اجرای طرح، حفظ منابع آبی از قبیل راه‌های آب زیرزمینی، حفظ منابع آب برای نسل آتی، ساختن جامعه‌ی آگاه و هدفمند، تغییر ساختار جامعه به رویکرد عدم اسراف و مصرف‌گرایی و عدالت اجتماعی.	نتایج ملی	
رشد منطقه‌ای، بقای جامعه و افزایش آبادانی، دسترسی به محیط‌زیست قابل قبول، تبدیل شدن به الگوی منطقه جهت فرهنگ‌سازی و مصرف بهینه‌ی منابع.	نتایج منطقه‌ای	

مدل نظری الگوی فرهنگ‌سازی در مصرف بهینه منابع آبی کشور مطابق با ابعاد مدل پارادایمی در شکل ۱ قابل مشاهده است.



شکل ۱. مدل پارادایمی فرهنگ‌سازی مصرف بهینه منابع آب

مفاهیم مرتبط عبارت‌اند از:

۱. پدیده (مقوله) محوری: همان برچسب مفهومی است که در تحقیق در نظر گرفته می‌شود. در مرحله کدگذاری باز پس از اتمام تجزیه، تحلیل و گردآوری داده‌ها، «فرهنگ سازی در مصرف بهینه منابع آبی» به عنوان مقوله پدیده یا مقوله محوری انتخاب شد.

۲. شرایط علی: این عامل منجر به ایجاد و توسعه پدیده محوری می‌شود. به استناد یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام شده ۵ مقوله‌ی عوامل اجتماعی، عوامل فردی، ارگان‌های دولتی، مدیران ارشد و عوامل حقوقی - قانونی و فنی - مهندسی به عنوان شرایط علی فرهنگ‌سازی در مصرف بهینه منابع آبی شناسایی شدند.

۳. راهبردها: استراتژی‌های مربوط به فرهنگ‌سازی در مصرف بهینه منابع آبی که بیانگر تعاملات و فعالیت‌هایی هستند که در واکنش به پدیده محوری و تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر و عوامل زمینه‌ای اتخاذ می‌شوند، شامل عملکرد درست و صحیح، آموزش مستمر در سطوح مختلف، تبلیغات و اطلاع‌رسانی رسانه‌ها است.

۴. شرایط زمینه‌ای: این شرایط را مجموعه‌ای از متغیرها و مقوله‌های خاص تشکیل می‌دهند که با شرایط عام (عوامل مداخله‌گر) بر راهبردهای فرهنگ بهینه مصرف آب تأثیر می‌گذارند. این شرایط عبارتند از: عوامل زمینه‌ای فردی و نارسایی‌های اجتماعی.

۵. شرایط مداخله‌گر: این عامل، جزء شرایط عامی محسوب شده‌اند که همراه با عوامل زمینه‌ای، راهبردهای فرهنگ بهینه‌ی مصرف آب را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در الگوی معرفی شده، این شرایط شامل طرز تفکر و حمایت مدیران، عملکرد متولیان امر و در نهایت اراده و خواست جامعه می‌شوند.

۶. پیامدها: برخی از مقوله‌ها، پیامدها و نتایج اجرای راهبرد فرهنگ مصرف بهینه منابع آب می‌باشند. بر اساس داده‌های گردآوری شده، فرهنگ مصرف بهینه منابع آب موجب پیامدهای فردی، نتایج کوتاه‌مدت و بلندمدت، نتایج ملی و نتایج منطقه‌ای می‌گردند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، ارائه مدلی جامع برای فرهنگ‌سازی در مصرف بهینه از منابع آبی کشور بوده و بدین منظور با استفاده از روش پژوهش کیفی و راهبرد داده‌بنیاد، دنبال دست یافتن به این هدف می‌باشد. اطلاعات به دست آمده با کمک سه نوع کدگذاری باز، انتخابی و محوری، دسته‌بندی و در نهایت مدلی کیفی استخراج گردید. نتایج پژوهش مطالعه حاضر به شرح ذیل است:

- پدیده محوری: بر اساس تمرکز مصاحبه‌شوندگان و بررسی ادبیات «فرهنگ‌سازی در مصرف بهینه منابع آبی» به عنوان مقوله پدیده یا مقوله محوری انتخاب شد.

- شرایط علی: پنج مقوله‌ی ۱- عوامل اجتماعی (ظرفیت‌سازی اجتماعی، مسئولیت اجتماعی، سطح آگاهی اجتماعی، رشد و ارتقاء سطح فرهنگ جامعه، زمینه‌سازی ذهنی، میزان جامعه‌پذیر بودن و مشارکت اجتماعی، شرایط اقتصادی، آموزش همگانی)، ۲- عوامل فردی (مسئولیت‌پذیری، آموزش‌پذیر بودن، ترغیب دیگران، فرهنگ‌سازی شخصی و خانوادگی، سطح شناخت و آگاهی، دینداری، دانش زیست محیطی، اعتماد نهادی و درآمد خانوار)، ۳- ارگان‌های دولتی (صدا و سیما، تاکتیک‌های رسانه‌ای، اجتماعی کردن مسأله آب و آگاه‌سازی)، وزارت نیرو، شرکت‌های آب و فاضلاب و آب منطقه‌ای، آموزش و پرورش، استانداری، فرمانداری و دانشگاه‌ها جهت ایجاد و ارتقاء فرهنگ مصرف بهینه منابع آب، ۴- مدیران ارشد (الگو و پیشرو بودن در فرهنگ مصرف، تعهد در دستیابی به اهداف اعلام شده، برنامه‌ریزی صحیح، هماهنگی در اجرا، بررسی سطح فرهنگ مصرف و ارائه راهکار برای بهبود آن و نظارت و ارزیابی عملکرد واحدهای ذیربط) و ۵- عوامل حقوقی-قانونی و فنی - مهندسی (قوانین و خلأهای موجود در آن، الزام استفاده از روش‌های نوین و تکنولوژی روز در توزیع آب، بهبود لوازم خانگی مصرف‌کننده آب، ارائه تجهیزات کاهش مصرف آب و الزام تشویق استفاده از آن، الزام استفاده از برچسب آب، اصلاح شبکه و به حداقل رساندن پرت و نشست تصفیه‌خانه‌ها و شبکه، تعمیر و به روز رسانی لوازم اندازه‌گیری، افزایش تکنولوژی

در خانه‌های آب) به عنوان شرایط علی فرهنگ‌سازی در مصرف بهینه منابع آبی شناسایی شدند.

- راهبردها: شامل عملکرد درست و صحیح، آموزش مستمر در سطوح مختلف، تبلیغات و اطلاع‌رسانی رسانه‌ها است.

- شرایط زمینه‌ای عبارت‌اند از: ۱- عوامل زمینه‌ای فردی (اعتقاد به موضوع، همکاری، پذیرش فرهنگ، عدم آگاهی از عوارض و اثرات بی‌آبی، مصرف‌گرایی، عدم اطلاع و عدم انگیزه در خصوص مدیریت مصرف، استفاده از تکنولوژی و روش‌های علمی نوین، مسئولیت‌پذیری، سبک زندگی، سن، تحصیلات، تأهل، شغل، عادت‌واره صرفه‌جویی، هویت ملی)، ۲- نارسایی‌های اجتماعی (آمایش سرزمین، در اختیار نبودن گزینه دیگر در مصرف آب برای مصرف‌کنندگان، سیستم قیمت‌گذاری، جداسازی تعرفه آب شرب از غیر شرب، توسعه بی‌رویه فضاها، عدم رعایت افراد شاخص، عدم توجه کافی به فرهنگ‌سازی، عدم اطلاع عوام از بحران آب، هزینه بالای بکارگیری تکنولوژی روز، عدم وجود تعرفه‌های تشویقی و تنبیهی، عدم وجود کمک هزینه تهیه و بکارگیری لوازم کاهنده مصرف، عدم وجود الزامات قانونی، نبود آموزش اصولی نحوه صحیح مصرف، تعهد و مسئولیت اجتماعی).

- شرایط مداخله‌گر: در الگوی معرفی شده این شرایط شامل ۱- طرز تفکر و حمایت مدیران (تدوین سند جامع آب، وجود افکار مساعد در مدیران ارشد، خواست مسئولین، توجه کافی به بحران آب، اهمیت فرهنگ‌سازی، مدیریت صحیح و عادلانه در توزیع آب شرب، ایجاد محدودیت در مجوزهای صنایع آب بر اساس شرایط هر منطقه، ارائه آمارهای قابل لمس، برنامه‌ریزی دقیق و مصرف بر اساس آمارها و اعتمادسازی)، ۲- عملکرد متولیان امر (هماهنگی ارگان‌ها در اجرای طرح‌ها، مصرف بهینه توسط ارگانها، در نظر گرفتن طرح‌های تشویقی و تسهیلات برای ساخت و استفاده از لوازم کاهنده مصرف توسط دولت، ایجاد نظام تشویق و تنبیه، در نظر گرفتن محدودیت در ایجاد فضای سبز، الزام صنایع به بازچرخانی آب، حمایت تولیدکننده و استفاده‌کننده از لوازم تکنولوژیک و علم

نوین، الزام استفاده از لوازم و شیرآلات کاهنده در ساخت منازل مسکونی، تفکیک آب شرب از غیر شرب) و ۳- اراده و خواست جامعه (خواستن شهروندان و افراد جامعه، مشارکت و رعایت نمودن افراد شاخص و نخبگان جامعه، مشارکت مردمی، جدی تلقی شدن موضوع از نظر آحاد جامعه، جلوگیری از جبهه‌گیری بدلیل عدم اطلاع و شناخت، مسئولیت‌پذیری جامعه، باور هنجارهای مصرف بهینه، خواست مردم در آموزش و استفاده از تجهیزات و تکنولوژی نوین) می‌باشند.

- پیامدها: فرهنگ مصرف بهینه منابع آب موجب ۱- پیامدهای فردی (مصرف صحیح، عدم و صرف بی‌رویه، افزایش سطح آگاهی، افزایش مسئولیت‌پذیری، آموزش‌پذیر شدن، مدیریت صحیح و عدم مصرف‌گرایی، کاهش فشارهای روانی مربوط به تأمین آب و آرامش)، ۲- نتایج کوتاه‌مدت (کاهش مصرف سرانه، افزایش آگاهی مردم، مشارکت مردم در آموزش، مصرف بهینه در افراد آموزش دیده)، ۳- نتایج بلندمدت (دستیابی به روند متعادل مصرف و تثبیت آن، کاهش مصرف سرانه، حفظ و بقا منابع تأمین آب، دستیابی به پشتوانه آبی و حفظ محیط زیست، نهادینه شدن فرهنگ مصرف آب در اذهان عمومی، تغییر و بهینه شدن الگوی مصرف برق، گاز و...)، ۴- نتایج ملی (دستیابی به همراهی و همکاری مردم در اجرای طرح، حفظ منابع آبی از قبیل راه‌های آب زیرزمینی و...)، حفظ منابع آب برای نسل آتی، ساختن جامعه‌ی آگاه و هدفمند، تغییر ساختار جامعه به رویکرد عدم اسراف و مصرف‌گرایی و عدالت اجتماعی) و ۵- نتایج منطقه‌ای (رشد منطقه‌ای، بقای جامعه و افزایش آبادانی، دسترسی به محیط زیست قابل قبول، تبدیل شدن به الگوی منطقه جهت فرهنگ‌سازی و مصرف بهینه‌ی منابع) می‌گردند.

تعامل خانواده‌ها در مدیریت مصرف، افزایش نقش زنان در اصلاح الگوی مصرف و نقش آموزش در بستر خانواده جزء عوامل تأثیرگذار در جامعه به شمار می‌رود. همچنین باید با برنامه‌ریزی مناسب و زمان‌بندی اصولی، افراد جامعه را از معضلات کشور آگاه کرد، آگاهی‌های عمومی را افزایش داد و سطح دانش

مصرف‌کنندگان آب را بالا برد. مطابق مبانی نظری تحقیق و مدل ارائه شده، پیشنهادهایی جهت بهبود فرهنگ مصرف بهینه منابع آب شرب ارائه می‌گردد که آن را می‌توان در ادامه ملاحظه نمود.

- با توجه به تأثیر بالای اطلاع‌رسانی، آموزش و آگاهی نیاز است، نسبت به اصلاح زیرساخت آموزشی و برنامه‌ریزی جهت آموزش و ارتقای سطح اطلاعات آحاد جامعه اقدام گردد.

- خلأهای قانونی تشویق و تنبیه فرهنگ مصرف آب مرتفع گردد و مساعدت‌های مالی و تشویقی جهت استفاده از تجهیزات کاهنده مصرف آب در نظر گرفته شود.

- از ابزارهای بازدارنده از قبیل تغییر نرخ تصاعدی مصرف، جریمه استفاده از آب شرب برای مصارفی از قبیل شست و شوی خودرو و...، جهت جلوگیری از مصرف بی‌رویه استفاده گردد.

- قیمت‌گذاری مناسب آب، به عنوان یکی از ابزارهای اقتصادی، می‌تواند نقش مهمی در کاهش ائتلاف و بهینه‌سازی مصرف آب داشته باشد.

- معرفی شیوه‌های بهینه مصرف آب از جانب ارگان‌های آب منطقه‌ای به افراد جامعه،

- گسترش فرهنگ مصرف آب از طریق قشر فرهنگی جامعه،

- آموزش و تعامل کشاورزان در مدیریت منابع آب،

- توجه بیشتر مسئولین به طرح‌های بلندمدت فرهنگ مدیریت مصرف آب و

- بکارگیری الگوی مصرف آب همراه با تعرفه‌های ترجیحی سازگار با

شرایط اقلیمی.

یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، امکان عدم بیان همه تجارب و نظرات شخصی مدیران مورد مصاحبه به دلیل ملاحظات شخصی و خودسانسوری و ترس از افشاء اطلاعات است. سرانجام دستیابی به افراد مصاحبه‌شونده و تخصیص زمان به مصاحبه با توجه به شیوع ویروس کوید-۱۹ (کرونا) در سطح کشور با محدودیت روبرو بود.

منابع و ماخذ

- احمدی، س.، و زارعی، ق (۲۰۱۷). بررسی تأثیر دینداری بر گرایش به صرفه‌جویی در مصرف آب. توسعه اجتماعی، ۴۳(۱۱)، ۱۹۵-۲۱۰.
- اخروی، ا.، و رعیت، م. (۲۰۱۹). شناسایی عوامل مؤثر بر جلب مشارکت مردم در مصرف بهینه آب با رویکرد بازاریابی اجتماعی و انتخاب بهترین سناریو. مجله علمی، ۶(۳)، ۳۹۵-۴۱۹.
- ترکستانی، م.ص.، و جاهدی، پ. (۲۰۱۹). مطالعه مردم نگارانه درک معنای برند ترک (مطالعه موردی منطقه آزاد انزلی). مطالعات رفتار مصرف‌کننده، ۶(۱)، ۶۳-۸۰.
- خانی فیلستان، ه.، هاشمی داران، ح. و چلاجور، م. (۲۰۲۰). بررسی آثار عوامل اقتصادی و مدیریتی بر پایداری آب در بخش کشاورزی (مطالعه موردی: استان تهران). اکوهیدرولوژی، ۷(۴)، ۱۰۸۹-۱۰۹۷.
- خسروی، م.، افشار، ع.، و مولاچو، ا. (۲۰۲۰). طراحی سیستم های بهره برداری تلفیقی منابع آب بر مبنای اعتمادپذیری: مقایسه رویکردهای سیکلی و غیرسیکلی. آب و فاضلاب، ۳۱(۷)، ۹۰-۱۰۱.
- دهقان، ح.، و پوررضاکریم‌سرا، ن. (۲۰۱۶). عوامل مؤثر بر سرانه مصرف آب خانواده های تهران. راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۱۹(۵)، ۲۴۵-۲۶۸.
- ظاهری، م.، واعظی، م.، اسمعیلی، ا.، خرمی، ه. و احمدی، ت. (۲۰۱۹). شناسایی و آرایه راهکارهایی در جهت مدیریت بهینه مصرف آب شرب (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان تبریز). نشریه علمی جغرافیا و برنامه ریزی، ۲۳(۶۹)، ۱۴۳-۱۷۳.

Azevedo, M. (2016). The evaluation of the social impacts of culture: culture, arts and development. (Doctoral dissertation, Université Panthéon-Sorbonne-Paris I .)

Chuang, C.-Y., Yang, S., Chang, M.-Y., Huang, H.-C., Luo, C.-H., Hung, P.-C., & Fang, W. (2013). Inactivation efficiency to *Bacillus subtilis* and *Escherichia coli* bacterial aerosols of spraying neutral electrolyzed

- water. *Journal of the Air & Waste Management Association*, 63(12), 1447-1456 .
- Chuvieco, E. (2012). Religious approaches to water management and environmental conservation. *Water policy*, 14(S1), 9-20 .
- Dias, T. F., Kalbusch, A., & Henning, E. (2018). Factors influencing water consumption in buildings in southern Brazil. *Journal of Cleaner Production*, 184, 160-167 .
- Gupta, J., Pahl-Wostl, C., & Zondervan, R. (2013). ‘Glocal’water governance: a multi-level challenge in the anthropocene. *Current Opinion in Environmental Sustainability*, 5(6), 573-580 .
- Guragai, B., Hashimoto, T., Oguma, K., & Takizawa, S. (2018). Data logger-based measurement of household water consumption and micro-component analysis of an intermittent water supply system. *Journal of Cleaner Production*, 197, 1159-1168 .
- Hassell, T., & Cary, J. (2007). Promoting Behavioural Change in Household Water Consumption: Literature Review. Report prepared for Smart Water Fund .
- Ismagilova, E., Hughes, L., Dwivedi, Y. K., & Raman, K. R. (2019). Smart cities: Advances in research—An information systems perspective. *International Journal of Information Management*, 47, 88-100 .
- Jeannotte, M. S. (2003). Singing alone? The contribution of cultural capital to social cohesion and sustainable communities. *The International Journal of Cultural Policy*, 9(1), 35-49 .
- Kandiah, V. K., Berglund, E. Z., & Binder, A. R. (2019). An agent-based modeling approach to project adoption of water reuse and evaluate expansion plans within a sociotechnical water infrastructure system. *Sustainable Cities and Society*, 46, 101412 .
- Kang, J., Son, D., Wang, G. J. N., Liu, Y., Lopez, J., Kim, Y., . . . Lee, Y. (2018). Tough and water-insensitive self-healing elastomer for robust electronic skin. *Advanced Materials*, 30(13), 1706846 .
- Lede, E., Meleady, R., & Seger, C. R. (2019). Optimizing the influence of social norms interventions: Applying social identity insights to motivate residential water conservation. *Journal of Environmental Psychology*, 62, 105-114 .
- LUJUMWA, N. (2015). PRIVATE WATER SUPPLY AND WATER

- SERVICE DELIVERY IN URBAN AUTHORITIES IN UGANDA. A CASE OF WAKISO TOWN COUNCIL, WAKISO DISTRICT. Uganda Management Institute ,
- Pacheco-Vega, R. (2020). Governing Urban Water Conflict through Watershed Councils—A Public Policy Analysis Approach and Critique. *Water*, 12(7), 1849 .
- Razumova, M., Rey-Maqueira, J., & Lozano, J. (2016). The role of water tariffs as a determinant of water saving innovations in the hotel sector. *International Journal of Hospitality Management*, 52, 78-86 .
- Shan, L.-w., He, L.-q., Suriyaprakash, J., & Yang, L.-x. (2016). Photoelectrochemical (PEC) water splitting of BiOI {001} nanosheets synthesized by a simple chemical transformation. *Journal of Alloys and Compounds*, 665, 158-164 .
- Smith, A., & Ali, M. (2006). Understanding the impact of cultural and religious water use. *Water and Environment Journal*, 20(4), 203-209 .
- Supski, S., Lindsay, J., & Tanner, C. (2017). University students' drinking as a social practice and the challenge for public health. *Critical Public Health*, 27(2), 228-237 .
- Van Eijck, K. (2000). Richard A. Peterson and the culture of consumption. *Poetics*, 28(2-3), 207-224 .
- Wang, Y. (2017). Promoting sustainable consumption behaviors: The impacts of environmental attitudes and governance in a cross-national context. *Environment and Behavior*, 49(10), 1128-1155 .
- Willis, R. M., Stewart, R. A., Giurco, D. P., Talebpour, M. R., & Mousavinejad, A. (2013). End use water consumption in households: impact of socio-demographic factors and efficient devices. *Journal of Cleaner Production*, 60, 107-115.

References

- Ahmadi, S., & zareei, g. (2017). A Study of the Effect of Religiosity on Attitude into Water Saving in Yasouj. *Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development)*, 11(3), 195-210. (in Persian)
- Chuang, C.-Y., Yang, S., Chang, M.-Y., Huang, H.-C., Luo, C.-H., Hung, P.-C., & Fang, W. (2013). Inactivation efficiency to *Bacillus subtilis* and *Escherichia coli* bacterial aerosols of spraying neutral electrolyzed water. *Journal of the Air & Waste Management Association*, 63(12), 1447-1456 .
- Chuvieco, E. (2012). Religious approaches to water management and environmental conservation. *Water policy*, 14(S1), 9-20 .
- Dehghan, H., & Pour Reza Karimsara, N. (2016). Factors Affecting Per Capita Water Consumption of Tehrani Families. *Socio-Cultural Research Journal of Rahbord*, 5(19), 245-268. (in Persian)
- Dias, T. F., Kalbusch, A., & Henning, E. (2018). Factors influencing water consumption in buildings in southern Brazil. *Journal of Cleaner Production*, 184, 160-167 .
- Gupta, J., Pahl-Wostl, C., & Zondervan, R. (2013). 'Glocal'water governance: a multi-level challenge in the anthropocene. *Current Opinion in Environmental Sustainability*, 5(6), 573-580 .
- Guragai, B., Hashimoto, T., Oguma, K., & Takizawa, S. (2018). Data logger-based measurement of household water consumption and micro-component analysis of an intermittent water supply system. *Journal of Cleaner Production*, 197, 1159-1168 .
- Hassell, T., & Cary, J. (2007). Promoting Behavioural Change in Household Water Consumption: Literature Review. Report prepared for Smart

Water Fund .

- Ismagilova, E., Hughes, L., Dwivedi, Y. K., & Raman, K. R. (2019). Smart cities: Advances in research—An information systems perspective. *International Journal of Information Management*, 47, 88-100 .
- Jeannotte, M. S. (2003). Singing alone? The contribution of cultural capital to social cohesion and sustainable communities. *The International Journal of Cultural Policy*, 9(1), 35-49 .
- Kandiah, V. K., Berglund, E. Z., & Binder, A. R. (2019). An agent-based modeling approach to project adoption of water reuse and evaluate expansion plans within a sociotechnical water infrastructure system. *Sustainable Cities and Society*, 46, 101412 .
- Kang, J., Son, D., Wang, G. J. N., Liu, Y., Lopez, J., Kim, Y., . . . Lee, Y. (2018). Tough and water-insensitive self-healing elastomer for robust electronic skin. *Advanced Materials*, 30(13), 1706846 .
- Khanifilestan, H., Hashemidaran, H., & Chalajor, M. (2020). Study of Sustainable Water in Agriculture sector and its relationship with Economics and management to use sustainable Water in Iran. *Iranian journal of Ecohydrology*, 7(4), 1089-1097. (in Persian)
- Khosravi, M., Afshar, A., & Molajou, A. (2020). Reliability-Based Design of Conjunctive Use Water Resources Systems: Comparison of Cyclic and Non-Cyclic Approaches. *Journal of Water and Wastewater; Ab va Fazilab*. (in Persian)
- Lede, E., Meleady, R., & Seger, C. R. (2019). Optimizing the influence of social norms interventions: Applying social identity insights to motivate residential water conservation. *Journal of Environmental Psychology*, 62, 105-114 .
- LUJUMWA, N. (2015). *PRIVATE WATER SUPPLY AND WATER SERVICE DELIVERY IN URBAN AUTHORITIES IN UGANDA. A CASE OF WAKISO TOWN COUNCIL, WAKISO DISTRICT*. Uganda Management Institute ,
- Okhravi, A., & Rayat, M. (2019). Identifying the Factors that Influence People's Participation in Optimal Water Consumption via Social Marketing Approach and Best Scenario Selection. *Social Capital Management*, 6(3), 395-419. (in persian)
- Pacheco-Vega, R. (2020). Governing Urban Water Conflict through Watershed

- Councils—A Public Policy Analysis Approach and Critique. *Water*, 12(7), 1849 .
- Razumova, M., Rey-Maqueira, J., & Lozano, J. (2016). The role of water tariffs as a determinant of water saving innovations in the hotel sector. *International Journal of Hospitality Management*, 52, 78-86 .
- Shan, L.-w., He, L.-q., Suriyaprakash, J., & Yang, L.-x. (2016). Photoelectrochemical (PEC) water splitting of BiOI {001} nanosheets synthesized by a simple chemical transformation. *Journal of Alloys and Compounds*, 665, 158-164 .
- Smith, A., & Ali, M. (2006). Understanding the impact of cultural and religious water use. *Water and Environment Journal*, 20(4), 203-209 .
- Supski, S., Lindsay, J., & Tanner, C. (2017). University students' drinking as a social practice and the challenge for public health. *Critical Public Health*, 27(2), 228-237 .
- Torkestani, M., & Jahedi, P. (2019). An ethnographic study of understanding the meaning of Turk brand (Case study of Anzali Free Zone). (in persian)
- Van Eijck, K. (2000). Richard A. Peterson and the culture of consumption. *Poetics*, 28(2-3), 207-224 .
- Wang, Y. (2017). Promoting sustainable consumption behaviors: The impacts of environmental attitudes and governance in a cross-national context. *Environment and Behavior*, 49(10), 1128-1155 .
- Willis, R. M., Stewart, R. A., Giurco, D. P., Talebpour, M. R., & Mousavinejad, A. (2013). End use water consumption in households: impact of socio-demographic factors and efficient devices. *Journal of Cleaner Production*, 60, 107-115.
- Zaheri, M., Vaezi, M., Esmaili, A., Khorrami, H., & Ahmadi, T. (2019). Identifying and providing solutions for optimal drinking water management (A Case study; villages of Tabriz county). *Geography and Planning*, 23(69), 143-173. (in persian)

Feasibility Study and the Requirements for Generalizability of the Border Phenomenon to Cyberspace

Seyed Mohammad Mahdi Ghamami

Assistant Professor, Public and International Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.
mmghamamy@gmail.com

Sajad Khalilinezhad

Corresponding Author, M.Sc. Student of Islamic Education and Public Law, Imam Sadegh University, Researcher in Rushd Center, Imam Sadegh University, Tehran, Iran.
sakhne@gmail.com

Abstract

Governments have recognized cyberspace, after the three domains of their national territories, as the fourth realm of their national sovereignty but some elements of nation-states including borders have not yet emerged in cyberspace. This study aims at examining the feasibility of generalizing the border phenomenon from real space to cyberspace and the necessity of this generalization, and providing a clear definition of cyber border. Then, the requirements for the realization of borders in cyberspace, including the methods of demarcation in this space and the feasibility of technical realization of cyber borders, are examined. In terms of its purpose, this study is an exploratory-descriptive research with qualitative data collected through library method and analyzed qualitatively. Findings show that not only is the existence of borders in cyberspace possible, but also due to the types of hard and soft threats in cyberspace, their necessity is double that of the real space. As a result of the remarkable developments of the cyberspace era, the real meaning and main functions of border have not changed while merely some methods of border demarcation and border guarding in information and communication technology have undergone some considerable changes. Accordingly, the borders of cyberspace like those of the real space have established the boundaries of the sovereignty of nation-states in digital space and, in accordance with certain rules, prevent the hard and soft threats of cyberspace.

Keywords: *Nation-state, border, cyberspace border, cyber sovereignty, national information network*

امکان سنجی و الزامات تعمیم‌پذیری پدیده مرز به فضای مجازی^۱

سید محمد مهدی غمامی

استادیار دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، دکترای تخصصی حقوق عمومی، تهران،
mmghamamy@gmail.com

سجاد خلیلی نژاد

نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق عمومی، دانشگاه امام صادق (ع)،
پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران sakhne@gmail.com

چکیده

دولت‌ها، فضای مجازی را پس از عرصه‌های سرزمینی سه‌گانه، به‌عنوان قلمرو چهارم اعمال حاکمیت ملی به رسمیت شناخته‌اند، اما هنوز برخی از عناصر دولت – ملت‌ها در فضای مجازی، از جمله مرزها ظهور و بروز قابل‌توجهی نداشته‌اند. هدف از پژوهش حاضر، امکان‌سنجی تعمیم‌پذیری مرز از فضای واقعی به فضای مجازی، ضرورت آن و ارائه یک تعریف از مرز سایبری است. سپس، الزامات تحقق مرزها در فضای مجازی از جمله شیوه‌های مرزگذاری در فضای مجازی و امکان تحقق فنی مرز سایبری مورد بررسی قرار می‌گیرد. پژوهش حاضر از حیث هدف اکتشافی – توصیفی و داده‌های استفاده‌شده در این پژوهش، کیفی است که به روش کتابخانه‌ای، گردآوری و به شیوه‌ی کیفی تحلیل‌شده است. یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد نه تنها وجود مرزها در فضای مجازی امکان‌پذیر است، بلکه با توجه به انواع تهدیدهای سخت و نرم در فضای مجازی، ضرورت آن‌ها نسبت به فضای واقعی دوجندان است. در اثر تحولات عصر فضای مجازی، معنای مرز و کارکردهای اصلی آن دچار تغییر و تحول نشده و صرفاً برخی شیوه‌های مرزگذاری و مرزبانی در فناوری اطلاعات و ارتباطات متحول شده است. بنابراین مرزهای فضای مجازی مشابه فضای واقعی، حدود قلمرو حاکمیت دولت-ملت‌ها را در فضایی دیجیتالی مشخص کرده و مطابق قواعد خاصی در مقابل تهدیدهای سخت و نرم فضای مجازی مانع ایجاد می‌کند.

واژه‌های کلیدی: دولت – ملت، مرز، فضای مجازی، مرز فضای مجازی، حاکمیت

سایبری، شبکه ملی اطلاعات

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۳۰ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۳/۰۴

فصلنامه راهبرد اجتماعی – فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۳۸، بهار ۱۴۰۰، صص ۶۵-۹۸

مقدمه و بیان مسأله

ظهور و بروز فضای مجازی، فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان یکی از برآیندهای جهانی شدن، به صورت گسترده و اثرگذار در روابط اجتماعی، در نیمه‌ی دوم قرن بیستم و قرن بیست و یکم، سبب تغییر و تأثیر اساسی در مفاهیم پایه حقوق عمومی، علوم سیاسی و جغرافیای سیاسی همچون: مفهوم ملت، حکومت، حاکمیت، مرز و بسیاری از مفاهیم دیگر شده است. انقلاب در فناوری اطلاعات و ارتباطات شبیه به انقلاب صنعتی، در حال تغییر شکل دادن جهان و ایجاد الگوی جدید در قلمروهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است و بسیاری از تعاملات در این حوزه‌ها بر بستر فضای مجازی منتقل شده است (Racicot, Hayes, Szibbo, & Trudel, 1998, p. 96). در عرصه‌ی سیاست که مناسبات قدرت اهمیت پیدا می‌کند، امروزه ظرفیت فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به عنوان قدرتی نوظهور و مهم جلوه پیدا کرده است و روابط سنتی قدرت را بر هم زده است و بازیگران مختلفی مانند شرکت‌های تجاری، مردم و نهادهای مردمی را به قدرت رسانده است. این امر منجر شده است، ادبیات حاکمیت مطلق دولت‌ها تبدیل به ادبیات حکمرانی دولت‌ها شود، چراکه حکمرانی زمانی مطرح می‌شود که دیگر دولت‌ها تنها بازیگر عرصه قدرت نباشند و بازیگران مختلفی، قدرت و اثرگذاری داشته باشند.

با این اوصاف، ورود دولت‌ها در امر تنظیم‌گری و تمشیت روابط در عرصه‌ی فضای مجازی، ضروری به نظر می‌رسد، اما مداخله دولت‌ها در این عرصه الزاماتی با خود به همراه دارد. دولت – ملت‌های مدرن با سه عنصر: سرزمین، جمعیت و قدرت عالی شناخته می‌شوند. مرزها یکی از الزامات و مقدمات دولت – ملت‌های

مدرن محسوب می‌شود که مشخص‌کننده‌ی حدود سرزمینی و حدود صلاحیت اعمال حاکمیت قدرت عالی است. بنابراین، برای تحقق حاکمیت ملی در عرصه سایبری، ابتدا باید مرزهای ملی در این عرصه مشخص شود. از طرفی، با وجود ویژگی‌های خاص عرصه‌ی فضای مجازی این مسئله وجود دارد که آیا اصلاً مرزگذاری در فضای سایبری امکان‌پذیر است یا خیر؟ هم‌چنین ضرورت مرزگذاری در فضای مجازی، محل تردید واقع می‌شود. مسئله مرز فضای مجازی، تنها به ضرورت و امکان تحقق آن خلاصه نمی‌شود، بلکه الزامات مختلفی از جمله روش‌های مرزگذاری مختلف، که هر یک می‌تواند محل پژوهش قرار گیرد.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

در این مقاله، به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که آیا امکان تعمیم پدیده‌ی مرز به فضای مجازی وجود دارد؟ الزامات آن چیست؟ در راستای رسیدن به پاسخ سؤال اصلی پژوهش، سؤالات فرعی پاسخ داده می‌شود از جمله اینکه، آیا مفهوم مرز در فضای مجازی مصداق دارد؟ در این صورت مفهوم آن چه تغییری می‌کند؟ در ادامه بررسی می‌شود ضرورت مرزگذاری در فضای مجازی چیست؟ و آیا اساساً، مداخله دولت‌ها در فضای مجازی ضرورت دارد؟ روش‌های مرزگذاری در فضای مجازی چیست؟ و رویکرد کشورهای مختلف از جمله؛ چین و ایران در قبال مرز سایبری چه بوده است؟

هدف از بررسی مرز سایبری در حقوق عمومی و علوم سیاسی، بررسی مرزهای سایبری با دیدگاه فنی و مهندسی یا روش‌های فنی مرزبانی سایبری و تعیین تجهیزات امنیت سایبری نیست، بلکه هدف، تعیین رویکرد در دغدغه مبهم حاکمیت سایبری و امنیت سایبری در قالب نهادهایی متمرکز، مانند مرز است که از عدم قطعیت‌های ماهوی در این حوزه کاسته شود و قسمتی از رویکرد و نظریه‌ی حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی تکمیل شود. به همین سبب، در قسمت اول این پژوهش به مبانی نظری مرتبط با تعریف فضای مجازی، مفهوم مرز و جایگاه نظری مفهوم مرز در علوم سیاسی و حقوق عمومی پرداخته می‌شود و در ادامه به تعریف و تعمیم پدیده مرز در فضای مجازی و الزامات

تحقق مرز سایبری از نظر حقوقی اشاره خواهد شد و به دو رویکرد عمده در موضوع حاکمیت سایبری اشاره و نهایتاً، با تعیین رویکرد مختار به امکان‌سنجی مرز در فضای مجازی پرداخته می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

بدیعی ازندهای و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله ای با عنوان «تبیین مفهوم مرز در فضای سیاسی - مجازی ایران» بیان می‌کند؛ در عصر گسترش تکنولوژی ارتباطات، مرزهای جغرافیایی اهمیت خود را از دست نداده است بلکه، کارکردهای جدیدی نیز برعهده گرفته است. به طوری که حتی کنترل‌های مرزی امروزه در فضای مجازی به صورت فیلترینگ، کدهای مخابراتی، کارت‌های اعتباری و کدهای اینترنتی اعمال می‌شود. حافظ نیا (۱۳۹۰)، در کتاب «جغرافیای سیاسی فضای مجازی» در یک فصل به بررسی فلسفی و سیاسی مفهوم پدیده‌ی مرز و قلمرو می‌پردازد و تجلی مرز در فضای مجازی را در نام‌های دامنه‌ی اینترنتی، فیلترها، دیواره‌های دفاعی، کدهای مخابراتی و کارت‌های اعتباری بررسی می‌کند. هرچند این کتاب، مهم‌ترین منبع در زمینه‌ی مرز در فضای مجازی است، اما به علت عدم در نظر گرفتن تحولات اخیر در فضای مجازی و تجلی مرز در موارد دیگر، قابل اصلاح و تکمیل است. موسوی و مستجابی سرهنگی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ی «تبیین مفهوم مرز در فضای سایبر»، نتیجه‌گیری می‌کنند که امروزه مرز اهمیت خود را از دست نداده، بلکه کارکردهای آن متفاوت شده است، به طوری که حتی واپایش‌های مرزی امروزه در فضای مجازی به صورت فیلترینگ، کدهای مخابراتی، کارت‌های اعتباری و کدهای اینترنتی اعمال می‌شود. افضلی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ی «تبیین مفهوم مرز در فضای سیاسی مجازی» بیان می‌کنند، هر چند تحولات دوران معاصر و فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی توانسته‌اند برخی کارکردهای مرز را تغییر دهند، و لی نتوانسته‌اند ماهیت آن را از بین ببرند. چوزنک و گیرس^۱ (۲۰۱۸) در مقاله‌ی «مرزها در فضای مجازی: آیا حاکمیت می‌تواند با چالش‌های امنیت سایبری سازگار شود» معتقد هستند، مرزها در فضای مجازی می‌توانند یک ساختار بالقوه

مفید برای تقویت امنیت سایبری ملی باشد. در عین حال مرزهای سایبری ممکن است آزادی‌های کاربران فضای مجازی را محدود نماید.

با بررسی پیشینه‌ی پژوهش، مشخص است؛ تحقیقاتی که تاکنون صورت گرفته از بُعد علوم سیاسی و جغرافیای سیاسی به موضوع مرز سایبری توجه کرده، اما پژوهش حاضر از بعد حقوق عمومی نیز به موضوع مرز سایبری پرداخته است. هم چنین تعریفی که در این مقاله از فضای مجازی ارائه شده است در سایر پژوهش‌ها مدنظر نبوده و بیشتر، فضای مجازی از بُعد فنی و سخت‌افزاری مورد توجه قرار گرفته، در حالی که بعد نظامات اجتماعی فضای مجازی اهمیت بسیار زیادی دارد. از طرف دیگر، پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط با مرز فضای مجازی به علت زمان تألیف، متوجه تغییرات جدید و شیوه‌های نوین مرزگذاری در فضای مجازی نبوده‌اند و به همین دلیل اقدامات اخیر سایر کشورها از جمله چین و اقدامات ایران در ارتباط با شبکه‌ی ملی اطلاعات مورد بررسی قرار نگرفته است.

۳. ملاحظات مفهومی و نظری

۳-۱. تعریف مفاهیم

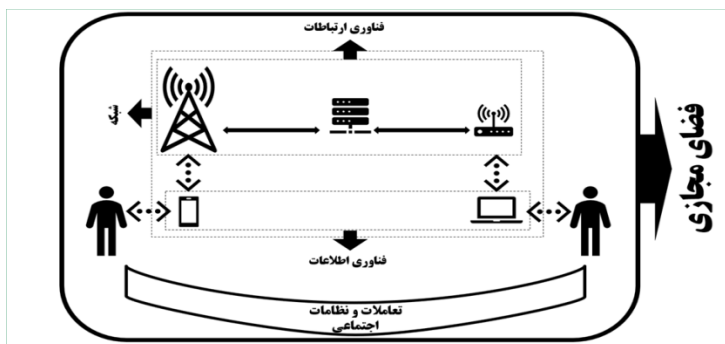
تعاریف متفاوتی از فضای مجازی^(۱) ارائه شده است، با این وجود، تعریف جامعی از این واژه که مورد توافق باشد، وجود ندارد. به‌طور مثال، کرامر^۱، بیست و هشت تعریف متفاوت برای فضای مجازی احصا کرده است (Karmer, 2009, p. 1). در یک نگاه کلی به تعریف‌های مختلف، بسیاری از تعاریف جامع و مانع نیستند، بلکه تنها به ابعاد فنی فضای مجازی توجه کرده‌اند. به‌طور مثال مایر و همکاران^۲ در تعریف فضای مجازی بیان می‌کند: «فضای مجازی یک دامنه پویا و جهانی است که با استفاده ترکیبی از الکترون‌ها و طیف الکترومغناطیسی مشخص می‌شود. هدف از آن ایجاد، ذخیره، اصلاح، تبادل، اشتراک، استخراج، حذف و استفاده از اطلاعات و از هم گسیختن منابع فیزیکی است» (Mayer, 2014, p. 2). لغت‌نامه‌ی

1. F. D. Kramer

2. M. Mayer; L. Martino; P. Mazurier & G. Tzvetkova.

آکسفورد، واژه‌ی فضای مجازی (cyberspace) را این‌گونه تعریف کرده است: «فضایی تئوری که ارتباطات کامپیوتری در آن رخ می‌دهد» (Oxford Online Dictionary, 2020). یا در سندی تحت عنوان واژه‌نامه‌ی مشترک آمریکا و روسیه در موضوع امنیت سایبری^۱، بیان شده است: «یک محیط الکترونیکی و غیر فیزیکی است که از طریق آن اطلاعات ایجاد، ارسال، دریافت، ذخیره، پردازش و حذف می‌شوند» (Godvin III, Kulpin, Rauscher, & Yaschenko, 2014).

بسیاری از تعاریف فضای مجازی، به فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) تنزیل یافته است. از دیدگاه مانوئل کاستلز^۲ فناوری اطلاعات مرسوم، در دودسته قرار می‌گیرند، فناوری پردازش اطلاعات و فناوری ارتباطات (سلطانی نژاد، اسلامی، & راستگو، ۱۳۹۵، ص. ۸۶). اما باید توجه کرد که اولاً، آنچه فضای مجازی را فضای مجازی می‌کند، اتصال فناوری‌های اطلاعات توسط فناوری‌های ارتباطات نیست، بلکه نظر مثبت کاربران است که این نوع از اتصال را مؤثر دانسته و بر این بستر با یکدیگر ارتباط می‌گیرند. بر این اساس است که فضای مجازی در حکم عالم واقع قرار می‌گیرد. پس تعریف فضای مجازی همان‌طور که در تصویر ۱ مشهود است عبارت است از: «نظام‌های اجتماعی که از تعامل کاربران بر بستر شبکه و فناوری اطلاعات و ارتباطات، شکل می‌گیرد» (آزادی، ۱۳۹۷، ص. ۱۶۶).



تصویر ۱. تعریف فضای مجازی

1. The Russia-U.S. Bilateral on Cybersecurity – Critical Terminology Foundations
2. Manuel Castells

کلمه‌ی مرز در معانی مختلفی به کار می‌رود، در تعریف عام لغوی مرز عبارت است از: «هر چیز مشخص‌کننده یا محدودکننده حد و دامنه چیزی»^(۲). موضوع مورد پژوهش در این مقاله رویکرد پژوهش راجع به مرز، سیاسی و حاکمیتی است. از زمانی که دولت‌ها بنابر خواست ملت‌ها به وجود آمدند، مرز مفهوم نوین خود را یافت و منطقه سرحدی جای خود را به خط مرزی داد. امروزه، خطوط مرزی دارای ارزش حقوقی و بین‌المللی می‌باشند، زیرا در سازمان ملل متحد ثبت شده‌اند و توسط کشورها نیز به رسمیت شناخته شده‌اند (رنجکش & کشاورز، ۱۳۹۲، ص. ۷۲).

با مروری بر تعاریف مختلفی که از پدیده مرز ارائه شده است، در عین تنوع تعاریف و تعبیر، ماهیت واحدی از مفهوم مرز قابل برداشت است. «مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا کشور، از دیگر واحدهای مجاور و به عبارتی جداساز قلمرو حاکمیتی دو نظام سیاسی است». هسته‌ی اصلی تعریف مرز عبارت است از اینکه؛ مرز تعیین‌کننده‌ی حدود حاکمیت یک کشور است. اما در تعریف‌های مختلف، عناصر دیگری نیز برای تعریف مرز در نظر گرفته شده است که به‌عنوان عناصر فرعی و تبعی در تعریف مرز در نظر گرفته می‌شود که بیشتر ناظر به کارکرد مرزها است نه تعریف چیستی مرز؛ عامل تشخیص و جدایی کشورها، بزرگ‌ترین عامل امنیت و استقلال (رحمتی راد، ۱۳۷۴، ص. ۳)، به وجود آورنده‌ی وحدت سیاسی در کشور (زرقانی، ۱۳۸۶، ص. ۹۹)، مطابق قواعد خاصی در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا و افکار مانع ایجاد می‌کند (میرحیدر، ۱۳۸۵، ص. ۱۱۴)، قراردادی است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱، ص. ۴۰) و آغاز نقطه تعامل با سایر کشورهاست (کبیری، جان‌پرور، & زرقانی، ۱۳۹۶، ص. ۹۳).

۳-۲. مبانی نظری

دولت مفهومی است که در قلب مفاهیم علوم سیاسی و حقوق عمومی قرار می‌گیرد و اساساً موضوعات و مسائل این علوم، حول مفهوم دولت شکل می‌گیرد. دولت به معنای مدرن و امروزی، پس از شکل‌گیری قرارداد و ستفالی تحت عنوان

دولت - ملت‌ها^۱ یا دولت‌های ملی شکل گرفت. تعاریف متفاوتی از دولت‌های مدرن ارائه شده است، اما اگر بخواهیم قدر مشترکی از تعاریف را به عنوان مفهوم دولت بیان کنیم، باید به عناصر اصلی تشکیل دهنده دولت بپردازیم. دولت «به گروهی از افراد انسانی اطلاق می شود که در سرزمینی معین ساکن و تحت تابعیت یک قدرت سیاسی عالی باشند» (غمامی، ۱۳۹۰، ص. ۶۲). بنابراین وجود دولت - ملت‌ها مستلزم وجود سه عنصر جمعیت، سرزمین و قدرت عالی است. برای بررسی جایگاه مرز در علوم سیاسی و حقوق عمومی، باید به بررسی جایگاه مرز در هر یک از این سه عنصر پرداخت.

عنصر جمعیت در شکل‌گیری دولت - ملت‌ها به عنوان خمیرمایه در نظر گرفته می‌شود (قاضی، ۱۳۹۳، ص. ۵۷)، اما مفهوم جمعیت صرفاً به معنای کنار هم قرار گرفتن توده‌ای از افراد نیست، بلکه افراد باید احساس همبستگی کنند. طبق نظریه‌ی ملت که قدرت تبیین‌کنندگی بالاتری برای مفهوم جمعیت دارد، عوامل مختلف مادی و معنوی می‌تواند در احساس همبستگی جمع دخیل باشد (غمامی، ۱۳۹۰، ص. ۶۳-۶۵). یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد همبستگی در میان جمعیت در سیر تاریخی کشورها مرزها بوده است که توانسته، انسان‌ها را از نژادهای مختلف مذهب‌های مختلف و فرهنگ‌های مختلف متحد و همدل کند.

عنصر سرزمین، مکانی است جغرافیایی که اولاً برای سکونت گروه انسانی و ثانیاً برای تعیین قلمرو اعمال حاکمیت حکومت ضروری است و شامل آب، خاک و فضای هوایی محدود به مرزها است که متناسب با نظام حقوق بین‌الملل و یا معاهدات بین دولت‌ها تعیین و مرزبندی می‌شود (قاضی، ۱۳۹۳، ص. ۶۰). نقش مرز در این عنصر واضح و عامل اساسی محسوب می‌شود و اساساً سرزمین هر دولت - ملت، توسط مرزها از یکدیگر متمایز می‌شود.

عنصر قدرت عالی در واقع، عنصر سازمان‌دهنده به سرزمین و جمعیت برای تأمین اهداف جامعه محسوب می‌شود (غمامی، ۱۳۹۰، ص. ۶۹). قدرت عالی از دو بُعد تشکیل می‌شود که بعد سخت آن به حکومت و بُعد نرم آن به حاکمیت

تعبیر می‌شود. کارکرد حکومت‌ها متناسب با نظریه‌ی دولت و ایدئولوژی حاکم در آن کشور، موسع یا مضیق می‌شود، اما یکی از کارکردهای اصلی در تمامی نظریات دولت، برقراری نظم و امنیت، پاسداری از تمامیت سرزمینی و تلاش برای پیشبرد منافع یکایک شهروندان خویش است (شیرزادی، ۱۳۹۷، ص. ۹۶). در این عنصر نیز مرزها نقش اساسی دارند. در بعد خارجی، برای رفع تعارضات حکومت‌های مختلف و هم‌جوار و هم‌چنین در بحث استقلال و تمامیت ارضی و در بعد داخلی، در تعیین قلمرو صلاحیت حاکمیت دولت‌ها، مرزها نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

از طرفی مرزها، تعیین‌کننده‌ی محدوده‌ی اعمال حق تعیین سرنوشت توسط ملت است. حق تعیین سرنوشت در اسناد مهم بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای دارد ازجمله در بند ۲ ماده ۱ منشور ملل متحد و به‌عنوان یکی از اهداف ملل متحد گنجانده شده است. هم‌چنین ماده ۱ مشترک میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و هم‌چنین میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مقرر می‌دارد که همه‌ی مردم حق تعیین سرنوشت دارند. اکنون، «تعیین سرنوشت» یک اصل اساسی در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. در این اصل بیان می‌شود که مردم حق دارند؛ دولت مستقل، حاکم و حکمرانان خویش را خود تعیین کنند و یک حکومت دموکراتیک داشته باشند (Cassese, 1995, p. 37)، درعین‌حال، دولت‌های دیگر متعهد می‌شوند از مداخله در امور داخلی دیگر دولت‌ها و اشغال سرزمین خارجی و در نتیجه محروم کردن مردم آن از حق تعیین سرنوشت خود، خودداری کنند.

یکی از ویژگی‌های بنیادین هر قانون اساسی، وجود اصلی است درباره حدود و ثغور و نحوه‌ی تغییر و دفاع از مرز یا قلمرو سرزمینی دولت - ملت که به نحوی مؤکد، ویژگی‌های عمومی آن تعیین می‌شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم متکی بر نگاه به درون بوده و هم اتکایی بر نگاه به بیرون داشته است، هم پایبند به مرز جغرافیایی بوده و هم به فراتر رفتن از مرزهای سیاسی به وسیله‌ی مقولات ایدئولوژیک اشاره داشته است (خلیلی، ۱۳۹۰، ص. ۷). با بررسی

مشروح مذاکرات خبرگان قانون اساسی می‌توان به این نتیجه دست‌یافت که خبرگان قانون اساسی، بیش از آنچه به علایق امت‌نگرانه و فرا وطن‌گرایانه (بی‌مرزی عقیدتی) روی آورده باشند، هوادار گرایش‌های مرتبط با کشورداری و مرز جغرافیایی بوده‌اند. از نظر آنان تا زمان دستیابی به دولت فراگیر و جهان‌گیر اسلامی، رابطه (مرزبانی) از مرزهای دولت تازه تأسیس جمهوری اسلامی، امری حقیقی، عینی و واجب به شمار رفته است (خلیلی، ۱۳۹۰، ص. ۴۱).

رویکرد قانون اساسی در موضوع مرز، بیانگر اهمیت و ضرورت پدیده‌ی مرز در حاکمیت است. حال، نکته اساسی این است که با گسترش گستره‌ی حاکمیت حکومت‌ها، از عرصه خاکی، آبی و هوایی سرزمین‌ها به عرصه فضای مجازی به‌عنوان چهارمین قلمرو اعمال حاکمیت حکومت‌ها، آیا ملزومات حاکمیت دولت – ملت‌ها، از جمله مرزها، نباید در عرصه فضای مجازی نیز محقق شود؟

۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت، بنیادین و از نظر روش در دسته‌ی تحقیقات توصیفی – تحلیلی قرار می‌گیرد و برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. در پژوهش حاضر و با مطالعه‌ی منابع، اسناد و نظریات مختلف در ارتباط با مفهوم مرز در علوم سیاسی، حقوق عمومی و مفهوم مرز در فضای مجازی و حاکمیت سایبری، نظرات مختلف دسته‌بندی و تحلیل شده است و نظر مختار بیان شده است. در ادامه، تفاوت‌های مرزهای فیزیکی و مجازی تحلیل شده است و شیوه‌های مرزگذاری و الزامات حقوقی آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. تعریف مرز در فضای مجازی

در این قسمت به این پرسش پاسخ داده می‌شود که مفهوم مرز در فضای مجازی چیست و چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با مفهوم مرز در فضای حقیقی دارد؟ مرزها در فضای مجازی همانند فضای واقعی وجود دارند اما، ماهیت و تجلی آن‌ها

تفاوت می‌کند. کارکرد اصلی آن‌ها نیز همانند فضای واقعی، کنترل تعاملات، جریان و فرآیندهای فضای مجازی در قلمرو حاکمیت کشورها در فضای جغرافیایی هر کشور و انسان‌های مقیم در آن است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۰). در تعریف پدیده‌ی مرز در فضای مجازی، برخی دچار اشتباه شده و همان‌گونه که، فضای مجازی را به فناوری اطلاعات و ارتباطات تقلیل دادند، مرز در فضای مجازی را نیز در سطح فنی فناوری اطلاعات و ارتباطات تقلیل می‌دهند. به‌طور مثال فنگ بیان می‌کند: «مرزها از مجموعه‌ای از دستگاه‌های داخلی پورت شبکه‌ای دولت که مستقیماً به دستگاه‌های شبکه سایر کشورها متصل شده باشد، تشکیل می‌شوند» (Fang, 2018, p. 85). برای تعریف مفهوم مرز در فضای مجازی، می‌توان همان تعریف مرز در فضای فیزیکی را تعمیم داد، یعنی؛ مرز در فضای سایبری نیز «عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا کشور، از دیگر واحدها است»، اما در کارکردها، روش مرزگذاری، آثار و الزامات آن می‌تواند، بسیار متفاوت باشد.

مرز در فضای مجازی، ویژگی‌های خاصی دارد که با مرزها در فضای واقعی، تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد:

- مرزهای واقعی ماهیت فیزیکی دارد، اما مرزهای مجازی ماهیت غیر فیزیکی و دیجیتال دارد،

- مرزها در فضای مجازی هویت، قلمرو و مرزهای حاکمیت کشورها در فضای واقعی را منعکس می‌کند،

- در مرزهای واقعی، همواره دو طرف مجاور وجود دارد اما در مرزهای سایبری یک‌طرف با تمام دولت‌ها، نهادهای غیردولتی و حتی اشخاص هم‌مرز می‌شود،

- شروش‌های مرزگذاری در مرزهای سایبری با مرزهای واقعی متفاوت است،

- روش مرزبانی در دو نوع مرز متفاوت خواهد بود،

- نهادهای مرزبان در دو نوع مرز می‌تواند متفاوت باشد، البته در هر دو مرز ضرورت دارد که هم نهادهای نظامی و انتظامی و هم، نهادهای فنی و تخصصی به مرزبانی کمک کنند،

- مرزهای فیزیکی متکثر و با یکدیگر متفاوت هستند و هر مرزی از اهمیت متفاوتی برخوردار است، اما مرزهای سایبری یکسان‌تر و یکپارچه‌تر از مرزهای فیزیکی به نظر می‌رسد و

- امروزه اهمیت مرزهای سایبری، بسیار بیشتر از مرزهای فیزیکی است. چراکه حجم تهدیدات در مرزهای سایبری بسیار بیشتر از تهدیدات در مرزهای فیزیکی است. به‌طور مثال اگر تهدیدی مثل گروه‌های تروریستی در مرزهای فیزیکی وجود داشته باشد، تنها مرزنشینان مورد تهدید واقع می‌شوند، اما در مورد فضای مجازی اگر تهدیدی از مرزهای سایبری ملی عبور کند، هم‌زمان کل کشور تهدید می‌شود.

یکی از مهم‌ترین عواملی که اعتبار مرزهای در فضای مجازی را ضروری می‌نماید، بحث هویت‌یابی و هویت‌سازی ملت‌هاست. با توجه به این‌که، یکی از نیازهای اساسی بشری هویت است، انسان‌ها در هر قالبی از قوم، اقلیت، ملت، گروه‌های دینی، مذهبی و ... از ابعاد هویتی خود در برابر فرآیندهای همگون‌سازی جهانی شدن دفاع خواهند کرد و بیش از گذشته به واپایش مرزهای محلی، ناحیه‌ای و ملی خواهند پرداخت (عبادی نژاد، نصرتی، & مستجابی، ۱۳۹۲، ص. ۵۹). بنابراین، یکی از عوامل ضرورت و ایجاد مرزها در فضای مجازی، مانند مرزها در فضای واقعی، کارکرد هویت‌یابی و هویت‌سازی است که به نظر می‌رسد این نیاز بشر در فضای مجازی نیز نمود پیدا خواهد کرد و شاهد مرزبندی‌های بیشتری در فضای مجازی خواهیم بود.

۵-۲. مبانی ضرورت مرزگذاری در فضای مجازی

این بخش در پاسخ به این سؤال ارائه شده است که ضرورت مرزگذاری در فضای مجازی چیست؟ و آیا اساساً، مداخله دولت‌ها در فضای مجازی ضرورت دارد؟ رویکردهای مختلفی پیرامون امکان‌سنجی پدیده‌ی مرز در فضای مجازی مطرح شده است، اما ریشه امکان‌سنجی مرز سایبری به مسئله کلان‌تری برمی‌گردد که همان به رسمیت شناختن حاکمیت ملی در عرصه فضای مجازی است. در یک دسته‌بندی کلی، اندیشمندان در رابطه با حاکمیت سایبری در دو دسته

قرار می گیرند:

الف- معتقدین به جهانی سازی^۱ یا لیبرال ها که اعتقاد به عدم مداخله دولت ها در عرصه فضای مجازی دارند.

ب- رئالیست ها که مخالف جهانی سازی و معتقد به ضرورت حاکمیت ملی سایبری هستند.

برای بررسی مهم ترین دلایل هر گروه از روش تحلیل نگاشت احتجاجات طرفین استفاده می شود:

مفهوم جهانی شدن در میان محققان برداشت یکسانی ندارد. این ابهام نیز به دلیل چندوجهی بودن پدیده یا فرایند جهانی شدن است (گل محمدی، ۱۳۸۳، ص. ۱۸). معتقدین به جهانی سازی بر این باورند که با توسعه و تحولات فناوری اطلاعات و ارتباطات، مرزها به عنوان نماد قدرت حکومت ها، با چالشی جدی مواجه شده اند (Kearney, 2004, p. 35). برخی معتقدند مرزهای جغرافیایی تا حدود زیادی بی معنا شده اند (Stanbury & Vertinsky, 1994, p. 87). برخی گفته اند؛ انقلاب ارتباطات و اطلاع رسانی به زوال و مرگ فاصله منجر می شود و پیامد آن جهان بدون مرز است (Cairncross, 1997, p. 23). تا جایی که مارشال مک لوهان^۲ از دهکده جهانی سخن به میان آورد و بارلو^۳ اعلامیه ی «استقلال فضای مجازی» را تنظیم کرد تا مانع از مداخله ی دولت ها در فضای مجازی شود. بارلو فضای مجازی را فضایی خودتنظیم، معرفی نمود که نیازی به تنظیم گری حکومت ها ندارد (Ziolkowski, 2013, p. 193). در عصر جهانی شدن، نقش دولت ها از حالت دستورده و ناظر خارج می شود. فضای مجازی، هیچ سرزمینی ندارد و هیچ اقتدار واحدی بر آن حاکم نیست (صدوقی، ۱۳۸۶، ص. ۴۷). امروز تفکر جدیدی نسبت به مرزهای مجازی به وجود آمده است که فضای مجازی را فضایی بین المللی، مانند دریای آزاد، قطب جنوب و فضای ماورای جو تلقی می کند (جان پرور، ۱۳۸۷، ص. ۹۸). همان گونه که در این سه فضا هیچ حاکمیتی

1. Globalization

2. Marshall McLuhan

3. John Perry Barlow

وجود ندارد و صلاحیت حکومت‌ها در آن‌ها بر اساس ملاحظه‌های دیگری مانند تابعیت تعیین می‌شود، در فضای مجازی نیز صلاحیت حکومت‌ها بر مبنای سرزمین تعیین نمی‌شود.

برخلاف رویکرد اول منتسب به جهان‌گرایان، اگرچه فرایندها در این فضا غیردولتی و فرا سرزمینی است، ولی رویکردها و پاسخ‌ها اکثراً دولتی، سرزمینی و مبتنی بر مرزهاست که در تقابل با جریان‌های مورد نظر ایجاد می‌شود و مؤلفه‌ی امنیت نیز موجب تلاش برای مرزسازی‌های مجدد می‌گردد (حیدری فر، ۱۳۸۹، ص. ۸۹). با توسعه‌ی اینترنت، شبکه به دنیای واقعی متصل و واقعیت حقوقی، داخل فضای مجازی شده است و پدیده‌هایی مانند «جرائم مجازی» و «تروریسم مجازی» به وجود آمد. جنبه‌های مختلفی از مسائل تجاری و مالی مانند قوانین مالیاتی، حقوق مالکیت معنوی، تجارت الکترونیک و ...، حکومت‌ها را واداشته تا نسبت به تنظیم حقوق در عرصه فضای مجازی چاره‌اندیشی کنند (Thornton, 1997, p. 8). از طرفی پیشرفت تکنولوژی منجر به تقویت مرزها نیز شده است، مانند ماهواره‌ها و تکنولوژی‌های احراز هویت بیومتریک و ... که برای کنترل و مدیریت مرزها مورد استفاده قرار گرفته، به شکلی که امروزه مرزهای هوشمند مطرح شده‌اند.

فضای مجازی از هر حیث بر فضای واقعی تکیه دارد، بنابراین با توجه به اصالت فضای واقعی و به‌ویژه، نقش فعال انسان نسبت به فضای مجازی و اینکه مؤلفه‌های قلمرو و مرز از خصلت‌های ذاتی زندگی جمعی انسان‌ها است که در رفتار سیاسی آن‌ها تبلور می‌یابد، تصور نابودی و زدایش مفاهیم و مؤلفه‌های قلمرو، مرز و حکومت از فضای مجازی، ممکن نیست. بر پایه‌ی این استدلال، مؤلفه‌ها و مفاهیم قلمرو، مرز و حکومت، ابدی و انکارناپذیر بوده و با تحولات فناوری از قبیل فضای مجازی و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و تجلی‌های دیجیتالی آن از بین نمی‌رود. ولی موقعیت، کارکرد، تعامل و ماهیت آن‌ها دچار تحول می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰، ص. ۹۹).

از طرفی حق تعیین سرنوشت، که ایجاب می‌کند مردم هر کشور بر سرنوشت

سیاسی خود حاکم باشند، در عرصه سایبری نیز حاکم است. به همین جهت، اعمال حاکمیت بر اساس اراده ملت‌ها در عرصه سایبری مستلزم وجود حکومت و مرزهای سیاسی است تا محدوده این صلاحیت را مشخص نماید.

بر اساس قاعده‌ی اول از دستورالعمل تالین^۱ در مورد حقوق بین‌الملل قابل اعمال در جنگ سایبری «یک دولت می‌تواند بر زیرساخت‌ها و فعالیت‌های سایبری در سرزمین تحت حاکمیتش اعمال کنترل کند» (Schmitt, 2013, p. 25). این قاعده، حاکی از آن است که هرچند هیچ دولتی نمی‌تواند ادعای حاکمیت بر تمام فضای مجازی را نماید، با وجود این، می‌تواند بر هرگونه زیرساخت سایبری و فعالیت‌های سایبری در سرزمین خود، اعمال حاکمیت کند. درواقع، برخورداری از حاکمیت دلالت بر آن دارد که یک دولت می‌تواند دسترسی به سرزمینش و استفاده از آن را، از جمله دسترسی به زیرساخت‌های سایبری و استفاده از آن را از حیث حقوقی و عملی - به لحاظ برخورداری از قدرت انحصاری تصمیم‌گیری در خصوص اقدامات تقنینی، اجرایی و قضایی - کنترل کند، چراکه دولت به‌طورکلی، در حدود معین‌شده به موجب معاهدات و حقوق بین‌الملل عرفی از حق انحصاری اعمال صلاحیت و قدرت در سرزمینش برخوردار است (Tuukkanen, 2018, p. 38). درنتیجه، دولت‌ها دو قلمرو حاکمیتی دارند؛ فضای جغرافیایی واقعی و فضای جغرافیایی مجازی که هر دو مرتبط و وابسته به یکدیگرند و فضای مجازی درواقع انعکاس مجازی فضای واقعی است. بنابراین، اصل حاکمیت حکومت ملی بر هر دو فضا از پایداری برخوردار است، هرچند ممکن است کیفیت و سطح آن بین دولت‌ها متفاوت باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۶).

درنهایت، دولت‌ها به این نتیجه رسیدند که تنها دو راه پیش رو دارند، یا حاکمیت سایبری را در قلمرو مرزهای فضای مجازی خودشان به رسمیت بشناسند و از ایده‌های جهان بدون مرز و جامعه باز، صرف‌نظر کنند و یا اینکه در برابر جهانی‌شدن موضعی انفعالی بپذیرند و سرنوشت کشور خود در عرصه‌های مختلف را به دست کشورهای هژمون بسپارند. همین امر، سبب ایجاد ایده‌هایی

1. Tallinn Manual 2.0 on the International Law Applicable to Cyber Operations

مانند اینترنت چینی و اینترنت اروپایی و تقویت شبکه ملی اطلاعات در کشورهای مختلف شده است. همان ضرورت‌هایی که ایجاب می‌کند دولت در فضای حقیقی وجود داشته باشد و اعمال حاکمیت کند، همان ضرورت‌ها هم ایجاب می‌کند دولت و حاکمیت در فضای مجازی وجود داشته باشد. با پذیرش ضرورت حاکمیت سایبری ملی در عرصه‌ی فضای مجازی، طبیعتاً ضرورت وجود مرزهای سایبری هم اثبات می‌شود.

۵-۳. شیوه‌های مرزگذاری در فضای مجازی

در این قسمت، پاسخ روش‌های مرزگذاری در فضای مجازی چیست، تبیین می‌شود. با توجه به نوین بودن عرصه‌ی فضای مجازی دولت - ملت‌ها هنوز به شیوه‌های منسجم و ثابتی از مرزگذاری در فضای مجازی نرسیده‌اند، اما با ملاحظه‌ی تجربه‌ی انباشته کنونی، می‌توان روش‌های مرزگذاری در فضای مجازی را به دودسته کلی تقسیم نمود. یک دسته از روش‌ها مرزگذاری در فناوری ارتباطات و یک دسته از روش‌ها، مرزگذاری در فناوری اطلاعات است. هرکدام از شیوه‌ها ممکن است هم در فناوری اطلاعات و هم در فناوری ارتباطات استفاده شود، اما بنا بر غلبه در هر دسته، جزء آن دسته محسوب می‌شود. همچنین مرزگذاری فنی از مرزگذاری اقتصادی و فرهنگی جدا نیست و هر شیوه مرزگذاری می‌تواند، اثرات اقتصادی و فرهنگی نیز به همراه داشته باشد، پس در تجویز شیوه‌های مرزگذاری در فضای مجازی باید به پیوست فرهنگی و اقتصادی هر روش توجه نمود.

- شیوه‌های مرزگذاری در فناوری ارتباطات: کنترل سیستم مسیریابی^۱ و نام دامنه^۲، کنترل دروازه‌های مرزی^۳ اینترنت و پروتکل‌های مرزی^۴، کنترل ترافیک داده‌های خارجی و داخلی، کنترل پهنای باند، فیلترینگ، ایجاد دیواره آتش^۵ ملی،

-
1. Routing
 2. Domain Name System
 3. Gateway
 4. BGP or Border Gateway Protocol
 5. Firewall

استفاده از شیوه‌های کاوش فعال^۱، ذخیره‌سازی داده‌ها در سرورهای ملی، ایجاد شبکه‌ی ملی اطلاعات و کنترل کاربران از طریق نقطه اتصال به شبکه، توسط ارائه‌دهندگان خدمات اینترنت^۲.

- **شیوه‌های رمزگذاری در فناوری اطلاعات:** فیلترینگ محتوا، احراز هویت^۳ کاربران، رمزگذاری در پلتفرم‌ها، ایجاد قواعد رمزگذاری محتوایی، ابزارهای امنیت اطلاعات، رمزگذاری با قواعد حریم خصوصی و حفاظت از داده‌ها. هر یک از شیوه‌های مذکور، توضیحات مبسوط و ملاحظات حقوقی، اقتصادی و فرهنگی خاص خود را داشته و هر شیوه، مزایا و معایب خاص خود را دارد که هر دولتی متناسب با سیاست‌های کلان خود می‌تواند از روش‌های مطلوب استفاده کند تا آسیب‌های موجود در این عرصه را به حداقل برساند.

ساده‌ترین روش برای مشخص کردن رمز سایبری، تعمیم روش رمزگذاری سرزمینی در فضای حقیقی به فضای مجازی است. مکانی که کابل‌های انتقال داده از مرزهای ملی فیزیکی عبور می‌کنند، می‌تواند به‌عنوان یک گذرگاه مرزی سایبری شناخته شود. البته، این قیاس دچار نقص است زیرا همه‌ی داده‌ها از طریق کابل‌های مرزی اینترنت منتقل نمی‌شود و داده‌ها می‌توانند از طریق روش‌های دیگری به‌عنوان مثال از طریق ماهواره تبادل شوند که برای روش‌های دیگر انتقال داده، باید مرزهای دیگری تعبیه کرد. بنابراین، رمز سایبری می‌تواند به‌عنوان نظیر FEB^(۳) در فضای واقعی که در آن داده‌ها در اولین نقطه‌ی ممکن از لحاظ عملی، تحت بازرسی قرار می‌گیرند تعریف شوند، مانند یک روتر شبکه، سرور رایانه، رایانه شخصی یا سایر دستگاه‌های شبکه (Osborn, 2017, p. 6).

یکی از مفاهیمی که در فضای مجازی با مفهوم قلمرو در فضای واقعی انطباق می‌یابد، مفهوم نام دامنه (Domain) است. نام دامنه، نامی است که از سوی سازمان پشتیبانی نام‌های دامنه که وابسته به آیکان^(۴) است، به سایت‌ها اختصاص داده می‌شود. نام دامنه از ارقام و حروفی تشکیل شده که سه مؤلفه‌ی اصلی آن عبارت است از زیر

-
1. Active Probing
 2. Internet service providers (ISP)
 3. Authentication

دامنه، نام دامنه و کارساز (که در دودسته «نام‌های سطح اول عام» که فاقد ماهیت جغرافیایی هستند مانند .net، .org، .com و ... و «نام‌های سطح اول کشوری» که از هویت جغرافیایی برخوردار است مانند .uk، .ir و ... است. نظام نام‌گذاری برای بازیگران، میزبانان و کاربران در فضای مجازی بیانگر فرایند قلمروسازی و حریم دیجیتالی برای فعالیت‌ها و نقش‌های ایفا شده در فضای مجازی است که در مورد نام‌های جغرافیایی درواقع، مبتنی بر قلمروهای سرزمینی حکومت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای در فضای واقعی است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۱).

احراز هویت کاربران فضای مجازی نیز می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قواعد مرزگذاری در این فضا عمل کند. کارکرد احراز هویت در فضای مجازی، متناظر با کارکرد گذرنامه و اجازه ورود در فضای واقعی است. به‌طور مثال؛ در پی مقررات گذاری اخیر مجلس ترکیه، پیام‌رسان‌های اجتماعی باید در ترکیه دفتر نمایندگی تأسیس کنند و هم‌چنین موظف‌اند برای ایجاد حساب کاربری برای اشخاص، آن‌ها را از طریق کد ملی احراز هویت کنند^(۵).

برخی کشورها، قوانینی را وضع کرده‌اند که داده‌های شهروندان باید درون مرزهای ملی آن کشورها باقی بماند که به آن محلی‌سازی داده‌ها یا ملی‌گرایی داده، گفته می‌شود (حسنی، ۱۳۹۸، ص. ۹). بر اساس قانون محلی‌سازی داده در روسیه که به‌طور رسمی قانون فدرال شماره 242-FZ نام دارد، همه شرکت‌های داخلی و خارجی ملزم شدند تا اطلاعات شخصی شهروندان روسیه را روی سرورهایی ذخیره‌سازی و پردازش کنند که به‌طور فیزیکی درون مرزهای روسیه قرار گرفته‌اند (حسنی، ۱۳۹۸، ص. ۱۴). قانون امنیت سایبری مصوب ۲۰۱۷ در چین نیز محدودیت‌های مهمی برای ذخیره‌سازی اطلاعات مرتبط با کاربران چینی در سرورهای محلی وضع نموده است^(۶).

پدیده‌ی مرز در فضای مجازی الزامات گسترده‌ای، در ابعاد مختلف دارد که باید مورد توجه دولت‌ها قرار بگیرد. به‌طور کلی می‌توان این الزامات را در ابعاد مختلف به‌صورت زیر دسته‌بندی کرد:

- در بعد اقتصادی: الزامات تجارت الکترونیک داخلی و بین‌المللی، گمرک

سایبری، مالیات و عوارض ورود و خروج داده‌ها.

- در بعد فرهنگی - اجتماعی: الزامات مهاجرت سایبری، مبادلات فرهنگی در فضای مجازی، تهاجم فرهنگی، تبلیغات در فضای مجازی.

- در بعد سیاسی - حکمرانی: الزامات شیوه‌ی جدید حکمرانی اینترنت با توجه به رسمیت شناختن حاکمیت‌های ملی در این عرصه، بازتوزیع قدرت میان حاکمیت و بازیگران.

- در بعد امنیتی - نظامی: الزامات دفاع سایبری، مرزبانی سایبری، پدافند سایبری، حملات سایبری^(۷)، تروریسم سایبری، جنگ سایبری^(۸).

- در بعد حقوقی: الزامات تابعیت مجازی، حقوق بشر و شهروندی در فضای مجازی، جرائم مختلف سایبری مرتبط با مرزها مثل قاچاق، جاسوسی، ورود یا خروج غیرقانونی، معاهدات مرزی سایبری.

ایجاد مرزهای سایبری، الزامات حقوقی متفاوتی خواهد داشت. در مرحله‌ی اول، توجه به نهادهای وابسته به مرز و بازتعریف آن‌ها، مطابق با مقتضیات جدید و ایجاد صلاحیت قانونی برای آن‌ها توسط اصلاح قوانین موجود است مانند گمرک، مرزبانی نظامی، مناطق مرزی، گذرنامه و روادید، احراز هویت، مالیات و عوارض، صادرات و واردات و نهادهای مرتبط دیگر. در مرحله بعد تصویب قانونی جامع، با توجه به سیاست‌های کلان کشور در حوزه حاکمیت سایبری، برای تثبیت نهاد مرز و تعیین سازوکارها و نهادهای مرزبانی. در سال ۱۳۹۷ و هم‌چنین سال ۱۴۰۰، پیش‌نویس طرح‌هایی در خصوص ساماندهی فضای مجازی در مجلس مطرح شده است که در هر یک، ماده‌ای به مرزبانی سایبری اختصاص یافته است و بصورت خیلی کلی و مبهم، مرزبانی دیجیتال را بر عهده‌ی ستاد کل نیروهای مسلح قرار داده است^(۹). فارغ از تحلیل این ماده از پیش‌نویس، به نظر می‌رسد تعیین تکلیف برای موضوعی مهم در سطح ملی با جزئیات مختلف، در یک ماده، در شأن این موضوع نیست.

مرزگذاری در فضای مجازی در بُعد حقوق بین‌الملل هم الزاماتی به همراه دارد. یک راه‌حل برای مسئله‌ی تهدیدهای سایبری خارجی، تکامل مفهوم مرز

سایبری است. پس از تعریف مفهوم مرز سایبر، دولت می‌تواند از قوانین و مقامات سنتی برای محافظت بهتر ملت در برابر تهدیدهای سایبر خارجی و فعلی استفاده کند (Osborn, 2017, p. 3). اصل حاکمیت ارضی در فضای مجازی نیز اعمال می‌شود و از زیرساخت‌های سایبر واقع در قلمرو یک کشور محافظت می‌کند. کشورها از دخالت در ساخت‌وسازهای سایبری واقع در خاک یک کشور دیگر ممنوع هستند (Czosseck, 2018, p. 3).

۴-۵. امکان‌سنجی فنی تحقق مرز در فضای مجازی

در این بخش، پاسخ سؤال رویکرد کشورهای مختلف ازجمله چین و ایران در قبال مرز سایبری چه بوده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فرض صحت رویکرد جهان‌گرایان، بحث از امکان‌سنجی مرز در فضای مجازی بی‌معناست، چراکه حاکمیتی در فضای مجازی وجود ندارد که مرزها را محقق کند. اما، نظر به رویکرد قائلین به حاکمیت سایبری، دو رویکرد مخالف و موافق امکان تحقق مرز سایبری وجود دارد. مخالفین امکان تحقق مرز سایبری، دلایل و توجیهات متفاوتی بیان می‌کنند. ازجمله این که هرچند بپذیریم مرز سایبری ضرورت دارد، اما به‌طور فنی اصلاً امکان مرزگذاری فیزیکی در فضای مجازی، مانند مرزهای کشورها قابل‌تصور نیست. فناوری‌ها تمرکزگریز، کنترل‌گریز یا فیلترگریز هستند و فناوری‌های جدید مانند بلاک‌چین این امر را مشهود کرده است، از طرفی امکان نفوذ و گذر از مرزهای سایبری به‌راحتی ممکن است و شبکه‌های مخفی یا خصوصی مجازی (VPN) یا پروکسی‌ها (Proxy) این امر را تسهیل کرده‌اند. ایجاد مرزهای سایبری بسیار هزینه‌بر و کم‌بازده است. مرزگذاری در اینترنت، خلاف اصل جریان آزاد اطلاعات حقوق بشر و شهروندی و آزادی‌های اساسی است.

اما قائلین به امکان تحقق مرز سایبری از روش مثال نقض ادعای مخالفین را رد می‌کند. سیر تاریخی دو دهه‌ی اخیر کشورهای مثل چین، کره جنوبی، روسیه و حتی کشورهای اروپایی در بحث شبکه‌ی ملی اطلاعات و فیلترینگ بیانگر این است که برای این کشورها، مسئله‌ی مهم در مواجهه با فضای مجازی، حفظ حاکمیت، اقتدار دولت در فضای مجازی، استقلال این فضا از اعمال نفوذ سایر

کشورها و همچنین ایجاد نهادهای بین‌المللی ذیل سازمان ملل برای حکمرانی جهانی فضای مجازی در سطح بین‌المللی بوده است و رویکرد امنیتی در مدیریت کلان فضای مجازی در این کشورها اهمیت ویژه‌ای دارد.

در چهارمین اجلاس بین‌المللی مخاصمات سایبری در سال ۲۰۱۲، کایر گیلز^۱ از مرکز تحقیقات مطالعات مخاصمات، در مقاله «موضع عمومی روسیه در مورد فضای مجازی» تحلیل زیر را ارائه داد: «روسیه به همراه تعدادی از ملل متفکر (به‌عنوان مثال اعضای CIS، CSTO و SCO)، از ایده‌ی کنترل ملی کلیه منابع اینترنتی که در مرزهای فیزیکی یک کشور قرار دارد، حمایت می‌کند و ... هر کشور عضو حق دارد هنجارهای حاکمیتی را تنظیم کند و فضای اطلاعات خود را مطابق قوانین ملی خود مدیریت کند» (Giles, 2012, p. 65).

۵-۵. تجربه چینی

برای چین، بسیار مطلوب است که مرزهای خود را در فضای مجازی تحکیم کند و در این زمینه اراده‌ی جدی وجود دارد. علاوه بر این، چین در این موضع تنها نیست. الگوی چینی کنترل اطلاعات اجتماعی و ترجیحات گسترده‌تر تجارت، شیوه نئوکپیتالیستی^۲ آن‌ها طنین قدرتمندی در بقیه دولت‌های غیر غربی دارد (Demchak, 2018, p. 56).

اداره‌ی فضای مجازی چین (CAC) با مأموریت روشن ساختن حدّ و مرز ساختارهای کنترل اینترنت در چین در سال ۲۰۱۳ تأسیس شد. این اداره کل، بازوی اجرایی شورای عالی امنیت اینترنت و توسعه‌ی جامعه اطلاعاتی چین است. در جامعه بین‌المللی، CAC همواره یکی از حامیان مفهوم حاکمیت سایبر است. با توجه به این مفهوم، هر کشوری حق دارد که پیش‌نویس قوانین اینترنتی خود را تهیه و اجرا نماید (رضاپور، ۱۳۹۸، ص. ۴).

کشور چین در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۸، پروژه‌ای تحت عنوان «سپر طلایی» اجرا نموده است. بازه‌ی زمانی اجرای پروژه، حدود یک دهه است که

1. Keir Giles

2. Neo-Capitalistic

فاصله‌ی زمانی قابل توجهی محسوب شده و نشانگر اهمیت ملی پروژه است. تخمین زده می‌شود افراد فعال در این پروژه بین ۳۰ تا ۵۰ هزار نفر بوده‌اند. یکی از خروجی‌های این پروژه، فایروال بزرگ چین بوده که معادل سایبری دیوار بزرگ چین دانسته می‌شود. اجرای این پروژه را می‌توان برابر راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات در کشورمان دانست که البته بسیار زودتر آغاز شده و بالطبع زودتر نیز خاتمه یافته و به بهره‌برداری رسیده است. از دیگر اقدامات کنترلی صورت گرفته توسط چین، می‌توان به کنترل اطلاعات از مبدأ اشاره نمود. بر این اساس، حکومت چین صاحبان سکویهای خارجی را مجبور به اطاعت از خواسته‌های خود کرده که در غیر این صورت، آن سکو فیلتر خواهد شد. برای مثال، در یک مقطع زمانی، دولت چین، شرکت گوگل را مجبور به نمایش روایتی منحصر به فرد برای کاربران چینی در موضوعی خاص کرده بود. با توجه به توانمندی سپر طلایی چین در بحث فیلترینگ، کمتر سکویی به مخالفت با خواسته‌های حکومت چین تمایل داشته است (رضاپور، ۱۳۹۸، ص. ۹). این قواعد و اقدامات تماماً از جنس قواعد مرزی است.

از طرفی، ایجاد مرز در فضای مجازی هرچند هزینه‌بر است، اما ضروری و مفید است. همان‌طور که ایجاد موانع و استحکامات مرزی و مرزبانی از مرزها در فضای واقعی ممکن است هزینه گزافی بر عهده دولت‌ها قرار دهد، اما هیچ دولتی از ضرورت آن غافل نیست. در شبهه‌ی امکان نفوذ در مرزهای سایبری و فیلترگریزی فناوری، مانند فناوری بلاک چین، باید دقت نمود که ادعای کارآمدی صد درصد مرزهای سایبری اشتباه است، همان‌طور که در مرزهای فیزیکی نیز نفوذ صورت می‌گیرد، ممکن است در مرزهای سایبری نیز نفوذ صورت پذیرد. از طرفی در کنار پیشرفت فناوری‌های فیلترگریز، شاهد پیشرفت فناوری‌های اعمال کنترل و فیلتر هستیم و هر دو نوع فناوری، پایه‌ی یکدیگر در حال رشد و توسعه هستند. بنابراین، دیدگاه صحیح این است که هرچند فناوری‌های فیلترگریز در حال توسعه هستند اما فناوری‌های فیلتر یا کنترل‌کننده نیز در حال توسعه است.

۵-۶. رویکرد ایرانی

دغدغه‌ی ایجاد شبکه ملی اطلاعات در دولت نهم، از سال ۱۳۸۴ ایجاد شد^(۱) و

تاکنون مهم‌ترین اولویت در طرح‌های راهبردی فضای مجازی کشور را به خود اختصاص داده است. اصطلاح شبکه‌ی ملی اطلاعات، متضمن سه کلیدواژه است که به معنای تمامی شبکه‌های عمومی در سطح ملی و سرزمینی است که خصیصه اطلاعاتی داشته باشند^(۱۱). به عبارت دیگر شبکه‌ی ملی اطلاعات، شبکه‌ی تمام شبکه‌های ملی اطلاعاتی کشور است.

از زمان شکل‌گیری دغدغه‌ی شبکه ملی اطلاعات تاکنون، ابهامات گوناگونی در رابطه با چیستی و چگونگی تحقق آن وجود داشته که به مرور زمان برخی از این ابهامات برطرف شده است. در همین راستا، شورای عالی فضای مجازی در سه مصوبه به‌طور خاص به شبکه‌ی ملی اطلاعات پرداخته است: مصوبه‌ی جلسه‌ی پانزدهم با موضوع «تعریف و الزامات حاکم بر تحقق شبکه ملی اطلاعات» مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۳۰، مصوبه جلسه سی و پنجم با موضوع «تبیین الزامات شبکه ملی اطلاعات» مورخ ۱۳۹۵/۹/۲۰ و مصوبه جلسه شصت و ششم با موضوع «طرح کلان و معماری شبکه ملی اطلاعات» مورخ ۱۳۹۹/۶/۲۵^(۱۲). این مصوبات به ترتیب تاریخی، شبکه‌ی ملی اطلاعات را به‌صورت جزئی‌تر و دقیق‌تری تبیین می‌کنند.

در سند تبیین الزامات شبکه‌ی ملی اطلاعات، سند پیشین و ابتدایی شبکه‌ی ملی اطلاعات تشریح شده است. در سند تبیین الزامات به صراحت به مرز سایبری اشاره و بیان شده است، یکی از اصول تحقق شبکه‌ی ملی اطلاعات این است که خدمت ارتباط داخل با شبکه‌های خارجی صرفاً از طریق گذرگاه‌های ایمن مرزی شبکه‌ی ملی اطلاعات که دارای درگاه‌های مشخص اتصال به خارج و اتصال با داخل هستند تأمین می‌شود. در این سند، در تعریف مرزهای شبکه ملی اطلاعات بیان شده است: «مرزهای شبکه ملی شامل مرزهای جغرافیایی بوده ولی عناصر خارج از مرزهای جغرافیایی که توانایی اعمال سیاست‌های حاکمیتی مثلاً از طریق مالکیت بر آن وجود دارد را نیز شامل می‌شود»^(۱۳).

مصوبه «طرح کلان و معماری شبکه ملی اطلاعات»^(۱۴) به جزئیات بیشتری پرداخته و وظایف و صلاحیت‌های نهادهای گوناگون را مشخص کرده است. در

این مصوبه، موضوعات مختلفی اعم از خدمات، ترافیک، محتوا، منابع زیرساختی، سیستم‌عامل‌ها، تلفن‌های همراه، تجهیزات شبکه و سامانه‌های امنیتی به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم شده‌اند و برای هرکدام تکلیفی در نظر گرفته شده است. این دوگانه، بیانگر برجسته‌بودن مرز سایبری در شبکه‌ی ملی اطلاعات است.

در اهداف عملیاتی شبکه‌ی ملی اطلاعات، ذیل ماده ۲ به «تحقق کامل گذرگاه‌های ایمن مرزی» به‌طور مستقیم اشاره شده است. هم‌چنین، در بخش معماری فنی شبکه‌ی ملی اطلاعات در ماده ۳، بین اینترنت بین‌الملل و شبکه‌ی ملی اطلاعات، «گذرگاه‌های ایمن مرزی بین‌المللی» و «دروازه‌های مرزی بین‌المللی» تعبیه شده است که بیانگر امکان تحقق عملیاتی مرزی سایبری است. در ماده ۵ تحت عنوان اقدامات کلان و نگاشت نهادی که وظایف نهادهای مختلف در تحقق شبکه ملی اطلاعات را مشخص کرده است، در بند ۱۴، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات را مکلف به ایجاد و توسعه دروازه‌های مرزی کرده است. از طرفی در بند ۴۱، تکلیف ارتقاء عملکرد گذرگاه‌های ایمن مرزی را بر عهده وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزارت اطلاعات دانسته است، البته وظایف دیگری هم به‌طور غیرمستقیم به مرزهای سایبری اشاره می‌کند، به‌طور مثال بند ۴۴ اجرای طرح ساماندهی VPN‌ها و فناوری‌های حاکمیت‌گریز را بر عهده وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزارت اطلاعات و قوه قضائیه نهاده است.

بنابراین مرز سایبری در اسناد شبکه‌ی ملی اطلاعات، جایگاه خود را پیدا کرده است و باید در عمل نیز محقق شود. اما، توجه به این نکته ضروری است که تعیین و مشخص کردن مرزها در فضای مجازی یکی از الزامات تحقق استقلال در فضای مجازی است، اما مرزهای سایبری، تنها یک مؤلفه در تحقق استقلال است و مؤلفه‌های دیگر مانند تأمین تمام نیازهای اصلی در سه لایه زیرساخت، خدمات و محتوا در بعد داخلی نیز باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. چراکه هرچند مرزهای سایبری پیشرفته‌ای ایجاد گردد، اما اگر درون مرزها، نیازهای کاربران و جامعه، تأمین نشود، به ناچار و برای تأمین نیازها، مرزها به رسمیت شناخته نخواهد شد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مؤلفه‌ی اصلی پژوهش حاضر، بررسی مفهوم و امکان‌سنجی پدیده‌ی مرز در فضای مجازی و بررسی الزامات تعمیم پدیده‌ی مرز به فضای مجازی از جمله، بررسی شیوه‌های مرزگذاری و ضرورت این مرزگذاری است.

مرز، عامل جداساز قلمرو حاکمیتی دو نظام سیاسی و تعیین‌کننده قلمرو سرزمینی اعمال حاکمیت دولت - ملت‌ها و یکی از عوامل هویت‌بخش به ملت‌ها است. همچنین مرزها تعیین‌کننده‌ی محدوده‌ی اعمال حق تعیین سرنوشت، توسط ملت‌ها هستند. مرز سایبری تعریف مشابه با تعریف مرز در فضای فیزیکی دارد و به‌عنوان عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا کشور، از دیگر واحدها در فضای مجازی شناخته می‌شود. اما، روش‌های مرزگذاری آثار و الزامات آن بسیار متفاوت است و برخی کارکردهای متفاوت از مرزهای فیزیکی در پی دارد.

باوجود تهدیدهای بسیار در فضای مجازی در ابعاد مختلف حقوقی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی، لزوم مداخله‌ی دولت‌ها برای برقراری نظم عمومی و تضمین حقوق کاربران، امری ضروری به نظر می‌رسد. در عمل نیز دولت‌های مختلف، اثبات کردند که به مرور، اعمال حاکمیت خود را در فضای مجازی، تقویت و گسترش داده‌اند.

رصد سیر تاریخی دو دهه‌ی اخیر کشورهای مختلف ازجمله چین، کره جنوبی، روسیه و کشورهای اروپایی در مواجهه ملی با فضای مجازی، بیانگر اهمیت حفظ حاکمیت و اقتدار دولتی در فضای مجازی و استقلال این فضا از اعمال نفوذ سایر کشورها و همچنین ایجاد ساز و کار بین‌المللی حکمرانی اینترنت است. کشور چین با ایجاد ساختارهای مختلف و کارآمد و اجرا کردن پروژه‌ی «سپر طلایی» تا حد بسیار زیادی حاکمیت ملی خود را در فضای مجازی، تقویت کرده و از این طریق به مرزبانی در فضای مجازی می‌پردازد.

جمهوری اسلامی ایران نزدیک به ۱۵ سال است که تحقق شبکه‌ی ملی اطلاعات را مهم‌ترین اولویت خود در عرصه‌ی فضای مجازی قرار داده است. فارغ از ارزیابی عملکرد دولت در تحقق شبکه‌ی ملی اطلاعات، سه سند عمده در

طول این سال‌ها به تصویب شورای عالی فضای مجازی رسیده که هرکدام به نسبت قبل، شبکه‌ی ملی اطلاعات را شفاف‌تر و جزئی‌تر مشخص کرده‌اند. مرز سایبری به‌عنوان یکی از ارکان شبکه‌ی ملی اطلاعات پذیرفته شده و مرزبانی سایبری نیز به‌عنوان یکی از اصول شبکه‌ی ملی اطلاعات مطرح شده است. تاکنون مرز سایبری تنها در سطح سیاست‌گذاری و در شورای عالی فضای مجازی تبیین شده است، اما تحقق و عملیاتی شدن مرز سایبری، نیازمند تقنین و خط‌مشی‌گذاری سیاست‌های این حوزه است که تاکنون اقدامی در این سطح صورت نگرفته است. بنابراین پیشنهاد می‌شود در راستای سیاست‌های مصوب شورای عالی فضای مجازی، مجلس شورای اسلامی به تقنین در موضوع مرز سایبری بپردازد و صلاحیت‌ها و تکالیف نهادهای ذی‌ربط را مشخص نماید. سپس نهادهای متولی دولتی به‌خصوص وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در راستای تحقق سیاست‌ها و اجرای قوانین خط‌مشی‌های خود را تنظیم نمایند.

پی‌نوشت‌ها

۱. فضای مجازی در زبان فارسی معادل cyberspace بکار می‌رود.
۲. فرهنگ فارسی عمید، مدخل مرز
۳. جایی که هواپیما فرود می‌آید آنجا معادل عملکردی مرز یا FEB گفته می‌شود. واضح‌ترین مثال FEB می‌تواند به مناطق ورودی خارجی فرودگاه‌های بین‌المللی باشد که مهاجران و بازرسی‌های گمرکی از هواپیماها، مسافران و محموله‌ها به‌دوراز مرز فیزیکی واقعی با معادل کاربردی آن انجام می‌شوند. (Osborn, ۲۰۱۷: ۶)
۴. ICANN: شرکت اینترنتی برای نام‌ها و اعداد واگذار شده، نوعی گروه حاکمیتی چندذینفعی و سازمانی ناسودبر در آمریکا است. مسئولیت شرکت آیکان ایجاد هماهنگی‌هایی در نگهداری و عملکرد پایگاه‌های داده مرتبط با فضای نام و فضای عددی در اینترنت است.
5. <https://www.arabnews.com/node/1706136/middle-east>
6. <https://www.irna.ir/news/83768519>
۷. حملات سایبری، کنش‌های تعمدی برای جایگزینی، درهم گسیختن، فریفتن، منحنط کردن یا تخریب سیستم‌ها یا شبکه‌های کامپیوتری و یا اطلاعات و برنامه‌های این سیستم‌ها هستند (Lin, ۲۰۱۱, p. ۶۳)
۸. جنگ سایبری در لغت به معنای تهاجم بر عناصر سایبری است و اصطلاحاً به مفهوم استفاده دفاعی یا تهاجمی از اطلاعات و سیستم‌های اطلاعاتی با هدف به مخاطره انداختن عناصر اطلاعاتی دشمن (اطلاعات، پروسه‌های مبتنی بر اطلاعات، سیستم‌های اطلاعاتی و شبکه‌های رایانه‌ای) در یک فضای سایبری است (زابلی زاده & وهاب پور، ۱۳۹۷، ص. ۶۱).
9. https://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/show/1084959
10. <http://www.majazi.ir/index.php?module=cdk&func=loadmodule&sy>
11. <https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=46436>
12. http://www.majazi.ir/web_directory/52731
13. <http://www.majazi.ir/circularinformation/80810>
14. <http://www.majazi.ir/circularinformation/80810>

منابع و مآخذ

آزادی، جواد (۱۳۹۷)، امنیت سایبری یا امنیت فضای مجازی، تأملات رشد، (۱)، ۱۶۴ - ۱۶۸.

بدیعی ازنده‌ای، مرجان؛ احمدی فیروزجائی، میثم؛ انصاری زاده، سلمان (۱۳۹۲)، تبیین مفهوم مرز در فضای سیاسی - مجازی ایران، فصلنامه جغرافیا، ۳۶، ۲۹۱ - ۳۱۳. جان‌پرور، محسن (۱۳۸۷). بررسی تحول مفهوم مرز در دوران معاصر، پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)، جغرافیای سیاسی فضای مجازی. تهران: سمت. حسنی، حسین (۱۳۹۸)، محلی سازی داده‌ها، تهران: پژوهشگاه مرکز ملی فضای مجازی. حیدری فر، محمدرئوف (۱۳۸۹)، بررسی انتقادی گفتمان جهان بدون مرز، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۶(۲)، ۱۲۵ - ۱۵۲.

خلیلی، محسن (۱۳۹۰)، مفهوم قلمرو در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: مرز جغرافیایی، بی‌مرزی عقیدتی. راهبرد، ۵۸، ۷ - ۴۵. رحمتی راد، محمد حسین (۱۳۷۴)، مرزبانی، گذرنامه و اتباع بیگانه، تهران: معاونت آموزشی ناجا.

رضاپور، محمد مهدی (۱۳۹۸)، حکمرانی فضای مجازی در کشور چین، تهران: پژوهشگاه مرکز ملی فضای مجازی.

رنجکش، محمدجواد؛ کشاورز، حمیدرضا (۱۳۹۲)، ساختار - کارگزار: چارچوبی تئوریک برای فهم و ارزیابی پدیده مرز. فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۵(۴)، ۶۹ - ۸۷.

زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی، تهران: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.

سلطانی نژاد، احمد؛ اسلامی، محسن؛ و راستگو، محمدزمان (۱۳۹۵)، فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته و تحول مفهوم حاکمیت در روابط بین‌الملل، جستارهای سیاسی معاصر، ۱۷(۱)، ۸۵ - ۱۱۴.

شیرزادی، رضا (۱۳۹۷)، سرزمین و مرز از دیدگاه ژئوپلیتیک، سیاست و حقوق بین‌الملل، علوم و فنون مرزی، ۹(۳)، ۹۱ - ۱۱۹.

- صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۶)، *تکنولوژی اطلاعات و حاکمیت ملی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- عبادی نژاد، سیدعلی؛ نصرتی، حمیدرضا؛ و مستجابی، حمید (۱۳۹۲)، تأثیر جهانی شدن بر مرز در فضای سایبر، *علوم و فنون مرزی*، ۵۳ - ۷۲.
- غمامی، سید محمدمهدی (۱۳۹۰)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قاضی، سید ابوالفضل (۱۳۹۳)، *بایسته‌های حقوق اساسی*، تهران: سمت.
- کبیری، ملیحه؛ جان‌پور، محسن؛ زرقانی، سید هادی (۱۳۹۶)، تبیین و سطح بندی عوامل مؤثر بر اهمیت مرزها؛ با تأکید بر مرزهای خشکی، *پژوهش نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۵ (۲)، ۹۳ - ۱۱۷.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۳)، *جهانی شدن و فرهنگ و هویت*، تهران: نشر نی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، تهران: سمت.
- میرحیدر، دره (۱۳۸۵)، *مبانی جغرافیای سیاسی*، تهران: سمت.
- Cairncross, Francis (1997). *The death of distance: How the communications revolution will change our lives?* Harvard: Harvard school press.
- Cassese, Antonio (1995). *Self-determination of peoples: a legal reappraisal*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Czosseck, Christian; Geers, Kenneth (2018). *Borders in Cyberspace: Can Sovereignty Adapt to the Challenges of Cyber Security?* In F. Hare, *The Virtual Battlefield: Perspectives on Cyber Warfare* (pp. 49 - 74). Amsterdam: IOS press BV.
- Demchak, Chris. C. (2018). *Uncivil and Post-western Cyber Westphalia: Changing Interstate Power Relations of the Cybered Age*. *The Cyber Defense Review*, 49 - 74.
- Fang, Bixing (2018). *Cyberspace Sovereignty; Reflections on Building a Community of Common Future in Cyberspace*. Beijing: Springer Singapore.
- Giles, Keir (2012). *Russia's public stance on cyberspace issues*, 4th international conference on cyber conflict. Tallinn: NATO CCD COE publication.
- Godvin III, James; Kulpin, Andrey; Rauscher, Karl. Fredrick; Yaschenko, Valery (2014). *The Russia-U.S. Bilateral on Cybersecurity: Critical Terminology Foundations 2*. New York: EastWest Institute and the Information Security Institute of Moscow State University.
- Karmer, Franklin (2009). *Cyberpower and national security*. Washington

- D.C.: Center for Technology and National Security Policy.
- Kearney, Michael (2004). The classifying and valuefiltering missions of borders. *Anthropological Theory*, 4(2).
- Lin, Herbert (2011). Responding to sub-threshold cyber intrusions: a fertile topic for research and discussion. *Journal of International Affairs*, 127 - 135.
- Mayer, Marco (2014). How would you define Cyberspace? *First Draft Pisa*.
- Osborn, Phillipe (2017). Cyber Border Security – Defining and Defending a National Cyber Border. *Homeland Security Affairs*.
- Oxford Online Dictionary (2020, 11 4). Retrieved from lexico: <https://www.lexico.com/definition/cyberspace>
- Racicot, Michael; Hayes, Mark S; Szibbo, Alec R; Trudel, Pierre (1998). The cyberspace is not a ‘no law land’ a study of the issues of liability for content circulating on the internet. *Computer Law & Security Review*, 14(2), 96-106.
- Schmitt, Michael N (2013). Tallinn manual on the international law applicable to cyber warfare .Cambridge: Cambridge University Press.
- Stanbury, William Thomas; Vertinsky, Ilan. B. (1994). Information technologies and transnational interest groups: The challenge for diplomacy. *Canadian Foreign Policy Journal*, 2(3), 87 - 99.
- Thornton, Sean M (1997). State Criminal Laws in Cyberspace: Reconciling Freedom for Users with Effective Law Enforcement. *Richmond Journal of Law & Technology*, 4(2), 5.
- Tuukkanen, Topi (2018). Sovereignty in the cyber domain. *The Fog of Cyber Defence*, 37 - 45.
- Ziolkowski, Katharina (2013). *Peacetime regime for state activities in cyberspace*. Tallinn: NATO CCD COE Publications

References

- Azadi, Javad (2018). Cyber security or cybersecurity. *Growth reflections*, 1 (1), 164– 168.(in Persian)
- Badiee Azandahi, Marjan; Ahmadi Firoozjaei, Meysam; Ansarizadeh, Salman (2013). Explaining the concept of border in Iran's political-virtual space. *Geography Quarterly*, 36, 291 - 313. (in Persian)
- Cairncross, Fransis (1997). *The death of distance: How the communications revolution will change our lives?* Harvard: Harvard school press.
- Cassese, Antonio (1995). *Self-determination of peoples: a legal reappraisal*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Czosseck, Christian; Geers, Kenneth (2018). Borders in Cyberspace: Can Sovereignty Adapt to the Challenges of Cyber Security? In F. Hare, *The Virtual Battlefield: Perspectives on Cyber Warfare* (pp. 49 - 74). Amsterdam: IOS press BV.
- Demchak, Chris. C. (2018). Uncivil and Post-western Cyber Westphalia: Changing Interstate Power Relations of the Cybered Age. *The Cyber Defense Review*, 49 - 74.
- Ebadi Nejad, Seyed Ali; Nosrati, Hamidreza; Mustajabi, Hamid (2013). The Impact of Globalization on the Border in Cyberspace. *Border Science and Technology*, 53 - 72. (in Persian)
- Fang, Bixing (2018). *Cyberspace Sovereignty; Reflections on Building a Community of Common Future in Cyberspace*. Beijing: Springer Singapore.
- Ghamami, Seyed Mohammadmahdi (2011). *Constitutional rights of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. (in Persian)
- Ghazi, Seyed Abolfazl (2014). *Constitutional rights requirements*. Tehran: Samat. (in Persian)
- Giles, Keir (2012). *Russia's public stance on cyberspace issues*, 4th international conference on cyber conflict. Tallinn: NATO CCD COE publication.
- Godvin III, James; Kulpin, Andrey; Rauscher, Karl. Fredrick; Yaschenko, Valery (2014). *The Russia-U.S. Bilateral on Cybersecurity: Critical Terminology Foundations 2*. New York: EastWest Institute and the

- Information Security Institute of Moscow State University.
- Ghol Mohammadi, Ahmad (2004). Globalization and culture and identity. Tehran: Ney Publishing. (in Persian)
- Hafznya, Mohammadreza (2011). The political geography of cyberspace. Tehran: Samat. (in Persian)
- Hassani, Hossein (2019). Data localization. Tehran: National Cyberspace Center Research Institute. (in Persian)
- Heydarifar, Mohammadrauf (2010). Critical study of the discourse of a world without borders. *Geopolitical Quarterly*, 6 (2), 125 - 152. (in Persian)
- Janparvar, Mohsen (2008). A Study of the Evolution of the Concept of Border in Contemporary Times, Master Thesis. Tehran: Tarbiat Modares University. (in Persian)
- Kabiri, MAlihe; Janparvar, Mohsen; Zarghani, Seyedhadi (2016). Explain and level the factors affecting the importance of borders; With emphasis on land borders. *Iranian Journal of International Politics*, 5 (2), 93-117. (in Persian)
- Karmer, Franklin (2009). Cyberpower and national security. Washington D.C.: Center for Technology and National Security Policy.
- Kearney, Michael (2004). The classifying and valuefiltering missions of borders. *Anthropological Theory*, 4(2).
- Khalili, Mohsen (2013). The concept of territory in the Constitution of the Islamic Republic of Iran: Geographical border, *ideological boundless*. *Strategy*, 58, 7 - 45. (in Persian)
- Lin, Herbert (2011). Responding to sub-threshold cyber intrusions: a fertile topic for research and discussion. *Journal of International Affairs*, 127 - 135.
- Mayer, Marco (2014). How would you define Cyberspace? First Draft Pisa.
- Mujtahidzade, Piruz (2002). Political Geography and Geographical Politics. Tehran: Samat. (in Persian)
- Mir Haider, Dorre (2006). Fundamentals of Political Geography. Tehran: Samat. (in Persian)
- Osborn, Phillipe (2017). Cyber Border Security – Defining and Defending a National Cyber Border. Homeland Security Affairs.
- Oxford Online Dictionary (2020, 11 4). Retrieved from lexico: <https://www.lexico.com/definition/cyberspace>
- Racicot, Michael; Hayes, Mark S; Szibbo, Alec R; Trudel, Pierre (1998). The

- cyberspace is not a 'no law land' a study of the issues of liability for content circulating on the internet. *Computer Law & Security Review*, 14(2), 96-106.
- Ranjekesh, Mohammadreza; Keshavarz, Hamidreza (2013). Structure - Agent: A theoretical framework for understanding and evaluating the boundary phenomenon. *Quarterly Journal of New Attitudes in Human Geography*, 5 (4), 69-87. (in Persian)
- Rahmati Rad, Mohammadhossein (1997). Border guards, passports and foreign nationals. Tehran: NAJA Deputy Minister of Education. (in Persian)
- Rezapour, Mohammadmahdi (2019). Cyber governance in China. Tehran: National Cyberspace Center Research Institute. (in Persian)
- Sadughi, Moradali (2007). Information technology and national sovereignty. Tehran: Office of Political and International Studies, Ministry of Foreign Affairs. (in Persian)
- Schmitt, Michael N. (2013). Tallinn manual on the international law applicable to cyber warfare. Cambridge: Cambridge University Press.
- Shirzadi, Reza (2018). Territory and borders from the perspective of geopolitics, politics and international law. *Border Science and Technology*, 9 (3), 91 - 119. (in Persian)
- Soltaninejad, Ahmad; Islami, Mohsen; Rastgoo, Mohammadzaman (2016).), Advanced information and communication technology and the evolution of the concept of sovereignty in international relations. *Contemporary Political Essays*, 7 (1), 85-114. (in Persian)
- Stanbury, William Thomas; Vertinsky, Ilan. B. (1994). Information technologies and transnational interest groups: The challenge for diplomacy. *Canadian Foreign Policy Journal*, 2(3), 87 - 99.
- Thornton, Sean M. (1997). State Criminal Laws in Cyberspace: Reconciling Freedom for Users with Effective Law Enforcement. *Richmond Journal of Law & Technology*, 4(2), 5.
- Tuukkanen, Topi (2018). Sovereignty in the cyber domain. *The Fog of Cyber Defence*, 37 - 45.
- Zarghan, Seyedhadi (2007). An Introduction to Recognizing International Borders. Tehran: The police force of the Islamic Republic of Iran. (in Persian)
- Ziolkowski, Katharina (2013). Peacetime regime for state activities in cyberspace. Tallinn: NATO CCD COE Publications.

Internationalization of Research Institutes in Iran: A Study of Trends and Prospects

Maryam Saniejlal

Faculty member of Science and Research Policy Department, National Research Institute for Science Policy (NRISP), Tehran, Iran. saniejlal@nrisp.ac.ir

Abstract

In today's world, the international nature of science is one of the universal principles of scientific development. In clearer terms, the knowledge acquired in a country is recognized as science when it can be presented and accepted in the global and international sphere. The efforts of the scientific and research institutes to achieve a top international position and to be present in the global networks of science and technology can be clearly explained in this process.

This paper mainly aims at examining the process of internationalization of research institutes in Iran and its main purpose is to explain how to promote the position of Iranian research institutes in the international arena. Now, the main question is: what is the future prospect of internationalization of research institutes in Iran?

This question has been answered through using the theoretical framework of structure-agent analysis, the theory of globalization, case study, and Manuel Castells' world of networks. The research methods used in this article are: documentary studies and process research in a way that in addition to examining the documents and output of policy-making institutions, the experiences of five selected research institutes in the fields of humanities, engineering, and basic sciences through using case study method have been analyzed. The main achievement of this study is that the internationalization of research institutes requires the realization of the relevant indicators at three levels; namely, macro (policy maker), intermediate (research institute), and micro (institute members). In this process, creating a suitable ecosystem and planning at macro level are of the first priority. Within this ecosystem, on the basis of the structure-agent model, the role of the surrounding structures as well as determining the activities of research institutes along with the role of the will of the actors within the research institutes should be considered.

Keywords: *Internationalization, Research Institute, Internationalization*

بین‌المللی سازی مؤسسات پژوهشی در ایران: بررسی روندها و چشم‌انداز^۱

مریم صنیع اجلال

هیأت علمی گروه سیاست علوم و تحقیقات مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، تهران، ایران.

saniejlal@nrisp.ac.ir

چکیده

در جهان امروز، بین‌المللی بودن ماهیت علم یکی از اصول جهان‌شمول توسعه علمی است. به عبارت روشن‌تر؛ زمانی دانش به دست آمده در یک کشور به عنوان علم شناخته می‌شود که بتواند در سپهر جهانی و بین‌المللی عرضه و پذیرفته شود. تلاش مؤسسات علمی و پژوهشی برای دستیابی به جایگاه برتر بین‌المللی و حضور در شبکه‌های جهانی علم و فناوری در این فرایند قابل تبیین است. موضوع اصلی این مقاله، بررسی فرایند بین‌المللی سازی مؤسسات پژوهشی در ایران است و هدف اصلی، تبیین چگونگی ارتقای جایگاه مؤسسات پژوهشی ایران در عرصه بین‌المللی است. پرسش اصلی این است که چشم‌انداز آینده بین‌المللی سازی مؤسسات پژوهشی در ایران چیست؟ به منظور پاسخ به این پرسش از چارچوب نظری تحلیل ساختار-کارگزار، نظریه جهانی شدن، مطالعه موردی و جهان شبکه‌ای مانوئل کاستلز استفاده شده است. روش‌های پژوهش استفاده‌شده در این مقاله عبارتند از: مطالعات اسنادی و روندپژوهی به شکلی که ضمن بررسی اسناد و برون‌داد نهادهای سیاستگذار، تجربه پنج مؤسسه پژوهشی منتخب کشور در حوزه‌های علوم انسانی، فنی-مهندسی و علوم پایه با استفاده از روش مطالعه موردی تحلیل شده است. نتیجه و دستاورد اصلی مقاله آن است که بین‌المللی شدن مؤسسات پژوهشی نیازمند تحقق شاخص‌هایی در سه سطح کلان (سیاستگذار)، میانی (مؤسسه پژوهشی) و خرد (اعضای مؤسسه) است. در این فرایند اولویت اصلی، ایجاد زیست‌بوم و بستر مناسب و برنامه‌ریزی در سطح کلان است. درون این زیست‌بوم مطابق مدل ساختار-کارگزار، نقش ساختارهای احاطه‌کننده و نیز تعیین‌کننده فعالیت‌های مؤسسات پژوهشی در کنار نقش اراده کنشگران و بازیگران داخل مؤسسات پژوهشی باید لحاظ شود.

واژه‌های کلیدی: بین‌المللی سازی، مؤسسه پژوهشی، بین‌المللی شدن

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۱۲ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۲/۲۸

فصلنامه راهبرد اجتماعی- فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۳۸، بهار ۱۴۰۰، صص ۹۹-۱۲۶

مقدمه و بیان مسئله

بررسی روندهای سیاستگذاری نشان می‌دهد، در دو دهه گذشته، بین‌المللی شدن آموزش عالی بعنوان یکی از اولویتهای توسعه آموزش و پژوهش مورد توجه مجامع علمی جهان قرار گرفته است. ظهور و توسعه سریع این مفهوم مأموریت‌های مؤسسات آموزش عالی در زمینه آموزش، پژوهش، نوآوری، توسعه فناوری و خدمات را متحول کرده است. در بین این مأموریتها پژوهش در جهان کنونی نقش تعیین‌کننده‌ای در بین‌المللی شدن آموزش عالی کشورها دارد. میزان بودجه‌ای که کشورها در حوزه پژوهش هزینه می‌کنند به یکی از شاخص‌های اعتباربخشی عملکرد کشورها تبدیل شده است. مطابق آمار یونسکو در سال ۲۰۲۰ میلادی، مجموع هزینه‌های جهانی سرمایه‌گذاری شده در حوزه پژوهش حدود هزار و هفتصد میلیارد دلار آمریکا برآورد شده و از این میان بیش از ۸۰ درصد سهم جهانی پژوهش مختص ۱۰ کشور جهان است (UNESCO, 2020).

مؤسسات آموزش عالی در عرصه بین‌المللی خدمات متنوعی عرضه می‌کنند که پژوهش یکی از مهمترین این خدمات است. از همین رو، چنانچه بین‌المللی شدن آموزش عالی را برحسب سه حوزه آموزش، پژوهش و خدمات تقسیم کنیم، آنگاه می‌توان گفت؛ یکی از محورها و عوامل مؤثر در بین‌المللی شدن برنامه‌های پژوهشی مؤسسات آموزش عالی، پژوهش است. به همین دلیل، این موضوع به یکی از شاخص‌های اصلی ارزیابی فرایند بین‌المللی شدن آموزش عالی در کشورها تبدیل شده است.

بنیاد علم اروپا^۱ در گزارشی ذیل بررسی شاخص‌های ارزیابی فرایند بین‌المللی‌شدن مؤسسات پژوهشی، اهمیت و ابعاد متفاوت نقش پژوهش در بین‌المللی‌سازی را تصریح و تدقیق کرده است (European science foundation, 2012). با توجه به اهمیت این موضوع، گروه آینده‌نگری خدمات پژوهشی پارلمان اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۹ اعلام کرد، همکاری‌های پژوهشی بین‌المللی هسته اصلی نظام‌های علمی و آموزش عالی است (European Parliamentary Research Service, 2019). حتی برخی از صاحب‌نظران آموزش عالی جهان براین باور هستند که بین‌المللی‌شدن آموزش عالی، رکن اساسی دستیابی به توسعه پایدار در جامعه بشری است (Wright, 2009).

در ایران نیز موضوع بین‌المللی‌شدن اگر چه از سالها قبل طرح شده است، اما پیش‌بینی اجرای آن در برنامه ششم توسعه نشان از توجه نظام آموزش عالی در اجرای این گزینه سیاستی است. ورود نهادهای سیاستگذار و تصمیم‌ساز به این موضوع، در کنار تلاش برای دستیابی به مراکز آموزش و پژوهش بین‌المللی در نهادهای میانی و میانجی و نیز مجریان سطح خرد در ایران از موضوعاتی است که باید در تحلیل و بررسی شرایط بین‌المللی‌سازی مؤسسات ایرانی مورد توجه قرار گیرد.

۱. هدف و پرسش‌های پژوهش

با توجه به مقدمه بیان‌شده هدف اصلی این پژوهش، تبیین چگونگی ارتقای جایگاه مؤسسات پژوهشی ایران در عرصه بین‌المللی است. با توجه به این هدف، پرسش اصلی این است که چشم‌انداز آینده بین‌المللی‌سازی مؤسسات پژوهشی در ایران چیست؟ پاسخ به این سوال مستلزم پاسخ به چند سوال فرعی است شامل: بین‌المللی‌سازی مؤسسات پژوهشی در ایران تاکنون چه روندی را طی کرده است؟ راهبردهای سطح کلان در این حوزه چیست؟ نهادهای میانی چگونه برنامه‌های راهبردی خود را اجرایی می‌کنند؟ شاخص‌های ارزیابی بین‌المللی‌شدن مؤسسات پژوهشی کدام است؟ پاسخ به پرسش‌های گفته شده امکان مناسبی به

دست می‌دهد تا بتوان ضمن تحلیل وضعیت موجود و انتظارات تعیین شده برای رسیدن به وضعیت مطلوب بتوان تحلیل شکاف میان وضع موجود و مطلوب را به دست داد. در ادامه پیشینه پژوهش در خصوص بررسی دیدگاه صاحب‌نظران و پژوهشگران در پاسخ به پرسش‌های بیان شده در این مقاله بررسی و احصا شده است.

۲. پیشینه پژوهش

برای پاسخ به پرسش‌های این مقاله، مهمترین آثار منتشر شده به زبان فارسی که ناظر بر تحلیل و بررسی وضعیت مؤسسات پژوهشی ایران در فرایند بین‌المللی‌شدن آموزشی عالی بوده، مطابق جدول ۱ بررسی شده است.

جدول ۱. بررسی پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده / نویسندگان	نام اثر	محور اصلی اثر
۱	(فاضلی، ۱۳۸۶)	جهانی‌شدن و آموزش عالی: نگاهی به روندهای جهانی در تحولات آموزش عالی و وضعیت آموزش عالی ایران	بین‌المللی‌شدن آموزش عالی یک راهبرد و سیاست انتخابی است که دولت‌ها برای مواجهه و بهره‌برداری مناسب از فرایندهای جهانی شدن بکار می‌گیرند.
۲	(اصغری، ۱۳۹۶)	سیاست بین‌المللی‌سازی آموزش عالی در ایران	تاکید بر نقش عوامل بین‌المللی همچون تحریم‌های بین‌المللی، مناسبات و مواضع سیاسی کشور در تعامل با سایر کشورها، عوامل سطح ملی: بسته‌بودن و درون‌گرایی نظام آموزش عالی، سیاسی بودن علم و فناوری، نبود اجماع نظر در خصوص بین‌المللی‌سازی آموزش عالی.
۳	(حسینی مقدم، ۱۳۹۶)	آینده‌نگری بین‌المللی‌سازی آموزش عالی کشور	نبود اجماع نظر نخبگان سیاسی برای بین‌المللی‌سازی آموزش عالی، تقابل نظام جهانی با جمهوری اسلامی ایران و تحریم‌های بین‌المللی.
۴	(حمیدی فر، یوسف، & ابراهیمی، ۱۳۹۶)	رهبری و مدیریت در بین‌المللی‌سازی آموزش عالی	تغییر در ساختار، قوانین و تشکیلات آموزش عالی براساس درک محیط و تشخیص چالش‌های ملی و بین‌المللی، ایجاد تحول بنیادی در مدیریت، رهبری و بهره‌گیری از مدیریت مشارکتی و تمرکززدایی.
۵	(خشنودی فر & فتحی واجارگاه، ۱۳۹۰)	بین‌المللی‌سازی برنامه‌های درسی	صدور روایت برای متخصصان غیرایرانی، جهت گیری بین‌المللی، استفاده از زبان بین‌المللی در تدریس، بازنگری در قوانین جاری.
۶	(خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۵)	آموزش عالی بین‌المللی	نبود سیاست فراگیر و گرایش استراتژیک خاص از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دانشگاه‌ها، فقدان استقلال سازمانی دانشگاه‌ها، ناپایداری فرایند سیاست‌گذاری، رسمی کردن ارائه دروس در دانشگاه‌ها به دو زبان فارسی و انگلیسی، آموزش مهارت‌های ارتباطی در دانشگاه‌ها به استادان، دانشجویان و کارکنان ایرانی، بازنگری معیارهای ارتقای مرتبه اعضا هیات علمی.
۷	(داوری اردکانی، ۱۳۹۰)	سیاست زبانی	اولویت دادن به بین‌المللی‌سازی در خانه، گسترش همکاری با

ردیف	نویسنده/ نویسندگان	نام اثر	محور اصلی اثر
	(۱۳۹۰)		دانشگاه‌های معتبر جهان، تعیین حوزه‌های اولویت‌دار کشور برای بین‌المللی‌سازی آموزش عالی و جذب دانشجویان از کشورهای هدف.
۸	(یمنی دوزخی سرخابی، ۱۳۹۰)	مسئله‌شناسی دانشگاه بین‌المللی در ایران	لزوم توجه به استقلال و آزادی آکادمیک و عدم مشارکت دانشجویان در فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری.
۹	(نیلی احمد آبادی، ۱۳۹۸)	همکاری‌های علمی بین‌المللی	مشکل تأمین اعتبار پروژه‌های مشترک و دشواری روش‌های انتقال پول.
۱۰	(سرکارآرانی، ۱۳۸۱)	بین‌المللی‌شدن آموزش عالی: چالش‌ها و راهبردها	توجه به ارزش‌های انسانی، رغبت به شناخت و درک عمیق سایر فرهنگ‌ها و تأکید بر احترام متقابل، کسب آمادگی و مهارت لازم برای آموختن از دیگران و بردباری و مدارا همراه با انعطاف‌پذیری و سعه صدر در مواجهه با امور فرهنگی دیگران.

بررسی آثار منتشر شده به شرح جدول مذکور، بیانگر آن است که موضوع بین‌المللی‌سازی مؤسسات پژوهشی بعنوان حوزه ای مستقل در نظم آموزش عالی تاکنون مورد توجه صاحب‌نظران و پژوهشگران کشور قرار نگرفته است. در واقع تمرکز اصلی در ادبیات موجود بر بین‌المللی‌سازی نهاد دانشگاه بوده است. در ادامه بر پایه مبانی و چارچوب نظری مشخص شده، فرایند گردآوری و تحلیل اطلاعات مرتبط با چگونگی وضعیت بین‌المللی‌سازی مؤسسات پژوهشی منتخب ایران در فضای جهانی علم و فناوری بررسی شده است.

۳. مبانی و چارچوب نظری

به منظور فهم چگونگی و چرایی وضعیت بین‌المللی‌سازی مؤسسات پژوهشی از چارچوب نظری کارگزار ساختار^۱ استفاده شده است، تا همزمان نقش ساختارها و عوامل شکل‌دهنده به بین‌المللی‌سازی مؤسسات پژوهشی کشور و از سوی دیگر نقش بازیگران و کنشگران در سطوح تحلیل نهاد، ملی و بین‌المللی بررسی شوند. با توجه به پیوند بین‌المللی‌سازی و جهانی‌شدن مطابق دیدگاه صاحب‌نظران بین‌المللی‌شدن آموزش عالی، فهم مبانی نظری جهانی‌شدن برای تبیین چیستی و چرایی بین‌المللی‌سازی ضروری است (Knight J. , 2003). جهانی‌شدن به فرایند از بین رفتن مرزهای دانش و تبادل ایده‌ها، سرعت در انتقال اطلاعات و ارتباطات، جابجایی بین‌المللی شهروندان، فراگیر شدن زبان و عقلانیت بازار و نیز هژمونی

1. Agent-Structure

تجارت آزاد گفته می‌شود (Giddens, 1990 & Kaspersen). امروزه جهانی‌شدن به شکل یک پارادایم نظری و چارچوب مفهومی قابل استناد برای بسیاری از پژوهش‌ها و مطالعات آموزشی مطرح بوده و تأثیر بلافصل آن بر سیاست‌ها و مأموریت‌های آموزشی، پژوهشی و خدماتی نهادهای آموزش عالی سبب گسترش پدیده بین‌المللی‌شدن آموزش عالی شده است (خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۵).

از سویی، پیشبرد بین‌المللی‌شدن مؤسسات پژوهشی همچون سایر حوزه‌های آموزش عالی در یک کشور، بیش از هر چیز مستلزم ایجاد بستر مناسب و برنامه‌ریزی کلان در سیاستگذاری و اجرا می‌باشد. نو بودن این مفهوم در ایران از یکسو و همزمانی شکل‌گیری مباحث آن با سیاستگذاری در این حوزه در داخل کشور، ضرورت سیاست‌پژوهی در این موضوع را دوچندان می‌کند. نکته این است که در بخش سیاستگذاری و اجرا چه ترکیبی از روندها و فرایندها با سیاست‌ها می‌تواند به پیشبرد فرایند بین‌المللی‌شدن مؤسسات پژوهشی و در نتیجه جهانی‌شدن علم و فناوری ایران کمک کند. این بررسی در چارچوب نظریه جهانی‌شدن و با بهره‌گیری از نظریه جهان شبکه‌ای مانوئل کاستلز و درون چارچوب روشی مطالعه موردی تکمیل می‌شود.

ماهیت پیچیده ارتباطات بین کنشگران مختلف در سطح سیاستگذاری و اجرا و نوع این ارتباطات مبتنی بر منطق شبکه، قابل درک و تبیین است. براین اساس می‌توان گفت؛ بازیگران متعددی در نظام به عنوان گره 'نقش‌آفرینی می‌کنند. با توجه به آن‌که در سطح ملی، منابع قدرت و ثروت نزد دولت متمرکز است، از این رو ایجاد هماهنگی میان بازیگران و گره‌های مختلف با نهاد سیاستگذار داخلی است. شناسایی این نهاد، سیاستگذاران، روندهای سیاستگذاری و نیز تأثیر آن بر بین‌المللی‌شدن مؤسسات پژوهشی درون این چارچوب مفهومی صورت می‌گیرد. درون این چارچوب، مطالعه موردی «چندموردی کل نگر» (کی یین، مورد پژوهشی در تحقیقات اجتماعی، ۱۳۹۳)، راهبرد اصلی تجارب ملی است. انتخاب موارد مورد مطالعه بر اساس «منطق تکرار» و نیز با توجه به وجود سابقه موضوع

در آنها صورت گرفته است. بر اساس منطق تکرار، پنج مؤسسه پژوهشی کشور بررسی شده است. در ادامه برای مشخص شدن چگونگی رویارویی مؤسسات پژوهشی کشور با روند بین‌المللی شدن آموزش عالی و صورت‌بندی حضور در شبکه‌های جهانی علم و فناوری، تعریف و شاخص‌های بین‌المللی شدن مؤسسات پژوهشی ارائه شده است.

۴. روش پژوهش

برای پاسخ به پرسش اصلی، نیازمند بکارگیری تلفیقی از روش‌های پژوهش بر اساس هدف اصلی و نیز اهداف فرعی مرتبط در هر گام هستیم. به عبارتی، برای دستیابی به هدف مقاله مبنی بر تبیین چگونگی ارتقای جایگاه مؤسسات پژوهشی ایران در عرصه بین‌المللی، نیازمند طی مراحل مختلف در مطالعه هستیم. نخست با بررسی اسنادی، اسناد موجود در این حوزه شناسایی، بررسی و منابع مرتبط نیز با مطالعه کتابخانه‌ای شناسایی و بررسی شدند. استخراج شاخص‌های بین‌المللی‌سازی مؤسسات پژوهشی در سطح ملی و بین‌المللی با هدف ارزیابی مؤسسات هدف، در این مرحله و با مطالعه تطبیقی شاخص‌های نهادهای بین‌المللی و ملی صورت پذیرفته است. برون‌داد نهادهای سیاستگذار مرتبط، با روش روندپژوهی بررسی و سپس با روش مطالعه موردی رابرت‌کی‌یین^۱، تجربه پنج مؤسسه برتر در کشور مورد بررسی و تحلیل انتقادی قرار گرفته است.

۴-۱. تعریف، شاخص‌ها و اهداف بین‌المللی شدن مؤسسات پژوهشی ایران

بین‌المللی شدن مؤسسات پژوهشی مفهوم جدیدی است که ریشه در مفهوم قدیمی تر «بین‌المللی شدن» در ادبیات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دارد (حسینی مقدم، ۱۳۹۶). از بدو طرح این مفهوم در ذیل روند بین‌المللی شدن آموزش عالی تاکنون ارائه تعریفی جهان‌شمول از آن همواره محل بحث بوده است (Knight J. , 2003). در تعاریف موجود، طیفی از تعاریف از سطح تقلیل‌گرایانه تا دیدگاهی موسع وجود دارند، اما در همه آنها بر تأثیر عوامل محیطی در شکل‌دهی

1. Robert K. Yin

به روند بین‌المللی شدن تأکید شده است. در این مقاله، بین‌المللی‌شدن مؤسسات پژوهشی فرایندی پیچیده، چندبعدی و متأثر از بافتارهایی لحاظ شده که این مؤسسات را احاطه کرده‌اند و برون‌داد این فرایند، حضور و نقش‌آفرینی در شبکه‌های جهانی علم و فناوری است. براین اساس، این فرایند سه رکن دارد که شامل: نخست عوامل توانمندساز که ریشه در مزیت‌های نسبی و رقابتی موجود داشته و مؤسسه به سمت حضور در شبکه‌های جهانی علم و فناوری سوق می‌دهد و به عنوان فشار زمان حال^۱. دوم عوامل کشش بازار^۲ که ریشه در جذابیت‌های موجود در فرایند بین‌المللی‌شدن و حضور در شبکه‌های جهانی علم و فناوری دارد و مؤسسات را به سمت خود جذب می‌کند و سوم موانع هستند که آهنگ بین‌المللی‌شدن مؤسسات پژوهشی را کند می‌سازند (واعظی & قرونه، ۱۳۸۹).

بر این اساس، سه دسته شاخص برای فهم و تبیین بین‌المللی‌شدن مؤسسات پژوهشی در سه سطح تحلیل می‌توان لحاظ کرد: در سطح تحلیل خرد (ویژگی‌های مؤسسه)، سطح تحلیل میانی (سطح ملی) و سطح تحلیل کلان (بین‌المللی). بنیاد علم اروپا مطابق این رویکرد شاخص‌های بین‌المللی‌شدن مؤسسات پژوهشی را در سه محور اصلی شامل «تامین منابع مالی»، «تولید دانش» و «همکاری و شبکه‌سازی» لحاظ کرده که عبارتند از: دستیابی به جرم بحرانی^۳، گسترش فعالیت‌ها به عرصه جهانی، گسترش شبکه‌های نوآوری، رؤیت‌پذیری علمیو گسترش شبکه‌های علمی.

در مدل ارزیابی مؤسسات پژوهشی وزارت علوم در بین شاخص‌های مختلف ارزیابی، مهمترین شاخص‌های مرتبط با بین‌المللی‌شدن به شرح زیر مشخص شده است (مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت آموزش عالی، ۱۳۹۷):

- وجود ساز و کار اخذ پروژه خارجی و مدیریت پروژه در مؤسسه،
- میزان اعتبارات مالی پژوهشی دریافتی از سازمان‌های بین‌المللی،

1. Push of present

2. Pull of market

3. Critical mass

- سرانۀ پایگاه‌های اطلاعاتی تخصصی داخلی و خارجی به پژوهشگر،
- سرانۀ شرکت در مجامع تخصصی داخلی و خارجی به پژوهشگر،
- برگزاری رویدادهای ملی و بین‌المللی،
- نسبت کتاب‌های مشترک منتشرشده بین‌المللی به کل کتاب‌های منتشر شده مؤسسه،

- نسبت طرح‌های پژوهشی بین‌المللی به کل طرح‌های پژوهشی مؤسسه،

- تعداد پژوهشگران برگزیده مؤسسه در رویدادهای بین‌المللی و

- سرانۀ مقالات نمایه شده در نمایه‌های ملی و بین‌المللی به پژوهشگر.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در چارچوب سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری در ۲۹ بهمن ۱۳۹۲ طرح کلانی در این حوزه تعریف کرد که ذیل آن پروژه‌ای با عنوان «تبدیل پنج دانشگاه و واحد پژوهشی برتر کشور به تراز بین‌المللی» تعریف و اجرا شد. در این پروژه طی فراخوانی به تمامی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی خواسته شد، طرح و برنامه عملیاتی خود را برای قرار گرفتن در بین ۲۰۰ دانشگاه برتر جهان ارائه دهند. در این راستا حضور دانشگاه‌ها در رتبه‌بندی‌های بین‌المللی یک ضرورت تلقی شده و باید برای ارتقای جایگاه دانشگاه‌های ایران در رتبه‌بندی‌های بین‌المللی برنامه‌ریزی شود. طی مهلت ذکر شده در این طرح، ۲۲ دانشگاه و ۱۶ پژوهشگاه برنامه عملیاتی خود برای ورود به این طرح را اعلام کرده‌اند (معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۵).

در گزارش اجرای این پروژه هدف از ارتقای دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی هدف به تراز بین‌المللی را چنین تفسیر و هدف‌گذاری می‌کنند:

دانشگاه‌های برتر کشور به لحاظ کارکرد و برون‌داد علمی و هنجارهای مربوط به آن، در ردیف کشورهای پیشرفته دنیا قرار بگیرند و در پیشرفت علم و فناوری نقش ایفا کنند و به دنبال آن در تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران نوآور باشند، به نحوی که زمینه‌های بکر در اقتصاد بوجود آورده و با ابتکارات اقتصادی در شکوفایی اقتصاد ایران بویژه معرفی اشکال جدید کار و زندگی، نقش اساسی

بازی کنند. هدف این برنامه حمایت از دانشگاه‌های کشور برای نقش‌آفرینی در سطوح بین‌المللی، ملی و منطقه‌ای در دهه آینده است (معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۵).

در اسناد این پروژه مجموعاً شش هدف ذکر شده است که مرور و بررسی آنها، نقش و جایگاه بین‌المللی شدن را در دستیابی به هدف اصلی پروژه یعنی رسیدن به تراز بین‌المللی نشان می‌دهد، این شش هدف عبارتند از:

- افزایش رقابت‌پذیری و تعاملات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری در سطح بین‌المللی،
- حضور اثرگذار در تعاملات و همکاری‌های علمی، آموزشی و فناوری کلان بین‌المللی،

- ایجاد و توانمندسازی آزمایشگاه‌های تحقیقاتی پیشرفته و روزآمد در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های منتخب،

- ایجاد روحیه تحرک و کیفیت‌گرایی در بدنه آموزش عالی کشور و

- افزایش اثرگذاری اقتصادی علم و دانشگاه در مجموعه ارکان نظام.

بر اساس این اهداف و با توجه به بازه زمانی ده ساله از سال ۱۳۹۵ برای تحقق اهداف طرح، مجموعه‌ای از شاخص‌ها برای ارزیابی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های برتر تعیین شده است، این شاخص‌ها در چهار دسته تقسیم شده‌اند:

- شاخص‌های مدیریتی،

- شاخص‌های آموزشی،

- شاخص‌های پژوهش و فناوری و

- شاخص‌های پشتیبانی.

این شاخص‌ها علاوه بر پوشش ابعاد درونی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های حاضر در طرح، ابعاد بین‌المللی را نیز مدنظر دارد. در بین شاخص‌های مدیریتی، شاخص «توان اجرایی حوزه مدیریت دانشگاه، داشتن معاونت یا مدیریت امور بین‌المللی فعال» از جمله شاخص‌هاست. در شاخص‌های آموزشی از مجموع ۷ شاخص، سه شاخص در حوزه بین‌المللی است که شامل «تعداد اساتید خارجی»،

«تعداد دانشجویان خارجی» و «تعداد اساتید مدعو خارجی» و روند افزایش آن در سال‌های اخیر می‌شود. در حوزه پژوهش و فناوری ۱۸ شاخص در حوزه بین‌المللی لحاظ شده که مواردی همچون؛ «سرانه انتشار مقالات بین‌المللی»، «میانگین فرصت‌های مطالعاتی»، «تعداد مقالات کیفی»، «تعداد دانشمندان پر استناد بین‌المللی» و «هم‌نویسندگی با همکاران خارجی» را شامل می‌شود. در بین شاخص‌های پشتیبانی، از مجموع ده شاخص، تنها شاخص «وجود مقررات حمایتی از تعاملات بین‌المللی اساتید و پژوهشگران» مرتبط با حوزه بین‌المللی شدن است.

در اجرای این پروژه از بین شاخص‌های مذکور ۵ شاخص برای ارزیابی اولیه برگزیده شد. این ۵ شاخص عبارتند از:

- اساتید و دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، پژوهش و فناوری،

- مبلغ طرح‌های فناوران و پژوهش‌های بین‌المللی و پتنت‌های بین‌المللی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، پژوهش و فناوری،

- تعداد تفاهم‌نامه‌های فعال با ۲۰۰ دانشگاه تراز یک دنیا،

- تعداد تولیدات علمی دانشگاه‌ها در مجلات ۱، ۱۰، و ۲۵ درصد بالای فهرست JCR^۱ و مجلات نیچر^۲ و ساینس^۳ و

- ایجاد آزمایشگاه‌های پیشرفته و هسته‌های علمی فعال در تراز جهانی در مؤسسات آموزش عالی برگزیده.

در این مقاله شاخص‌های لحاظ شده برای بررسی تجارب مؤسسات پژوهشی منتخب با در نظر گرفتن هر دو بعد جهان‌شمولی و نیز بومی‌سازی تعیین و ارزیابی شده است.

۴-۲. بررسی وضعیت موجود بین‌المللی شدن مؤسسات پژوهشی در ایران

به منظور فهم و ارزیابی وضعیت مؤسسات پژوهشی کشور در فرایند

1. Nature

2. Science

بین‌المللی‌شدن آموزش عالی، پنج پژوهشگاه از نه پژوهشگاه تعیین شده به عنوان مؤسسات پژوهشی هدف در طرح «تبدیل پنج دانشگاه و واحد پژوهشی برتر کشور به تراز بین‌المللی» انتخاب شدند. یادآور می‌شود؛ طرح مذکور بر اساس سیاست آمایش آموزش عالی مصوب اسفند ۱۳۹۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی تعریف و اجرا شده است. پس از انتخاب مؤسسات، داده‌های آنها بر اساس شاخص‌های بحث شده مورد ارزیابی قرار گرفتند. مؤسسات پژوهشی منتخب در این مطالعه عبارتند از: «پژوهشگاه دانش‌های بنیادی»، «پژوهشگاه پلیمر و پتروشیمی ایران»، «پژوهشگاه ملی ژنتیک و زیست‌فناوری»، «پژوهشگاه شیمی و مهندسی شیمی ایران» و «پژوهشگاه هوا و فضا» (معاونت آموزشی وزارت عتف، ۱۳۹۷)

در ادامه نخست اسناد ملی و سیاست‌های تأکید شده در آنها در خصوص چگونگی بین‌المللی‌سازی مؤسسات پژوهشی بررسی شده، تا مشخص شود که کدام وضعیت‌های مطلوب ترسیم و هدف‌گذاری شده است و اینکه، آیا این مؤسسات در فرایند گفته شده و گذار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب موفق بوده و دستاور مشخصی را احراز کرده‌اند یا خیر؟

الف - مطالعه اسناد ملی

بررسی اسناد و برنامه‌های کلان کشور و نیز اسناد ملی حوزه علم و فناوری به شرح جدول ۲، بیانگر توجه جامعه ایران به موضوع بین‌المللی‌شدن و حضور در شبکه‌ها و تراز جهانی علم و فناوری است. تشکیل شورای سیاست‌گذاری بین‌المللی‌شدن آموزش عالی ایران در وزارت عتف در شهریور ۱۳۹۴ و همچنین پیش‌بینی قرار گرفتن پانزده دانشگاه و هشت مرکز پژوهشی در تراز بین‌المللی طی برنامه ششم توسعه کشور، نشان می‌دهد که طی سال‌های اخیر موضوع در دستور کار سیاست‌گذاران نظام آموزش عالی کشور قرار گرفته است (اصغری، ۱۳۹۶).

جدول ۲. بررسی اسناد مرتبط با بین‌المللی‌سازی آموزش عالی (مؤسسات پژوهشی)

ردیف	نام سند	مرجع و تاریخ تصویب	نکات کلیدی مرتبط با بین‌المللی‌شدن آموزش عالی
۱	قانون برنامه پنجم توسعه ۱۳۹۵-۱۳۹۰	مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹	ایجاد و تقویت مراکز علمی، تحقیقاتی و فناوری توانمند در تراز بین‌المللی، افزایش فرصت‌های مطالعاتی اعضاء هیأت علمی در داخل و خارج و گسترش ارتباطات علمی با مراکز و نهادهای آموزشی و تحقیقاتی معتبر بین‌المللی از طریق: راه‌اندازی دانشگاههای مشترک، برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک و اجرای مشترک طرح‌های پژوهشی و تبادل استاد و دانشجو با کشورهای دیگر.
۲	نقشه جامع علمی کشور	شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰	توسعه زبان فارسی به عنوان یکی از زبان‌های علمی در سطح جهان، توسعه و تقویت شبکه‌های مناسبات ملی و فراملی دانشمندان و پژوهشگران و همکاری بین‌المللی با اولویت کشورهای اسلامی و کشورهای فارسی‌زبان، اصلاح سازوکارها و قوانین استخدام، ارتقای محققان و تخصیص مشوق‌ها، بورس‌های تحصیلی، فرصت‌های مطالعاتی و پژوهانه‌ها برای افزایش همکاری‌های بین‌المللی محققان، برنامه‌ریزی به منظور کسب رتبه اول علم و فناوری در منطقه و جهان اسلام، ارتقای تعداد مقالات مشترک با کشورهای دیگر، افزایش تعداد پژوهش‌های بین‌المللی مشارکتی، افزایش تعداد حوزه‌های علمی تازه تأسیس برای نخستین بار در دنیا، افزایش تعداد دانشمندان عضو برجسته و مؤثر در مدیریت مجامع بین‌المللی، افزایش تعداد سخنرانان مدعو و اعضای کمیته‌های علمی و راهبری همایش‌های معتبر بین‌المللی، افزایش تعداد مقالات بسیار پر استناد، افزایش تعداد دانشگاهها و مراکز پژوهشی که در رتبه‌بندی جهانی جزء ۱۰ درصد بهترین مراکز هستند و میزان جذب دانشجویان و متخصصان دیگر کشورها.
۳	قانون برنامه ششم توسعه ۱۳۹۶-۱۳۴۰	مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵	به دولت اجازه داده می‌شود به منظور ارتقای علمی و رقابت بین دانشگاه‌های کشور و تعاملات بین‌المللی در طی اجرای قانون برنامه، نسبت به ایجاد واحدها و شعب آموزش عالی با مشارکت دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فنی و حرفه ای و دانشگاه جامع علمی کاربردی در داخل کشور در چهارچوب سیاست‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام کند. تسهیل تعاملات ارزی و تردد اعضای هیأت علمی و دانشجویان، تسهیل مشارکت شرکت‌های دانش بنیان و فناوری، فعالان اقتصادی کشور در زنجیره تولید بین‌المللی فراهم آورند. دولت موظف است به منظور حضور مؤثر نظام آموزش عالی کشور در تولید، توسعه و نشر علم و فناوری و، تربیت دانشجو در سطح بین‌المللی و برقراری توازن و ارتقای کیفیت آموزش عالی و پژوهش و فناوری، در طول برنامه اقدامات زیر را محقق سازد: تعداد دانشگاه‌های برتر در زمره صد دانشگاه برتر آسیا: از ۶ دانشگاه در سال ۱۳۹۶ به ۱۰ دانشگاه در سال ۱۴۰۰،

ردیف	نام سند	مرجع و تاریخ تصویب	نکات کلیدی مرتبط با بین‌المللی‌شدن آموزش عالی
			رتبه تولید کمی مقالات در دنیا: از ۱۵ در سال ۱۳۹۶ به ۱۲ در سال ۱۴۰۰، تعداد اختراعات ثبت شده در مراجع بین‌المللی: از ۳۴ در سال ۱۳۹۶ به ۵۰ در سال ۱۴۰۰، سرانه سالانه مقالات Scopus به تعداد اعضای هیأت علمی (نفر/مقاله) از ۰/۶۴ در سال ۱۳۹۶ به ۰/۹۵ در سال ۱۴۰۰، درصد انتشار مقالات مشترک با محققان خارج از کشور: از ۲۵ در سال ۱۳۹۶ به ۳۵ در سال ۱۴۰۰ و تعداد نشریات ایرانی نمایه شده در پایگاه بین‌المللی علم و دارای ضریب تاثیر از ۵۰ عدد در سال ۱۳۹۶ به ۷۰ عدد در سال ۱۴۰۰،
۴	سند جامع روابط علمی بین‌المللی ایران	شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۶	گسترش همکاری و تعامل فعال، سازنده و الهام بخش در حوزه علم و فناوری با سایر کشورها و مراکز علمی و فنی معتبر منطقه‌ای و جهانی، ارائه، بسط و تعمیق مطلوب معارف و علوم انسانی و اسلامی در مجامع علمی بین‌المللی، استفاده از ظرفیت‌های علمی کشور جهت ارتقاء سطح علمی و فناوری سایر جوامع، مقابله با نفوذ و انحصارطلبی علمی نظام سلطه، تقویت و بهره‌برداری از ظرفیت سفارت‌خانه‌ها، رایزنی‌های فرهنگی و سایر نهادهای فعال در عرصه بین‌المللی برای توسعه هوشمند نظام روابط علمی بین‌المللی، طراحی و پیاده‌سازی سامانه امن ثبت اطلاعات، رصد، پایش و ارزیابی روابط علمی بین‌المللی کشور، تسهیل عضویت و نقش‌آفرینی سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی، مراکز علوم دینی، انجمن‌های علمی و صنفی، پژوهشگران و فناوران در مجامع و رویدادهای علمی بین‌المللی، تعیین چارچوب و ضوابط ارائه برون‌دادهای علمی اولویت‌دار در عرصه‌های بین‌المللی، بهره‌گیری از ظرفیت دانشمندان، پژوهشگران، فناوران و دانشجویان خارجی به‌ویژه ایرانیان مقیم خارج از کشور و توسعه همکاری‌های علمی بین‌المللی از قبیل دوره‌های آموزشی و دانشگاهی، پروژه‌ها و مراکز تحقیقاتی، شرکت‌های دانش‌بنیان، مجلات علمی و سرمایه‌گذاری مشترک با کشورهای خارجی

مطالعه اسناد بالادستی کشور شامل قانون اساسی، سند چشم‌انداز، برنامه‌های توسعه، نقشه جامع علمی کشور، سند جامع تعامل علمی بین‌المللی کشور مصوب ۱۳۹۷ شورای عالی امنیت ملی و همچنین مجموع گزارش‌های رسمی منتشر شده، بیانگر آن است که توجه به بُعد بین‌المللی در فعالیت‌ها و خدمات آموزشی، پژوهشی و مشاوره‌ای دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی در طیفی از آرمان‌ها و منافع ایدئولوژیک و غیرایدئولوژیک شکل گرفته است. این مهم ناظر بر اراده سیاسی در سطح قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری برای بین‌المللی شدن است. بنابراین همان‌گونه که از بررسی سیاست‌ها و اسناد بالادستی مشخص می‌شود، آموزش عالی ایران در رویارویی با روند بین‌المللی شدن آموزش عالی تدابیر و اولویت‌هایی را لحاظ کرده است.

اما نکته قابل توجه، آن است که سیاست‌های آموزش عالی بخشی از سیاست‌های وسیع‌تر راهبری نظام آموزش عالی است و از همین رو سیاست‌های بین‌المللی شدن همچون سایر سیاست‌های حوزه آموزش عالی می‌تواند به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر وضعیت بین‌المللی شدن آموزش عالی تأثیرگذار باشد (Centre for Higher Education Internationalisation, 2015)

با توجه به تحلیل محتوای اسناد ملی علم و فناوری، مهمترین افق‌ها و ساحت‌های تعیین شده برای بین‌المللی‌سازی مؤسسات پژوهشی کشور عبارتند از:

- بین‌المللی شدن مؤسسات پژوهشی، بعنوان بخشی از بین‌المللی شدن آموزش عالی در زیرمجموعه توسعه علمی کشور لحاظ شده است.
- بین‌المللی شدن آموزش عالی، بخش لاینفکی از مجموعه برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که توسعه علمی و فناوریانه کشور را تحقق می‌بخشد.
- لزوم پیوستن به شبکه علمی بین‌المللی، بهره‌گیری از دستاوردهای علمی و فناوریانه دیگر کشورها و ارائه دستاوردهای علمی در مجامع جهانی در این اسناد دیده شده است.

ب- بررسی تجارب بین‌المللی شدن مؤسسات پژوهشی کشور

همچنانکه اشاره شد به منظور فهم و ارزیابی وضعیت مؤسسات پژوهشی کشور

در فرایند بین‌المللی‌شدن آموزش عالی، پنج پژوهشگاه از نه پژوهشگاه تعیین شده به عنوان مؤسسات پژوهشی هدف در طرح «تبدیل پنج دانشگاه و واحد پژوهشی برتر کشور به تراز بین‌المللی» انتخاب شدند که عبارتند از: «پژوهشگاه دانش‌های بنیادی»، «پژوهشگاه پلیمر و پتروشیمی ایران»، «پژوهشگاه ملی ژنتیک و زیست فناوری»، «پژوهشگاه شیمی و مهندسی شیمی ایران» و «پژوهشگاه هوا و فضا». در این انتخاب چند موضوع لحاظ شده است: نخست، هدف‌گذاری دستگاه‌های اجرایی و سیاستگذار برای ارتقای مؤسسات پژوهشی از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب. دوم، تنوع موضوعی فعالیت مؤسسات انتخاب شده ناظر بر تخصص‌های علوم پایه، فنی، مهندسی و علوم انسانی و سوم، جایگاه برتر این مؤسسات در نظام رتبه‌بندی مؤسسات پژوهشی کشور است (معاونت آموزشی وزارت عتف، ۱۳۹۷).

در فرایند گردآوری و تحلیل اطلاعات مؤسسات منتخب از آنجا که داده‌های مورد تایید تا سال ۱۳۹۷ در دسترس گروه پژوهش بوده، از این رو در ادامه برای بررسی و تحلیل اطلاعات، افق زمانی گفته شده لحاظ شده است. نتیجه بررسی طبق جدول ۳ مشخص شده است.

جدول ۳. بررسی تطبیقی روند بین‌المللی‌شدن در مؤسسات پژوهشی منتخب

ردیف	مؤسسه	بین‌المللی‌سازی در اسناد مؤسسه	نهاد متصدی بین‌المللی‌سازی	داشتن ردیف بودجه بین‌المللی‌سازی	سابقه بین‌المللی‌شدن	شاخصه اصلی بین‌المللی‌سازی	دستاوردهای اصلی در بین‌المللی‌سازی
۱	دانش‌های بنیادی	در چشم‌انداز، ماموریت و اهداف	شورای ارتقای پژوهشگاه به تراز بین‌المللی / دفتر همکاری‌های بین‌المللی	بله	بله	- مشارکت در پروژه‌های بین‌المللی، - تسهیل فرایندهای همکاری علمی هیأت علمی با هم‌تایان خارجی	- نمایندگی کشور در برخی پروژه‌های کلان بین‌المللی، - کسب رتبه نخست در احصای شاخص‌های رسیدن به تراز بین‌المللی
۲	ژنتیک و زیست فناوری	در اهداف	شورای سیاستگذاری روابط بین‌الملل / گروه همکاری‌های علمی و روابط	بله	خیر	-	روند توسعه ای در مقایسه آمارهای مرتبط با شاخص‌ها در سالهای ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۶

ردیف	مؤسسه	بین المللی سازی در اسناد مؤسسه	نهادهای متصدی بین المللی سازی	داشتن ردیف بودجه بین المللی سازی	سابقه بین المللی شدن	شاخصه اصلی بین المللی سازی	دستاوردهای اصلی در بین المللی سازی
			بین الملل				
۳	علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	-	مدیریت همکاری های علمی بین المللی	بله	خیر	-	-
۴	شیمی و مهندسی شیمی ایران	-	مدیریت همکاری های علمی بین المللی	بله	خیر	-	-
۵	هوافضا	-	-	بله	خیر	-	-

مهمترین نتایج حاصل از تحلیل داده های مؤسسات پژوهشی مذکور در جدول ۳ عبارتند از:

- در بین پنج پژوهشگاه مورد بررسی، «پژوهشگاه دانش های بنیادی» در اسناد خود در حوزه چشم انداز و مأموریت ها سطح فعالیت خود را بین المللی تعریف کرده است. چهار پژوهشکده دیگر چشم انداز و مأموریت خود را عمدتاً در سطح ملی تعریف کرده اند.

- بین المللی شدن مؤسسات پژوهشی، نیازمند فهم بین المللی شدن در سطح مدیران و سیاستگذاران در مؤسسه است. در بررسی اسناد و عملکرد پنج مؤسسه مورد بررسی، شواهدی مبنی بر وجود این شناخت از بین المللی شدن نیست.
- ورود پنج مؤسسه به طرح وزارت عتف در ارتقا به تراز بین المللی در گام های نخست خود قرار دارد و بر این اساس برای قضاوت در مورد آغاز روند بین المللی سازی در این مؤسسات زمان بیشتری نیاز است.

- «پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی» و «پژوهشگاه هوافضا» تمرکز خود بر موضوعات تخصصی و مأموریت ملی را، مانع پرداختن به بین المللی سازی مؤسسه تاکنون اعلام کرده اند. این تقابل در اندیشه سیاستگذاران و مدیران دو مؤسسه بین اهداف و مأموریت های ملی و بین المللی از موانع عمده بین المللی سازی مؤسسات پژوهشی در ایران است.

- نبود اسناد بالادستی که به صراحت بین المللی سازی مؤسسات پژوهشی را

با شاخص‌های خاص مؤسسات تعیین کنند، منجر به نبود وحدت رویه و هماهنگی بین مؤسسات پژوهشی شده است.

- وضعیت بین‌المللی شدن در مؤسسات بیش از هر چیز مبتنی بر سعی و خطا است. به عبارت دیگر، هر یک از مؤسسات بر حسب مصوبات وزارت عتف، تشخیص شوراها و سیاستگذاری و نیز مدیران مرتبط به صورت منتخب، جلوه‌ها و فعالیت‌های خاصی را کانون توجه خود قرار می‌دهند که لزوماً از رویکرد، راهبرد و مدل مفهومی خاصی در حوزه بین‌المللی شدن تبعیت نمی‌کند.

- شاخص‌های مرتبط با تألیف مقالات مشترک با نویسندگان خارجی و انعقاد تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی در هر پنج پژوهشگاه مورد بررسی، بیشترین فراوانی را نشان می‌دهد. این امر نشان‌دهنده تمرکز بیشتر بر این حوزه، بویژه بدلیل سهولت تعامل در هم نویسندگی به نسبت سایر شاخص‌ها بوده است.

- تقریباً هر پنج مؤسسه بر آموزش کارکنان برای بین‌المللی شدن تأکید کرده‌اند. این آموزش‌ها در هر پنج پژوهشگاه در آموزش زبان انگلیسی و ایجاد برخی زیرساخت‌ها در فضای فیزیکی خلاصه شده است.

- دو پژوهشگاه «هوافضا» و «علوم انسانی» بر ایجاد مشوق‌ها برای تشویق اعضای هیأت علمی به فعالیت بیشتر در شاخص‌های تعیین شده برای ارتقای بین‌المللی پژوهشگاه تأکید کرده‌اند.

- پژوهشگاه «دانشهای بنیادی» با تسهیل فرایندهای همکاری اعضای هیأت علمی با متخصصان و مؤسسات بین‌المللی و نیز تسهیل شرایط حضور متخصصان غیرایرانی یا ایرانیان مقیم خارج از کشور، سابقه همکاری با نهادهای دیگر در کشور عملاً زیست بوم مناسبی برای بین‌المللی شدن پژوهشگاه فراهم کرده است.

- مهمترین نکته اینکه، بین‌المللی شدن مؤسسات پژوهشی نیازمند بسترسازی در سطح ملی و نیز در سطح نهادی است. این بسترسازی با تعریف بین‌المللی شدن، فهم موضوع و نیز روشن شدن اهداف بین‌المللی سازی هر مؤسسه، بر اساس برنامه‌ها و شرح وظایف آن مؤسسه است. بر این اساس، هر مؤسسه‌ای بر اساس چشم‌انداز و مأموریت‌هایش و نیز توانمندی‌ها و ظرفیت‌های خود و با

ترسیم آینده خود با این رویکرد، شاخص‌هایی منحصر به فرد خواهد داشت. رسیدن به این نتیجه، نیازمند بسترسازی توسط سیاستگذاران و مجریان این حوزه است.

۵. یافته‌های پژوهش

بررسی اسناد بالادستی بیانگر چند نکته است: نخست آنکه در تصویر بزرگی که در خصوص بین‌المللی‌سازی آموزش عالی در اسناد دیده می‌شود، تنها برخی از وجوه مرتبط با بین‌المللی‌سازی آموزش عالی و نه مشخصاً بین‌المللی‌شدن مؤسسات پژوهشی، مطرح شده است. دلیل به کارگیری مفهوم «تصویر بزرگ»^۱ آن است که با توجه به یافته‌های پژوهش، در نظام آموزش عالی چشم‌اندازی^۲ برای بین‌المللی‌شدن وجود ندارد. دلیل این ادعا، ناظر بر فهم تخصصی معنای مفاهیم گفته شده است، به عبارت روشن‌تر؛ چشم‌انداز ناظر بر آینده‌ای است که تدقیق و تصریح شده و مختصات آن نزد ذی‌نفعان به اجماع نظر رسیده است و تصویر بزرگ، ناظر بر مطالبه‌هایی است که شکلی کلی و انتزاعی دارند و هنوز انضمامی، ملموس و عملیاتی نشده است. نکته دوم آن است که از منظر سیاستگذاری، مفاهیم گفته شده در قالب یک سند منسجم از حیث مفهومی، شکلی و معنایی مدون نشده است تا مشخص کند قانون‌گذاران به طور خاص، و نظام حکمرانی کشور به طور عام، چه چشم‌اندازی از تحقق هر یک از شاخص‌های گفته شده در نظر دارند؟ قرار است پس از طی یک دوره زمانی مشخص کشور به کجا برسد؟ آیا بین‌المللی‌سازی در بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور باید تأثیرگذار باشد؟ یا آنکه مقوله‌ای فنی بوده که در آزمایشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و مراکز علمی و تخصصی باید آن را ردیابی کرد؟ آیا بین‌المللی‌سازی یک حوزه انتزاعی، فلسفی و مبهم است یا آنکه قابل اندازه‌گیری، انضمامی و علمی است؟

با توجه به نکات گفته شده، می‌توان گفت توجه به بُعد بین‌المللی در فعالیت‌ها و خدمات آموزشی، پژوهشی و مشاوره‌ای در اسناد بالادستی در طیفی از

1. Big Picture

2. Vision

آرمانها و منافع ایدئولوژیک و غیر ایدئولوژیک صورت‌بندی شده است. این موضوع ناظر بر شکل‌گیری نوعی اهتمام در میان نخبگان سیاسی دست‌کم در سطح قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری برای بین‌المللی‌سازی آموزش عالی است.

در بررسی پنج مؤسسه پژوهشی از بین مؤسسات مشارکت‌کننده در طرح ارتقای مؤسسات به تراز بین‌المللی پژوهشگاه‌های «دانشهای بنیادی»، «ژنتیک و زیست‌فناوری»، «شیمی و مهندسی شیمی ایران»، «علوم انسانی و مطالعات فرهنگی»، و «هوافضا» انتخاب شدند. هر یک از پژوهشگاه‌ها بر اساس شاخص‌های بین‌المللی شدن مورد بررسی قرار گرفتند.

با توجه به بررسی انجام شده در خصوص تجربه‌های بین‌المللی‌سازی فعالیت‌ها و برنامه‌های پژوهشی مؤسسات و مراکز تحقیقاتی در ادامه مهمترین یافته‌های حاصل از بررسی صورت گرفته در قالب پیشنهادهایی به منظور گذار از وضعیت کنونی به سوی وضعیت مطلوب بین‌المللی‌سازی مؤسسات پژوهشی ارائه شده است. برای ساماندهی این پیشنهادها و نظم‌بخشیدن مفهومی به آنها، همچنانکه ذیل چارچوب نظری اشاره شد از مدل تحلیلی ساختار-کارگزار استفاده شده است. مطابق این مدل، نقش ساختارهای احاطه‌کننده و نیز تعیین‌کننده فعالیت‌های مؤسسات پژوهشی باید در کنار نقش اراده کنشگران و بازیگران داخل مؤسسات پژوهشی لحاظ شود. براین اساس، پیشنهادها و توصیه‌های مقاله در قالب نتایج نهایی صورت‌بندی شده‌اند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بین‌المللی‌سازی مؤسسات بین‌المللی نیازمند ایجاد زیست‌بوم مناسبی است که برای تحقق آن لازم است، همزمان هم در ساختارها و هم کارگزاران مرتبط اصلاحاتی صورت پذیرد. این اصلاحات با هدف ارتقای سطح عملکرد ساختارها و نیز بهبود عملکرد کارگزاران و در سه سطح کلان، میانی و خرد به شرح زیر است:

الف- توسعه ساختارها؛ مشتمل بر مجموع عواملی که منجر به بهبود بخشیدن به ساختارهای احاطه‌کننده مؤسسات پژوهشی می‌شود که عبارتند از:

- بکارگیری رویکرد پایین به بالا برای طراحی سیاست‌های بین‌المللی‌سازی،
- ایجاد ساز و کار و قوانین تسهیل‌گر بین‌المللی‌سازی،
- رویارویی با تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران در حوزه علم و فناوری،
- برنامه‌ریزی برای رعایت حقوق مالکیت معنوی در فعالیت‌های پژوهشی بین‌المللی،
- توجه به بین‌المللی‌شدن در اهداف، مأموریتها، راهبردها و چشم‌انداز مؤسسات پژوهشی،
- فرهنگ‌سازی مناسب در مؤسسات پژوهشی درباره لزوم بین‌المللی‌سازی فعالیت‌ها و برنامه‌های پژوهشی،
- نزدیک شدن به استانداردهای جهانی در خصوص ارائه خدمات پژوهشی بین‌المللی،
- تنوع‌بخشی به شاخص‌ها و فعالیت‌های بین‌المللی‌سازی مؤسسه و حرکت کردن فراسوی نگارش مقالات بین‌المللی،
- ایجاد زیرساخت‌های لازم در مؤسسات برای جذب پژوهشگران بین‌المللی،
- برنامه‌ریزی برای همکاری با مؤسسات پژوهشی هم‌تا در سایر کشورها،
- حمایت خیران و نهادهای غیردولتی برای بین‌المللی‌سازی فعالیت‌های پژوهشی،
- تأکید بر ایجاد امکان جابجایی و تحرک‌پذیری پژوهشگران در داخل و خارج از کشور،
- لزوم گسترش استفاده از فناوری‌های نوین در بین‌المللی‌سازی پژوهش،
- عادی‌سازی روابط با کشورهای پیش‌تاز در حوزه علم و فناوری،
- مدیریت‌کردن پیامدهای همکاری با پژوهشگران غیرایرانی،
- لزوم ارزیابی و بازخورد لازم توسط مسئولان و سیاست‌گذاران مؤسسات پژوهشی،
- برطرف کردن موانع ذهنی به خصوص در سطح مدیریتی برای

بین‌المللی‌سازی مؤسسات پژوهشی،

- برطرف کردن مشکلات کنسولی و ضوابط اداری حضور پژوهشگران
غیرایرانی در کشور،

- پیوستن مؤسسه به انجمن‌ها و اتحادیه‌های بین‌المللی مرتبط،

- ارائه اطلاعات علمی و توانایی‌های علمی مؤسسه به زبان‌های خارجی از
طریق سایت،

- برطرف کردن مشکلات مالی و نقل و انقالات مالی بین‌المللی،

- بهره‌مندی از فرایندهای جذب منابع مالی از خارج کشور،

- تقویت نشر علمی بین‌المللی و

- مشارکت استادان و محققان ایرانی برای فعالیت و پژوهش در مؤسسات
برتر جهان.

ب- پیشنهادهای مرتبط با کارگزاران؛ ذیل این بخش مجموع پیشنهادهایی که
کارگزاران حوزه پژوهش باید در نظر بگیرند عبارتند از:

- آموزش کافی کارکنان علمی و غیرعلمی در خصوص مشارکت در
فعالیت‌های بین‌المللی و تقویت مهارت‌های لازم،

- ایجاد مشوق‌های لازم برای ترغیب اعضای هیأت علمی مؤسسات
پژوهشی به جذب پژوهشگران بین‌المللی،

- پایبندی پژوهشگران به اخلاق در پژوهش،

- ارتقای مهارت‌های برقراری ارتباطات و تعاملات بین‌المللی از قبیل
بکارگیری زبان انگلیسی، بکارگیری فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی در
برنامه‌های آموزشی و پژوهشی،

- عضویت اعضای هیأت علمی در انجمن‌های علمی بین‌المللی در حوزه‌های
تخصصی،

- شرکت اعضای هیأت علمی در دوره‌های فرصت مطالعاتی،

- مشارکت اعضای هیأت علمی و پژوهشگران در رویدادهای معتبر علمی

بین‌المللی و

- برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی خاص اعضای هیأت علمی و پژوهشگران برای آشنایی با بهره‌مندی از فرصت‌های بین‌المللی در حوزه‌های تخصصی.
- یکی از مهمترین نکات که باید پیش از هر سیاستگذاری در حوزه‌های فوق صورت پذیرد، توجه به شناسایی و فراهم کردن زیست‌بوم مناسب برای بین‌المللی شدن مؤسسات پژوهشی است. این امر بدین معناست که بین‌المللی شدن مؤسسه پژوهشی امری در خلاء و مجرد نیست و درون بسترهای متأثر از شرایط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی صورت می‌پذیرد. این پیوستگی بین حوزه‌های مختلف تأثیرگذار بر فرایند بین‌المللی شدن ایجاب می‌کند:
- در ابتدا این زیست بوم و عناصر آن شناسایی شوند،
- تعاملات بین این عناصر، نقش و جایگاه هر یک در فرایند بین‌المللی شدن مؤسسات پژوهشی تبیین شود،
- نظام دیپلماسی علم و فناوری در سطح ملی تعیین و تثبیت شود و نقش سیاست‌گذاران و کارگزاران در آن مشخص شود،
- دلایل بین‌المللی شدن مؤسسات پژوهشی باید تبیین شود،
- مؤسسات پژوهشی بر اساس ساختار، چشم انداز و شرح وظایف خود با شاخص‌هایی خاص خود مورد سنجش قرار گیرند و
- با توجه به اینکه شاخص‌های مؤسسات حوزه علوم انسانی، متفاوت از علوم پایه و تجربی است، این موضوع، باید در ارزیابی‌ها لحاظ شود.

منابع و مآخذ

- اصغری، ف. (۱۳۹۶). سیاست بین‌المللی‌سازی آموزش عالی در ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- حسینی مقدم، م. (۱۳۹۶). دانشگاه ایرانی در سپر بین‌المللی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- حمیدی فر، ف.، یوسف، ک.، & ابراهیمی، م. (۱۳۹۶). رهبری و مدیریت در بین‌المللی‌سازی آموزش عالی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۷۱-۴۹.
- خشنودی فر، م.، & فتحی واجارگاه، ک. (۱۳۹۰). بین‌المللی‌سازی برنامه‌های درسی با رویکرد آموزش از دور. فناوری آموزش، ۱-۱۸.
- خورسندی طاسکوه، ع. (۱۳۹۵). آموزش عالی بین‌المللی استراتژی و شرایط امکان. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.
- داوری اردکانی، ر. (۱۳۹۰). وضع کنونی علم در کشور. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، ۱۷-۱.
- سرکارآرانی، م. (۱۳۸۱، آذر). بین‌المللی‌شدن آموزش عالی: چالش‌ها، راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌ها. اطلاعات سیاسی اقتصادی.
- فاضلی، ن. (۱۳۸۶). جهانی‌شدن و آموزش عالی نگاهی به روندهای جهانی در تحولات آموزش عالی و وضعیت آموزش عالی ایران. تهران: فرهنگ شناسی.
- کی‌بین، ر. (۱۳۹۳). مورد پژوهشی در تحقیقات اجتماعی. تهران: نشر نی.
- کی‌بین، ر. (۱۳۹۳). مورد پژوهشی در تحقیقات اجتماعی. تهران: نشر نی.
- مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت آموزش عالی. (۱۳۹۷). مدل ارزیابی مؤسسات پژوهشی کشور. تهران: مرکز نظارت وزارت عتف.
- معاونت آموزشی وزارت عتف. (۱۳۹۷). گزارش ارزیابی ارتقای دانشگاهها و موسسات پژوهشی وزارت عتف به تراز. تهران: وزارت عتف.
- معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. (۱۳۹۵). پروژه ارتقا و تبدیل پنج دانشگاه و واحد پژوهشی برتر. تهران: معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

نیلی احمد آیادی, م. (۱۳۹۸). سخنرانی در «نشست همکاری‌های علمی بین‌المللی». تهران، وزارت علوم. تهران: مندرج در خبرنامه آموزش عالی. واعظی, م., & قرونه, د. (۱۳۸۹). داوود. فرهنگ، جهانی شدن و آموزش عالی. فصلنامه برگ فرهنگ، ۵۰-۶۲.

یمنی دوزخی سرخابی, م. (۱۳۹۰). مسئله شناسی دانشگاه بین‌المللی در ایران.

Centre for Higher Education Internationalisation. (2015). *Internationalisation of Higher*. Europa: Directorate General for Internal Policies.

EPRS (2019). *Internationalisation of EU*. Europa: Scientific Foresight Unit (STOA).

European Parliamentary Research Service (2019). *Internationalisation of EU*. Europa: Scientific Foresight Unit (STOA).

European science foundation (2012). *Indicator of Internationalisation of Research*. European: ESF.

Kaspersen, L., & Giddens, A. (1990). *The Consequences of Modernity*, London. Politica, 112-112.

Knight, J. (2003). *Internationalization of higher education practices and priorities*. International Association of Universities: IAU survey report.

UNESCO. (2020). *Global spending on R&D*. FRANCE: Unesco .

Wright, T. (2009). Sustainability, internationalization, and higher education. ew directions for teaching and learning, 105-115.

References

- Asghari, F. (1396). Internationalization policy of higher education in Iran. Tehran: Research Institute for Social and Cultural Studies. (In Persian).
- Centre for Higher Education Internationalisation (2015). Internationalisation of Higher. Europa: Directorate General for Internal Policies
- Center for monitoring, evaluation and quality assurance of higher education. (1397). Evaluation model of research institutes in the country. Tehran: Supervision Center of the Ministry of Education. (In Persian).
- Deputy Minister of Education of the Ministry of Science, Research and Technology. (1395). Upgrading and conversion project of five top universities and research units. Tehran: Deputy Minister of Education, Ministry of Science, Research and Technology. (In Persian).
- Davari Ardakani, R. (1390). The current state of science in the country. Iranian Engineering Education Quarterly, 1-17. (In Persian).
- Deputy Minister of Education of the Ministry of Education. (1397). Evaluation report on the promotion of universities and research institutes of the Ministry of Education. Tehran: Ministry of Education. (In Persian).
- Deputy Minister of Education of the Ministry of Science, Research and Technology. (1395). Upgrading and conversion project of five top universities and research units. Tehran: Deputy Minister of Education, Ministry of Science, Research and Technology. (In Persian).
- EPRS (2019). Internationalisation of EU. Europa: Scientific Foresight Unit (STOA).
- European Parliamentary Research Service (2019). Internationalisation of EU. Europa: Scientific Foresight Unit (STOA).
- European science foundation (2012). Indicator of Internationalisation of Research. European: ESF.

- Fazeli,N (1386) Globalization and Higher Education A look at global trends in higher education developments and the status of higher education in Iran. Tehran: Cultural Studies. (In Persian).
- Hosseini Moghadam, M. (1396). Iranian University in the International Shield. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies. (In Persian)
- Hamidifar, F., Yousef, K., & Ebrahimi, M. (1396). Leadership and management in the internationalization of higher education. Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education, 49-71. (In Persian).
- Kaspersen, L., & Giddens, A..(1990) The Consequences of Modernity, London. Politica,112-112.
- Knight, J. (2003). Internationalization of Higher Education. Practices and Priorities: International Association of Universities:IAU Survey Report.
- Khoshnoodifar, M., & Fathi Vajargah, K. (1390). Internationalization of curricula with distance learning approach. Education Technology, 1-18. (In Persian).
- Khorsandi Taskooh, A. (1395). International Higher Education Strategy and Possible Conditions. Tehran: Research Institute for Socio-Cultural Studies. (In Persian).
- Nili Ahmad Ayadi, M. (1398). Speech at the & quot; International Scientific Cooperation Meeting & quot ;. Tehran, Ministry of Science. Tehran: According to the Higher Education Newsletter. . (In Persian)
- Sarkar Arani(1395). Internationalization of Higher Education: Challenges, Strategies, Policies and Programs. Political-economic information. (In Persian).
- UNESCO. (2020). Global spending on R& D. FRANCE: Unesco.
- Wright, T. (2015). Sustainability, internationalization, and higher education. ew directions for teaching and learning, 105-115.
- Yemeni Hell of Magenta, m. (1390). Problems of International University in Iran. (In Persian).
- Yin, K, Robert(1393). A case study in social research. Tehran: Ney Publishing. (In Persian).

The Strategies of the Supreme Council of Cyberspace for Modern Communication Media Policymaking

Hamid Mohammadi

PhD Student of Communication Sciences, Department of Social Communication Sciences, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. mohammadius@gmail.com

Akbar Nasrollahi

Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Social Communication Sciences, Faculty of Social Sciences, Communication and Media, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. akbar.nasrollahi@gmail.com

Abstract

This study aims to examine the strategies of the supreme council of cyberspace for modern communication media policymaking. It is mainly aimed at identifying the most important strengths, weaknesses, opportunities, and threats of this council on the area of modern media policymaking and developing some scientific and operational strategies in this area. In this regard, the normative theories of media, use and satisfaction, new media, identity and cyberspace, and media policy-making have been used. In this research, the policies of this council have been examined through the quantitative-qualitative method of SWOT analytical matrix and purposeful interviews with 14 academic experts and pundits in the field of media and policy-making. In total, 15 strengths and opportunities have been identified as the advantages of this council and 16 weaknesses and threats as its limitations. A score of 3.15 of the Internal Factor Evaluation (IFE) Matrix and a score of 2.51 of the External Factors Evaluation (EFE) Matrix show that the strengths of the supreme council of cyberspace in policymaking of the modern communication media outweigh its weaknesses and the opportunities facing this council also outweigh its threats; accordingly, offensive strategies have been suggested

Keywords: *Strategy, Modern Communication Media, Media Policy-Making, Supreme Council of Cyberspace*

راهبردهای شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی^۱

حمید محمدی

دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، گروه علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران mohammadius@gmail.com

اکبر نصرالهی

نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران akbar.nasrollahi@gmail.com

چکیده

این مطالعه، به بررسی راهبردهای شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی می‌پردازد. هدف پژوهش، شناسایی مهمترین نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای این شورا در عرصه سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین و تدوین راهبردهای علمی و عملیاتی است و در این خصوص از نظریه‌های هنجاری رسانه‌ها، استفاده و رضامندی، رسانه‌های جدید، هویت و فضای مجازی و سیاست‌گذاری رسانه‌ای بهره گرفته است. در این پژوهش سیاست‌های این شورا با استفاده از روش کمی-کیفی ماتریس تحلیلی SWOT، از طریق مصاحبه هدفمند با ۱۴ نفر از متخصصان دانشگاهی و صاحب‌نظران حوزه رسانه و سیاست‌گذاری، بررسی شده است. در مجموع، ۱۵ نقطه قوت و فرصت به عنوان مزیت و تعداد ۱۶ ضعف و تهدید به عنوان محدودیت این شورا شناسایی شده است. نمره ۳/۱۵ ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و نمره ۲/۵۱ ماتریس ارزیابی عوامل خارجی نشان می‌دهد که نقاط قوت شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی بیشتر از نقاط ضعف آن و فرصت‌های پیش روی این شورا نیز بر تهدیدهای آن غلبه دارد که متناسب با آن، راهبردهای تهاجمی ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: راهبرد، رسانه‌های نوین ارتباطی، سیاست‌گذاری رسانه‌ای، شورای عالی

فضای مجازی

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۳/۱۷ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۳/۲۶ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۳/۳۱

فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۳۸، بهار ۱۴۰۰، صص ۱۲۷-۱۵۶

مقدمه و بیان مسأله

سیاست‌های ارتباطی، مجموعه اصول و هنجارهایی است که به منظور راهنمایی عملکرد نظام‌های اطلاعاتی و ارتباطی، مورد نظر قرار می‌گیرند. این سیاست‌ها، ایدئولوژی‌های سیاسی، اوضاع اقتصادی و اجتماعی هر کشور و ارزش‌های شالوده‌ای تشکیل دهنده آن را شامل می‌شود. بدین ترتیب می‌توان گفت که «سیاست‌گذاری رسانه‌ای، اصول، هنجارها و راهبردهایی کلی را دربرمی‌گیرد که بر هدایت کلان رسانه‌ها در نیل به اهداف مشخص یک نظام، حاکم است. سیاست‌گذاری رسانه‌ای هم روش و ابزار وصول به هدف را و هم راهبرد را شامل می‌شود بنابراین سیاست‌گذاری رسانه‌ای آمیزه‌ای از تجربیات گذشته، مصلحت جامعه و آینده‌نگری است» (آرلی، ۱۳۵۶: ۷۶). به عبارتی «سیاست‌گذاری رسانه‌ای باید بر پایه نقد سیاست‌های رسانه‌ای گذشته و در نظر گرفتن شرایط و مصلحت موجود جامعه و با رویکرد واقع بینانه به آینده ترسیم شود. سیاست‌گذاری رسانه‌ای باید به چگونگی و قابلیت اجرا و عملیاتی شدن یک سیاست در جامعه نیز توجه داشته باشد» (Hutchison, 1999: 128).

از طرفی باید توجه داشت که جهان فعلی جهان فراوانی، تنوع و امکان دسترسی به اطلاعات است. «شبکه‌های نوین ارتباطی، آن چنان بر فضای زندگی بشر امروز سایه افکنده‌اند که می‌توان گفت همه در محیطی رسانه‌ای به سر می‌بریم. چند و چون اطلاعاتی که در جامعه جدید تولید می‌شود، آنچنان بر تار و پود رسانه‌ها، ساختار، نقش و عملکرد آن‌ها تأثیر می‌گذارد که می‌توان گزاره تاریخی مارشال مک لوهان، «رسانه همان پیام» است را به «پیام همان رسانه» است، تبدیل

کرد. « (فرقانی، ۱۳۸۱: ۴۹). بنابراین، رقابتی که درگرفته است، هم می‌تواند فرصت‌سوز و هم تحول‌آفرین باشد.

در کشور ما نیز سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان ارتباطی به ویژه در مراکز مهم تصمیم‌گیر کشور مانند «شورای عالی فضای مجازی» در کنار توجه به ارتباطات سنتی، ارتباطات دوربرد و ارتباطات جمعی باید در راستای پیشبرد برنامه‌های توسعه و پیشرفت کشور به رسانه‌های نوین و ارتباطات کامپیوتری توجه ویژه‌ای مبذول دارند. از این رو سؤالی که مطرح می‌شود این است که مهم‌ترین نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی چیست و راهبردهای مناسب شورا در این خصوص چه می‌تواند، باشد؟

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

۱-۱. اهداف

- شناخت مهم‌ترین نقاط قوت شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی،
- آگاهی از مهم‌ترین نقاط ضعف این شورا در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی،
- شناخت مهم‌ترین فرصت‌های شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی و
- آگاهی از مهم‌ترین تهدیدهای این شورا در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی.

۱-۲. سؤالات

- مهم‌ترین نقاط قوت شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی چیست؟
- مهم‌ترین نقاط ضعف شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی چیست؟

- مهم‌ترین فرصت‌های شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی چیست؟

- مهم‌ترین تهدیدهای شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی چیست؟

۲. پیشینه تحقیق

تحقیقات انجام شده در حوزه سیاست‌گذاری رسانه‌ای، طیفی است که در یک سوی این طیف محققانی قرار دارند که سیاست‌گذاری رسانه‌ای را بخشی از ماموریت دولت می‌دانند، اما در سر دیگر طیف، محققانی هستند که سیاست‌گذاری رسانه‌ای را راهبردهایی می‌دانند که توسط تعدادی از ذینفعان سیاسی و اقتصادی برای بهره‌برداری بیشتر از فضای رسانه‌ای و افکار عمومی شکل داده می‌شوند. در تحقیقاتی چون «تدوین الگوی خط مشی گذاری فضای مجازی کشور» الوانی و همکاران (۱۳۹۳) سعی شده «ضمن تحلیل ادوار خط مشی‌گذاری فضای مجازی کشور، مدل مفهومی و درعین حال واقعی و قابل اجرا برای خط مشی‌گذاری فضای مجازی ترسیم و ارائه شود» (الوانی، خنیفر، & حاجی ملامیرزایی، ۱۳۹۳: ۷۵). تحقیق «سیاست‌گذاری رسانه مطلوب در جمهوری اسلامی ایران» خواجه سروی و بیات (۱۳۹۶) نشان می‌دهد که «اولین ویژگی رسانه مطلوب در اسلام «دین‌مداری» است. «اخلاق‌مداری»، امیدبخشی و «آگاهی بخشی» از دیگر شاخصه‌های اصیل در طراحی و سیاست‌گذاری رسانه مطلوب در جامعه اسلامی است» (خواجه سروی و بیات، ۱۳۹۶: ۱۰۵). پژوهش «شناسایی و طبقه‌بندی زمینه‌های سیاست‌گذاری عمومی فضای مجازی» حسن نژادکاشانی و نصرالهی (۱۳۹۶)، طرح طبقه‌بندی جامعی را برای پژوهش‌های آتی در حوزه سیاست‌گذاری عمومی فضای مجازی ارائه می‌دهد و به عنوان «منبعی جامع و ارزشمند در پژوهش‌های سیاست‌گذاری عمومی فضای مجازی می‌تواند در تصمیمات و اقدامات کلان سیاست‌گذاران عمومی در این حوزه مدد رسان باشد» (حسن نژاد کاشانی و نصرالهی کاسمانی، ۱۳۹۶: ۲۷). پژوهش «ارائه الگوی مطلوب تدوین سیاست‌های رسانه‌ای» خاشعی (۱۳۹۱) «فقدان یک الگوی تدوین

سیاست (استراتژی) در سطح ملی در حوزه رسانه ای کشور را بررسی کرده است» (خاشعی، ۱۳۹۱: ۶۲). پژوهش «سیاست گذاری سواد رسانه ای در ایران: چالش ها و ظرفیت ها» علوی پور و همکاران (۱۳۹۹) نشان می دهد که «بعلت تعدد نهادهای تصمیم گیر در زمینه سیاست گذاری سواد رسانه ای، تمایز روشنی میان آموزش سواد رسانه ای و فرهنگ سازی در این زمینه دیده نشده و عدم تعادل در برنامه ریزی ها، به سیاست گذاری های ناموفق رهنمون می شود» (علوی پور، عسکری، خسروی و سروی زرگر، ۱۳۹۹: ۱۶۵). همچنین نتایج پژوهش «رویکردی مخاطب محور به سیاست گذاری رسانه ای: نگاهی انتقادی به کمیسیون آزادی مطبوعات آفریقا به عنوان فرایندی مشارکتی» رید^۱ (۲۰۱۷) نشان می دهد که «رویکرد مخاطب محور در تعیین سیاست های کمیسیون مطبوعات آفریقای جنوبی مورد غفلت واقع شده است» (Reid, 2018: 74). این پژوهش ها در راستای دیدگاه های طیف اول تحقیقات سیاست گذاری رسانه ای قابل دسته بندی است.

از طرفی تحقیقاتی که به بررسی تأثیر رسانه ها بر سیاست گذاری عمومی پرداخته اند، همواره به دنبال روشن ساختن نقش واقعی رسانه ها در این میان بوده اند. پژوهش هایی مانند «نقش رسانه ها در شکل دهی فرآیندهای سیاسی: مقایسه تطبیقی نحوه پوشش رسانه ای بحران غذا در بنگلادش، چین، هند و ویتنام» بابو^۲ و دیگران (۲۰۱۷) نشان می دهد که «رسانه هایی که در پوشش این بحران غذایی نقش داشته اند تا کجا توانسته اند با پوشش اخبار و رویدادهای این بحران در قالب های رسانه ای متنوع سیاست گذاران بحران در آن کشورها را متقاعد کنند تا در سیاست هایشان تغییراتی را اعمال کنند» (Babu, Smita, & Chen, 2017, p. 48) و پژوهش «سیاست گذاری رسانه های اجتماعی در پاکستان» فیاض^۳ و قورشی (۲۰۱۸) نشان می دهد «که بین چهار سوژه ای که در تویتر مطرح شده و کاربران در مورد آن بحث کرده اند، هر چهار مورد از سوی دولت و پارلمان پاکستان و مسئولان ملی و محلی مورد توجه واقع شده است» (Fiaz & Qureshi, 2018, p.

1. Reid

2. Babu & et.al

3. Fiaz & Qureshi

208). این تحقیقات در زمره پژوهش‌هایی هستند که به رسانه‌ها به عنوان متغیرهای تعیین‌کننده در حوزه سیاست‌گذاری عمومی نگاه می‌کنند و آن را عامل یاری‌رسان و علتی تعیین‌کننده در فرایند سیاست‌گذاری می‌دانند. تحقیقی هم که توسط ژانگ و همکاران (۲۰۱۸) با عنوان «نگاهی به تأثیر رسانه‌ها در فرایند سیاست‌گذاری عمومی چین» انجام شده، به دنبال یافتن پاسخ به این سؤال است که «چرا در طول سالیان متمادی رسانه‌های سنتی چین از چارچوبی بهره‌مند نشده‌اند که بتوانند در فرایند سیاست‌گذاری عمومی این کشور تأثیرگذار باشند؟ همچنین چرا رسانه‌های اجتماعی جدید در چین نیز موفق نشده‌اند آن گونه که لازم است در فرایند سیاست‌گذاری عمومی در این کشور تأثیرگذار باشند؟» (Zhang, Li, Chen, & Dai, 2018, p. 129). این تحقیق نیز در زمره پژوهش‌هایی که به رسانه‌ها به عنوان صرفاً نقش مجرا (کانال) در ارتباط با سیاست‌گذاری نگاه می‌کند.

در تحقیقات با موضوع شورای عالی فضای مجازی نیز بیشتر از جنبه حقوقی و مقررات‌گذاری به این شورا پرداخته شده و یا بیانات مقامات تحلیل محتوا شده است. جلالی و سازگاری (۱۳۹۹) در پژوهشی با موضوع «پایبندی نهادهای سیاست‌گذار به حدود مفهومی سیاست با نگاهی به امکان‌سنجی نظارت قضایی بر آن (مطالعه موردی شوراهای عالی انقلاب فرهنگی و فضای مجازی)» به این نتیجه رسیده‌اند که «در موارد متعدد، این شوراها به سیاست‌گذاری پایبند نمانده‌اند و به حدود قانون یا مقرر و ورود کرده‌اند. گزاره اخیر لزوم وجود نظارت قضایی را بر این نهادها بیش از پیش آشکار می‌نماید» (جلالی & سازگاری، ۱۳۹۹، ص. ۴۹). تحقیق «ماهیت و جایگاه نهاد تنظیم مقررات در حوزه فضای مجازی در ایران» انصاری و الوند نژاد (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که «در داخل ایران، شورای عالی فضای مجازی، متولی اصلی و محور نهاد تنظیم مقررات حوزه مجازی محسوب می‌شود و سایر ارگان‌ها برای صالح بودن در هر بخش از تنظیم مقررات فضای مجازی، باید دارای منبع قانونی باشند که مثبت صلاحیت آن‌ها و استثنایی بر صلاحیت عام شورای عالی فضای مجازی در آن بخش باشد» (انصاری & الوند نژاد، ۱۳۹۹، ص. ۲۸۱). پژوهش «تحلیل ارزشیابی بیانات رهبر معظم انقلاب در

مورد فضای مجازی پس از تشکیل شورای عالی فضای مجازی» الوندی و سلیمانی (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که «هر چند این فضا یک فرصت است اما از بیانات ایشان استنباط می‌شود که تهدیدات فضای مجازی برای جامعه ما بیشتر از فرصت‌هایش می‌باشد» (الوندی & سلیمانی، ۱۳۹۵، ص. ۴۱) که رویکرد ارتباطی به سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین در این پژوهش‌ها مغفول واقع شده است.

تحقیقات انجام شده با موضوع شبکه‌های اجتماعی نیز نشان می‌دهد که این تحقیقات بیشتر با محور تأثیرگذاری این رسانه‌ها بر روی خانواده‌ها، جوانان، نوجوانان، زنان، اقوام و کاربران صورت گرفته است. به عنوان مثال پژوهش قربانی (۱۳۹۴) با عنوان «شبکه‌های اجتماعی مجازی: آسیب‌ها و پیامدهای آن در استان آذربایجان شرقی» نشان می‌دهد که «کاربران شبکه‌های اجتماعی بیشتر در تلگرام عضویت دارند و ائتلاف وقت، اختلافات خانوادگی، وابستگی و اعتیاد، سوء استفاده از اطلاعات شخصی، نادیده گرفتن حریم شخصی و... از کارکردهای منفی شبکه‌های اجتماعی موبایلی است» (قربانی، ۱۳۹۴، ص. ۱). پژوهش «گونه‌شناسی بازنمایی سبک زندگی جوانان ایرانی در شبکه اجتماعی فیس‌بوک» اردکانی فرد و بخشی (۱۳۹۶) نشان می‌دهد «که افراد در فیس‌بوک، سبک زندگی خود را عمدتاً بر اساس پنج مؤلفه سبک پوشش و آرایش، اوقات فراغت، روابط بین فردی، سبک تغذیه و دکوراسیون منزل نشان می‌دهند» (اردکانی فرد & بخشی، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۹). پژوهش «شبکه‌های اجتماعی مجازی و قومیت: فرصت‌ها و تهدیدهای پیش رو» حیدری و شاوردی (۱۳۹۲) نشان می‌دهد که «کاربران قومی با فعالیت خود در این شبکه‌ها، ضمن تأثیرپذیری از شبکه‌های اجتماعی بر سایر کاربران نیز تأثیر می‌گذارند» (حیدری & شاوردی، ۱۳۹۲، ص. ۳۷)، که این پژوهش‌ها با محور تأثیرگذاری رسانه‌های نوین بر روی سبک زندگی قابل بررسی هستند.

جمع‌بندی ادبیات پژوهش‌های صورت گرفته، حاکی از آن است که در زمینه راهبردهای شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی تاکنون پژوهش‌های زیادی صورت نگرفته است. در محدود پژوهش‌های انجام یافته، صرفاً به ارائه برخی مدل‌ها پرداخته شده که به مرور زمان و با پیشرفت این

فناوری‌ها نیازمند بروزرسانی هستند و فقط مبحث مقررات‌گذاری این رسانه‌ها و بیانات اشخاص در این شورا مدنظر پژوهشگران بوده است. پژوهش حاضر از جهت تبیین وضع موجود سیاست‌گذاری رسانه‌ای در ایران و الگوی فعلی و مطلوب هیأت حاکمه در خصوص سیاست‌گذاری در حوزه فناوری‌های نوین ارتباطی با محوریت شورای عالی فضای مجازی نوآوری دارد.

بر اساس توضیحات فوق، پژوهش حاضر به بررسی فرضیه‌های زیر می‌پردازد:

۱- سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین در شورای عالی فضای مجازی نقاط قوت کمتری دارد.

۲- سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین در شورای عالی فضای مجازی نقاط ضعف بیشتری دارد.

۳- به فرصت‌های سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین در شورای عالی فضای مجازی توجه کمتری شده است.

۴- به تهدیدهای سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین در شورای عالی فضای مجازی توجه بیشتری شده است.

۳. چارچوب نظری

نخستین و مهم‌ترین موضوعی که در حوزه سیاست‌گذاری رسانه‌ای مورد بحث قرار می‌گیرد، نوع محتوایی است که رسانه باید تصمیم بگیرد که آیا منتشر شود یا نه؟ دومین موضوع، موضوع فناوری‌های جدید رسانه‌ای است و سیاست‌گذاران باید در مورد استفاده از انواع مختلف فناوری رسانه‌ای تصمیم بگیرند. نگرانی دیگر در این حوزه به میزان دسترسی و حوزه توزیع محتوای رسانه‌ای مربوط می‌شود. با توجه به مباحث گفته‌شده در این مقاله از چهار نظریه‌های جاری رسانه‌ها، استفاده و رضامندی، رسانه‌های جدید، نظریه‌های موجود در باب هویت و فضای مجازی و دیدگاه‌های نظری در حوزه سیاست‌گذاری رسانه‌ای استفاده شده است. نظریه‌های جاری رسانه‌ها به تشریح بایدها و نبایدهای حاکم بر وسایل ارتباط جمعی یا به عبارتی، نظام‌های کنترل و مدیریت رسانه‌ها می‌پردازد. دنیس

مک کوئیل^۱ (۲۰۰۵) در بازنگری‌ای که در کتاب «نظریه‌های ارتباط جمعی» انجام داده، در جمع‌بندی فصل نظریه‌های هنجاری چهار مدل را ارائه نموده است: «۱- مدل بازاری (لیبرال): این مدل بر نظریه مطبوعات آزاد اسیل تکیه دارد، که در آن آزادی مطبوعات با آزادی مالکیت و اداره ابزارهای نشر بدون اجازه و دخالت دولت شناخته می‌شود. ۲- مدل مسئولیت اجتماعی: در این مدل حق آزادی نشر با تعهد به جامعه‌ای بزرگ‌تر همراه می‌شود که از منافع فردی فراتر است. ۳- مدل حرفه‌ای: این مدل انتخاب نقش‌هایی برای جامعه و محافظت از استانداردهایی است که در این مدل به خود مطبوعات و حرفه روزنامه‌نگاری تعلق دارند. ۴- مدل رسانه‌های جایگزین: این مدل بر حق خرده فرهنگ‌ها و ارزش‌های خاص آن‌ها و ارتقای فهم بین موضوعی تأکید و حس واقعی جماعت را ارتقاء می‌دهند» (Mcquail D. , 2005, pp. 147-148). باهنر و صمدی (۱۳۸۹) به الگوهای مک کوئیل یک الگوی دیگر را افزوده‌اند:

۵- الگوی هنجاری رسانه اسلامی: «هنجارهای این الگو برخاسته از ادیان الهی در طول تاریخ به خصوص تعالیم انبیای الهی بوده است که دین را به عنوان هنجار اصلی خود قرار داده است. شروع و مبدأ ارتباط، ذات اقدس الهی است و معاد، محور کلیدی در مقصد نهایی ارتباطی و رسانه‌ای محسوب می‌گردد. دیگر، تکامل در ابعاد مادی منتهای درجه این جریان نخواهد بود، زیرا تعالی همه جانبه برای انسان مد نظر است و در این مدل خواهد بود که غایت‌انگاری وجهی مهم در قالب حکومت مهدوی پیدا خواهد کرد. از این رو، اسلام در این نظرگاه به عنوان یک دین و برنامه زندگی رنگ و صورتی دگرگون می‌یابد» (مطهری، ۱۳۸۹، ص. ۶۳-۶۲). ویژگی غایت‌شناختی الگوی هنجاری رسانه اسلامی براساس متون اسلامی عبارت است از: «۱. عدالت رسانه‌ای ۲. تجلی وجه حضور امام؛ ۳. متقین، شیعیان و مستضعفین، صاحبان و مالکان رسانه‌ها؛ ۴. روش امیرالمؤمنین در سیاست‌گذاری رسانه؛ ۵. اهداف و جهت‌گیری‌ها بر اساس دانش و حکمت» (باهنر & صمدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۶۳)

نظریه استفاده و رضامندی اولین بار در مقاله‌ای از کاتز^۱ توصیف شد. «این رویکرد بنیان اولیه تأثیر رسانه‌ها را که مخاطب را منفعل و گیرنده صرف پیام‌های رسانه می‌داند، رد می‌کند و در مقابل مخاطب را فعال و انتخاب‌کننده محتوای رسانه فرض می‌کند. از این رو، از همان ابتدا بر نیازهای شخصی، جهت‌گیری‌ها و فعالیت‌های تفسیری مخاطب با ویژگی‌های اجتماعی و فردی متفاوت تأکید می‌کند» (نیکو، ۱۳۸۱، ص. ۱۵). همچنین در این رویکرد، برای فعال بودن مخاطب ابعادی را مفروض می‌دارند که عبارتند از: «تعمدی بودن، درگیر شدن، انتخابی بودن و سودمندی» (خجسته، ۱۳۸۰، ص. ۶۲). به نظر هواداران این رویکرد، نیازهای گوناگونی می‌تواند مخاطب را به سوی استفاده از رسانه سوق دهد که «مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: سرگرمی و تفریح، کسب اطلاع و یادگیری، گذران اوقات فراغت، استفاده اجتماعی، کسب هویت شخصی و ارتقای روحیه معنوی» (کاظمی پور، ۱۳۸۰، ص. ۹۲-۹۰).

نظریه رسانه‌های جدید نیز به تأثیر و تأثر تکنولوژی‌های جدید بر فرآیند ارتباطات در جهان اطلاعاتی شده امروز می‌پردازد. این نظریه معتقد است که «رسانه‌های جدید مجموعه متمایزی از فناوری‌های ارتباطات و دارای ویژگی‌های مشترک دیجیتال بودن و دسترسی گسترده شهروندان به آن برای استفاده شخصی است. مفهوم رسانه‌های جدید بر این اساس واجد معانی زیر است: تجربیات متنی جدید، شیوه‌های جدید بازنمایی جهان و روابط جدید بین سوژه‌ها» (مهدی زاده، ۱۳۸۹، ص. ۳۰۱) مک کوئیل ابعاد و ویژگی‌های رسانه‌های جدید را ۱- تعاملی بودن، ۲- حضور اجتماعی، ۳- غنای رسانه‌ای، ۴- استقلال (خود مختاری)، ۵- بازیگوشی، ۶- خصوصی (خلوت) بودن و ۷- شخصی بودن برمی‌شمرد. (Mcquail D. , Mcquail's mass communication theory, 2006, p. 143)

نظریه‌های موجود در باب هویت و فضای مجازی نیز با سه رویکرد مثبت، منفی و میانه‌رو به حوزه فضای مجازی می‌پردازد:

۱. نظریه‌های اجتماعی با رویکرد مثبت: این نظریه معتقد است که «فضای

مجازی فضایی رهایی‌بخش است که به کاربر اجازه رهایی از بدن و بسیاری از محدودیت‌های دیگر و شکوفایی جنبه‌های مختلف خود را که پیش از این قادر به بیان و نمایاندن آن‌ها نبود می‌دهد» (کوثری، ۱۳۸۶، ص. ۶۸).

۲. نظریه‌های اجتماعی با رویکرد منفی: «این دسته از نظریات شامل ترکیبی از نظریات و رویکردهای به نسبت بدبینانه به تأثیرات حضور در فضای مجازی به‌ویژه در ابعاد هویتی است» (خدایاری، دانشور حسینی، & سعیدی، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۷).

۳. نظریه‌های اجتماعی میانه‌رو: این نظریه ترکیبی از دو نظریه مطرح شده قبلی است که در برخی موارد نگاهی مثبت و در برخی موارد نیز نگاه منفی به فضای مجازی دارد.

در خصوص دیدگاه‌های نظری مطرح شده در حوزه سیاست‌گذاری رسانه‌ای، نیز می‌توان گفت که برخی از صاحب‌نظران به عناصر ایدئولوژیک بیشتر از سایر عناصر توجه کرده‌اند. به عنوان مثال؛ فریدمن^۱ و لاسول^۲ به عناصر ایدئولوژیک سیاست‌گذاری بیشتر توجه کرده‌اند. وارد^۳ (۲۰۰۸) «سیاست‌گذاری رسانه و تلویزیون را به شدت تحت تأثیر دولت و تصویر بزرگی که نظام سیاسی کشور ترسیم کرده است، می‌داند» (Ward, 2008, p. 52). جان آرلی^۴ ابعاد مربوط به سیاست‌گذاری‌های رسانه‌ای را چنین بر می‌شمارد: «نوع نظام ارتباطی، طبقه‌بندی مخاطبان بر حسب گروه‌های سنی و جنسیت، لایه‌های اجتماعی و اقتصادی از ترکیب عناصر هر یک از این ابعاد حیطه‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی متعدد و پیچیده‌ای پدید می‌آید که بسیاری از آن‌ها در هر کشور، دارای اهمیت خاصی است. به گفته تامبر هاوارد^۵ (۲۰۰۲)، چارچوب سیاست‌گذاری رسانه از سه عامل اصلی زیر ساخت‌ها، فرآیندهای توزیع و نوع محتوا تشکیل شده است که بازیگران اصلی رسانه باید در این سه حیطه به سیاست‌گذاری

1. Freedman

2. Laswell

3. Ward

4. Rlee

5. Haward

بپردازند» (روشندل اربطانی، ۱۳۹۵، ص. ۲۰). هانکوک^{۱۱} (۱۹۹۲) معتقد است که سیاست‌گذاری رسانه‌ای در نقطه تلاقی فناوری، زیر ساخت‌های ارتباطی و سیاست‌های عمومی و توسعه‌ای قرار دارد: «یعنی در سطح نظری، فرایندی برای تدوین اهداف اجتماعی، مرتبط ساختن آن‌ها با امکانات موجود در نظام ارتباطات و استفاده از فناوری برای فراهم آوردن بهترین گزینه‌ها است» (Hancock, 1992, p. 61). رودس^{۱۲} (۱۹۹۰) در تحقیق خود به این نتیجه می‌رسد که «سیاست‌گذاری رسانه‌ای به رفتار دولت، نهادهای جامعه مدنی، قانون‌گذاری و متخصصان رسانه‌ای که در ارتباط با ادبیات علوم سیاسی هستند، باز می‌گردد» (Rhodes, 1990, p. 37). دنیس مک کوئیل^{۱۳} (۲۰۰۰) سیاست‌گذاری رسانه را این گونه تعریف می‌کند: «پروژه‌ای که دولت و مدیران در آن حوزه به قانون‌گذاری برای رسانه‌ها می‌پردازند که این قانون‌گذاری گاهی ملی و گاهی بین‌المللی است» (Mcquail, Mass Communication Theory, 2000, p. 78).

۴. روش تحقیق

برای موضوع راهبردهای شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی از روش کمی-کیفی رویکرد ماتریس تحلیلی سوات (swot) با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته با متخصصان دانشگاهی و صاحب‌نظران حوزه رسانه و سیاست‌گذاری استفاده شده است. «روش سوات برحسب گردآوری اطلاعات اکتشافی توصیفی (کشف عناصر چهارگانه و توصیف ابعاد آن در جامعه مورد بررسی)، بر حسب کاربرد ارزیابی راهبردی (ارزیابی سازمان و محیط و ارائه راهبرد برای تقویت و بهبود) و نوع پژوهش تلفیقی (کمی - کیفی، در شناخت عناصر و ابعاد از طریق اسناد، مصاحبه و روایت‌ها، کیفی و درجه‌بندی، اولویت‌بندی و وزن‌دهی و محاسبه اولویت راهبردها کمی) است. با توجه به نگاه به آینده و ترسیم وضعیت مطلوب در آینده از نوع پژوهش‌های آینده‌پژوهی نیز به

1. Hancock

2. Rhodes

3. Mcquail

شمار می‌رود» (خجیر، ۱۳۹۸، ص. ۲۱۶). در تحقیق حاضر، چشم‌انداز سیاست‌گذاری رسانه‌ای در کشور با محوریت شورای عالی فضای مجازی مورد بررسی قرار گرفته و بر مبنای تفکر استقرایی سعی شده با مطالعه‌ی محیط خارجی و محیط داخلی شورای عالی فضای مجازی، شناخت عوامل مؤثر در زمینه‌های مختلف سیاست‌گذاری رسانه‌ای کشور به صورت اولیه و نسبی حاصل شود. با توجه به شناخت به دست آمده، نسبت به آماده کردن کاربرگ‌های موضوعی برای انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته اقدام شده و مصاحبه‌های انجام شده را با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA که برای روش‌های کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و مقوله‌بندی کرده ایم. نتایج حاصله، فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌های اولویت دار برای شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی است. پس از این مرحله از ماتریس اس دلبیو او تی (swot) بهره‌گیری کرده و با استفاده از نتایج حاصل نسبت به تدوین استراتژی‌های عملیاتی اقدام کردیم. جامعه‌ی مورد مطالعه از متخصصان، سیاست‌گذاران و افراد مطلع و خبرگانی بود که بر جنبه‌های مختلف موضوع تحقیق اشراف علمی و تجربی داشتند. این افراد شامل؛ اساتید دانشگاه و صاحب‌نظران حوزه رسانه و سیاست‌گذاری بود که پژوهش، مقاله، همکاری و مطالعاتی درباره سیاست‌های این شورا و همچنین رسانه‌های نوین داشتند. در این پژوهش، جهت نمونه‌گیری برای انجام مصاحبه‌ها از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. «این نمونه‌گیری، زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که ضرورت می‌یابد که اطلاعاتی از افراد یا گروه‌های خاصی به دست آوریم» (دانایی فرد، الوانی، & آذر، ۱۳۸۳، ص. ۴۰۹). در این پژوهش یک گروه اولیه از متخصصان جهت مصاحبه، انتخاب و سپس گروه‌های بعدی جهت مصاحبه، توسط همین گروه معرفی شده و نمونه‌گیری تا جایی تداوم یافت که با ادامه نمونه‌گیری، هیچ اندیشه جدیدی به وجود نیامده و به اصطلاح پژوهش به اشباع نظری و کفایت رسیده باشد. تعداد افراد مصاحبه‌شونده در این تحقیق، ۱۴ نفر بودند. در تحقیق حاضر، علاوه بر این که اعضای گروه پژوهشی، هنگام تفسیر داده‌ها بر صداقت و

دقت یکدیگر نظارت داشتند از برخی مصاحبه شوندگان نیز، خواسته شد تا فرایند رسیدن به نتایج را بررسی نمایند و فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌های اولویت‌دار برای مصاحبه‌شوندگان در اختیار آن‌ها گذاشته شد.

۵. یافته‌های تحقیق

در این پژوهش با توجه به مطالب مطرح شده در مصاحبه متخصصان، به موضوعاتی که در ارتباط با نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی اثرگذار هستند، دست یافتیم. این نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدیدها پس از بررسی و حذف اضافات و تلفیق مشابهات، شامل این موارد شدند و نکته جدید دیگری که پژوهشگر را در مسیر یافته‌های جدید یاری دهد، وجود نداشت.

۵-۱. ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی

در جدول ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی بر اساس بررسی‌های صورت گرفته تعداد ۸ نقطه قوت داخلی در برابر ۹ نقطه ضعف داخلی و تعداد ۷ فرصت بیرونی در برابر ۷ تهدید بیرونی تعیین شده است. در مجموع تعداد ۱۵ نقطه قوت و فرصت به عنوان مزیت‌ها و تعداد ۱۶ ضعف و تهدید به عنوان محدودیت‌های سیاست‌گذاری رسانه‌ای شورای عالی فضای مجازی شناسایی شده است.

جدول ۱. ماتریس عوامل داخلی (IFAS)

W1 نبود اجماع برای تعیین مدل مطلوب، W2 بی توجهی به ابعاد اقتصادی و اشتغال‌زایی این حوزه، W3 تعلل در ایجاد شبکه ملی اطلاعات و توفیق کم پیام‌رسان‌های داخلی، W4 بودجه و اعتبار اندک، W5 استفاده گزینشی از نخبگان، W6 غلبه نگاه سیاسی و امنیتی به نگاه علمی، W7 تضاد سیاست‌ها با واقعیت‌های جامعه، W8 پیشرو نبودن و اتخاذ تصمیم‌های دیر هنگام و W9 نداشتن حساسیت و دانش روز برخی اعضا	S1 توجه به ارزشها و هنجارهای بومی ملی و مذهبی، S2 ارتباط با مراکز دانشگاهی، علمی و پژوهش، S3 تجربه و تخصص بالای اعضای این شورا، S4 تقویت پیام رسان های داخلی، S5 توجه به نیازهای مخاطب، S6 داشتن نگاه توسعه محور، S7 استفاده از ظرفیت قوای سه گانه و S8 برخورداری از بالاترین قدرت سیاست گذاری نظارت و اجرا.
---	--

جدول ۲. ماتریس عوامل خارجی (EFAS)

T1 افزایش گرایش به سمت فرهنگ بیگانه، T2 تمرکز محتوای تولید داخلی بر بستر کانال‌های رسانه‌ای بیگانه، T3 رقابتی تصمیم‌گیر قوی در خارج، T4 اقبال مخاطبان داخلی به سمت شبکه‌های مجازی خارجی، T5 مسدود کردن دسترسی به شبکه‌های اجتماعی مجازی، T6 کمبودهای سخت‌افزاری به دلیل تحریم‌ها و T7 دخالت‌های سلیقه‌ای، حزبی، امنیتی و غیر رسمی	O1 نگاه مثبت مسئولان ارشد نظام به حوزه فضای مجازی، O2 ظرفیت بالای شرکت‌های دانش بنیان و بخش خصوصی، O3 حضور اثرگذار در شبکه‌های جهانی به منظور ترویج گفتمان انقلاب، O4 رشته‌های تحصیلی و نیروی‌های متخصص دانشگاهی مرتبط، O5 ارتقای سواد رسانه‌ای مخاطبان، تقویت اعتماد آن‌ها به نظام، O6 تولید محتوای مناسبی با ارزش‌ها، فرهنگ و سبک زندگی ایرانی -اسلامی و O7 نظارت بر فضای مجازی کشور با ایجاد شبکه ملی اطلاعات
--	---

۵-۲. تحلیل و ارزیابی نقاط قوت و ضعف (عوامل داخلی)

در تکمیل جدول تحلیل عوامل داخلی، در ستون دوم به هر عامل یک ضریب وزنی بین صفر تا ۱ اختصاص داده و برای تعیین وزن هریک از عوامل از نظرات خبرگان بهره جسته و سپس وزن عوامل با اهمیت‌تر را بین صفر تا ۱ نرمالیزه می‌کنیم. در ستون سوم برای قوت‌های عالی رتبه ۴، قوت‌های معمولی رتبه ۳، ضعف‌های جدی رتبه ۱ و ضعف‌های معمولی رتبه ۲ اختصاص داده می‌شود. در ستون چهارم امتیاز وزن‌دار هر عامل نیز از طریق ضرب عوامل درون سازمانی در وزن نرمالیزه شده محاسبه می‌گردد. اگر جمع کل نمره ماتریس بیشتر از ۲/۵ باشد، قوت‌های داخلی سازمان بیش از ضعف‌های آن و اگر جمع کل نمره ماتریس کمتر از ۲/۵ باشد، ضعف‌های داخلی سازمان بیش از قوت‌های آن است.

جدول ۳. تحلیل و ارزیابی عوامل داخلی

مهم‌ترین قوت‌ها	ضریب	رتبه	ضریب نهایی
S 1	۰/۰۶۶	۳/۷۱	۰/ ۲۴۴
S 2	۰/۰۵۵	۳/۴۲	۰/۱۸۸
S 3	۰/۰۵۱	۳/۳۵	۰/۱۷۰
S 4	۰/۰۵۵	۳/۴۲	۰/۱۸۸
S 5	۰/۰۵۵	۳/۴۲	۰/۱۸۸
S 6	۰/۰۵۵	۳/۴۲	۰/۱۸۸
S 7	۰/۰۵۶	۳/۵	۰/۱۹۶
S 8	۰/۰۶۹	۳/۷۸	۰/۲۶۰
مهم‌ترین ضعف‌ها	ضریب	رتبه	ضریب نهایی
W 1	۰/۰۵۶	۱/۵	۰/۰۸۴۰
W 2	۰/۰۵۵	۱/۵۷	۰/ ۰۸۶۳

۰/۰۸۳۰	۱/۶۴	۰/۰۵۱	W 3
۰/۰۸۶۳	۱/۵۷	۰/۰۵۵	W 4
۰/۰۸۳	۱/۶۴	۰/۰۵۱	W 5
۰/۰۸۶۴	۱/۳۵	۰/۰۶۴	W 6
۰/۰۸۲۰	۱/۱۴	۰/۰۷۲	W 7
۰/۰۸۵۲	۱/۴۲	۰/۰۶۰	W 8
۰/۰۸۶۴	۱/۳۵	۰/۰۶۴	W 9
۳/۱۵		۱	مجموع

همان‌گونه که جدول فوق نشان می‌دهد و بر اساس سؤال اول تحقیق که مهم‌ترین نقاط قوت شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی چیست؟ برخورداری از بالاترین قدرت سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری، نظارت و اجرا در حوزه فضای مجازی در کشور، توجه به ارزش‌ها و هنجارهای بومی، ملی و مذهبی در سیاست‌گذاری‌ها و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های قوای سه‌گانه نظام در سیاست‌گذاری‌ها به ترتیب با امتیاز وزنی ۰/۲۶۰، ۰/۲۴۴ و ۰/۱۹۶ مهم‌ترین نقاط قوت و بر اساس سؤال دوم تحقیق که مهم‌ترین نقاط ضعف شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی چیست؟ غلبه نگاه امنیتی و سیاسی به نگاه علمی، فرهنگی و اجتماعی در سیاست‌گذاری‌ها، نداشتن حساسیت و دانش روز برخی اعضا، بی‌توجهی به ابعاد اقتصادی و اشتغال‌زایی در این حوزه، بودجه و اعتبار اندک، پیشرو نبودن و اتخاذ تصمیم‌های دیر هنگام به ترتیب با امتیاز وزنی ۰/۰۸۶۴، ۰/۰۸۶۳ و ۰/۰۸۵۲ از مهمترین نقاط ضعف شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی است.

نتایج به دست آمده پاسخ هدف اول تحقیق یعنی شناخت مهم‌ترین نقاط قوت شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی و هدف دوم تحقیق، آگاهی از مهم‌ترین نقاط ضعف این شورا در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی نیز هست. نمره ماتریس ارزیابی عوامل داخلی ۳/۱۵ نشان می‌دهد که شورای عالی فضای مجازی از نظر عوامل درونی قوت دارد (۲/۵ > ۳/۱۵). بر این اساس، فرضیه اول تحقیق که سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین در شورای عالی فضای مجازی نقاط قوت کمتری دارد، مورد تایید قرار نگرفت. فرضیه دوم تحقیق که سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین در شورای عالی فضای

مجازی نقاط ضعف بیشتری دارد، نیز تایید نشد.

۳-۵. تحلیل و ارزیابی نقاط فرصت و تهدید (عوامل خارجی)

در تکمیل جدول تحلیل عوامل خارجی نیز ستون ۲ مانند ماتریس عوامل داخلی به دست می آید. در ستون سوم برای فرصت‌های عالی رتبه ۴، فرصت‌های معمولی رتبه ۳، تهدیدهای جدی رتبه ۱ و تهدیدهای معمولی رتبه ۲ اختصاص داده می‌شود. در ستون چهارم امتیاز وزن دار هر عامل نیز از طریق ضرب عوامل برون‌سازمانی در وزن نرمالیزه شده محاسبه می‌شود. اگر جمع کل نمره ماتریس بیشتر از ۲/۵ باشد، فرصت‌های محیطی سازمان بیش از تهدیدهای خواهد بود. اگر جمع کل نمره ماتریس کمتر از ۲/۵ باشد، تهدیدهای محیطی سازمان بیش از فرصت‌های آن است.

جدول ۴. تحلیل و ارزیابی عوامل خارجی

مهم‌ترین فرصت‌ها	ضریب	رتبه	ضریب نهایی
O 1	۰/۰۶۴	۳/۴۲	۰/۲۱۸
O 2	۰/۰۷۴	۳/۷۸	۰/۲۷۹
O 3	۰/۰۷۰	۳/۵۷	۰/۲۴۹
O 4	۰/۰۷۰	۳/۵۷	۰/۲۴۹
O 5	۰/۰۷۴	۳/۶۴	۰/۲۶۹
O 6	۰/۰۷۴	۳/۶۴	۰/۲۶۹
O 7	۰/۰۸۰	۳/۷۸	۰/۳۰۲
مهم‌ترین تهدیدها	ضریب	رتبه	ضریب نهایی
T 1	۰/۰۷۴	۱/۳۵	۰/۰۹۹۹
T 2	۰/۰۶۴	۱/۵۷	۰/۱۰۰
T 3	۰/۰۶۵	۱/۵	۰/۰۹۷۵
T 4	۰/۰۷۴	۱/۳۵	۰/۰۹۹۹
T 5	۰/۰۷۰	۱/۴۲	۰/۰۹۹۴
T 6	۰/۰۵۸	۱/۶۴	۰/۰۹۵۱
T 7	۰/۰۸۴	۱/۱۴	۰/۰۹۵۷
مجموع	۱		۲/۵۱

همان‌گونه که جدول فوق نشان می‌دهد و براساس سوال سوم تحقیق که مهم‌ترین فرصت‌های شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی چیست؟ نظارت بر فضای مجازی کشور با تقویت زیرساخت‌های ارتباطی و ایجاد

شبکه ملی اطلاعات، ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان و بخش خصوصی، ارتقای سواد رسانه‌ای مخاطبان، تقویت اعتماد آن‌ها به نظام، آموزش آن‌ها برای مواقع بحرانی و تولید محتواهایی منطبق با ارزش‌ها، فرهنگ و سبک زندگی ایران -اسلامی، به ترتیب با امتیاز وزنی ۰/۳۰۲، ۰/۲۷۹ و ۰/۲۶۹، به عنوان مهم‌ترین فرصت‌ها و بر اساس سوال چهارم تحقیق که مهم‌ترین تهدیدهای شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی چیست؟ تمرکز محتوای تولید داخل بر بسترکانال‌های رسانه‌ای بیگانه، اقبال مخاطبان داخلی به سمت شبکه‌های مجازی خارجی، گرایش به سمت فرهنگ بیگانه، بی‌توجهی به فرهنگ ملی، فیلترینگ و مسدود کردن دسترسی به شبکه‌های مجازی خارجی به ترتیب با امتیاز وزنی ۰/۱۰۰، ۰/۰۹۹۹ و ۰/۰۹۹۴ از مهم‌ترین تهدیدهای شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی است. نتایج به دست آمده پاسخ هدف سوم تحقیق، شناخت مهم‌ترین فرصت‌های شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی و هدف چهارم تحقیق، آگاهی از مهم‌ترین تهدیدهای این شورا در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی نیز هست. نمره ماتریس ارزیابی عوامل خارجی ۲/۵۱ نشان دهنده این است که شورای عالی فضای مجازی از نظر عوامل خارجی دارای فرصت‌های بیشتری است تا تهدیدها ($2/5 > 2/51$). بر این اساس فرضیه سوم تحقیق مبنی بر اینکه به فرصت‌های سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی در شورای عالی فضای مجازی توجه کمتری شده است و همچنین، فرضیه چهارم تحقیق که به تهدیدهای سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی در شورای عالی فضای مجازی توجه بیشتری شده است، مورد تایید قرار نگرفت.

۴-۵. انتخاب راهبرد مناسب

موقعیت استراتژیک یک منطقه با استفاده از ماتریس عوامل داخلی، خارجی و استقرار نمرات این ماتریس‌ها بر روی آن مشخص می‌شود. چون، نمره به دست آمده از ماتریس ارزیابی عوامل داخلی برابر ۳/۱۵ و نمره به دست آمده از ماتریس ارزیابی عوامل خارجی برابر ۲/۵۱ است، بنابراین موقعیت استراتژیک شورای عالی فضای مجازی در ناحیه اول نمودار قرار می‌گیرد که متناسب با آن، موقعیت

تهاجمی (SO)، انتخاب شده و موقعیت‌های این منطقه با ترکیبی از موقعیت‌های دو منطقه احتمالی آن (ST، WO) قرار می‌گیرند.

جدول ۵. ماتریس استراتژی‌ها و اولویت‌های اجرایی S W O T

۴ O	موقعیت محافظه کارانه (WO)	موقعیت تهاجمی (S O) *
۲/۵ ۱	موقعیت تدافعی (WT)	موقعیت رقابتی (ST) ۴
	W	S

۵-۵. تعیین راهبردها

در این گام نقاط قوت داخل و فرصت‌های خارجی، نقاط ضعف داخلی و فرصت‌های خارجی، نقاط قوت داخلی و تهدیدهای خارجی و نقاط ضعف داخلی و تهدیدهای خارجی با یکدیگر مقایسه شدند و راهبردهای مناسب انتخاب گردید.

جدول ۶. راهبردهای عملیاتی SWOT

خارج	خارج	محیط	
T1 T2 T3 T4 T5 T6 T7 ST	O1 O2 O3 O4 O5 O6 O7 SO (حداکثر)	SWO T	سازمان
استراتژی تنوع بخشی (راهبرد حداکثر - حداقل): ST1- مقابله با فیلترینگ با استفاده از ظرفیت حضور سران قوای سه گانه در شورا، ST2- پرهیز از قرار گرفتن محتوای تولید داخل بر بستر رسانه‌ای بیگانه با سیاست‌گذاری برای ایجاد شبکه ملی اطلاعات و ST3- مقابله با گرایش به سمت فرهنگ بیگانه از طریق توجه به ارزش‌های بومی، ملی و مذهبی در سیاست‌گذاری‌ها	SO (حداکثر) استراتژی تهاجمی (راهبرد حداکثر-حداکثر): SO1- افزایش توان سیاست‌گذاری و نظارت بر فضای مجازی با ایجاد شبکه ملی اطلاعات، SO2- سیاست‌گذاری برای تولید محتواهایی منطبق با سبک زندگی ایرانی -اسلامی از طریق این بستر، SO3- استفاده از ظرفیت حضور قوای سه گانه در این شورا به منظور تسهیل بستر برای بهره برداری از ظرفیت بخش خصوصی و SO4- برخورداری از قدرت سیاست‌گذاری و اجرا برای ارتقای سواد رسانه ای مخاطبان و تقویت اعتماد آنها	S1 S2 S3 S4 S5 S6 S7 S8	داخل
WT (حداقل) استراتژی تدافعی: (راهبرد حداقل - حداقل): WT1- اتخاذ رویکرد امنیتی در	WO استراتژی بازنگری: (راهبرد حداقل - حداکثر): WO1- پرهیز از نگاه حزبی و سیاسی با اتخاذ سیاست	W1 W2 W3 W4	داخل

سیاست‌گذاری‌ها نسبت به قرارگرفتن محتوای داخل بر بستر کانال‌های رسانه‌ای بیگانه، WT2- داشتن حساسیت در سیاست‌گذاری‌ها نسبت به کوچ مخاطبان به سمت شبکه‌های مجازی خارجی و WT3- اتخاذ تصمیم‌های بهنگام، سریع و اقناعی به جای فیلترینگ.	های علمی، واقع بینانه و به‌روز، جهت پاسخگویی به نیاز و افزایش اعتماد مخاطبان، WO2- ایجاد حساسیت در میان اعضا نسبت به سیاست‌گذاری در زمینه ایجاد شبکه ملی اطلاعات و ارتقای سواد رسانه‌ای مردم، WO3- توجه به ابعاد اقتصادی و اشتغال‌زایی این حوزه و استفاده از ظرفیت بخش خصوصی در سیاست‌گذاری‌ها و WO4- اختصاص بودجه مناسب به منظور ارتقای نظارت بر فضای مجازی کشور و تقویت زیرساخت‌ها.	W5 W6 W7 W8 W9	
---	--	----------------------------	--

نتیجه‌گیری

سیاست‌گذاری رسانه‌ای در جهت توسعه اهداف و هنجارهایی است که ساختارهای سیستم رسانه‌ای را شکل می‌دهند و دارای ابعاد آشکار و گاه پنهانی می‌باشد. از آنجایی که برخی از مطالعات حوزه سیاست‌گذاری رسانه‌ای به عناصر سیاسی و ایدئولوژیک و پیچیدگی فرآیندهای آن بیشتر توجه کرده و برخی نیز، اهمیتی برای آن قائل نیستند و با توجه به هدف پژوهش که شناسایی مهم‌ترین نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای شورای عالی فضای مجازی در عرصه سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین و تدوین راهبردهای علمی و عملیاتی است، می‌توان گفت که برخورداری از بالاترین قدرت سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری، نظارت و اجرا در حوزه فضای مجازی در کشور، توجه به ارزش‌ها و هنجارهای بومی، ملی و مذهبی در سیاست‌گذاری‌ها و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های قوای سه‌گانه نظام در سیاست‌گذاری‌ها، مهم‌ترین نقاط قوت و غلبه نگاه امنیتی و سیاسی به نگاه علمی، فرهنگی و اجتماعی در سیاست‌گذاری‌ها، نداشتن حساسیت و دانش روز برخی اعضا، بی‌توجهی به ابعاد اقتصادی و اشتغال‌زایی در این حوزه، بودجه و اعتبار اندک، پیشرو نبودن و اتخاذ تصمیم‌های دیر هنگام از مهم‌ترین نقاط ضعف شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی است. این نتایج به دیدگاه محققانی چون فریدمن^۱ و لاسول^۲ که به عناصر ایدئولوژیک سیاست‌گذاری بیشتر توجه کرده‌اند و به دیدگاه‌های رودس^۳ و مک

1. Freedman

2. Laswell

3. Rhodes

کوئیل^۱ که به رفتار دولت و قانون‌گذاری آن برای رسانه‌ها پرداخته‌اند، نزدیک‌تر است. این نتایج نشان می‌دهد که در ایران همچنان متخصصان رسانه‌ای، سیاست‌گذاری رسانه‌ای را بخشی از مأموریت دولت می‌دانند که به منظور حفظ منافع عمومی، باید در شکل‌گیری آن دخالت داشته و به عنوان بازیگر اصلی در این حوزه عمل کند. همچنین این نتایج با نتایج تحقیقات الوانی و همکاران (۱۳۹۳)، علوی‌پور و همکاران (۱۳۹۹)، حسن نژادکاشانی و نصرالهی (۱۳۹۶) و پژوهش خاشعی (۱۳۹۱) که در پیشینه تحقیق ذکر شدند، همسو است.

از لحاظ مبانی نظری نیز، نتایج به دست آمده از مصاحبه‌ها به دیدگاه‌های الگوی هنجاری رسانه اسلامی و ویژگی غایت‌شناختی الگوی هنجاری رسانه اسلامی نزدیک‌تر است و دغدغه‌های مطرح در این الگو با دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان قرابت دارد. نتایج تحقیق خواجه سروی و بیات (۱۳۹۶) با هنجارهای مطرح شده در این الگو برای رسانه‌های نوین همسو است.

ماتریس ارزیابی عوامل درونی در راستای مدیریت استراتژیک نیز نشان داد که شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی دارای قوت است و این شورا با تمرکز بر نقاط قوت داخلی و استفاده مناسب از فرصت‌های بیرونی، باید با استفاده از قدرت بالای سیاست‌گذاری، نظارت، اجرا، هنجارهای ایرانی و اسلامی حاکم بر جامعه و حضور سران سه قوه در این شورا در راستای ایجاد شبکه ملی اطلاعات، تولید محتواهایی منطبق با سبک زندگی ایرانی - اسلامی، تسهیل استفاده از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان، بخش خصوصی، ارتقای سواد رسانه‌ای مخاطبان و تقویت اعتماد آنها به نظام بهره‌بردار. نتایج به دست آمده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با متخصصان، درباره مهم‌ترین فرصت‌ها و تهدیدهای شورای عالی فضای مجازی نیز نشان می‌دهد که نظارت بر فضای مجازی کشور با تقویت زیرساخت‌های ارتباطی و ایجاد شبکه ملی اطلاعات، ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان و بخش خصوصی، ارتقای سواد رسانه‌ای مخاطبان، تقویت اعتماد آنها به نظام، آموزش آنها برای مواقع بحرانی و تولید

محتوایی منطبق با ارزش‌ها، فرهنگ و سبک زندگی ایرانی-اسلامی، به عنوان مهم‌ترین فرصت و تمرکز محتوای تولید داخل بر بسترکانال‌های رسانه‌ای بیگانه، اقبال مخاطبان داخلی به سمت شبکه‌های مجازی خارجی، گرایش به سمت فرهنگ بیگانه و بی‌توجهی به فرهنگ ملی، فیلترینگ و مسدودکردن دسترسی به شبکه‌های مجازی خارجی از مهم‌ترین تهدیدهای شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی است. نتایج به دست آمده از این مصاحبه‌ها به دیدگاه‌های مطرح شده آرلی^۱ در خصوص ابعاد مربوط به سیاست‌گذاری‌های رسانه‌ای (نوع نظام ارتباطی، مخاطبان، لایه‌های اجتماعی و اقتصادی)، هاوارد^۲ چارچوب سیاست‌گذاری رسانه (زیرساخت‌ها، فرایندهای توزیع و نوع محتوا) و هانکوک^۳ (تلاقی فناوری، زیرساخت‌های ارتباطی و سیاست‌های عمومی و توسعه‌ای)، نزدیک‌تر است.

نگرانی دیگر در حوزه سیاست‌گذاری‌های رسانه‌ای به میزان دسترسی و حوزه توزیع محتوای رسانه‌ای مربوط می‌شود. بر اساس نتایج به دست آمده، می‌توان گفت که فرصت‌های مطرح شده در این خصوص به رویکرد میانه‌رو در زمینه نظریه‌های هویت و فضای مجازی و تهدیدهای مطرح شده نیز با نظریه‌های مطرح شده در باب هویت و فضای مجازی با رویکرد منفی همخوانی دارد. همچنین این تهدیدها با نتایج تحقیقات انجام شده با موضوع فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی قربانی (۱۳۹۴)، اردکانی‌فرد و بخشی (۱۳۹۶)، حیدری و شاوردی (۱۳۹۲) و پژوهش الوندی و سلیمانی (۱۳۹۵) همسو است. بر اساس نظریه استفاده و رضامندی نیز تهدیدهای این شورا از دیدگاه این صاحب‌نظران در توجه نکردن به نیازهای مخاطبان و واقعیت‌های جامعه با مباحث مطرح شده در این نظریه همخوانی دارد. این نتایج با نتایج پژوهش رید^۴ (۲۰۱۷) همسو است.

ماتریس ارزیابی عوامل بیرونی نیز، نشان داد که شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی توانسته از فرصت‌های پیش رو بهره

1. R.lee

2. Haward

3. Hancock

4. Reid

برده و از تهدیدهای پیش‌رو دوری گزیند که در این راستا این شورا باید با استفاده از راهبردهای تنوع بخشی مانند ظرفیت حضور سران قوای سه‌گانه در شورا، سیاست‌گذاری برای ایجاد شبکه ملی اطلاعات و توجه به ارزش‌های بومی، ملی و مذهبی در سیاست‌گذاری‌ها جهت مقابله با تهدیدهایی چون فیلترینگ، قرارگرفتن محتوای تولید داخل بر بستر رسانه‌ای بیگانه و گرایش به سمت فرهنگ بیگانه استفاده کند. همچنین این شورا باید با استفاده از راهبردهای بازنگری از فرصت‌هایی بیرونی موجود مانند؛ احساس نیاز مخاطبان به این رسانه‌ها، احساس نیاز به ارتقای سواد رسانه‌ای در این حوزه، ظرفیت بخش خصوصی کشور و فرصت تقویت زیر ساخت‌ها، در جهت به حداقل رساندن نقاط ضعف درونی شورا مانند اعمال نگاه سیاسی و غیرعلمی در سیاست‌گذاری‌ها، نبود حساسیت میان اعضا، غفلت از ابعاد اقتصادی و اشتغال‌زایی این حوزه و اختصاص بودجه اندک بهره‌برد. جهت کاهش آسیب‌پذیری این شورا نیز راهبردهای تدافعی ارائه شده مانند اتخاذ رویکرد امنیتی در سیاست‌گذاری‌ها نسبت به قرارگرفتن محتوای داخل بر بستر کانال‌های رسانه‌ای بیگانه، داشتن حساسیت در سیاست‌گذاری‌ها نسبت به کوچ مخاطبان به سمت شبکه‌های مجازی خارجی و اتخاذ تصمیم‌های بهنگام، سریع و اقناعی به جای فیلترینگ می‌تواند مثمر ثمر باشد.

با توجه به مطالب گفته شده پیشنهاد‌های زیر قابل ارائه هستند:

۱- برنامه‌ریزی برای نظارت بهتر بر فضای مجازی کشور با تقویت زیر ساخت‌های ارتباطی و ایجاد شبکه ملی اطلاعات،

۲- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای ارتقای سواد رسانه‌ای مخاطبان،

۳- توجه به کارکردهای رسانه‌های نوین ارتباطی در سیاست‌گذاری‌های این شورا،

۴- تقویت و ایجاد هماهنگی سازمانی، بافتی، آرمانی و هدف‌دار بین ارتباطات

سستی، ارتباطات دوربرد، ارتباطات جمعی و ارتباطات کامپیوتری در

سیاست‌گذاری‌های شورای عالی فضای مجازی و

۵- توجه به ظرفیت شرکتهای دانش بنیان و بخش خصوصی

منابع و مآخذ

- اردکانی فرد، زهرا و بخشی، حامد (۱۳۹۶)، «گونه شناسی بازنمایی سبک زندگی جوانان ایرانی در شبکه اجتماعی فیس بوک»، **راهبرد فرهنگ**، ۱۰(۴۰)، ۱۵۸-۱۲۹.
- الوانی، سید مهدی؛ خنیفر، حسین و حاجی ملامیرزایی، حامد (۱۳۹۳)، «تدوین الگوی خط مشی گذاری فضای مجازی کشور»، **راهبرد اجتماعی فرهنگی**، ۴(۱۳)، ۷۵-۱۰۰.
- الوندی، محمد و سلیمانی، ندا (۱۳۹۵)، «تحلیل ارزشیابی بیانات رهبر معظم انقلاب در مورد فضای مجازی پس از تشکیل شورای عالی فضای مجازی»، **مطالعات رسانه ای**، ۱۱(۳۲-۳۳)، ۷۵-۴۱.
- انصاری، باقر و الوند نژاد، روح اله (۱۳۹۹)، «ماهیت و جایگاه نهاد تنظیم مقررات در حوزه فضای مجازی ایران»، **آموزه های حقوقی گواه**، ۱(۱۰)، ۳۱۳-۲۸۱.
- آرلی، جان (۱۳۵۶)، **به سوی سیاست های ارتباطی واقع بینانه**، تهران: سروش. (ترجمه) باهنر، ناصر و صمدی، مجتبی (۱۳۸۹)، «بررسی مؤلفه غایت شناسی الگوی هنجاری رسانه های جدید اسلامی: تحلیلی بر تاثیر نگاه مهدوی در ترسیم الگوی رسانه مطلوب اسلامی»، **مشرق موعود**، ۴(۱۶)، ۱۶۹-۱۳۵.
- جلالی، محمد و سازگاری، صادق (۱۳۹۹)، «پایبندی نهادهای سیاست گذار به حدود مفهومی سیاست با نگاهی به امکان سنجی نظارت قضایی بر آن (مطالعه موردی شوراهای عالی انقلاب فرهنگی و فضای مجازی)»، **حقوق اداری**، ۸(۲۴)، ۷۲-۴۹.
- حسن نژادکاشانی، بهزاد و نصرالهی کاسمانی، اکبر (۱۳۹۶)، «شناسایی و طبقه بندی زمینه های سیاست گذاری عمومی فضای مجازی»، **پژوهش های ارتباطی**، ۲۴(۴)، ۵۳-۲۷.
- حیدری، حسین و شاوردی، تهمنه (۱۳۹۲)، «شبکه های اجتماعی مجازی و قومیت: فرصت ها و تهدیدهای پیش رو»، **پژوهش های ارتباطی**، ۲۰(۴)، ۶۴-۳۷.
- خاشعی، وحید (۱۳۹۱)، «ارائه الگوی مطلوب تدوین سیاست های رسانه ای»، **فصلنامه رسانه**، ۲۳(۱)، ۲۹-۶۵.
- خجسته، حسن (۱۳۸۰)، «مخاطب شناسی در رادیو»، **پژوهش و سنجش**، ۸(۲)، ۸۱-۶۰.
- خجیر، یوسف (۱۳۹۸)، «روش تحلیل راهبردی (SWOT) در ارتباطات و رسانه»، **علوم**

خبری، ۸(۲۹)، ۲۴۰-۲۱۶.

خدایاری، کلثوم؛ دانشور حسینی، فاطمه و سعیدی، حمیده (۱۳۹۳)، «میزان و نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد مشهد)»، *پژوهش‌های ارتباطی*، ۲۱(۱)، ۱۹۲-۱۶۷.

خواجه سروی، غلامرضا و بیات، مرتضی (۱۳۹۶)، «سیاست‌گذاری رسانه مطلوب در جمهوری اسلامی ایران»، *دوفصلنامه دین و ارتباطات*، ۲۴(۲)، ۱۳۱-۱۰۵.

دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی و آذر، عادل (۱۳۸۳)، *روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع*، تهران: انتشارات صفار.

روشندل ارتباطی، طاهر (۱۳۹۵)، *سیاست‌گذاری رسانه‌ای*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

علوی پور، سید محسن؛ عسکری، سید احمد؛ خسروی، علیرضا و سروی زرگر، محمد (۱۳۹۹)، «سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای در ایران: چالش‌ها و ظرفیت‌ها»، *رسانه و فرهنگ*، ۱۰(۱)، ۱۸۸-۱۶۵.

فرقانی، محمد مهدی (۱۳۸۱)، «شبکه‌های ارتباطی نوین و رسانه‌های همگانی؛ تقابل یا تعامل؟»، *رسانه*، ۱۳(۱۴)، ۵۷-۴۸.

قربانی، علی (۱۳۹۴)، *شبکه‌های اجتماعی مجازی: آسیب‌ها و پیامدهای آن در استان آذربایجان شرقی*، تبریز: مرکز تحقیقات صدا و سیما مرکز آذربایجان شرقی.

کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۰)، «خواست و مصلحت مخاطبان و چگونگی برقرار کردن ارتباط منطقی بین آن‌ها»، *پژوهش و سنجش*، ۸(۲۶)، ۸۵-۱۰۶.

کوثری، مسعود (۱۳۸۶)، *جهان فرهنگی کاربران ایرانی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ادبیات.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، *ختم نوبت*، تهران: صدرا.

مهدی زاده، سید مهدی (۱۳۸۹)، *نظریه‌های رسانه، اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*، تهران: همشهری.

نیکو، مینو (۱۳۸۱)، *شناخت مخاطب تلویزیون با رویکرد استفاده و رضامندی*، تهران: سروش.

Babu, S. C., Smita, A., & Chen, J. (2017). Role of media in shaping the policy process: comparative lessons from the food price crisis in Bangladesh, China, India & Vietnam. *IFPRI-Discussion Papers*, 1-48 .

Fiaz, H., & Qureshi, B. (2018). Social media & policy making in pakistan administrative review. *Pakistan Administrative Review*, 208-221 .

Hancock, A. (1992). *Communication planning revisited*. Paris: Unesco Publications.

Hutchison, D. (1999). *media policy*, black well .

Mcquail, D. (2000). *Mass Communication Theory*. London: Sage

Publications.

Mcquail, D. (2005). **Mcquail's mass communication theory**. London: Sage Publications.

Mcquail, D. (2006). **Mcquail's mass communication theory**. London: Sage Publications .

Reid, J. (2018, jan 22). *The audience-centred approach to media policy making: A critical analysis of south African press freedom commission as a participatory process of review*. Retrieved feb 18, 2020, from **Taylor & Francis Online: <http://doi.org>**

Rhodes, R. A. (1990). Policy Networks: A british perspective. ***Theoretical Politics***, 31-54.

Ward, D. (2008). **Television and public policy : change and continuity in an era of globalization**. Dublin: Lawrence Erlbaum Association Press .

Zhang, Y., Li, T., Chen, K., & Dai, K. (2018). A review of media impact on public policy process in China: The failure of traditional media frame work & the absence of social media frame work. ***Global Media Journal***, 129-168.

References

- Alavipour, S., Askari, S., Khosravi, A., & Sarvi Zargar, M. (2020). Media literacy policy in Iran:Challenges & Capacities. *Media&Culture*, 10(1), 165-188.
- Alvandi, M., & Soleimani, N. (2016). Analysis of the evaluation of the statements of theSupreme Leader of thr revolution about cyberspace after the formation the Supreme Council of Cyberspace. *Media Studies*, 11(33), 41-75.
- Alvani, S., Khanifar, H., & Haji Mollamirzaei, H. (2014). Developing a policy model for cyberspace policy-making in the country. *Socio Cultural Strategy*, 4(13), 75-100.
- Ansari, B., & Alvandnezhad, R. (2020). The nature & position of the regulatory body in the field of cyberspace in Iran. *Witness Legal Teachings*, 1(10), 281-313.
- Ardakanifard, Z., & Bakhshi, H. (2017). Typology of representing the life style of Iranian youth in the social network of Face book. *Cultural Strategy*, 10(40), 129-158.
- Babu, S. C., Smita, A., & Chen, J. (2017). Role of media in shaping the policy process:comparative lessons from the food price crisis in Bangladesh, Chaina,India & Vietnam. *IFPRI-Discussion Papers*, 48.
- Bahonar, N., & Samadi, M. (2010). Investigating the teleological component of the normative model of new analytical Islamic media on the effect of Mahdavi's view in drawing the model of the desired Islamic media. *Mashreg Mo'oud*, 4(16), 135-169.
- Danaeifard, H., Alvani, S., & Azar, A. (2004). *Methodology of Qualitive Research in Management:A Comprehensive Approach*. Tehran: Saffar Publications.

- Fiaz, H., & Qureshi, B. (2018). Social media & policy making in pakistan administrative review. *Pakistan Administrative Review*, 208-221.
- Forghani, M. (2001). New communication networks & mass media: confrontation or interaction? *Media*, 13(14), 48-57.
- Ghorbani, A. (2015). *Virtual social networks of injuries & its consequences in East Azarbayjan province*. tabriz: East Azarbayjan Radio & Television Research Center.
- Hancock, A. (1992). *Communication plenning revisted*. Paris: Unesco Publications.
- Hassan Nejad Kashani, B., & Nasrollahi Kasmani, A. (2017). Identifying & Classifying Cyberspace Public Policy Areas. *Communication Research*, 24(4), 27-53.
- Heidari, H., & Shawardi, T. (2013). Virtual Social Networks & the Ethencity of opportunities & Threats Ahead. *Communication Research*, 20(4), 37-64.
- Hutchison, D. (1999). *media policy*,. black well.
- Jalali, M., & Sazegari, S. (2020). Adherence of policy-making institutions to the conceptuallimits of politics with a view to the feasibility of judicial oversight(A case study of the Supreme Councils of the Cultural Revolution & Cyberspace. *Administrative Law*, 8(24), 49-72.
- Kawthari, M. (2006). *Cultural World of Iranian Users*. Tehran: Institute of Culture Art & Literature.
- Kazemipour, S. (2001). The will & interest of the audience & how to establish a logical relationship between them. *Research & Assessment*, 8(26), 85-106.
- Khajeh Sarvi, G., & Bayat, M. (2017). Policy Making of Ideal Media in Islamic Republic of Iran. *Religion & Communication*, 24(2), 105-131.
- Khashei, V. (2012). Presenting a favourable model for media policy formulation. *Media Quarterly*, 23(1), 29-65.
- Khodayari, K., Daneshvar Hosseini, F., & Saeedi, H. (2014). Extent & type of use of virtual social networks(case study of Mashhad Azad University students. *Communication Research*, 21(1), 167-192.
- Khojasteh, H. (2001). Knowing Audience in Radio. *Research & Assessment*, 8(2), 60-81.
- Khojir, Y. (2019). Strategic Analysis Method SWOT in Communication & Media. *News Science*, 8(29), 216-240.

- Mcquail, D. (2000). *Mass Communication Theory*. London: Sage Publications.
- Mcquail, D. (2005). *Mcquail's mass communication theory*. London: Sage Publications.
- Mcquail, D. (2006). *Mcquail's mass communication theory*. London: Sage Publications.
- Mehdizadeh, S. (2010). *Media Theories, Popular Thoughts & Critical Views*. Tehran: Hamshahri.
- Motahari, M. (2010). *End of Prophecy*. Tehran: Sadra.
- Nikoo, M. (2002). *Knowing the TV Audience with the Approach of Use & Gratification*. Tehran: Soroush Publications.
- R.Lee, J. (1978). *Towards Realistic Communication Policies*. (K. Jahandari, Trans.) Tehran: Soroush publications.
- Reid, J. (2018, jan 22). *The audience-centred approach to media policy making: A critical analysis of south African press freedom commission as a participatory process of review*. Retrieved feb 18, 2020, from Taylor& Francis Online: <http://doi.org/10.1080/23743670.1389761>
- Rhodes, R. A. (1990). Policy Networks: A british perspective. *Theoretical Politics*, 31-54.
- Roshandel Arbatani, T. (2016). *Media Policy*. Tehran: University of Tehran Press.
- Ward, D. (2008). *Television and public policy :change and continuity in an era of globalization*. Dublin: Lawrence Erlbaum Association Press.
- Zhang, Y., Li, T., Chen, K., & Dai, K. (2018). A review of media impact on public policy process in China: The failure of traditional media frame work & the absence of social media frame work. *Global Media Journal*, 129-168.

Representation of the Factors and Components of Iranian Ethics in the University Scope: (Case study: University of Kurdistan and University of Allameh)

Sara Maroofi

Corresponding Author, PhD Student, Higher Education Development Planning, Faculty of Humanities and Social Sciences, Department of Educational Sciences, Kurdistan University, Sanandaj, Iran. saramaroofim@gmail.com

Khalil Gholami

Associate Professor, Educational Planning, Faculty of Humanities and Social Sciences, Department of Educational Sciences, Kurdistan University, Sanandaj, Iran.
khalil.gholami@yahoo.com

Kamal Khaleghpanah

Associate Professor, Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, Department of Sociology, Kurdistan University, Sanandaj, Iran. KKhaleghpanah@gmail.com

Abstract

Recently, Iranian temperament has been considered by sociologists as one of the obstacles to development. The main purpose of this study was to identify the basic dimensions of Iranian temperament in the university context. Using a survey study and through available sampling method, 833 students and 266 university teachers from Allameh Tabatabai and Kurdistan Universities were studied. A researcher-made questionnaire was used to collect data, the content validity of which was confirmed by experts in sociology and higher education and its reliability based on Cronbach's alpha at the level of 0.9. Data were analyzed by exploratory factor analysis using principal components method. The results showed that the moods of Iranian students include; The six basic factors of stereotypical behavior and resorting to deception in scientific matters were multifaceted personality and jealousy, authoritarianism and uncriticism in interpersonal relationships, prejudice, bias and prejudice in scientific activities,

the spirit of exploitation, narcissism and inclination to work. Also the temperaments of the educators include; The six factors of self-interest and violation of the rights of others in doing scientific affairs were the spirit of exploitation and multifaceted personality, authoritarianism and expectation, bias, prejudice and compliments in scientific activities, the spirit of inquiry and scientific persistence, narcissism and desire for personal work. . Overall, the results showed that the temperament of teachers and students is a manifestation of the general temperament of Iranian society.

Keywords: *Academic Culture, Iranian Moods, Higher Education, Mem Theory, Academic Moods*

بازنمایی عوامل و مؤلفه‌های خلیات ایرانی‌ها در میدان دانشگاه:

(مطالعه موردی: دانشگاه کردستان و دانشگاه علامه طباطبایی)^۱

سارا معروفی

نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری برنامه ریزی توسعه آموزش عالی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران
samararoofim@gmail.com

خلیل غلامی

دانشیار دانشگاه کردستان دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران
khalil.gholami@yahoo.com

کمال خالق پناه

استادیار دانشگاه کردستان دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران
Kkhaleghpanah@gmail.com

چکیده

اخیرا خلیات ایرانی به عنوان یکی از موانع توسعه مورد نظر جامعه‌شناسان بوده است. هدف اصلی این تحقیق، شناخت ابعاد بنیادی خلیات ایرانی در بستر دانشگاه بود. با استفاده از یک مطالعه پیمایشی و از از طریق روش نمونه‌گیری در دسترس، تعداد ۸۳۳ دانشجو و ۲۶۶ آموزشگر دانشگاهی از دانشگاه‌های علامه طباطبایی و کردستان مورد مطالعه قرار گرفتند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد که روایی محتوای آن توسط متخصصان رشته‌های جامعه‌شناسی و آموزش عالی و پایایی آن بر مبنای آلفای کرونباخ در سطح ۰/۹ تأیید شد. داده‌ها به‌وسیله آزمون تحلیل عاملی اکتشافی با روش مؤلفه‌های اصلی تحلیل گردید. نتایج پژوهش نشان داد که خلیات دانشجویان ایرانی شامل؛ شش عامل بنیادی رفتار کلیشه‌ای و توسل به نیرنگ در امور علمی، شخصیت چندوجهی و حسادت، خودکامگی و انتقادناپذیری در روابط بین فردی، تعصب، سوگیری و پیش‌داوری در فعالیت‌های علمی، روحیه استثمارپذیری، خودشیفتگی و گرایش به کار فردی بود. همچنین خلیات آموزشگران شامل؛ شش عامل منفعت‌طلبی و تجاوز به حقوق دیگران در انجام امور علمی، روحیه بهره‌کشی و شخصیت چندوجهی،

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز/CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

این مقاله مستخرج از پایانامه دکتری می باشد.

خودکامگی و متوقع بودن، سوگیری، پیش‌داوری و تعارف در فعالیت‌های علمی، روحیه پرسشگری و سماجت علمی، خودشیفتگی و تمایل به کار فردی بود. در مجموع نتایج نشان داد که خلیات آموزشگران و دانشجویان نمودی از خلیات عمومی جامعه ایرانی است.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ دانشگاهی، خلیات ایرانی‌ها، آموزش عالی، نظریه مهم‌ها، خلیات دانشگاهی

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۱/۲۵ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۳/۲۹

فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۳۸، بهار ۱۴۰۰، صص ۱۵۷-۱۸۷

مقدمه و بیان مسأله

دانشگاه، نماد آموزش عالی کشور، نهادی اثرگذار در فرهنگ جامعه است و به همین دلیل، موضوع خلق دانشگاهی به عنوان بخشی مهم از فرهنگ دانشگاهی اهمیت اساسی دارد (ذولفقارزاده & زارعی، ۱۳۹۰، ص. ۴۵-۹۷). خلیقاتی ایرانی به عنوان یک موضوع فرهنگی-تاریخی بر این پیش فرض معرفتی استوار است که گویی چیزی به نام ذات ایرانی یا جوهر ایرانی وجود دارد که تغییر آن دشوار می‌نماید. چنین گفتمانی حوزه‌ای از مطالعات را درباره زمینه‌های توسعه‌یافتگی در ایران ایجاد کرده است که در ادبیات موجود جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی به عنوان «ژانر خلیقات» مورد کنکاش صاحب‌نظران بوده است. خلیقات شامل؛ سلسله متونی نوشتاری است که برای پرداختن به خلیقات ایرانیان، یعنی رفتارهای پایدار و تکرارپذیر آن‌ها نوشته شده‌اند و خط اصلی تحلیل متن، بر توصیف یا نقل تجربی خلیقات ایرانیان متمرکز شده است (توفیق، یوسفی، ترکمان، & حیدری، ۱۳۹۸، ص. ۴۲). اگر بنا باشد یک تعریف از خلیقات ارائه شود، می‌توان چنین گفت که خلیقات، آن دسته از الگوهای رفتاری است که در جامعه عمومیت و ریشه در گذشته دارد و مانند واحدهای فرهنگی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند (غفاری، جوادی یگانه، & محمد رضا، ۱۳۹۵، ص. ۲۶۸).

از زمان مواجهه ایران با غرب جدید، پرسش در باره‌ی ماهیت خلیقات ایرانیان به عنوان یک عامل اساسی در شکل‌گیری و تحول اجتماعی مورد نظر قرار گرفت تا از این طریق کنکاش در باب ویژگی‌های ایرانیان و نسبت آن با توسعه‌نیافتگی و یا عقب‌ماندگی در مطالعات جامعه‌شناسی جایگاه خود را پیدا

کند (نظری مقدم & احمدی، ۱۳۹۷، ص. ۳۵-۳۷). سریع القلم (۱۳۹۰) معتقد است که با وجود تحولات وسیع در ایران و جهان و تغییر متعدد نظام‌های سیاسی در چند قرن اخیر در ایران، خصلت‌های ایرانیان همچنان پایدار است و در میان گروه‌های اجتماعی و حتی عناصر مدرن جامعه نیز، نفوذ پیدا کرده است (سریع القلم، ۱۳۹۰، ص. ۱۵-۱۶). بسیاری از این مطالعات به جنبه‌های منفی خلق ایرانی مانند مخفی‌کاری، زخم‌خوردن و دم برنیاوردن، صادق نبودن در گفتار، تحمل نکردن انتقاد، قسم‌خوردن برای اثبات مدعا، تعظیم و تمجیدهای بی‌محتوا به منظور فرار از عواقب صراحت، تفسیر و تأویل‌های افراطی از کلام دیگران، حسادت، کینه‌ورزی، غیبت کردن، تهمت زدن، شایعه ساختن، بنده‌پروری و بت‌سازی، کوچک کردن دیگران برای بالا بردن خود، اشاره کرده‌اند (شیخ الاسلام، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۷). موضوع خلیقات ایرانی در بستر دانشگاه با فرهنگ دانشگاهی ارتباط دارد و از زوایه این مقاله، نمود خلیقات ایرانی در میدان دانشگاه می‌تواند یکی از دلایل توسعه‌نیافتگی آموزش عالی کشور در مقایسه با غرب باشد.

اگر مطالعات خلیقات ایرانی را به عنوان یک چارچوب نظری برای تبیین توسعه و یا عدم توسعه فرهنگ جامعه ایرانی بپذیریم، در این صورت، مطالعه این پدیده در دانشگاه اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. در این راستا می‌توان دو فرضیه را مطالعه و مورد آزمون قرار داد؛ اول اینکه، منطق و فرهنگ دانشگاهی بر این اصل استوار است که مناسبات فرهنگی، آموزشی، علمی و اجتماعی در دانشگاه‌ها به عنوان نهادهای مهم توسعه علم و اندیشه باید بر خلیقاتی بنا باشند که ریشه در فضیلت‌های عقلانی، علمی، و انسانی داشته باشد و بنابراین متفاوت از خلیقاتی باشند که در فضای عمومی^۱ مشاهده کرده‌ایم. فرضیه بدیل از طرف دیگر بر این گزاره استوار است که نهاد دانشگاه، بخشی از سیستم اجتماعی و فرهنگی ایران است و بنابراین جامعه خلیقات خود را به همان شکل در مناسبات دانشگاهی بازتولید می‌کند. در راستای تحلیل این دو فرضیه، فاضلی (۱۳۸۲) این ادعا را طرح می‌کند که «فرهنگ استادان جامعه ایران نامناسب است و خرده فرهنگ استادان،

مبتنی بر ارزش‌های اصیل و ذاتی علم، یاددهی و یادگیری، مبتنی بر نقد دانش، نقد جامعه و نقد خود نیست. استبداد، حاکمیت خویشاوندسالاری در دانشگاه‌ها، بی‌توجهی به منزلت علم، مدرک‌سالاری و مدرک‌گرایی، فقدان انگیزه دانشجویان برای تلاش و سخت‌کوشی در راه علم، از مثال‌های است که در میدان دانشگاه نمود پیدا کرده است» (فاضلی، ۱۳۸۲، ص. ۵۰).

بنابراین، مسئله اصلی پژوهش، روشن نبودن ساختار عوامل و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده خلیات دانشجویان و اساتید در دانشگاه ایرانی است. باتوجه به اینکه در تحقیقات قبلی، خلاء پژوهشی در زمینه شناسایی الگوی ساختاری از خلیات اساتید و دانشجویان ایرانی وجود داشت، شناسایی ساختار بازنمایی شده خلیات بر اساس دیدگاه‌های متقابل از خلیات اساتید و دانشجویان ایرانی از همدیگر می‌تواند به فهم فرهنگ علمی دانشگاه کمک مؤثری نماید تا در برنامه‌ریزی‌های دانشگاهی مورد توجه قرار گیرد.

۱. اهداف و سوالات پژوهش

هدف اصلی این تحقیق، شناخت چگونگی بازنمایی خلیاتی ایرانی در فرهنگ دانشگاهی و در تعامل آموزشگران و دانشجویان می‌باشد تا از این طریق، ابعاد اساسی خلق دانشگاهی را در میدان دانشگاه به عنوان بخشی از جامعه ایرانی شناسایی کنیم. برای رسیدن به این هدف دو سوال پژوهشی ذیل مطرح شده است:

– کردستان و علامه طباطبایی کدام‌اند؟

– عوامل و مؤلفه‌های خلیات اساتید ایرانی از نظر دانشجویان دانشگاه‌های

کردستان و علامه طباطبایی کدام‌اند؟

۲. مبانی نظری

به لحاظ نظری، مفهوم خلیات ایرانی ریشه در نظریه «تکامل فرهنگی»^۱ دارد. بر اساس این نظریه، فرهنگ هم مانند ژنتیک در طول تاریخ متحول می‌شود و بر

اساس اصل انتخاب طبیعی، بخش‌هایی از فرهنگ و ذخایر فرهنگی که دارای قدرت بیشتری هستند، ثابت می‌مانند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. کسانی مانند (Lumsden & Wilson, 1983, pp. 427-443) و (Cavali Sforza & Feldman, 1981, p. 132) و (Boyd & Richerson, 1985, pp. 132-165) از جمله صاحب‌نظرانی هستند که به اصل تکامل فرهنگی معتقد هستند و به صورت‌های مختلف، تلاش کرده‌اند تا نظریه‌ها و مدل‌هایی ارائه دهند که بر اساس آن تأثیرات میراث فرهنگی را بر روی مدل‌های استاندارد تکامل بیولوژیکی نشان دهند. نظریه مم‌ها^۱ در قالب تکامل فرهنگی که برای اولین بار توسط (ریچارد، ۱۹۷۶، ص. ۲۳۷-۳۱۲) ارائه شد، تلاش کرده که نشان دهد فرهنگ هم مانند ژنتیک در حال تکامل است و در این مسیر، خود را تکرار می‌کند. او معتقد است که فرهنگ مانند ژنتیک خود را کپی می‌کند و در طول زمان به همان شکل ادامه پیدا می‌کند. وی نشان داد که واحدها و نمونه‌های ژن فرهنگی می‌تواند در قالب ایده‌ها و عادات رفتاری و یا نحوه زندگی و استفاده از ابزارها باشد. بسیاری از محققان (به عنوان نمونه، (Henrich, 2015, p. 43)، (Henrich, Boyd, & Richerson, 2008, p. 9) و (Lewens, 2007, p. 123) در حوزه علوم اجتماعی، این نظریه را به چالش کشیده‌اند و اشاره می‌کنند که مقایسه ژن-فرهنگ نمی‌تواند یک مبنای علمی قوی داشته باشد به خاطر اینکه، واحدهای فرهنگی مانند ژن‌ها خود را دوباره کپی نمی‌کنند بلکه، انتقال رفتارهای فرهنگی عمدتاً بر اساس تقلید می‌باشد که نمی‌تواند کارکردی مانند ژن داشته باشد.

در میان پژوهشگران ایرانی و در چارچوب این نظریه، خصوصاً در پاسخ به این سؤال که آیا خلیقات ایرانی نسبتاً ثابت بوده و به عنوان بخشی اجتناب‌ناپذیر از فرهنگ ایرانی واقعیت تاریخی دارد، فراستخواه (۱۳۹۹) به صورت مستقیم خلیقات ایرانی را بر اساس نظریه مم‌ها تبیین می‌کند و معتقد است که «مم‌ها ذخایر الگویی ما هستند که کپی می‌شوند، ترجمه می‌شوند، به هنجار تبدیل می‌شوند و خود را تکرار می‌کنند. ماهیت مم مانند ژن، اطلاعاتی است. مم‌ها

هستی‌هایی هستند که موجودیت‌شان اطلاعاتی است و حاوی اطلاعات هستند. هنجارها و رفتارهای معمول در یک فرهنگ بر اساس این اطلاعات شکل می‌گیرد». (فرستخواه، ما ایرانیان، ۱۳۹۷، ص. ۵۵-۹۸)، (فرستخواه، ۱۳۸۸، ص. ۸۶-۹۰) اشاره می‌کند که واقعیت مم، مثل ماهیت ژن اطلاعاتی است. فرهنگ محیط‌ها و مناسبات با هم تفاوت دارد. هر یک از محیط‌ها و مناسبات مختلف (مثلاً مناسبات شکار، مناسبات قبیله‌ای، اقتصاد دانش، مناسبات جهان چند رسانه‌ای، محیط سرزمین پرحادثه، ناامن و بی‌ثبات و محیط سرزمین کم حادثه و نسبتاً باثبات و...) فرهنگ خاصی را اقتضا می‌کند. بنابراین، هر فرهنگ حاوی کدهای اطلاعاتی است که در مم‌ها ثبت، ذخیره و فعال می‌شوند. سایر صاحب‌نظران که به موضوع خلیقات ایرانی پرداخته به صورت مستقیم، نظریه تکامل فرهنگی یا نظریه مم‌ها را اساس کار خود قرار نداده‌اند اما، نحوه مواجه آن‌ها با خلیقات ایرانی به گونه‌ای است که این خلیقات ثابت بوده و در طول تاریخ خود را بازتولید و کپی کرده‌اند. به عنوان نمونه، کتاب «سازگاری ایرانی» اثر (بازرگان، ۱۳۵۷، ص. ۷۷) «خلیقات ایرانیان» (جمال زاده، ۱۳۴۵، ص. ۶۷-۹۹) و فصل الحاقی به «روح ملت‌ها» اثر (زیگفرید، ۱۳۹۴، ص. ۹۷) از پیشروترین نمونه‌هایی بود که به خلیقات ایرانیان پرداخت. بعد از این صاحب‌نظران اولیه، کسانی مانند (نراقی، ۱۳۸۰، ص. ۱۰-۱۲۳) با تأمل در «جامعه‌شناسی خودمانی»، (قانع‌ی راد، ۱۳۸۳، ص. ۱۶۹-۲۰۷) با تحلیل «توسعه‌نیافتگی جامعه ایران» بر آنچه تأکید کرده که فردگرایی ایرانی نامیده، (علمداری، ۱۳۸۸، ص. ۸۰-۱۳۸) با این سؤال که چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت و (زیباکلام، ۱۳۹۰، ص. ۱-۱۱۰) با طرح این پرسش که ما چگونه ما شدیم، در تلاش بوده‌اند تا نشان دهند که خلیقات ایرانی در طول تاریخ تکرار شده و یکی از دلایل عقب‌ماندگی ما بوده است.

بسیاری از سفرنامه‌ها و نوشته‌ها در باب خلیقات ایرانی (انوری، ۱۳۸۲، ص. ۲-۱) (مردیها، ۱۳۹۸، ص. ۲۵۷-۲۷۷)؛ (جمال زاده، ۱۳۴۵، ص. ۳۳۰۵۵) (میرزایی & رحمانی، ۱۳۸۷، ص. ۵۵-۷۵)، (کرباسیان، ۱۳۸۰، ص. ۱۹)، (عبدی

& گودرزی، ۱۳۸۸، ص. ۱۱-۱۵۵؛ (مشکور، ۱۳۴۵، ص. ۱۸۹-۲۱۰)، (رهبانی، ۱۳۸۷، ص. ۲۷)، (شیخ الاسلام، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۷)؛ (سریع القلم، ۱۳۹۰، ص. ۲۲-۱۴۱)؛ (اسماعیلی مهرا، بیگدلی، & ادیسی، ۱۳۹۶، ص. ۷۱-۹۲)؛ (پولاکی، ۱۳۶۸، ص. ۱۰-۸۷)، (راولینسون، ۱۳۵۶، ص. ۵۵-۶۷)، (ترک زاده، صباغیان، یمینی دوزی سرخابی، & دلاور، ۱۳۸۷، ص. ۲۲-۲۵)، (رفیع پور، ۱۳۸۱، ص. ۷۷-۲۲) در وصف خلیات ایرانی، چنین رویه‌ای را پیشه کرده‌اند و بر این باور هستند که ایرانیان دارای خلیاتی (ثابت) هستند که تناقض آشکاری با فضیلت‌هایی دارد که در فرهنگ و تاریخ آن‌ها به فراوانی دیده می‌شود. این آثار عموماً با یک نگرش منفی به خلیات ایرانی نگاه می‌کنند و نوعی انحطاط و افول، رکود و انجماد فکری، آسایش طلبی، محافظه‌کاری، قناعت و نیکویی، تقلید بدون ابداع، گذشته‌نگری و غرب‌گریزی را گزارش و خلیات منفی مانند لاف زنی، شک و تردید، تصوف‌گرایی، مسامحه، عدم صراحت لهجه، عدم صداقت را مورد توجه قرار داده‌اند و احساس می‌کنند ارزش‌های مثبت اخلاقی در حال تنزل است و در مقابل ارزش‌های منفی اخلاقی مسلط شده‌اند. همچنین خلیاتی چون مخفی‌کاری، زخم‌خوردن و دم برنیاوردن، صادق نبودن در گفتار، تحمل نکردن انتقاد، قسم خوردن برای اثبات مدعا، تعظیم و تمجیدهای بی‌محتوا به منظور فرار از عواقب صراحت، تفسیر و تأویل‌های افراطی از کلام دیگران، حسادت، کینه‌ورزی، غیبت کردن، تهمت زدن، شایعه ساختن، بنده پروری، بت‌سازی و کوچک کردن دیگران برای بالا بردن خود، را برای خلیات ایرانی‌ها مثال زده‌اند. جمال‌زاده در «خلیات ما ایرانیان» نوشته است که وجود معایب و نواقص اخلاقی بین مردم ایران، علت عقب‌ماندگی ایرانیان را تشکیل می‌دهد. ایرانیان به دروغ‌گویی و تملق معتاد هستند و دچار فساد اخلاق و سوء رفتار شده‌اند (کریاسیان، ۱۳۸۰، ص. ۷۸-۸۰) در «جامعه‌شناسی خودمانی» مهم‌ترین ویژگی‌های خلقی ایرانیان، حقیقت‌گریزی و پنهان‌کاری، ظاهر‌سازی، قهرمان‌پروری و استبدادزدگی، خودمحوری و برتری‌جویی، بی‌برنامگی و ریاکاری و فرصت‌طلبی ذکر شده است (نراقی، ۱۳۸۰، ص. ۶۵) نتیجه این مطالعات و نظریه‌ها به نوعی

دلالت بر تبیین خلیات ایرانی بر اساس نظریه مم‌ها و نظریه تکامل فرهنگی دارد و این موضوع را نشان داده است که ایرانی‌ها، دارای ژن‌های فرهنگی ثابت بوده‌اند که در طول تاریخ تکرار شده است.

۳. پیشینه پژوهش

پژوهش درباره خلیات دانشگاهیان موضوع جدیدی است اما، پژوهش‌های انجام شده به صورت غیرمستقیم، فرهنگ دانشگاهی و یا مناسبات دانشگاهی را که ریشه در رفتار و خلق دارد، مورد هدف قرار داده‌اند. یکی از پژوهش‌هایی که به صورت مستقیم به تبیین خلیات ایرانی در نهاد دانشگاه پرداخته، توسط (فراسخواه، ما ایرانیان، ۱۳۹۷) انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که نشانه‌های نگران‌کننده از وضعیت غیرعادی، حداقل در محدوده دانشگاهیان و دانشجویان است که شامل مواردی مانند سرقت ادبی و کلاهبرداری دانشگاهی، بازار سیاه خرید و فروش پایان‌نامه‌ها (پدیده خیابان انقلاب)، رفتارهای به اصطلاح «کپی پایستی»^۱ در تهیه مقالات، سهل‌انگاری در هنجارها و تکالیف دانشگاهی، جعل و تعداد جعلی مقاله، عدم احساس مسئولیت، فردگرایی خود محور، انگیزه کم برای کار گروهی، عدم پذیرش جدی از جوامع یادگیری می‌باشد. بر همین اساس نتایج تحقیق (فعلی، بیگلری، & پزشکی راد، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۳-۱۵۱) که نشانگر میزان نگرش و رفتار بیشتر دانشجویان در زمینه سرقت علمی به ترتیب در سطوح «نسبتاً نامساعد و متوسط» بود، در راستای همین واقعیت است که نگرش دانشجویان و اساتید، با علم به اینکه رفتارهایی را در جامعه دانشگاهی شایسته نمی‌بینند، ولی ممکن است بر حسب موقعیت، منافع و جو فرهنگی حاکم، به سوی خلیات منفی سوق داده شوند، خروجی این انتخاب غالباً برد - برد نیست.

همچنین شواهد (فاضلی، ۱۳۸۲، ص. ۴۰-۶۳) نشان داده که فرهنگ استادان جامعه ایران نامناسب است و خرده فرهنگ استادان، مبتنی بر ارزش‌های اصیل و ذاتی علم، یاددهی و یادگیری مبتنی بر نقد دانش، نقد جامعه و نقد خود نیست.

استبداد، حاکمیت خویشاوندسالاری در دانشگاه‌ها، بی توجهی به منزلت علم، مدرک‌سالاری و مدرک‌گرایی، فقدان انگیزه دانشجویان برای تلاش و سخت‌کوشی در راه عل، قابل توجه است. مثلاً، بطور کلی نامناسب بودن فرهنگ استادان در عوامل منفعت‌طلبی و تجاوز به حقوق دیگران در انجام امور علمی، روحیه بهره‌کشی و شخصیت چندوجهی، خودکامگی و متوقع بودن، سوگیری، پیش‌داوری و تعارف در فعالیت‌های علمی، روحیه پرسشگری و سماجت علمی، خودشیفتگی و تمایل به کار فردی تا حدودی مشابهت مفهومی دارند. همچنین، کلیه عواملی که در تحقیق حاضر به خلیات علمی دانشجویان و اساتید ارتباط پیدا می‌کند با ارزش‌های علم، یادهی - یادگیری دانش محور و بی‌توجهی به منزلت علم قابل تطبیق است، اما عواملی از جمله؛ استبداد، حاکمیت خویشاوند سالاری در دانشگاه‌ها، مدرک‌سالاری و مدرک‌گرایی، فقدان انگیزه دانشجویان برای تلاش و سخت‌کوشی که تا حدودی با فرهنگ عمومی جامعه تنیده شده، در تحقیق حاضر مورد استخراج قرار نگرفته است.

یکی از حوزه‌هایی که به نوعی با خلق دانشگاهی مرتبط بوده و در پیشینه تحقیق مورد مطالعه قرار گرفته، مناسبات حاکم بر کار پژوهش در دانشگاه است. عمده این تحقیقات نشان داده‌اند که خلیات و مناسبات غلطی در فرهنگ پژوهشی در دانشگاه‌ها وجود دارد. (زمانی & قربانزاد، ۱۳۸۵، ص. ۱۵) با «بررسی مشکلات و موانع موجود در پژوهش»، به موانع فرهنگی و اجتماعی موجود بر سر راه پژوهش پرداخته‌اند و با عواملی مانند ارزش قایل نشدن به جایگاه تحقیق در کشور، ضعف روحیه و اخلاق جست‌وجوگری به عنوان منش علمی، در فرهنگ جامعه ایران اشاره کرده‌اند. (مجب، ۱۳۸۵، ص. ۷-۱۸) به عوامل مختلفی که مانع توسعه پژوهش می‌شود، اشاره کرده که یکی از مهم‌ترین این عوامل، عوامل فکری و فرهنگی می‌باشد. (فضل الهی & ملکی توانا، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۱). موانع فرهنگی از مهم‌ترین موانع موثر در تولید و توسعه علم در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی است و مناسب‌ترین و اولویت‌دارترین راهکار برون‌رفت از نفی برنامه‌ریزی جامع، راهبردی و بلندمدت برای فرهنگ‌سازی و ایجاد بسترهای مناسب در دانشگاه‌ها بر

تولید دانش تخصصی و فنی است. (کلانتری قزوینی، قورچیان، آراسته، & محمد داودی، ۱۳۹۶، ص. ۲۴۱-۲۶۴) در پژوهشی جهت شناسایی و بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اثرگذار بر ارتقای اخلاق دانشجویی، تعداد ۳۱ مؤلفه در قالب پنج بُعد، شامل اخلاق دانشجویی، ملاحظات پژوهشی، صداقت پژوهشی، رفتار اجتماعی و رفتار فردی استخراج نمودند که می‌تواند به مدیران و سیاستگذاران آموزش عالی برای رشد و ارتقای آن کمک کند.

علاوه‌براین، تحقیقات خارجی در ارتباط با خلیقات، عمدتاً با تأکید بر ابعاد روانشناختی انجام شده است، از جمله (Garcia, Clonniger, Lester, & Clonniger, 2017, p. 45) با ارائه ابزار سیاهه‌ای بر شخصیت و خلق‌وخوی، با مجوز مرکز رفاه دانشگاه واشینگتن، مدلی جامع روانشناختی - اجتماعی فراهم کرده که در آن هویت افراد از طریق برنامه‌های خودآگاهی هشیار بر شخصیت و از طریق واکنش‌های خودکار ناهشیار بر خلق‌وخوی، تفکیک شده و بین آنها رابطه متقابلی از معنا و برجستگی برقرار است. (Putnam & Gartstein, 2017, pp. 157-170) با محاسبه و تحلیل نمرات تراکمی خلق‌وخوی در ۱۷ مطالعه برای ۱۸ کشور در ارتباط با مجموع ویژگی‌های شخصیتی و ابعاد جهت‌گیری فرهنگی، نشان دادند که الگوهای فرهنگی متقابل تا حد زیادی با کسانی که قبلاً از نظر شخصیتی گزارش شده بودند، سازگار بود. کشورهای که اضطراب بالا داشتند، در برون‌گرایی بالا بودند، از نظر تأثیر منفی بالا با روان‌رنجوری و از نظر ظرفیت تنظیم‌کننده با توافق‌پذیری سازگار بودند. (Leung, Cloninger, Hong, Cloninger, & Eley, 2019, p. 207) با مطالعه رابطه ویژگی‌های شخصیت و خلق‌وخوی با تحمل ابهام و کمال‌گرایی دانشجویان پزشکی، ۸۰۸ دانشجوی پزشکی استرالیایی نشان دادند که ترکیب خاصی از ویژگی‌های شخصیتی با تحمل کم ابهام و سطح بالایی از کمال‌گرایی ناسازگار مرتبط است. عدم تحمل ابهام و نگرانی بیش از حد درباره اشتباهات، ممکن است ناسازگار باشد و زمینه‌ساز آسیب‌پذیری در برابر استرس و مقابله ضعیف باشد. مدل روانشناختی شخصیت، بینش ویژگی‌های پایدار و ویژگی‌هایی را که می‌توانند از طریق آموزش و کارآموزی تنظیم شوند، فراهم

می‌کند. تعامل بین مکانیسم‌های بیولوژیکی و یادگیری فرهنگی-اجتماعی، مربوط به نمونه‌ای از دانشجویان پزشکی است که تعامل جنبه‌های بیولوژیکی یا ذاتی رشد شخصی آن‌ها را در یک محیط یادگیری شدید و رقابتی در دانشکده پزشکی در نظر می‌گیرد. بر اساس آنچه که در پیشینه این پژوهش ذکر گردید، به این نتیجه می‌رسیم که خلیقات ایرانی بخشی از فرهنگ آنها بوده و به نوعی در نهاد دانشگاه، خود را بازنمایی کرده است، اما در این زمینه پژوهش‌هایی که هدف اصلی آنها، واکاوی خلیقات ایرانی در میدان دانشگاه باشد، انجام نشده است. این پژوهش تلاش می‌کند، بخشی از این شکاف را پوشش دهد.

۴. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر ماهیت، کاربردی و با رویکرد کمی و راهبرد پیمایشی انجام شده است. نمونه‌گیری داده‌های کمی با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای^۱ انجام شد. پژوهشگر در این روش نمونه‌گیری، جامعه را به یک خصوصیت ویژه (مثلاً برحسب مردان و زنان)، لایه‌بندی می‌کند و پس از نمونه‌گیری در دسترس، برای مطالعه نمونه در هر زیرگروه یا لایه‌ای از جمعیت استفاده می‌کند. این کار تضمین می‌کند که نمونه، شامل خصوصیات ویژه‌ای است که پژوهشگر می‌خواهد مطالعه کند (Craswel, 2012, p. 154). در اینجا هم طبقه جنسیت و هم حجم نمونه در ارتباط با دو دانشگاه علامه طباطبایی (ره) و کردستان مورد مطالعه ملاک بود.

حجم نمونه بخش کمی، به تفکیک نمونه آماری شامل ۸۲۳ دانشجوی و ۲۶۶ عضو هیأت علمی از دانشگاه‌های کردستان و علامه طباطبایی (ره) در نیمسال اول ۱۳۹۹-۱۳۹۸ انتخاب شده است. حجم نمونه‌ها برحسب جدول (Krejcie & Morgan, 1970, p. 145) بر مبنای نزدیک‌ترین عدد ممکن، به ترتیب برای کل اساتید، و دانشجویان، محاسبه شده است. در جدول ۱ نمونه آماری افراد مورد مطالعه بر حسب جنسیت و مقطع تحصیلی دانشجویان و اساتید آمده است.

جدول ۱. نمونه آماری بر حسب جنسیت، مقطع تحصیلی و دانشکده به تفکیک دانشجویان و اساتید

دانشجویان ۸۲۳n=	متغیر شاخص	جنسیت		مقطع تحصیلی			علامه ۴۹۲n=	متغیر شاخص	دانشکده					
		مرد	زن	کارشناسی	ارشد	دکتری			انسانی	اقتصاد	علوم	فنی	کشاورزی	هنر
علامه	فراونی	۲۸۳	۱۲۷	۹۹	۱۳۲	۱۷۹	دانشجویان	فراونی	۲۶	۲۲	۱۴۳	۵۹	۱۳۴	۲۶
۴۱۰n=	درصد	۶۹	۳۱	۲۴/۱۴	۳۲/۳	۴۳/۷	۴۱۰n=	درصد	۶/۳	۵/۴	۳۴/۹	۱۴/۴	۳۲/۷	۶/۳
کردستان	فراونی	۲۰۸	۲۰۵	۱۰۲	۱۶۰	۱۵۱	اساتید	فراونی	۱۴	۱۷	۱۶	۱۵	۱۰	۱۰
۴۱۳n=	درصد	۵۰/۴	۴۹/۶	۲۴/۷	۳۸/۷	۳۶/۶	۸۲n=	درصد	۱۷/۱	۲۰/۷	۱۹/۵	۱۸/۳	۱۲/۲	۱۲/۲
اساتید ۲۶۶n=	متغیر شاخص	جنسیت		مرتبه علمی			کردستان ۵۹۷n=	متغیر شاخص	دانشکده					
		مرد	زن	استادیار	دانشیار	استاد			انسانی	ادبیات	علوم	مهندسی	کشاورزی	معماری
علامه	فراونی	۵۱	۳۱	۳۷	۳۹	۶	دانشجویان	فراونی	۱۸۲	۸	۳۹	۱۸	۹۴	۷۲
۸۲n=	درصد	۶۲/۲	۳۷/۸	۴۵/۱	۴۷/۶	۷/۳	۴۱۳n=	درصد	۴۴/۱	۱/۹	۹/۴	۴/۴	۲۲/۸	۱۷/۴
کردستان	فراونی	۱۶۱	۲۳	۱۰۰	۷۳	۱۶	اساتید	فراونی	۳۷	۲۲	۴۴	۳۳	۲۶	۲۲
۱۸۴n=	درصد	۸۷/۵	۱۲/۵	۵۱/۶	۳۹/۷	۳/۳	۱۸۴n=	درصد	۲۰/۱	۱۲	۲۳/۹	۱۷/۹	۱۴/۱	۱۲

ابزار پژوهش، شامل پرسشنامه‌ی پژوهشگرساخته بود که گزاره‌ها و محتوای آنبودن در نظر گرفتن ابعاد قبلی، بر اساس مطالعه پیشینه و منابع موجود با تأکید بر خلیقات ایرانیان و دیدگاه‌های صاحب‌نظران ایرانی در آثارشان طراحی شده بود. بنابراین، پژوهشگر مطالعه‌ی جامعی بر روی منابع اصلی و تحقیقات مرتبط، گزاره‌های توصیفی

برای دانشجویان و اساتید استخراج و تنظیم کرده بود. در ابتدا بعد از چندین مرتبه پالایش، حذف و ادغام گزاره‌های مشابه، گزاره‌های پرسشنامه جهت گردآوری داده‌ها به لحاظ روایی محتوا^۱ در اختیار گروهی از متخصصان آموزش عالی و جامعه‌شناسی قرار گرفت. روایی سازه^۲ این پرسشنامه نیز از طریق تحلیل عاملی اکتشافی تایید شد. سپس به صورت آزمایشی بر روی ۳۰ نفر دیگر اجرا گردید که ضریب پایایی آن در حد ۰/۹۰ بر اساس آلفای کرونباخ محاسبه شد. پس از اطمینان نسبی از روایی و پایایی گزاره‌های مذکور در قالب یک پرسشنامه با ۵۴ گزاره، طراحی و در سطح گسترده در اختیار اساتید و دانشجویان قرار گرفت. سپس پرسشنامه‌ها جهت تعیین ساختار عاملی عوامل و مؤلفه‌های خلیقات دانشگاهی تجزیه و تحلیل شد.

برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. این آزمون با استفاده از جهت‌گیری و تغییرپذیری پاسخ‌های دانشجویان و اساتید به هر یک از گویه‌های پرسشنامه با استفاده از یک منطق خاص آماری، آن‌ها را طبقه‌بندی می‌کند. تحلیل عاملی یا برای کشف طبقه‌های جدید و یا به منظور تأیید طبقه‌های قبلی به کار می‌رود. با توجه به اینکه هدف اصلی پژوهش، طبقه‌بندی و شناسایی مؤلفه‌های مربوطه در بافت دانشگاه‌های ایران در دو نمونه از اساتید و دانشجویان دانشگاه کردستان و دانشگاه علامه طباطبائی بوده است. این پژوهش بر مبنای تحلیل عاملی اکتشافی استوار است. در پژوهش کنونی از روش استخراج مؤلفه‌های اصلی^۳ استفاده شد. در چرخش

1. Content validity

2. Structural validity

3. Principal components

عامل‌ها، متناسب با همبستگی و تعیین ماتریس الگو، از روش چرخش عاملی وریماکس^۱ استفاده شد و کمترین میزان ارزش بار در حد ۰/۳۳ در نظر گرفته شد و اثر مقادیر کمتر از آن خنثی گردید. همچنین، گویه‌های دارای بیشترین هم‌پوشی یا بدون بار عاملی در فرایند تحلیل حذف شدند. تعداد طبقه‌های نهایی با توجه به واریانس کلی گویه‌ها، ماتریس الگو و نمودار سنگ‌ریزه، در تحلیل عاملی دانشجویان، اساتید ۶ طبقه در نظر گرفته و استخراج شد و با استفاده از تحلیل عاملی، گویه‌ها در بین این ۶ عامل تقسیم شدند. مثلاً، عامل اول ۱۱ گویه را در بر گرفت، عامل دوم ۷ گویه را در بر گرفت، عامل سوم ۶ گویه، عامل چهارم ۹ گویه، عامل پنجم ۸ گویه و در نهایت عامل ششم ۴ گویه را در بر گرفت. اسم‌گذاری عامل‌ها با توجه به بارهای عاملی گویه‌ها و مفهوم نظری آنها انجام شد. مثلاً، در عامل یک که ۱۱ گویه را در بر گرفت، گویه‌هایی با بیشترین بار عاملی را در نظر گرفتیم و با توجه به آن‌ها نامگذاری بار عاملی اول انجام شد و سایر عامل‌ها اینگونه نامگذاری گردید. بنابراین، در تحلیل عاملی پرسشنامه‌های اساتید و دانشجویان، به طور کلی ۴۶ گویه وارد تحلیل شد که در نهایت ۴۵ گویه که بار عاملی آنها بیش از ۰/۳۳ بود تحلیل گردید.

۵. نتایج براساس سؤالات پژوهش

۵-۱. ابعاد و مؤلفه‌های خلیقات دانشجویان از نظر آموزشگران (هیأت علمی)

چیست؟

سؤال تحقیق برای مطالعه، ابعاد اساسی خلیقات دانشجویان از نظر اساتید طرح شده است. به منظور تعیین مناسب بودن داده‌های گردآوری‌شده در این بخش برای تحلیل عاملی، برای تعیین تعداد عوامل از ضریب $K.M.O$ ۲ و آماره بارتلت^۳ استفاده شد. در این پژوهش مقدار $K.M.O$ برابر ۰,۶۹۲ به دست آمد و نشان داد که وضعیت داده‌ها برای تحلیل عاملی در حد «خوب» بود. همچنین، برخی

1. Varimax rotation

2. Kaiser- Meryer- olkin.

3. Bartlett Test.

محققان عقیده دارند مناسب بودن این شاخص نشان می‌دهد، سؤالات طرح شده برای این تحلیل مناسب هستند. مقدار آماره بارتلت نیز برابر ۷۷۵۰,۹۶۳ به دست آمد، بنابراین داده‌ها برای تحلیل عاملی اکتشافی مناسب بودند. در جدول ۲ پس از پردازش گویه‌های نمایانگر خلیقات ایرانی و بازنمایی آن در محیط دانشگاه در بین اساتید، نسبت به نام‌گذاری عامل‌های به دست آمده، اقدام گردید.

جدول ۲. عوامل استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی خلیقات

دانشجو از نظر اساتید

عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	فراوانی تجمعی درصد واریانس
رفتار کلیشه‌ای و توسل به نیرنگ در امور علمی	۵/۴۴۷	۱۱/۸۴۱	۱۱/۸۴۱
شخصیت چندوجهی و حسادت	۵/۱۲۵	۱۱/۱۴	۲۲/۹۸۱
خودکامگی و انتقادناپذیری در روابط بین فردی	۴/۳۳۳	۹/۴۱۹	۳۲/۴
تعصب، سوءگیری و پیش‌داوری در فعالیت‌های علمی	۴/۳۲۷	۹/۴۰۷	۴۱/۸۰۷
روحیه استثمار پذیری	۳/۶۹۶	۸/۰۲۵	۴۹/۸۴۲
خودشیفتگی و گرایش به کار فردی	۳/۰۸۵	۶/۷۰۷	۵۶/۵۴۹

بر اساس مفهوم گزاره‌های با بیشترین میزان بار عاملی، خلیقات دانشگاهیان ایرانی از دیدگاه اساتید شامل رفتار کلیشه‌ای و توسل به نیرنگ در امور علمی، شخصیت چندوجهی و حسادت، خودکامگی و انتقادناپذیری در روابط بین فردی، تعصب، سوءگیری و پیش‌داوری در فعالیت‌های علمی، روحیه استثمارپذیری، خودشیفتگی و گرایش به کار فردی نام‌گذاری و استخراج شده است. تعداد عوامل استخراج شده همراه با مقدار ویژه هر یک از آن‌ها، درصد واریانس مقدار ویژه هریک از عوامل و درصد واریانس عوامل آمده است. مقدار ویژه، بیانگر سهم هر عامل از کل واریانس متغیرها می‌باشد. عامل اول بیشترین سهم ۱۱,۸۴٪ و عامل ششم کمترین سهم ۳,۰۸٪ را در تبیین واریانس کل متغیرها داشته‌اند و در مجموع، این شش عامل توانستند ۵۶,۵٪ از کل واریانس خلیقات دانشجویان و بازنمایی آن در محیط دانشگاه از دیدگاه اساتید را تبیین نمایند. بدین‌صورت که ۱۱ گویه در عامل اول، ۷ گویه در عامل دوم، ۶ گویه در عامل سوم، ۹ گویه در عامل چهارم، ۸ گویه در عامل پنجم و ۴ گویه در عامل ششم دسته‌بندی شدند که همراه با بار

عاملی و سه مؤلفه اصلی از هر کدام از عوامل در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳. نمونه مؤلفه‌ها، عوامل و میزان ضرایب به‌دست‌آمده از ماتریس دوران یافته خلیقات دانشجویان از نظر اساتید

عامل	نمونه مؤلفه‌ها	بار عاملی
(۱) رفتار کلیشه‌ای و توسل به نیرنگ در امور علمی	دانشجویان در انجام امورات خود، درسی و غیردرسی کلیشه ای رفتار می‌کنند	۰,۷۰۱
	دانشجویان در انجام کارهای آموزشی و پژوهشی خود از کلی‌گویی دوری می‌کنند	۰,۶۹۸
	دانشجویان گاهی برای دست‌یابی به پاداش و اثبات کارهای خود دروغ می‌گویند	۰,۶۹۶
مجموع عامل اول: ۱۱ مؤلفه		
(۲) شخصیت چندوجهی و حسادت	دانشجویان اغلب در تمجید و ستایش از اساتید خود در حضور آن‌ها اغراق می‌کنند	۰,۷۶۹
	دانشجویان برای پیش بردن کار خود در دانشگاه چاپلوسی می‌کنند	۰,۷۳۶
	دانشجویان در دانشگاه نسبت به موفقیت دانشجویان دیگر حسادت می‌کنند	۰,۷۱۹
مجموع عامل دوم: ۷ مؤلفه		
(۳) خودکامگی و انتقادناپذیری در روابط بین فردی	دانشجویان در دانشگاه حس خودکامگی دارند و به نظرات دیگران اهمیت نمی‌دهند	۰,۷۶۶
	دانشجویان، دیگر دانشجویان و اساتید را در انجام کارهای علمی به تمسخر می‌گیرند	۰,۷۳۷
	دانشجویان به طور کلی در ارتباط با دانشجویان دیگر انتقاد پذیر نیستند	۰,۷۳۰
مجموع عامل سوم: ۶ مؤلفه		
(۴) تعصب، سوءگیری و پیش‌داوری در فعالیت‌های علمی	دانشجویان اغلب نسبت به کارهای علمی خود تعصب و سوءگیری دارند	۰,۸۲۸
	دانشجویان نسبت به کارهای علمی اساتید و سایر دانشجویان پیش‌داوری می‌کنند	۰,۷۵۲
	دانشجویان قهرمان پرور هستند و بر آن اساس قضاوت می‌کنند	۰,۵۹۷
مجموع عامل چهارم: ۹ مؤلفه		
(۵) روحیه استثمار پذیری	اغلب دانشجویان ب راحتی می‌پذیرند که اساتید، آن‌ها را برای تولید علم استثمار کنند	۰,۶۴۶
	دانشجویان اغلب در انجام امورات علمی تعارف کرده و کارهای اساتید را انجام می‌دهند	۰,۵۶۱
	دانشجویان در انجام کارهای علمی خود سماجت علمی دارند و پیگیر کارها هستند	۰,۴۷۱
مجموع عامل پنجم: ۸ مؤلفه		
(۶) خودشیفتگی و گرایش به کار فردی	دانشجویان در دانشگاه نسبت به دیگران احساس خودشیفتگی دارند	۰,۸۱۱
	دانشجویان در انجام امورات علمی کار فردی را بر کار جمعی ترجیح می‌دهند	۰,۶۶۴
مجموع عامل ششم: ۴ مؤلفه		

۵-۲. ابعاد و مؤلفه‌های خلیقات آموزشگران از نظر دانشجویان چیست؟

برای پاسخگویی به سؤال دوم پژوهش، یعنی شناسایی ابعاد اساسی خلیقات اعضای هیأت علمی از نظر دانشجویان، تحلیل عاملی انجام شد. به‌منظور تعیین مناسب بودن داده‌های گردآوری‌شده در این بخش برای تحلیل عاملی، از ضریب K.M.O و آماره بارتلت استفاده شد. در این پژوهش مقدار K.M.O برابر ۰,۷۸۱ به دست آمد و نشان داد که وضعیت داده‌ها برای تحلیل عاملی در حد «خوب» بود. همچنین برخی محققان عقیده دارند مناسب بودن این شاخص نشان می‌دهد، سؤالات طرح‌شده برای این تحلیل مناسب هستند. مقدار آماره بارتلت نیز برابر

۷۷۵۰,۹۶۳ به دست آمد، بنابراین داده‌ها برای تحلیل عاملی اکتشافی مناسب بودند. همچنین، برای تعیین تعداد عوامل بر اساس ملاک کیسر عمل شد. در جدول ۴ پس از پردازش گویه‌های نمایانگر خلیات ایرانی و بازنمایی آن در محیط دانشگاه در بین دانشجویان، نسبت به نام‌گذاری عامل‌های به‌دست آمده اقدام گردید.

جدول ۴. عوامل استخراج‌شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی خلیات اساتید از نظر دانشجو

عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	فراوانی تجمعی درصد واریانس
منفعت‌طلبی و تجاوز به حقوق دیگران در انجام امور علمی	۶/۱۷۲	۱۳/۴۱۶	۱۳/۴۱۶
روحیه بهره‌کشی و شخصیت چندوجهی	۵/۸۰۱	۱۲/۶۱۱	۲۶/۰۲۷
خودکامگی و متوقع بودن	۵/۵۱۸	۱۱/۹۹۶	۳۸/۰۲۳
سوءگیری، پیش‌داوری و تعارف در فعالیت‌های علمی	۳/۰۶۴	۶/۶۶۱	۴۴/۶۸۴
روحیه پرسشگری و سماجت علمی	۲/۸۸۶	۶/۲۷۴	۵۰/۹۵۸
خودشیفتگی و تمایل به کار فردی	۲/۰۰۳	۴/۳۵۴	۵۵/۳۱۲

بر اساس مفهوم گزاره‌های با بیشترین میزان بار عاملی، خلیات اساتید دانشگاهیان ایرانی از نظر دانشجویان شامل منفعت‌طلبی و تجاوز به حقوق دیگران در انجام امور علمی، روحیه بهره‌کشی و شخصیت چندوجهی، خودکامگی و متوقع بودن، سوگیری، پیش‌داوری و تعارف در فعالیت‌های علمی، روحیه پرسشگری و سماجت علمی، خودشیفتگی و تمایل به کار فردی نام‌گذاری و استخراج شده است. تعداد عوامل استخراج‌شده همراه با مقدار ویژه هر یک از آن‌ها، درصد واریانس مقدار ویژه هریک از عوامل و درصد واریانس عوامل آمده است. مقدار ویژه، بیانگر سهم هر عامل از کل واریانس متغیرها می‌باشد. عامل اول بیشترین سهم ۱۳,۴۱٪ و عامل ششم کمترین سهم ۴,۳۵٪ را در تبیین واریانس کل متغیرها داشته‌اند و در مجموع این شش عامل توانستند ۵۵,۳٪ از کل واریانس خلیات ایرانی و بازنمایی آن در محیط دانشگاه را از دیدگاه دانشجویان تبیین نمایند. بدین‌صورت که ۱۱ گویه در عامل اول، ۷ گویه در عامل دوم، ۶ گویه در عامل سوم، ۹ گویه در عامل چهارم، ۸ گویه در عامل پنجم و ۴ گویه در عامل

ششم دسته‌بندی شدند که همراه با بار عاملی و سه مؤلفه اصلی از هر کدام از عوامل در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵. نمونه مؤلفه‌ها، عوامل و میزان ضرایب به‌دست‌آمده از ماتریس دوران یافته خلیقات اساتید از نظر دانشجو

عامل	نمونه مؤلفه‌ها	بار عاملی
(۱) منفعت‌طلبی و تجاوز به حقوق دیگران در انجام امور علمی	اساتید برای پیش بردن کارهای خود به حقوق دیگران تجاوز می‌کنند	۰,۷۰۷
	اساتید در دانشگاه همواره به غیبت کردن درباره‌ی اساتید و دیگران می‌پردازند	۰,۶۹۹
	اساتید اغلب برای سودجویی و کسب منافع فردی کارهای علمی انجام می‌دهند	۰,۶۸۹
مجموع عامل اول: ۱۱ مؤلفه		
(۲) روحیه بهره‌کشی و شخصیت چندوجهی	اساتید در انجام امورات علمی از دانشجویان ترم‌های پایین‌تر بهره‌کشی می‌کنند	۰,۸۳۴
	اساتید برای پیش بردن کار خود در دانشگاه چاپلوسی می‌کنند	۰,۷۷۴
	اساتید اغلب برای کسب جایزه، جایگاه و ترفیع به اعمال ریاکارانه دست می‌زنند	۰,۷۶۴
مجموع عامل دوم: ۷ مؤلفه		
(۳) خودکامگی و متوقع بودن	اساتید در دانشگاه حس خودکامگی دارند و به نظرات دیگران اهمیت نمی‌دهند	۰,۷۵۸
	اساتید نسبت به زحمتی که می‌کشند، انتظار موفقیت بیشتری در کارهای خود دارند	۰,۷۵۸
	اساتید، دیگر دانشجویان و اساتید را در انجام کارهای علمی به تسخر می‌گیرند	۰,۶۵۱
مجموع عامل سوم: ۶ مؤلفه		
(۴) سوگیری، پیش‌داوری و تعارف در فعالیت‌های علمی	اساتید در دانشگاه نسبت به اساتید خود متعصبانه رفتار می‌کنند	۰,۶۸۸
	اساتید نسبت به کارهای علمی دانشجویان و سایر اساتید پیش‌داوری می‌کنند	۰,۵۸۱
	اساتید کارهای علمی خود همواره بهتر و برتر می‌دانند	۰,۵۵۸
مجموع عامل چهارم: ۹ مؤلفه		
(۵) روحیه پرسشگری و سماجت علمی	اساتید در آموزش و پژوهش از روحیه پرسشگری برخوردارند	۰,۶۴۳
	اساتید در انجام کارهای علمی خود سماجت علمی دارند و پیگیری کارها هستند	۰,۶۳۷
مجموع عامل پنجم: ۸ مؤلفه		
(۶) خودشیفتگی و تمایل به کار فردی	اساتید در کلاس درس از فعالیت‌های خود تمجید و ستایش می‌کنند	۰,۶۲۵
	اساتید در انجام امورات علمی، کارهای دانشجویان را جدی نمی‌گیرند	۰,۴۰۸
	اساتید در انجام امورات علمی، کار فردی را بر کار جمعی ترجیح می‌دهند	۰,۳۸۵
مجموع عامل ششم: ۴ مؤلفه		

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف تحقیق حاضر، پاسخ به این پرسش بود که آیا خلیقات ایرانی در دانشگاه هم تکثیر می‌شود و در صورت تکثیر، کدام عوامل و مؤلفه‌ها در ذیل خلیقات دانشگاهی قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، آیا خلیقات ایرانی به همان شکلی که در منابع مکتوب و تحقیقات قبلی به آن اشاره شده، در میدان دانشگاه بازنمایی می‌شود و اگر چنین است به چه شکل و ساختاری خواهد بود. نتایج تحقیق نشان داد که از نظر اساتید، شش عامل و یا خصوصیت خُلُق‌ی که عمدتاً، توسط

دانشجویان در دانشگاه بازتولید می‌شود، عبارت از رفتار کلیشه‌ای و توسل به نیرنگ در امور علمی؛ شخصیت چندوجهی و حسادت؛ خودکامگی و انتقادناپذیری در روابط بین فردی؛ تعصب، سوگیری و پیش‌داوری در فعالیت‌های علمی؛ روحیه استثمار‌پذیری؛ خودشیفتگی و گرایش به کار فردی هستند. از سوی دیگر، از نظر دانشجویان، شش عامل و یا خصوصیات خلقی که عمده‌تاً توسط اساتید در دانشگاه بازتولید می‌شود، عبارت از منفعت‌طلبی و تجاوز به حقوق دیگران در انجام امور علمی؛ روحیه بهره‌کشی و شخصیت چندوجهی؛ خودکامگی و متوقع بودن؛ سوگیری، پیش‌داوری و تعارف در فعالیت‌های علمی؛ روحیه پرسشگری و سماجت علمی؛ و خودشیفتگی و تمایل به کار فردی هستند.

از این زاویه و کمی با احتیاط می‌توان، خلیقات ایرانی ساکنان میدان دانشگاه را (آموزشگران و دانشجویان) براساس نظریه م‌ها و نظریه تکامل فرهنگی تبیین کرد. عوامل و مؤلفه‌های استخراج شده در تحقیق حاضر، مؤید فرهنگ دانشگاهی مربوط جامعه اساتید و دانشجویان ایرانی است که هر عامل یا مؤلفه آن در فرهنگ مربوطه حاوی کدهای اطلاعاتی است که در م‌ها ثبت، ذخیره و فعال می‌شوند. مثلاً؛ برخی خلیقات دانشجویان و آموزشگران ایرانی شامل شخصیت چندوجهی و حسادت، خودکامگی روحیه استثمار‌پذیری، خودشیفتگی و گرایش به کار فردی، انتقادناپذیری در روابط بین فردی، روحیه بهره‌کشی و خودکامگی و متوقع بودن، برآیندی از شکل‌گیری م‌های شخصیتی است که در رفتارهای عمومی قابل توضیح است. این نتایج با توصیف خلیقات ایرانی در بیشتر سفرنامه‌ها مشابه و خصوصاً از این زاویه که بخش عمده‌ای از خلیقات ایرانی به شکل منفی گزارش شده است (جمال زاده، ۱۳۴۵، ص. ۱-۹۸)، (مشکور، ۱۳۴۵، ص. ۱۸۹-۲۱۰)، (کرباسیان، ۱۳۸۰، ص. ۱۱-۶۵)، (نراقی، ۱۳۸۰، ص. ۷۸)، (جان، ۱۳۸۰، ص. ۱۸-۴۳)، (رفیع پور، ۱۳۸۱، ص. ۱-۱۳۴)، (انوری، ۱۳۸۲، ص. ۱-۲)، (دوگوبینو، ۱۳۸۵، ص. ۲۲-۵۴)، (رهبانی، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۱)، (میرزایی & رحمانی، ۱۳۸۷، ص. ۱۶۷)، (عبدی & گودرزی، ۱۳۸۸، ص. ۷۴)، (سریع القلم، ۱۳۹۰، ص. ۲۲-۸۸)، (شیخ الاسلام، ۱۳۹۵، ص. ۳۵-۳۹)، (اسماعیلی مهرا،

بیگدلی، & ادریسی، ۱۳۹۶). توصیف منفی درباره خلیقات ایرانی و تکثیر آن در میدان دانشگاه سبب شده که فرهنگ دانشگاهی در کشور ایران با یک دیدگاه انتقادی مورد مطالعه قرار گیرد. این رویکرد سه بخش مهم دارد، بخش اول؛ مصداق‌ها و مثال‌هایی از خلیقات ایرانی‌ها در مناسبات اجتماعی را نشان می‌دهد که با فضیلت‌های فرهنگی و تاریخی آنها هارمونی ندارد و بخش دوم اینکه؛ این خلیقات یکی از دلایل اصلی علت عقب‌ماندگی جامعه آنها می‌باشد و بخش سوم این خلیقات تقریباً، ثابت بوده و در طول تاریخ، بخشی از فرهنگ این مردم بوده است و هموار خود را بازتولید می‌کند. این بخش از خلیقات ایرانیان در میان اساتید و دانشجویان به طور غیرمستقیم و تلویحی وجود دارند و برای شناخت مصداق آن باید به ماهیت علمی دانشگاه و خصوصیات جامعه دانشگاهی پرداخته شود.

در اینجا باید اشاره شود که این پژوهش، یک مطالعه اکتشافی بوده و در دو دانشگاه انجام شده است و نتایج آن به سایر دانشگاه قابل تعمیم نیست. بنابراین، پیشنهاد می‌گردد پژوهشگران بعدی، ابعاد و مؤلفه‌های خلیقات ایرانی که در محیط دانشگاه در این پژوهش حاصل شد را در سایر دانشگاه‌ها آزمون کنند. چنین تلاشی، بینش بیشتر و عمیق‌تری از تبیین خلیقات ایرانی را بر اساس نظریه تکامل فرهنگی و نظریه مم‌ها به ما خواهد داد.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

با توجه به اینکه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور، بازتاب‌دهنده فرهنگ عمومی جامعه و شکل‌دهنده فرهنگ علمی در ساختار نظام آموزش عالی هستند، شناسایی و بازنمایی خلیقات اساتید و دانشجویان ایرانی در میدان دانشگاه می‌تواند رهیافتی برای تحقیقات بعدی در جهت عمق بخشیدن به اطلاعات پیرامون مسئله از زوایای نوین و گوناگون فراهم کند. نتایج تحقیق حاضر، عوامل و مؤلفه‌هایی را برای تصمیم‌گیرندگان فراهم می‌کند که مأموریت و چشم‌انداز را بر مبنای اولویت‌بندی اهداف، سازماندهی کنند. از جمله عوامل اصلی که از میان خلیقات دانشجویان ایرانی توسط اساتید دانشگاهی بازنمایی شد عبارت از؛ ۱- رفتار

- کلیشه‌ای و توسل به نیرنگ در امور علمی، ۲- شخصیت چندوجهی و حسادت و ۳- خودکامگی و انتقادناپذیری در روابط بین فردی بود. همچنین، از جمله عوامل اصلی که از میان خلیقات اساتید ایرانی توسط دانشجویان بازنمایی شد عبارت از؛ ۱- منفعت‌طلبی و تجاوز به حقوق دیگران در انجام امور علمی، ۲- روحیه بهره‌کشی و شخصیت چندوجهی و ۳- خودکامگی و متوقع بودن بود. از همین‌رو، پژوهشگران در تحقیقات آتی می‌توانند در زمینه‌های پیشنهادی زیر اقدام نمایند:
- پژوهش در زمینه آسیب‌شناسی علل روانی و اجتماعی رفتار کلیشه‌ای و توسل به نیرنگ در امور علمی دانشجویان،
 - پژوهش در زمینه ریشه‌ها و راهکارهای کاهش منفعت‌طلبی و تجاوز به حقوق دیگران در انجام امور علمی اساتید،
 - پژوهش در زمینه شناسایی ریشه‌های شکل‌گیری شخصیت چندوجهی و حسادت در میان دانشجویان در دانشگاه‌ها،
 - پژوهش در زمینه آسیب‌شناسی علل روانی و اجتماعی بهره‌کشی و شخصیت چندوجهی اساتید دانشگاهی،
 - پژوهش در زمینه ریشه‌ها و راهکارهای کاهش منفعت‌طلبی و تجاوز به حقوق دیگران در انجام امور علمی دانشجویان،
 - پژوهش در زمینه شناسایی ریشه‌های شکل‌گیری خودکامگی و متوقع بودن در میان اساتید دانشگاه‌های کشور،
 - پژوهش در زمینه تدوین الگویی برای اصلاح و بهسازی فرهنگ عمومی و دانشگاهی در میان اساتید و دانشجویان،
 - پژوهش در زمینه تدوین الگویی برای اصلاح و بهسازی فرهنگ علمی پژوهش و آموزش در نظام دانشگاهی،
 - پژوهش در زمینه راهکارهای تقویت ظرفیت‌های فرهنگ علمی در جامعه و مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها و
 - پژوهش در زمینه راهکارهای تقویت ظرفیت‌های فرهنگ علمی در مدارس و نظام آموزش عمومی.

منابع و مآخذ

- اسماعیلی مهرا، حمید، بیگدلی، علی. ادیسی، مهری. (۱۳۹۶). بررسی اخلاق اجتماعی در ایران در سفرنامه هایاروپایی (سفرنامه های دوره صفویه و قاجار). فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۹، ۷۱-۹۲.
- انوری، حسن. (۱۳۸۲). بازهم درباره خلیات ما ایرانیان. ماهنامه ره آورد گیل، ۱-۲.
- بازرگان، مهدی. (۱۳۵۷). سازگاری ایرانی. تهران: پیام آزادی.
- پولاک، ادوارد. (۱۳۶۱)، سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان، ترجمه: کیکاوس جهاننداری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- ترک زاده، جعفر؛ صباغیان، زهرا؛ یمنی دوزی سرخابی، محمد؛ دلاور، علی. (۱۳۸۷). ارزیابی وضعیت توسعه سازمانی دانشگاه های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. آموزش عالی ایران، سال اول، شماره ۲، ۴۳-۲۲.
- توفیق، ابراهیم؛ یوسفی، سیدمهدی؛ ترکمان، حسام؛ حیدری، آرش. (۱۳۹۸). برآمدن ژانر خلیات در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.
- جمال زاده، محمدعلی. (۱۳۴۵). خلیات ما ایرانیان. تهران: مجله مسائل ایران.
- دوگوبینو، کنت. (۱۳۸۵). سه سال در ایران. تهران: انتشارات فرخی.
- ذولفقارزاده، محمد مهدی؛ علی نقی، زارعی متین، حسن. (۱۳۹۰). واکاوی نظری و گونه شناختی مطالعات فرهنگ دانشگاهی. اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، ۹۷-۴۵.
- راولینسون، سر هنری. (۱۳۵۶). سفرنامه راولسون، ترجمه سکندر امان الهی بهاروند. تهران: موسسه انتشارات آگاه.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۱). رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۱)، موانع رشد علمی ایران و راه حل های آن، تهران: شرکت سهامی انتشار. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رهبانی، مرتضی. (۱۳۸۷). روحیه ایرانی روحیه شرقی. تهران: چاپ بخش.
- زمانی، حکیم. قربانزاد، اقدس. (۱۳۸۵). بررسی مشکلات و موانع موجود در پژوهش. همایش منطقه ای بررسی مشکلات پژوهش و آرایه راهکارهای مناسب و کاربردی جهت بهبود آن (ص. ۱-۵). قوچان: دانشگاه زاد قوچان.
- زیباکلام، صادق. (۱۳۹۰). ما چگونه ما شدیم؟ ریشه یابی عقب ماندگی در ایران. تهران:

روزنه.

زیگفرید، آندره. (۱۳۹۴). *روح ملت ها*، ترجمه: احمد آرام، تهران. تهران: سهامی انتشار. سریع القلم، مقصود. (۱۳۹۰). *عقلانیت و توسعه یافتگی ایران*. تهران: نشر فروزان. شیخ الاسلام، طاهره. (۱۳۹۵). *در اسارت فرهنگ: در شناخت خلیات ایران. دو ماهنامه چشم انداز ایران*، ۱۱۷.

عبدی، عباس؛ گودرزی، محسن. (۱۳۸۸). *تحولات فرهنگی در ایران*. تهران: علم. علمداری، کاظم. (۱۳۸۸). *چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟*. تهران: توسعه. غفاری، غلامرضا؛ جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۹۵). *خلقیات منفی ایرانیان؛ خصلت ملی یا وضعیت اجتماعی؟*. تهران: شورای اجتماعی کشور و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، ص ۲۶۱-۳۲۲. فاضلی، نعمت الله. (۱۳۸۲). *بررسی تطبیقی فرهنگ دانشگاهی ایران و بریتانیا*. مجله *انسان شناسی*، سال اول، شماره اول، ۲۵-۶۳.

فراسخو، مقصود. (۱۳۸۸). (۱۳۸۸)، *نظریه مم ها: کوششی برای توضیح رفتار و اخلاق ایرانیان*. آیین، شماره ۲۶ و ۲۷، ۸۶-۹۰. فراسخو، مقصود. (۱۳۹۷). *ما ایرانیان، زمینه کاوی تاریخی و اجتماعی خلقتیات ایرانی*. تهران: نی.

فضل الهی، سیف الله؛ ملکی توانا، منصوره. (۱۳۹۰). *راهکارهای برون رفت از موانع فرهنگی تولید علم در دانشگاه ها*. ادیان، مذاهب و عرفان، ۱۱۱-۱۲۴. فعلی، سعید؛ بیگلری، نگین؛ پزشکی راد، غلامرضا. (۱۳۹۱). *نگرش و رفتار دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس در زمینه سرقت علمی*. پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، دوره هجدهم، ۱۳۳-۱۵۱.

قانعی راد، محمد. (۱۳۸۳). *توسعه ناموزون در آموزش عالی*. فصلنامه علمی پژوهشی *رفاه اجتماعی*، شماره بیست و پنجم، ۱۶۹-۲۰۷.

کرباسیان، اکبر. (۱۳۸۰). *تقابل خلقیات ایرانی با توسعه*. تهران: نی. کلاتری قزوینی، شکوفه؛ قورچیان، نادرقلی؛ آراسته، حمیدرضا؛ محمد داودی، اکبر. (۱۳۹۶). *شناسایی ابعاد و مولفه های اخلاق دانشجویی*. فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۲۶۴-۲۴۱.

مجبرب، محمدعلی. (۱۳۸۵). *جایگاه پژوهش در ایران و دیگر کشورها*. همایش منطقه ای بررسی مشکلات پژوهش و ارائه راهکارهای مناسب و کاربردی جهت بهبود آن. قوچان: دانشگاه آزاد اسلامی قوچان.

مردیها، مرتضی. (۱۳۹۸). *ژانر خلقیات: نگاهی تحلیلی*. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱-۲۲.

مشکور، محمدجواد. (۱۳۴۵). *اخلاق ایرانیان در پیش از اسلام*، بررسی های تاریخی ۱. بررسی های تاریخی، ۱-۲۲.

ملکم، جان (۱۳۸۰). *تاریخ کامل ایران*، ترجمهک میرزا اسماعیل حیرت، تهران: افسون

میرزایی، حسین، رحمانی، جبار. (۱۳۸۷). فرهنگ و شخصیت ایرانیان در سفرنامه‌های خارجی، علوم اجتماعی. تحقیقات فرهنگی ایران، ۵۵-۷۵.

نراقی، حسن. (۱۳۸۰). نقش ما در آینده: جامعه‌شناسی خودمانی. تهران: اختران.

نظری مقدم، جواد؛ احمدی، اصغر. (۱۳۹۷). تصویری از خلیقات اجتماعی ایران در بستر عزاداری‌های دینی بر اساس گزارش سفرنامه‌های خارجی. فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن، ۳۵-۳۷.

- Boyd, Robert., & Richerson, Peter. (1985). *Culture and the Evolutionary Process*. Chicago: University of Chicago Press.
- Cavalli-Sforza, Luigi luca, & Feldman, Marcus. (1981). *Cultural Transmission and Evolution: A Quantitative Approach*. Princeton: Princeton University Press.
- Craswell, John. (2012). *Educational research, planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research*. Bosto: Pearson Education, Inc.
- Garcia, Danilo., Clonniger, Kevin., Lester, Nigel., & Clonniger, Robert. (2017). *The temperment and character inventory (TCI)*. *Encyclopedia of personality and individual differences*. Cham: Springer, 1-3.
- Henrich, Joseph. (2015). *The Secret of Our Success: How Culture is Driving Human Evolution*. Princeton: Princeton University Press.
- Henrich, Joseph., Boyd, Robert., & Richerson, Peter. (2008, Joun 19). *Five misunderstandings about cultural evolution*. *Human Nature*. Retrieved from doi.org/10.1007/s12110-008-9037-1. Retrieved from Human Nature 19(2):119-137.: doi.org/10.1007/s12110-008-9037
- Krejcie, Robert., & Morgan, Daryal. (1970). Determining Sample Size for Research Activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30, 607-610.
- Lewens, Tim. (2007). *Darwin*. London: Routledge.
- Lumsden, Charles., & Wilson, Edward. (1983). *Mind and Culture: The Coevolutionary Process*, Cambridge, Cambridge, MA: Harvard University Press. Mind and Culture, 427-443.
- Putnam, Samuel., p., & Gartstein, Maria. A. (2017). Aggregate temperament scores from multiple countries: Associations with aggregate personality traits, cultural dimensions, and allelic

References

- Abdi, Abbas; Goodarzi, Mohsen (2009), Cultural Developments in Iran, First Edition, Tehran: Alam Publishing. (In Persian)
- Anvari, Hassan (2003), Again about our Iranian temperaments, *Rahavard Gil Monthly*, 1 (1). 2-1. (In Persian)
- Alamdari, Kazem (2009), Why did Iran lag behind and the West moved forward? Sixteenth Edition, Tehran: Development Publishing. (In Persian)
- Bazargan, Mehdi (1978), Iranian compatibility, first edition. Tehran: Payam Azadi Publications.
- Boyd, Robert., & Richerson, Peter. (1985). *Culture and the Evolutionary Process*. Chicago: University of Chicago Press. (In Persian)
- Cavalli-Sforza, Luigi luca, & Feldman, Marcus. (1981). Cultural Transmission and Evolution: A Quantitative Approach. Princeton: Princeton University Press.
- Craswell, John. (2012). Educational research, planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research. Bosto: Pearson Education, Inc.
- Faraskhah, Maghsoud (2009), Theory of "Memes": An Attempt to Explain the Behavior and Ethics of Iranians, *Journal: Ain* 26 (27), 90-86. (In Persian)
- Faraskhah, Maghsoud (2018), We Iranians, Historical and Social Exploration of Iranian Creatures, 21st Edition, Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Fazeli, Nematollah (2003), A Comparative Study of Iranian and British University Culture, *Journal of Anthropology*, 2 (3). 132-93. (In Persian)
- Fazlullah, Saifullah; Mighty property; Mansoura (2011), Strategies for overcoming cultural barriers to the production of science in universities,

- religions, sects and mysticism, 20 (12). 171. (In Persian)
- Feally, Saeed; Biglery, Negin; Pezeshki Rad, Gholamreza (2012), Attitudes and Behavior of Students in the Faculty of Agriculture, Tarbiat Modares University, in the field of plagiarism, Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education, 18 (3). 133- 151. (In Persian)
- Garcia, Danilo., Clonniger, Kevin., Lester, Nigel, Cloninger, Robert. (2017). The temperament and character inventory (TCI). Encyclopedia of personality and individual differences. Cham: Springer, 1-3.
- Henrich, Joseph. (2015). The Secret of Our Success: How Culture is Driving Human Evolution. Princeton: Princeton University Press.
- Henrich, Joseph., Boyd, Robert., & Richerson, Peter. (2008). Five misunderstandings about cultural evolution. Human Nature, <https://doi.org/10.1007/s12110-008-9037-1>. Retrieved from Human Nature 19 (2): 119-137.
- Ismaili Mehra, Hamid; Bigdeli, Ali; And Idrisi, Mehri (2017), A Study of Iranian Social Ethics in European Travelogues (Safavid and Qajar Travelogues), Quarterly Journal of Islamic Culture and Civilization. 8 (29). 92-71. (In Persian)
- Jamalzadeh, Mohammad Ali (1966), Our Iranian Creatures, Tehran: Publications of the Journal of Iranian Issues. Available at <https://pdf.tarikhema.org/PDF/> on 4/19/99. (In Persian)
- Karbasian, Akbar (2001), The Confrontation of Iranian Moods with Development, Report, (129) 80-78. (In Persian)
- Krejcie, Robert., & Morgan, Daryal. (2012). Determining Sample Size for Research Activities. Educational and Psychological Measurement, 30: 607-610., 77-101.
- Lumsden, C., & Wilson, E. (1983). Mind and Culture: The Coevolutionary Process, Cambridge, Cambridge, MA: Harvard University Press. Mind and Culture, 427-443.
- Leung, Janni., Cloninger, Robert., Hong, Barry., Cloninger, Kevin., & Eley, Diann (2019). Temperament and character profiles of medical students associated with tolerance of ambiguity and perfectionism. PeerJ, 109-116.
- Lewens, T. (2007). *Darwin*. London:: Routledge.
- Malkam, Jan (2001), Complete History of Iran. Translated by Ismail Ibn

- Muhammad Ali Hairat, first edition. Tehran: Afsoon. (In Persian)
- Mardiha, Morteza (2019), Genre of Creativity: An Analytical Look, Studies and Social Research in Iran. 8 (2). 278-257. (In Persian)
- Mirzaei, Hossein; Rahmani, Jabbar (2008), Iranian Culture and Personality in Foreign Travelogues, Social Sciences: Iranian Cultural Research, 3 (3), 55-75. (In Persian)
- Mojrab, Mohammad Ali (2006), The place of research in Iran and other countries, Regional Conference to study research problems and provide appropriate and practical solutions to improve it, Islamic Azad University, Quchan Branch. (In Persian)
- Mushkour, Mohammad Javad (1966), Ethics of Iranians before Islam, historical studies. 1 (5 and 6). 22-1. (In Persian)
- Naraghi, Hassan (2001), Our role in the mirror: Sociology of family. second edition. Tehran: Akhtaran Publishing. (In Persian)
- Nazari Moghadam, Javad; Ahmadi, Asghar (2018), A picture of the social temperament of Iranians in the context of religious mourning based on reports from foreign travelogues. Quarterly Journal of the Culture of Islamic Civilization, 9 (32). 52-29. (In Persian)
- Putnam, Samuel., P., & Gartstein, Maria. A. (2017). Aggregate temperament scores from multiple countries: Associations with aggregate personality traits, cultural dimensions, and allelic
- Qazvini police station, Shokoofeh; Ghorchean, Nadergholy; Arasteh, Hamidreza; Mohammad Davoodi, Amir Hossein (2017), Identifying the Dimensions and Components of Student Ethics, Quarterly Journal of Culture at Islamic University 7 (2). 264-241. (In Persian)
- Rafipour, Faramarz (2002), Obstacles to Scientific Growth in Iran and Its Solutions, Tehran: Anteshar Co. (In Persian)
- Rahbani, Morteza (2008), Iranian Spirit, Eastern Spirit, Tehran: Bakhsh Publications.
- Sari al-Qalam, Mahmoud (2011), Rationality and Development of Iran, First Edition, Tehran: Farzan Rooz Publishing. (In Persian)
- Rawlinson, Sir Henry. (1976). Rawlson Travelogue, translated by Alexander Aman Elahi Baharvand. Tehran: Agah Publishing Institute.
- Shaykh al-Islam, Tahereh (2016) in the Captivity of Culture: In Recognizing the Moods of Iranians, Bimonthly Monthly of Iran, 1 (101), 117. (In

Persian)

- Siegfried, Andre (2015), *The Spirit of Nations*, Third Edition, Tehran: Anteshar Co.
- Tawfiq, Ibrahim; Yousefi, Seyed Mehdi; Turkman, Hesam; Heidari, Arash (2019), *The Rise of the Creative Genre in Iran*, Tehran: Institute of Culture, Art and Communication. (In Persian)
- Turkzadeh, Jafar; Sabbaghian, Zahra; Yemeni embroidery Sorkhabi, Mohammad; Davar, Ai. (2008). Assessing the organizational development status of universities in the Ministry of Science, Research and Technology. *Higher Education of Iran*, First Year, No. 2, 22-43.
- Zamani, Hakim and Ghorbannejad, Aqdas (2006), study of problems and obstacles in research. Regional Conference to Investigate Research Problems and Provide Appropriate and Practical Solutions to Improve It, Islamic Azad University, Quchan Branch. (In Persian)
- Zibakalam, Sadegh (2011), how did we become? Finding the root of backwardness in Iran. Eighteenth Edition, Tehran: Rozaneh. (In Persian)
- Zolfagharzadeh, Mohammad Mehdi; Amiri, Ali Naghi and Zarei Matin, Hassan (2011), Discovery of "University Culture": A Theoretical and Typological Analysis of University Culture Studies. *Strategic management thought (management thought)*. 5 (1). 97-45. (In Persian)

Examining the Model of Social Responsibility of the Islamic Republic of Iran Broadcasting in Strengthening the Convergence of Ethnic Groups in Sistan and Baluchistan Province

Masoud Fazeli Rostampour

PhD Student in Media Management, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. chemfazeli86@yahoo.com

Fatemeh Azizabadi Farahani

Corresponding Author, Associate Professor of Cultural Management, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. f_farahany@yahoo.com

Hamidreza Hoseini Dana

Assistant Professor of Media Management, Faculty of Management and Economics, Damavand Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Hoseini.dana@damavandiau.ac.ir

Aliakbar Farhangi

Professor of Media Management, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. dr_aafarhangi@yahoo.com

Abstract

This study, through mixed exploratory method, seeks to explain the model of social responsibility of the Islamic Republic of Iran Broadcasting (IRIB) in order to strengthen the convergence of ethnic groups in Sistan and Baluchistan (S&B) province. The data collection tool was semi-structured in-depth interviews with 15 experts aware of the research topic including academic experts, managers of the IRIB, and the leaders of the ethnic groups of the province who were all selected through theoretical sampling and targeted and Snowball techniques. The initial model was obtained in the form of data-based theory through content analysis method used in analyzing the collected data. Then the model was modified and approved by the experts through Delphi method. Confirmatory factor analysis and path analysis using SPSS and PLS software were used on the

information obtained from the questionnaires distributed among 242 heads of the ethnic groups and tribes in S&B province to test the model, The findings of the study are: 121 key concepts, 34 categories, and 13 main categories which were compiled in the form of the central category (social responsibility of the IRIB in strengthening the convergence of ethnic groups in S&B province), causal conditions (observance of citizenship rights, a tendency to the truth, responsibility and professionalism), underlying conditions (internal and external media environment), intervening conditions (environmental challenges and organizational constraints), strategies (ethnic strategies and organizational strategies), and implications (strengthening the convergence of the ethnic groups in S&B province and promoting IRIB accountability) in the conceptual grounded theories model.

Keywords: *National Media Social Responsibility, Convergence of ethnic groups, Data- based Theory*

تبیین و اعتباریابی الگوی مسئولیت اجتماعی رسانه‌ی ملی در تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان^۱

مسعود فاضلی رستم پور

دانشجوی دکتری رشته مدیریت رسانه، دانشکده مدیریت و اقتصاد واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران chemfazeli86@yahoo.com

فاطمه عزیزآبادی فراهانی

نویسنده مسئول، دانشیار رشته مدیریت فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران f_farahany@yahoo.com

حمیدرضا حسینی دانا

استادیار رشته مدیریت رسانه، دانشکده مدیریت و اقتصاد واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Hoseini.dana@damavandiau.ac.ir

علی اکبر فرهنگی

استاد رشته مدیریت رسانه، دانشکده مدیریت و اقتصاد واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران dr_aafarhangi@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر، درصدد ارائه الگوی مسئولیت اجتماعی رسانه‌ی ملی به منظور تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان از طریق روش آمیخته اکتشافی است. ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با ۱۵ نفر از خبرگان آگاه به موضوع پژوهش (خبرگان دانشگاهی، مدیران رسانه‌ی ملی، سران اقوام استان) است، که به صورت نمونه‌گیری نظری و با بهره‌مندی از تکنیک‌های هدفمند و گلوله برفی انتخاب شده‌اند. با استفاده از روش تحلیل محتوا برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، الگوی اولیه در قالب نظریه داده‌بنیاد به دست آمد. سپس الگو با روش دلفی، مورد اصلاح و تأیید خبرگان قرار گرفت. برای آزمون الگو، از روش‌های تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل مسیر با بهره‌گیری از

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

مقاله مستخرج از رساله: دانشکده مدیریت و اقتصاد واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

نرم‌افزارهای SPSS و PLS بر روی اطلاعات حاصل از پرسشنامه توزیع شده در بین ۲۴۲ نفر از سران اقوام و طوایف استان سیستان و بلوچستان استفاده شد. نتایج حاصل از پژوهش حاضر عبارتند از؛ ۱۳۰ مفهوم کلیدی، ۳۴ مقوله و ۱۳ مقوله اصلی که در قالب مقوله محوری «مسئولیت اجتماعی رسانه‌ی ملی در تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان»، شرایط علی «رعایت حقوق شهروندی، حقیقت‌گرایی، مسئولیت‌پذیری و حرفه‌ای‌گرایی»، شرایط زمینه‌ای «محیط درونی و بیرونی رسانه»، شرایط مداخله‌ای «چالش‌های محیطی و محدودیت‌های سازمانی»، راهبردها «راهبردهای قومی و راهبردهای سازمانی» و پیامدها «تقویت همگرایی اقوام استان و ارتقاء مسئولیت‌پذیری رسانه‌ی ملی» تدوین شد.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت اجتماعی رسانه ملی، همگرایی اقوام، نظریه داده‌بنیاد

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۲۹ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۳/۰۲ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۳/۳۱

فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۳۸، بهار ۱۴۰۰، صص ۱۸۹-۲۲۱

مقدمه و بیان مسئله

دو منطقه‌ی سیستان و بلوچستان حدود نود سال است که در یک مجموعه‌ی اداری - سیاسی قرار گرفته‌اند و سرنوشت‌شان به عنوان استانی واحد به یک‌دیگر گره خورده است (Siasar, 1398, p. 185). علی‌رغم گسترش مناسبات قوم بلوچ و سیستانی، عواملی از قبیل تفاوت‌های بارز موجود در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، معیشتی و ...، پررنگ شدن این تفاوت‌ها در بین اقوام، تعصبات قوم‌گرایانه، تبلیغات واگرایانه‌ی رسانه‌های معاند و القائات کشورهای فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای، مرزی بودن استان و تأثیرپذیری از آن‌سوی مرز، نخبگان قوم‌گرا، محرومیت نسبی حاکم بر استان و شرایط نامناسب اقتصادی، احساس به حاشیه رانده شدن قوم بلوچ در بدنه دولت و امور اجرایی و ...، باعث شده است که موضوع همگرایی اقوام در استان با مشکل مواجه باشد. در اثر تضعیف همگرایی قومی، شاهد مشکلات و معضلات عدیده‌ای از جمله عقب‌ماندگی و عدم توسعه مناسب استان، کاهش سرمایه‌گذاری، ناامنی، مهاجرت و ... هستیم. بنابراین موضوع تقویت همگرایی اقوام از مهم‌ترین مسائل استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. راه‌های گوناگونی برای نیل به این هدف وجود دارد که در این بین، یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که در جوامع امروزی رشد و گسترش یافته است، رسانه‌های گوناگون با رویکردهای مختلف است، همان‌گونه که کِری^۱ (۱۹۶۹) مطرح می‌کند که انقلاب ارتباطی حاصل از رسانه‌ها هم تمایزپذیری را تسهیل می‌کند و هم به رسیدن به نوعی وفاق ملی کمک می‌کند (McQuail, 1385).

1. Carey

رسانه‌ی ملی به عنوان یک رسانه فراگیر و مورد توجه در بین اقوام استان سیستان و بلوچستان و یکی از عوامل دخیل در فرهنگ‌سازی و تأثیرگذاری، در مسئله همگرایی اقوام نقش مهمی برعهده دارد. بر این اساس، مسئولیت اجتماعی رسانه‌ی ملی در استان سیستان و بلوچستان به عنوان استانی که با مسائل قومیتی روبروست، از این جهت، مهم است که این موضوع، از نگاه ایجابی، عاملی برای ایجاد همگرایی اقوام در جهت پیشرفت و توسعه است و از نگاه سلبی، می‌تواند سرمنشاء ایجاد مشکلات فراوان و در نتیجه‌ی آن، عقب‌ماندگی این منطقه در جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و ... شود. همچنین این مسئله می‌تواند، تبدیل به عاملی مهم و تهدیدزا و ابزاری برای اعمال نفوذ قدرت‌های بزرگ در کشور گردد.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

با توجه به مسئله پژوهش حاضر که تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان با استفاده از ظرفیت رسانه‌ی ملی می‌باشد در صدد پاسخ به این پرسش هستیم که چگونه می‌توان به الگویی معتبر در جهت تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان دست پیدا کرد. بر این اساس، سؤالات پژوهش حاضر بدین شرح است:

سوال اصلی پژوهش:

- چگونه می‌توان برای تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان الگویی معتبر طراحی و ارائه کرد؟

سؤالات فرعی پژوهش:

- از نظر خبرگان ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر مسئولیت اجتماعی رسانه‌ی ملی در تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان کدامند؟
- الگوی مفهومی مسئولیت اجتماعی رسانه‌ی ملی در تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان چیست؟
- آیا الگوی مسئولیت اجتماعی رسانه‌ی ملی در تقویت همگرایی اقوام استان

سیستان و بلوچستان از اعتبار لازم، نزد اقوام استان برخوردار است؟

۲. پیشینه پژوهش

از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده درباره مسئولیت اجتماعی رسانه و نقش آن در همگرایی اقوام، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

بیابانی در پژوهش خود با بررسی مسئولیت‌های اجتماعی رسانه به روش توصیفی - تحلیلی مسئولیت‌های اقتصادی، حقوقی، اخلاقی و انسان‌دوستانه را برای مسئولیت اجتماعی رسانه بیان کرده است (Biabani, Investigating the social responsibilities of the media, 1396) که با مقولات اصلی اشاره شده در شرایط علمی و پدیده‌ی محوری پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد. بیابانی و عصار در پژوهشی دیگر، نظریه‌های مختلف مسئولیت اجتماعی رسانه را مورد کنکاش قرار داده و چهار مسئولیت میهنی اجتماعی، قدرت اثرگذاری، آگاهی و تلاش علمی را برای رسانه‌ها ذکر نموده‌اند (Biabani & Assar, Media and social responsibilities, 1395) که با نتایج حاصل از پژوهش حاضر در مقولات مسئولیت‌پذیری، حرفه‌ای‌گرایی، مسئولیت تقویت هویت ملی مطابقت دارد. علیرضایی و محقق نیز بر اساس نظر خبرگان اولویت‌های درون‌سازمانی اصلی (توسعه آموزش، کنترل و نظارت سازمانی، توجه به امور کارکنان و جلوگیری از رانت)، اولویت‌های درون‌سازمانی فرعی (توسعه محلی، کارگزینی و استخدام نیروهای محلی) و اولویت‌های برون‌سازمانی (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی) را تحت الگوی سنجش میزان مسئولیت اجتماعی در رسانه ملی معرفی نموده‌اند (Alirezaei & Mohaghegh, 1392) که با مقوله راهبردهای سازمانی و پدیده محوری این تحقیق هم‌سو می‌باشد. باهنر و روحانی با رویکردی تحلیلی و تبیینی «جایگاه مسئولیت اجتماعی رسانه‌های جمعی را در نگرش غربی و اسلامی» مقایسه کرده و امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان مسئولیت محوری رسانه، در نگرش اسلامی معرفی نموده‌اند (Bahonar & Rohani, 1390). در پژوهشی دیگر مشبکی و بختیاری با بررسی مسئولیت اجتماعی سازمانی در رسانه ملی دریافتند، عملکرد رسانه‌ی ملی در شاخص‌های مسئولیت اجتماعی سازمان با شأن ذی‌نفعان متناسب بوده اما

برخی گروه‌های ذینفع، در مورد عمل به مسئولیت اجتماعی توسط رسانه ملی رضایت کمی داشتند (Meshbaki & Bakhtiari, 1390)، موضوعی که در این تحقیق با مقوله‌های رعایت حقوق شهروندی اقوام و حقیقت‌گرایی مطابق است. مهردوست و رویایی نیز در یک مطالعه موردی در صدا و سیما با بررسی نقش مدیران فرهنگی در ارتقای مسئولیت اجتماعی به این نتیجه رسیدند که مدیران فرهنگی در ارتقای مسئولیت اجتماعی سازمان نقش قابل توجهی دارند و همچنین بین نقش مدیران فرهنگی در اهداف اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی، زیست محیطی و ارتقاء مسئولیت اجتماعی سازمانی رابطه قوی وجود دارد (Mehrdoust & Royaei, 1388) که در مقوله اصلی محدودیت‌های سازمانی در تحقیق حاضر به نقش مدیران اشاره شده است.

صمدی و شاه‌محمدی با مطالعه رابطه بین «میزان هویت‌پذیری قومی و مشارکت‌پذیری سیاسی با مصرف رسانه‌ای شهروندان ارومیه» به روش پیمایشی به این نتیجه رسیدند که بین هویت‌پذیری قومی با مصرف رسانه‌ای رابطه معنی‌دار و مستقیم وجود دارد و با نظریات گربرنر^۱، رابرتسون^۲، گیدنز^۳ و کاستلز^۴ هم‌خوانی دارد (Samadi & Shah Mohammadi, 1397). در پژوهش حاضر نیز یکی از مسئولیت‌های رسانه، مسئولیت تقویت هویت ملی عنوان شده است. بهشتی و حق‌مرادی در پژوهش خود با بررسی مقالات مرتبط با رابطه هویت قومی و هویت ملی در ایران نشان دادند که اغلب مطالعات بر پایه‌ی روش‌های کمی با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده است. ایشان با مطالعه نقش رسانه‌ها در فعال شدن هویت قومی دریافتند که نتیجه‌گیری ۴۰ درصد مقالات برای همگرایی اقوام، سیاست همسان‌سازی بین هویت ملی و هویت قومی بوده و ۴۸ درصد آن‌ها رسانه‌ها را باعث تقویت هویت قومی دانسته‌اند (Beheshti & Haq Moradi, 1396). خرازی آذر و دیگران، در پژوهش خود به روش پیمایشی شش قوم بلوچ، کرد، لر،

-
1. George Gerbner
 2. Robertson .
 3. Anthony Giddens
 4. Manuel Castells

فارس، آذری و عرب را به منظور مطالعه تأثیر استفاده از رسانه‌های جمعی بر همگرایی اقوام در ایران انتخاب کردند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که شبکه‌های ماهواره‌ای، تلویزیون‌های خارجی و شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان به ترتیب بیشترین تأثیر منفی را بر همگرایی اقوام دارند که با مقوله چالش‌های محیطی در پژوهش حاضر نیز انطباق دارد، در ضمن یافته‌های این پژوهش نشان داده است که در بین اقوام حاضر در این مطالعه، قوم بلوچ از شبکه‌های سراسری صدا و سیما و به خصوص شبکه استانی، نسبت به سایر رسانه‌های مورد بررسی استفاده بیشتری داشتند (Bahramian, 1395 & Kharazi Azar, Mozaffari). کوثری و آذری به روش مطالعه موردی، الزامات سیاست‌گذاری صحیح و متناسب با تنوع فرهنگی ایران درباره شبکه‌های استانی صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران مورد بحث قرار داده‌اند (Kowsari & Azeri, 1394) که نتایج حاصل از مطالعه ایشان، با راهبردهای سازمانی و محیط درونی رسانه هم‌خوانی دارد.

در پژوهش‌های خارجی، کاک و آیدین با بررسی «شناخت ادراک کاربران رسانه‌های اجتماعی در مورد آموزش چندفرهنگی در ترکیه» نشان دادند که شرکت‌کنندگان فکر می‌کنند رسانه‌های اجتماعی با آموزش‌های چندفرهنگی باعث از بین رفتن تبعیض، بی‌عدالتی، بیگانگی و افزایش همدلی، تحمل و عدالت می‌شوند (Koc-Damgaci & Aydin, 2018) که در پژوهش حاضر در شرایط علی به این موضوع اشاره شده است. ناچا با مطالعه‌ی عمیق «نقش رسانه‌های جدید در جامعه چندفرهنگی استرالیا» به نقش مثبت استفاده از رسانه‌های جدید در میان اجتماعات تایلندی، روهینگیا^۱ و همونگ^۲ برای تبدیل شدن به بخشی از اجتماع چندفرهنگی استرالیا اشاره کرده است (Natcha, 2015). روگرز و دیگران در پژوهش - تنوع فرهنگی و پخش در ایرلند - به مقایسه رسانه‌ها در ارتباط با تنوع فرهنگی حاصل از ورود مهاجرین به کشور ایرلند از لحاظ مدیریت تنوع قومی، نحوه ادغام مهاجرین در جامعه و رویکردهای تبلیغاتی و بازاریابی پرداخته و

1. Rohingya

2. Hmong

سپس با نظام‌های رسانه‌ای پنج کشور در اتحادیه اروپا مقایسه کردند، نتایج این پژوهش نشان داد؛ در حالی که ماهیت تفاوت در رویکرد سرویس‌های عمومی و بخش‌کننده‌های تجاری نسبت به تنوع مهاجران ممکن است نسبتاً جزئی باشد، اما با این وجود، همین تفاوت‌های جزئی می‌تواند مهم و حائز اهمیت باشد (Rogeres, Oboyle, Peterson, & Fehr, 2014). نتیجه تحقیق ریستو و ماسانا با عنوان - سیستم پخش در یک جامعه چندفرهنگی: مطالعه موردی در هماماتسو^۱ - حاکی از اقبال مخاطبین برزیلی ساکن در ژاپن نسبت به رسانه‌های قومی در ژاپن است (Ristu & Masana, 2011).

۳. ملاحظات مفهومی و نظری

برای رسیدن به درک روشنی از موضوع مسئولیت اجتماعی رسانه - که در این پژوهش صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران است - درباره همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان، ابتدا به بررسی نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه پرداخته می‌شود و سپس به موضوع همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان و نقش رسانه ملی در تقویت آن اشاره خواهد شد.

۳-۱. نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه

نظریه‌ی مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها از انواع نظریات هنجاری رسانه می‌باشد. نظریه‌های هنجاری، نظریه‌هایی هستند که بر اساس شرایط ارزشی و ایدئولوژیک، با قاطعیت بیان می‌کنند که ارتباط چگونه باید شکل گرفته و به انجام برسد (Abbass zadeh, 1398). این نظریه‌ها، رسانه‌ها را به جامعه پیوند می‌زنند و مراد از آن‌ها، بایدها و نبایدهای تعریف شده برای رسانه‌ها که غالباً برگرفته از ارزش‌ها، اقتضائات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، نظام‌های هنجاری کلان، عرف و شیوهای قومی رایج در جامعه، الزامات و انتظارات معطوف به نحوه عمل رسانه‌های جمعی‌اند و ارتباط رسانه به عنوان یک نهاد اجتماعی را با نهاد سیاست، اقتصاد، دین، تعلیم و تربیت و به طور کلی، جامعه و فرهنگ در شبکه‌ای از

1. Hamamatsu

تعاملات به هم پیوسته تعیین می‌کنند (Sharafuddin, 1390).

نظریه‌ی مسئولیت اجتماعی رسانه، ریشه در ابتکارات «کمسیون آزادی مطبوعات» دارد. این نظریه به این نکته توجه دارد که رسانه‌های همگانی در همان حال که وظایف اطلاع‌رسانی، تفریحی و آموزشی را انجام می‌دهند در عین حال، مسئولیت دارند همه‌ی رخدادهای، کشمکش‌ها و نظریات طرح شده در جامعه را بدون دخل و تصرف منعکس کرده، درباره آن‌ها گفتگو کنند و موجب تضارب آرا و رشد مباحث در جامعه شوند (Severin & Tankard, 1388, p. 445). پیرو این نظریه، به دلیل اهمیت اجتماعی، رسانه‌ها باید سه قاعده اساسی ناشی از فرضیات لیبرالیسم را که در روند ارتباطات جمعی مشاهده می‌شود، ترکیب کنند؛ حق استقلال رسانه‌ها، حق مردم برای آزادی فردی و انتخاب و تعهدات رسانه نسبت به جامعه و نهادهای آن (Piontek, 2016, p. 53). این نظریه فقط به مسئولیت داشتن رسانه‌ها در برابر جامعه اکتفا ننموده، بلکه به مهم‌ترین مسئولیت‌های رسانه‌ها در برابر جامعه نیز اشاره کرده و دعوت به بکارگیری اسبابی کرده که بتواند تعهد رسانه‌ها را به این مسئولیت‌ها رصد کرده و اخلاص‌کنندگان آن‌را مورد بازخواست قرار دهد (Yun, 2008).

۳-۲. قومیت

اگرچه به نظر می‌رسد واژه قومیت^۱ اصطلاحی واضح و بدون ابهام است، اما تعاریف گوناگونی برای آن ارائه شده است. مفهوم قومیت به بیان جامعه‌شناختی در سال ۱۹۵۳ توسط «دیوید رایزمن»^۲ جامعه‌شناس و استاد ارتباطات آمریکایی طرح شده و تنها در دوره دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بود که کاربرد گسترده‌تری یافت (Malesevic, 2004, p. 6). برخی معتقدند قومیت یا گروه قومی، جمعی است در درون جامعه بزرگ‌تر، که دارای تبار مشترک واقعی یا خیالی، خاطراتی از گذشته مشترک و دارای تأکیدات فرهنگی بر یک یا چند عنصر نمادی (مثل زبان و مذهب) است که براساس آن‌ها، هویت گروه تعریف می‌شود (Ahmadi H., 1382, p. 37).

1. Ethnicity

2. David Riesman

۳-۳. همگرایی و واگرایی

همگرایی^۱ در لغت به معانی هم فکر شدن، یگانگی، یکی بودن، اتحاد و... آمده است (Dehkoda, 1377, p. 231) و به لحاظ مفهومی عبارت است از؛ تقریب و نزدیک شدن افراد به سمت نقطه‌ای مشخص که معمولاً به عنوان هدف مشترک آنان شناخته می‌شود. وحدت و انسجام در این معنا در برابر مفاهیمی چون کثرت، پراکندگی و تفرقه قرار دارد. همگرایی واژه‌ای هم‌خانواده با همبستگی است. در مورد همبستگی اجتماعی تعاریف مختلفی ارائه شده است از جمله؛ احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا گروه که از آگاهی و اراده برخوردار باشند و شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان‌ها و حتی وابستگی متقابل حیات و منافع آن‌هاست. به زبان جامعه‌شناختی، همبستگی پدیده‌ای را می‌رساند که بر پایه آن در سطح یک گروه و یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته‌اند و به صورت متقابل نیازمند هم‌دیگر هستند (Birou, 1380, p. 40).

واگرایی^۲ عبارت از احساس جدایی بالقوه و بالفعل اقوام با تمام یا بخشی از عناصر تشکیل‌دهنده کشور است، به طوری که آن‌ها به جای احساس تعلق به ملت، سرزمین و حکومت با عناصری مانند زبان قومی، سرزمین قومی و حتی کشورها و مناطق همسایه‌ی دارای تجانس ساختاری با خود، احساس همگرایی می‌کنند و در پی ایجاد حکومتی برآمده از خود یا الحاق به کشور همسایه هستند. احساس واگرایی را می‌توان برحسب نوع هدف به درجات مختلف تقسیم کرد. واگرایی قومی ممکن است برخاسته از نارضایتی یک گروه قومی از نظام سیاسی حاکم بر کشور باشد که عمدتاً در مقوله اندیشه سیاسی بروز و ظهور می‌یابد. این نوع واگرایی دست‌کم در مراحل اولیه رنگ و بوی جدایی طلبی ندارد (اگرچه در مراحل بعد می‌تواند به جدایی طلبی نیز گرایش یابد) و اصلاح یا براندازی نظام سیاسی حاکم، هدف اصلی آن به شمار می‌آید. نوع دیگر واگرایی در رابطه با سرزمین صورت می‌گیرد به طوری که آن‌ها به ویژه نخبگان قومی، نسبت به

1. Convergence

2. Divergence

سرزمین ملی احساس تعلق نمی‌کنند و سرنوشت سرزمین قومی خود را جدا از سرنوشت سرزمین ملی می‌دانند. نوع دیگر واگرایی نسبت به ملت صورت می‌گیرد و آن در صورتی است که گروه قومی میان خود و ملت تشکیل دهنده یک کشور، احساس تجانس ساختاری ننماید، این نوع واگرایی از نظر هدف بین دو نوع واگرایی قبلی قرار دارد (Esman, 2004, p. 19).

۴. روش تحقیق

رویکرد پژوهش حاضر، پژوهش ترکیبی از نوع متوالی - اکتشافی است که در دو مرحله انجام شده است. مرحله اول، طراحی الگو و مرحله دوم، اعتباریابی الگو است.

۴-۱. مرحله اول: طراحی الگو

در این مرحله که بخش کیفی پژوهش با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد است، از طریق روش تحقیق کیفی، اطلاعات مورد نیاز در مورد تدوین الگوی مفهومی مسئولیت اجتماعی رسانه‌ی ملی در جهت تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان، گردآوری شده و روابط علی و نیز شرایط زمینه‌ای آن‌ها مشخص شده است. این شناخت اولیه، امکان صورت‌بندی فرضیه‌ها و چگونگی تأثیرات متغیرهای مسئولیت اجتماعی رسانه‌ی ملی در جهت تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان را فراهم می‌کند. بنابراین در این پژوهش، برای طراحی الگو با استفاده از راهبرد پژوهش کیفی و روش داده‌بنیاد، پدیده مسئولیت اجتماعی رسانه‌ی ملی در جهت تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان، مورد موشکافی دقیق قرار گرفته و الگوی مسئولیت اجتماعی رسانه‌ی ملی در جهت تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان در قالب تبیین شرایط علی، مقوله یا پدیده اصلی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و در نهایت پیامدهای آن تعیین شده است. در روش تحلیل داده‌های کیفی از روش کدگذاری باز، تولید مفاهیم اولیه، تولید مقوله‌های عمده، کدگذاری محوری و ارتباط علی بین مقوله‌ها، تعیین مقوله‌های فرآیندی، زمینه‌ای و فرآیند کدگذاری گزینشی و تعیین مقوله هسته محوری استفاده گردید.

برای این منظور از روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند و گلوله برفی^۱ بهره‌گیری شد که در آن یک شرکت‌کننده در پژوهش، پژوهش‌گر را به سایر شرکت‌کنندگان هدایت می‌کند. بنابراین، روش نمونه‌گیری در پژوهش کیفی حاضر، نمونه‌گیری نظری و انتخاب هدفمند افراد بر اساس معیارهای زیر بود.

۱- تجربه و مطالعه در زمینه پژوهش مورد نظر،

۲- آشنایی با شرایط استان سیستان و بلوچستان و اقوام آن،

۳- تحصیلات و

۴- همکاری و مشارکت کامل در انجام پژوهش.

با انجام ۱۵ مصاحبه، تشخیص محقق این بوده که اطلاعات گردآوری شده به نقطه اشباع^۲ رسیده و نیازی به انجام مصاحبه‌های بیشتر نیست. در تحلیل داده‌ها، روش مرحله‌ای و تکنیک‌های تحلیلی اشتراوس^۳ و کوربین^۴ مورد استفاده قرار گرفت. پس از کدگذاری و مقوله‌بندی و نیز تدوین مدل نظریه داده‌بنیاد، پرسشنامه‌ای بر حسب مدل به دست آمده طراحی شد.

به منظور نهایی‌سازی مدل مفهومی و تعیین ضرایب، هر یک از شاخص‌ها با استفاده از روش دلفی مورد روایی قرار گرفت. روش دلفی، فرآیندی ساختاریافته برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی دانش موجود در نزد گروهی از خبرگان است که از طریق توزیع پرسشنامه بین این افراد و بازخورد کنترل شده پاسخ‌ها و نظرات دریافتی صورت می‌گیرد. شرکت‌کنندگان در پنل خبرگان این پژوهش ۱۰ نفر بودند. برای حصول اطمینان از روایی پژوهش، از راهبردهای بازآزمون (بازبینی توسط سه نفر از مصاحبه‌شوندگان، پایایی به دست آمده ۷۹ درصد) و توافق درون‌موضوعی دو کدگذار (پژوهشگر به همراه یکی از اساتید مدیریت رسانه، پایایی به دست آمده ۸۱ درصد) استفاده گردید. همچنین، تمامی مقوله‌های مدل پارادایمی نظریه داده‌بنیاد با آلفای بالای ۰/۷ از میزان مناسب پایایی برخوردار بودند.

1. Snowball sampling

2. Theoretical Saturation

3. Strauss

4. Corbin

۴-۲. مرحله دوم: اعتباریابی الگو

در مرحله دوم یا بخش کمی به طراحی پرسشنامه و گردآوری اطلاعات از نمونه ۲۴۲ نفری از صاحب‌نظران منتسب به اقوام و طوایف که با معیارهای (۱- دارا بودن تحصیلات کارشناسی و بالاتر ۲- ذی‌نفوذ بودن و مورد تأیید بودن در جامعه ۳- همراهی و مشارکت در تکمیل پرسشنامه) پرداخته شد. سپس از روش‌های تحلیل مسیر و تحلیل عاملی برای آزمون و تعیین اعتبار الگوی پژوهش استفاده شد.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. یافته‌های مرحله کیفی

مرحله کدگذاری باز که نخستین مرحله تحلیل در نظریه داده‌بنیاد است. کدگذاری باز به مفهوم‌بندی و مقوله‌بندی تکه‌هایی از داده‌ها تحت عنوان یک نام، عنوان یا برچسب‌هایی که به طور همزمان، هر قطعه از داده‌ها را تلخیص و تشریح می‌کند، اشاره دارد. کدها، نشان می‌دهند که چگونه داده‌ها جهت آغاز مرحله تحلیلی انتخاب، جدا و دسته‌بندی شده‌اند (Ahmadi M. , 1395). در این مرحله، مفاهیم به عنوان واحد تحلیل در سطوح متن کل مصاحبه، پاراگراف، عبارات و جملات مورد توجه قرار گرفتند و با تفکیک متن مصاحبه به عناصر دارای پیام در داخل عبارات یا پاراگراف‌ها، ۱۳۰ کد باز استخراج گردید. بعد از این مرحله، مفاهیم اولیه در قالب دسته‌های بزرگ مفهومی، یعنی در قالب ۳۴ مقوله طبقه‌بندی شدند.

مرحله کدگذاری محوری: مرحله دوم کدگذاری داده‌ها به کدگذاری محوری مرسوم است. در این مرحله، مقوله‌ها به صورت یک شبکه با هم در ارتباط قرار می‌گیرند. هدف این مرحله از کدگذاری، بازگرداندن نظم و انسجام به داده‌های کدگذاری شده، دسته‌بندی، ترکیب، سازمان‌دهی میزان زیاد داده‌ها و جمع کردن آن‌ها به شیوه‌های جدید است. (Strauss & Corbin, 1393, p. 64). در مرحله کدگذاری محوری با دسته‌بندی ۳۴ مقوله فرعی در قالب ۱۳ مقوله اصلی که به عنوان مولفه‌های عمده مسئولیت اجتماعی رسانه‌ی ملی در جهت تقویت همگرایی

اقوام استان سیستان و بلوچستان مطرح هستند، در قالب پنج حالت (شرایط علی^۱، پدیده محوری^۲، شرایط زمینه‌ای^۳، شرایط مداخله‌گر^۴، راهبردها (کنش‌ها و تعاملات^۵)، پیامدها^۶) به هم مرتبط می‌شوند. بنابر نظر اشتراوس و کوربین در صورتی که از این الگو استفاده نشود، نظریه مبنايي فاقد دقت و پیچیدگی لازم خواهد بود (Danaei Fard & Emami, 1386, p. 84). بنابراین در این مرحله:

- شرایط علی: رعایت حقوق شهروندی اقوام، حقیقت‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، حرفه‌ای‌گرایی،

- پدیده محوری: مسئولیت اجتماعی رسانه‌ی ملی در تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان،

- شرایط زمینه‌ای: محیط درونی رسانه و محیط بیرونی رسانه،

- شرایط مداخله‌گر: چالش‌های محیطی و محدودیت‌های سازمانی،

- راهبردها: راهبردهای قومی و راهبردهای سازمانی و

- پیامدها: تقویت همگرایی اقوام استان و ارتقاء مسئولیت‌پذیری اجتماعی رسانه ملی نسبت به اقوام استان.
تعیین گردید.

مرحله کدگذاری انتخابی: این مرحله همراه با بررسی دقیق داده‌ها و کدگذاری انجام شده در دو مرحله قبلی است. پژوهش‌گر در عمق داده‌ها به تحلیل پرداخته و آن‌ها را در قالب نظریه‌ای که همان نظریه داده‌بنیاد و هدف اصلی پژوهش برای درک موقعیت بوده ارائه می‌دهد، که در این فرایند تحقیق، پس از تعیین مقوله محوری یا هسته‌ای، سایر مقولات حول مقوله محوری را در قالب یک الگوی پارادایمی ترسیم می‌کند. این الگو که در واقع همان، نظریه داده‌بنیاد یا

1. Casual Condition

2. Central Category

3. Contextual Condition

4. Intervening Condition

5. Actions & Interaction

6. Consequences

نظریه مبتنی بر داده‌ها است، باید دارای سه بُعد شرایط، تعاملات و پیامدها باشد (Mohammadpour, 1390, p. 329). به این ترتیب، در پژوهش حاضر ارتباط بین شرایط علی (۴ مقوله)، مقوله محوری «مسئولیت اجتماعی رسانه‌ی ملی در تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان»، راهبردها (۲ مقوله)، شرایط زمینه‌ای (۲ مقوله)، شرایط مداخله‌گر (۲ مقوله)، پیامدها (۲ مقوله) برقرار شد.

سؤال اول پژوهش: از نظر خبرگان، مؤلفه‌های مؤثر بر مسئولیت اجتماعی رسانه ملی در تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان کدامند؟ بر اساس سوال اول پژوهش، مقوله‌های مربوط به شرایط علی، پدیده محوری، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها که از کدگذاری باز و محوری از طریق تحلیل محتوای متن‌های حاصل از پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان احصا گردید، ارائه شده است.

شرایط علی، شرایطی هستند که باعث ایجاد و شکل‌گیری پدیده یا طبقه هسته‌ای می‌شود (Strauss & Corbin, 1393). نتایج حاصل از تحلیل محتوای پاسخ مصاحبه‌شوندگان به سؤالاتی مانند:

- ابعاد و مؤلفه‌های مسئولیت اجتماعی رسانه‌ی ملی در تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان کدامند؟

- عوامل مؤثر بر مسئولیت‌های اجتماعی رسانه‌ی ملی در تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان کدامند؟

نشان می‌دهد که شرایط علی از ۴ مقوله اصلی رعایت حقوق شهروندی اقوام، حقیقت‌گرایی، مسئولیت‌پذیری و حرفه‌ای‌گرایی برای ایجاد و تأثیرگذاری بر روی پدیده محوری تشکیل شده است که در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

جدول ۱. کدهای باز و مقوله‌های مربوط به شرایط علی

مقوله اصلی	زیرمقوله	مفاهیم
شرایط علی	رعایت حقوق شهروندی اقوام	- عدم تبعیض قومی در برنامه‌ریزی رسانه‌ای - عدم تبعیض قومی در مدیریت منابع انسانی
	رعایت حقوق فرهنگی	- رعایت حق احترام به فرهنگ و مذهب اقوام - رعایت حق برخورداری از آموزش یکسان و صحیح اقوام

رعایت حقوق اجتماعی	- رعایت حق آزادی عقیده و بیان - احترام به حق حریم خصوصی - رعایت حق مشارکت در تعیین سرنوشت
صدافت	- گزینش صحیح اطلاعات - عدم سانسور - عدم شایعه پراکنی
حقیقت‌گرایی	- رفع ابهامات بین اقوام - تبیین و روشن‌گری مسائل قومی
عینیت	- اتکا بر واقعیات قومی - بدون جهت‌گیری قومی
مسئولیت‌پذیری فردی	- نگرش تکلیف‌گرایانه نسبت به همگرایی اقوام استان - بینش تکلیف‌گرایانه نسبت به همگرایی اقوام استان - عمل تکلیف‌گرایانه نسبت به همگرایی اقوام استان
مسئولیت‌پذیری سازمانی	- ایفای تعهدات شرعی به اقوام - ایفای تعهدات قانونی به اقوام - ایفای تعهدات اخلاقی به اقوام
ارتقاء استانداردهای کمی محتوا	- افزایش زمان اختصاص داده شده به هر یک از اقوام در صدا و سیما - افزایش سرعت خبررسانی، بازنمایی مسائل مربوط به اقوام - افزایش سرعت تطبیق محتوا و فرم رسانه ای با سرعت تغییرات جامعه و اقوام
حرفه‌ای‌گرایی	ارتقاء استانداردهای کیفی محتوا
گسترش فناوری	- افزایش ارزش محتوایی - افزایش کیفیت پخش - گسترش همگرایی رسانه‌ای - گسترش بسترهای ارتباطاتی - گسترش تجهیزات - گسترش شیوه‌های برقراری ارتباطات

منبع: یافته‌های پژوهش

پدیده محوری، حادثه یا اتفاق اصلی است که یک سلسله کنش‌های متقابل برای کنترل یا اداره کردن آن وجود دارد و به آن مربوط می‌شود (Strauss & Corbin, 1393). در این پژوهش، مسئولیت اجتماعی صدا و سیما در تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان به عنوان پدیده محوری انتخاب گردید که در جدول ۲ مشخصات آن مشاهده می‌شود.

جدول ۲. کدهای باز و مقوله‌های مربوط به پدیده محوری

مقوله اصلی	زیرمقوله	مفاهیم
پدیده محوری	مسئولیت تقویت هویت ملی	- تقویت هویت دینی - تقویت هویت فرهنگی - تقویت هویت تاریخی - تقویت هویت سیاسی - تقویت هویت جغرافیایی
	مسئولیت کمک به رونق اقتصادی استان	- انعکاس ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری استان - ترغیب اقوام به همکاری اقتصادی با یکدیگر - کمک به کارآفرینی و افزایش تولید - استفاده از ظرفیت تبلیغات رادیو و تلویزیونی به نفع اقوام - زدودن چهره فقر از استان در آذهای عمومی - تقویت نقش نظارت و سوت‌زنی رسانه در مبارزه با مفاسد اقتصادی
	مسئولیت کمک به رفع محرومیت نسبی استان	- کمک به رفع شکاف بین توقعات و بهره‌مندی‌های اقوام - کمک به توزیع برابر و عادلانه فرصت‌ها - کمک به رفع محدودیت دسترسی به فرصت‌ها - جلوگیری از انحصار موقعیت‌های اجتماعی

توسط اعضای یک قوم	
مسئولیت ارتقا امنیت اقوام استان	- کاهش نفوذ فکری گروه‌های تکفیری وهابی- تبیین اهداف قدرت‌های فرامنطقه‌ای در ایجاد واگرایی- کمک به حذف پدیده قاچاق سوخت و مواد مخدر- کمک به کاهش جرم در استان- کمک به کاهش بی‌نظمی‌های اجتماعی
مسئولیت در برابر محیط زیست اقوام	- انعکاس انزوای جغرافیایی استان و اثرات آن- کمک به کاهش اثرات حاصل از بنیان‌های زیستی ضعیف

منبع: یافته‌های پژوهش

شرایط زمینه‌ای، شرایط خاصی هستند که در آن فرآیندها و تعاملات برای اداره، کنترل و پاسخ به پدیده صورت می‌گیرد (Strauss & Corbin, 1393). محیط درونی رسانه و محیط بیرونی رسانه، دو مقوله اصلی موجود در شرایط زمینه‌ای هستند که جزئیات کدهای آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. کدهای باز و مقوله‌های مربوط به شرایط زمینه‌ای

مقوله اصلی	زیرمقوله	مفاهیم
شرایط زمینه‌ای	شکل رسانه	- میزان رسمیت- تقسیم کار و تخصصی بودن- سلسله مراتب اختیار- میزان پیچیدگی- میزان تمرکز- درجه حرفه‌ای بودن سازمان- نسبت کارکنان
	محتوای رسانه	- اندازه سازمان- تکنولوژی سازمان- اهداف و استراتژی سازمان- فرهنگ سازمانی
	فناوری ارتباطی	- نوع رویکردها (از نظر نگاه ساختاری، نگاه تکنولوژیکی، نگاه فنی- اجتماعی)- تأثیر فناوری بر فرایند پذیرش- تأثیر فناوری بر سطح کنترل- تأثیر فناوری بر میزان انطباق کارکردی- تأثیر فناوری بر بازار- تأثیر فناوری بر رفتار مصرف کننده- تأثیر فناوری بر محتوا
	نظام اجتماعی	- عرف اجتماعی حاکم بر استان- اوضاع سیاسی حاکم بر استان- اوضاع اقتصادی اقوام
محیط بیرونی رسانه	محیط رقابتی	- هم‌چشمی- قدرت انتخاب و گزینش مخاطبان- توان بالقوه برای ورود رقبای جدید- فعالیت‌ها و محصولات رسانه‌ای جایگزین- توان عرضه کنندگان و تأمین کنندگان کالاها و خدمات رسانه‌ای

منبع: یافته‌های پژوهش

شرایط مداخله‌گر، شرایط کلی هستند که بر چگونگی فرایندها و راهبردها تأثیر می‌گذارند، یا به عبارتی؛ شرایطی که باعث تشدید یا تضعیف پدیده‌ها می‌شوند (Strauss & Corbin, 1393). نتایج حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها در این بخش، حاکی از وجود دو مقوله اصلی چالش‌های محیطی و محدودیت‌های سازمانی است

که مشخصات آن به همراه کدهای باز در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. کدهای باز و مقوله‌های مربوط به عوامل مداخله‌گر

مقوله اصلی	زیرمقوله	مفاهیم
چالش‌های محیطی	چالش‌های قومی	- ساخت طایفه‌ای و ذات‌مداری اقوام استان - تأثیر واگرایانه نخبگان قوم‌گرا - تأثیر مذهب در رویکرد متقابل اقوام و صدا و سیما - تغییر در اقتضانات بومی استان
	رقبای رسانه‌ای	- نفوذ روزافزون شبکه‌های رادیو و تلویزیونی ماهواره‌ای، اینترنت و فضای مجازی - تنوع آرایش رسانه‌ای امپریالیسم رسانه‌ای در ایجاد واگرایی اقوام - پیچیدگی روش‌های تأثیرگذاری رسانه‌ها - ماهیت ضداخلاقی و ضد فرهنگی رقبا
محدودیت‌های سازمانی	موانع مدیریتی	- کمبود مدیران آموزش‌دیده در رسانه در زمینه‌ی مباحث اقوام و همگرایی قومی - نبود خلاقیت - نبود قدرت اقتضایی عمل کردن در مدیران
	سیاست‌گذاری رسانه‌ای	- نبود الگوی جامع رسانه‌ای اقوام استان در صدا و سیما - نبود راهبرد مشخص در زمینه همگرایی اقوام استان در صدا و سیما - وابستگی بیش از حد شبکه استانی به سیاست‌گذاری‌های متمرکز در تهران - کنترل‌های سیاسی - قانونی حاکم بر رسانه ملی - ترجیح رضایتمندی حاکمیت بر رضایت اقوام توسط صدا و سیما - مبهم بودن نقش‌های کارکردی صدا و سیما در تقویت همگرایی اقوام - فشارهای اقتصادی حاکم بر صدا و سیما

منبع: یافته‌های پژوهش

راهبردها که به آن، کنش‌ها و تعاملات نیز گفته می‌شود و عبارت است از، رفتارها و تعاملاتی که تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر و زمینه‌ای حاصل می‌شود (Strauss & Corbin, 1393). در واقع راهبردها به ارائه راه حل‌هایی برای مواجهه با پدیده مورد نظر اشاره دارد که هدف آن اداره‌ی آن پدیده، برخورد با آن و حساسیت نشان دادن در برابر آن است. در مطالعه پدیده مسئولیت اجتماعی صدا و سیما در تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان، دو مقوله اصلی راهبردهای قومی و راهبردهای سازمانی در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. کدها و مقوله‌های مربوط به راهبردها

مقوله اصلی	زیرمقوله	مفاهیم
راهبردهای قومی	مخاطب‌پژوهی اقوام	- رصد مستمر علل و عوامل ایجاد اختلافات بین قومی در استان - ایجاد بانک جامع اطلاعات اقوام استان در صدا و سیما - رصد مستمر نیازهای گروه‌های مختلف مخاطبان قومی صدا و سیما - رصد مستمر انتظارات گروه‌های مختلف مخاطبان قومی صدا و سیما - رصد مستمر ترجیحات

گروه‌های مختلف مخاطبان قومی صدا و سیما- شناسایی گروه‌های ذی‌نفع در مخاطبان قومی	
تأثیرسنجی	- سنجش تأثیرات شناختی برنامه‌های صدا و سیما بر گروه‌های مختلف مخاطبان قومی- سنجش تأثیرات رفتاری برنامه‌های صدا و سیما بر گروه‌های مختلف مخاطبان قومی
تعامل	- تعامل با سایر دستگاه‌ها و نهادهای مسئول و صاحب‌نظر در بحث همگرایی (دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، نهادهای سیاسی، مذهبی، تصمیم‌گیری) - تقویت تعامل با سایر رسانه‌های قانونی محلی و خارجی در جهت تقویت همگرایی اقوام
راهبردهای قانون‌گذاری	- شناخت نقاط قوت و ضعف مسئولیت اجتماعی صدا و سیما در تقویت همگرایی اقوام- مشخص بودن فرصت‌ها و تهدیدها در بحث مسئولیت اجتماعی صدا و سیما در تقویت همگرایی اقوام- مشخص بودن مأموریت صدا و سیما در تقویت همگرایی- وجود اهداف صریح بلندمدت، میان‌مدت و عملیاتی در زمینه مسئولیت اجتماعی صدا و سیما در تقویت همگرایی اقوام- بروزرسانی قوانین با توجه به شرایط استان- نظارت مداوم بر حسن اجرای قوانین
راهبردهای سازمانی	- گسترش و توسعه دفاتر صدا و سیما در مناطق مختلف استان- ایجاد واحد مطالعات قومی استان سیستان و بلوچستان در صدا و سیما- در نظر گرفتن مسئله همگرایی قومی در فرایندهای درون سازمانی (اداری مالی، مقررات و رویه‌ها، تسهیل دسترسی به اطلاعات اقوام، نظام ارزیابی عملکرد، ارتباطات سیستمی و بازخوردها) - تدوین و اجرای الگوی جامع همگرایی اقوام استان در صدا و سیما مرکز - بهره‌گیری از منابع انسانی متخصص در زمینه مسائل اقوام استان- افزایش آزادی عمل و قدرت مانور در شبکه استانی برای ارتقا همگرایی اقوام استان- انجام مطالعات تطبیقی در بحث همگرایی در رسانه‌های کشورهای کثیرالقوم در خصوص چگونگی سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، عملکرد و نتایج
راهبردهای مربوط به منابع	

منبع: یافته‌های پژوهش

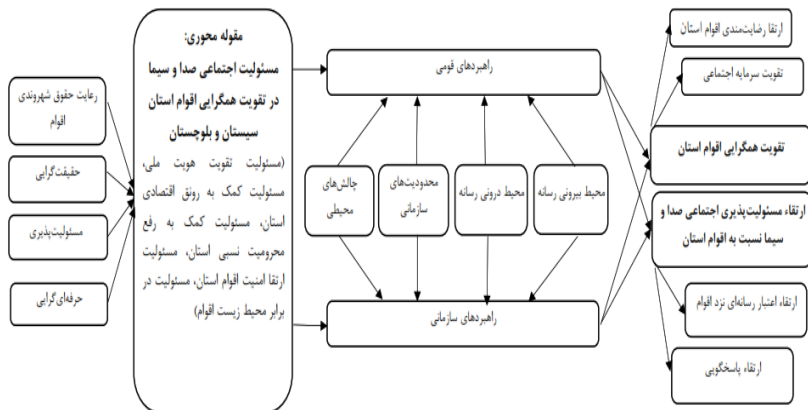
پیامدها، نتیجه‌ی کنش و واکنش شرایطی هستند که در رابطه با پدیده وجود دارد و آثار حاصل از تعاملات را نشان می‌دهد (Strauss & Corbin, 1393). در جدول ۶ پیامدهای عمل به مسئولیت اجتماعی رسانه ملی در تقویت همگرایی اقوام استان آمده است.

جدول ۶. کدها و مقوله‌های مربوط به پیامدها

مقوله اصلی	زیرمقوله	مفاهیم
پیامدها و نتایج	ارتقا رضایت‌مندی	- احساس تعلق اقوام به کشور و منطقه- بهبود زندگی اقوام در کنار یکدیگر- افزایش توانمندی اقوام در زندگی مسالمت‌آمیز در کنار هم
	تقویت همگرایی اقوام استان	- افزایش اعتماد اجتماعی- افزایش مشارکت اجتماعی- افزایش انسجام اجتماعی- افزایش روابط اجتماعی
	ارتقاء اعتبار رسانه‌ای	- افزایش وفاداری اقوام به صدا و سیما- افزایش سهم صدا و سیما

در پژوهش حاضر، روابط بین مقوله‌های شکل گرفته در داده‌ها نشان می‌دهد، الگوی شکل گرفته با شکل اصلی الگوی پارادایمی اشتراوس و کوربین (۱۳۹۰) مطابقت دارد؛ بدین معنا که پدیده‌ی اصلی متأثر از شرایط علی بوده و خود بر راهبردها تأثیر دارد. راهبردها نیز به نوبه خود، تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، پیامدهای مرتبط با پدیده مورد بررسی را شکل می‌دهند. الگوی به دست آمده در قالب بیان روایتی، در واقع مغز اصلی کدگذاری انتخابی و نظریه‌ی محقق در پژوهش به حساب می‌آید. در پژوهش حاضر، مسئولیت اجتماعی رسانه ملی در تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان به عنوان پدیده محوری و مقوله اصلی انتخاب گردید که دارای ۵ زیرمقوله‌ی مسئولیت تقویت هویت ملی، مسئولیت کمک به رونق اقتصادی استان، مسئولیت کمک به رفع محرومیت نسبی استان، مسئولیت ارتقا امنیت اقوام استان و مسئولیت در برابر محیط زیست اقوام می‌باشد و تحت تأثیر شرایط علی که شامل ۴ مقوله اصلی رعایت حقوق شهروندی اقوام با ۳ زیرمقوله، حقیقت‌گرایی با ۳ زیرمقوله، مسئولیت‌پذیری با ۲ زیرمقوله، حرفه‌ای‌گرایی با ۳ زیرمقوله می‌باشد، منجر به شکل‌گیری راهبردهای عمل به مسئولیت اجتماعی رسانه ملی در تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان شده است. این راهبردها عبارتند از: راهبردهای قومی با ۳ زیرمقوله و راهبردهای سازمانی با ۲ زیرمقوله. همچنین، این کنش‌ها در بستر شرایط زمینه‌ای شامل ۲ مقوله اصلی محیط درونی با ۳ زیرمقوله و محیط بیرونی رسانه با ۲ زیرمقوله شکل می‌گیرند و هم‌زمان از محدودیت‌ها در دو مقوله‌ی اصلی چالش‌های محیطی با ۲ زیرمقوله و محدودیت‌های سازمانی با ۲ زیرمقوله تأثیر می‌پذیرند. در نهایت چنین کنش و واکنش‌هایی، پیامدهایی از جمله تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان با ۲ زیرمقوله و ارتقاء مسئولیت‌پذیری اجتماعی رسانه ملی نسبت به اقوام استان با ۲ زیرمقوله خواهد داشت. بدین ترتیب، الگوی ارائه شده در این پژوهش از ۱۳ مقوله‌ی اصلی و ۳۴ زیرمقوله و ۱۳۰ مفهوم تشکیل شده است. در مرحله کدگذاری انتخابی مقوله محوری به طور نظام‌مند^۱ انتخاب و با ارتباط دادن آن با سایر مقوله‌ها، نظریه تدوین می‌گردد که شرحی انتزاعی برای فرایند مطالعه

شده در پژوهش ارائه می‌دهد (محمدپور، ۱۳۹۲). مدل ترسیمی مسئولیت اجتماعی رسانه در تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان به صورت زیر می‌باشد.



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش (یافته‌های پژوهش)

۳-۵. یافته‌های مرحله کمی

سوال سوم پژوهش: آیا الگوی مسئولیت اجتماعی رسانه‌ی ملی در تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان از اعتبار لازم نزد اقوام استان برخوردار است؟

پس از استخراج مدل مفهومی، جهت ارزیابی و ارائه مدل مسئولیت اجتماعی رسانه ملی در تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان، اقدام به طراحی پرسشنامه و نظرخواهی از ۲۴۲ نفر از صاحب‌نظران متناسب به اقوام و طوایف استان گردید. برای بررسی سؤال‌های تحقیق، چنان‌که در روش تحقیق مطرح می‌شود، شیوه‌های قابل استفاده در تحلیل داده‌ها، به نوع طرح استفاده شده و همچنین داده‌ها بستگی دارد. با توجه به طرح این تحقیق، از رویکردهای معادلات ساختاری استفاده گردید که در این راستا از نرم‌افزار PLS بهره گرفته شد. میزان اثرگذاری ابعاد به همراه ارائه الگوی یکپارچه و متعادل براساس روابط بین متغیرها

با استفاده از نرم افزار PLS محاسبه شد.

در این پژوهش از آزمون‌های تناسب کایزر-مایر-الکین^۱ و بارتلت^۲ برای تشخیص کفایت و شرایط لازم داده‌ها برای اجرای تحلیل عاملی، استفاده شد. برای اجرای تحلیل عاملی مناسب، لازم است مقدار آماره‌ی KMO که شاخص کفایت متغیرها را نشان می‌دهد، بالاتر از ۰/۷ باشد. آزمون بارتلت نیز یکی دیگر از روش‌های تشخیص مناسب بودن داده‌ها است و برای این که یک مدل تحلیل عاملی مفید و دارای معنا باشد، لازم است که متغیرهای آن همبسته باشند. لذا، فرض آماری مربوط به این آزمون به شرح ذیل است:

$$H_0: \text{داده‌ها همبسته‌اند.} \quad H_1: \text{داده‌ها ناهمبسته‌اند.}$$

جدول ۷. نتایج آزمون KMO و Bartlett

KMO	آزمون بارتلت	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
۰/۹۴۱	۴۶۵۱/۴۳۴	۰/۰۰۰	تأیید کفایت و همبستگی داده‌ها

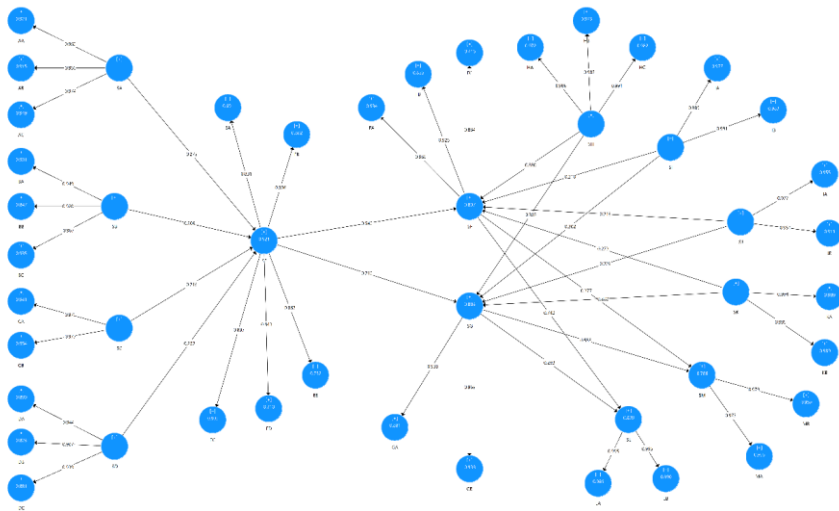
مطابق نتایج حاصل از جدول ۷ در سطح اطمینان ۹۵٪ و خطای اندازه‌گیری $\alpha=5\%$ ، چون مقدار آماره KMO بیش‌تر از ۰/۷ محاسبه گردید. همچنین نتیجه آزمون بارتلت نشان داد که سطح معناداری $\text{Sig} < 0/05$ محاسبه شده است، لذا شواهد کافی برای تأیید فرض صفر مشاهده نشده و فرض تحقیق تأیید می‌گردد و داده‌ها همبسته می‌باشند. لذا داده‌ها کفایت و همبستگی لازم جهت اجرای تحلیل عاملی اکتشافی را دارند.

۵-۳-۱. برازش مدل ساختاری

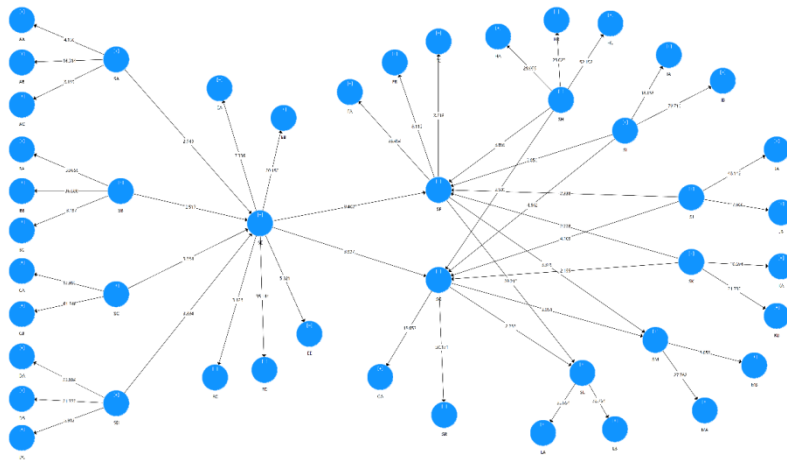
نمودارهای ۱ و ۲ مدل‌های ساختاری را در دو حالت تخمین ضرایب استاندارد و معنی‌داری ضرایب نشان می‌دهند.

1. Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy

2. Bartlett's Test



نمودار ۱. مدل ساختاری در حالت تخمین استاندارد ضرایب مسیر



نمودار ۲. مدل ساختاری در حالت معنی‌داری ضرایب مسیر

در جدول ۸ معیارهای بررسی مدل ساختاری، ضرایب استاندارد و معنی‌داری ضرایب گزارش شده است.

جدول ۸. نتایج حاصل از یافته‌های تحلیل عاملی تأییدی

متغیر پیشین	متغیر ملاک	نماد رابطه	ضریب استاندارد	معنی‌داری	نتیجه آزمون
رعایت حقوق شهروندی اقوام	مسئولیت اجتماعی	SA -> SE	0.273	2.543	تأیید
حقیقت‌گرایی	مسئولیت اجتماعی	SB -> SE	0.306	2.517	تأیید
مسئولیت‌پذیری	مسئولیت اجتماعی	SC -> SE	0.216	3.354	تأیید
حرفه‌ای‌گرایی	مسئولیت اجتماعی	SD -> SE	0.232	3.334	تأیید
مسئولیت اجتماعی	راهبردهای قومی	SE -> SF	0.540	9.402	تأیید
مسئولیت اجتماعی	راهبردهای سازمانی	SE -> SG	0.210	3.927	تأیید
محیط درونی رسانه	راهبردهای قومی	SH -> SF	0.380	3.866	تأیید
محیط درونی رسانه	راهبردهای سازمانی	SH -> SG	0.307	2.590	تأیید
محیط بیرونی رسانه	راهبردهای قومی	SI -> SF	0.210	2.050	تأیید
محیط بیرونی رسانه	راهبردهای سازمانی	SI -> SG	0.302	4.162	تأیید
چالش‌های محیطی	راهبردهای قومی	SJ -> SF	0.213	2.338	تأیید
چالش‌های محیطی	راهبردهای سازمانی	SJ -> SG	0.223	4.109	تأیید
محدودیت‌های سازمانی	راهبردهای قومی	SK -> SF	0.273	2.778	تأیید
محدودیت‌های سازمانی	راهبردهای سازمانی	SK -> SG	0.282	2.155	تأیید
راهبردهای قومی	تقویت همگرایی اقوام استان	SF -> SL	0.742	20.219	تأیید
راهبردهای قومی	ارتقاء مسئولیت‌پذیری	SF -> SM	0.377	3.378	تأیید
راهبردهای سازمانی	تقویت همگرایی	SG -> SL	0.293	2.233	تأیید
راهبردهای سازمانی	ارتقاء مسئولیت‌پذیری	SG -> SM	0.555	3.051	تأیید

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج جدول فوق، فرضیات پژوهش مورد تأیید قرار گرفتند.

۵-۳-۲. تحلیل عاملی تأییدی 'متغیرهای پژوهش'

تحلیل عاملی، روشی آماری برای بررسی روابط بین متغیرهای مکنون و مشاهده‌شده است. برای تأیید مقوله‌های اصلی، فرعی (زیرمقوله‌ها) و شاخص‌های مسئولیت اجتماعی رسانه‌ی ملی در تقویت همگرایی اقوام استان، ضریب استاندارد و معناداری آن‌ها محاسبه گردید.

جدول ۹. نتایج حاصل از یافته‌های تحلیل عاملی تأییدی

بعد	مؤلفه	کد مؤلفه	ضریب استاندارد	معنی‌داری	نتیجه
رعایت حقوق شهروندی اقوام	عدم تبعیض قومی	AA	0.960	4.150	تأیید
	رعایت حقوق فرهنگی	AB	0.956	14.314	تأیید
	رعایت حقوق اجتماعی	AC	0.974	3.139	تأیید
حقیقت‌گرایی	صداقت	BA	0.949	30.658	تأیید
	شفافیت	BB	0.920	36.688	تأیید
	عینیت	BC	0.967	3.197	تأیید
مسئولیت‌پذیری	مسئولیت‌پذیری فردی	CA	0.970	17.985	تأیید
	مسئولیت‌پذیری سازمانی	CB	0.977	61.548	تأیید
	ارتقاء استانداردهای کمی محتوا	DA	0.944	35.884	تأیید
حرفه‌ای‌گرایی	ارتقاء استانداردهای کیفی محتوا	DB	0.907	21.772	تأیید
	گسترش فناوری	DC	0.939	5.912	تأیید
	مسئولیت تقویت هویت	EA	0.831	7.336	تأیید
مسئولیت اجتماعی صدا و سیما در تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان	مسئولیت کمک به رونق اقتصادی استان	EB	0.896	20.152	تأیید
	مسئولیت کمک به رفع محرومیت نسبی استان	EC	0.897	3.125	تأیید
	مسئولیت ارتقا امنیت اقوام استان	ED	0.843	35.144	تأیید
راهبردهای قومی	مسئولیت در برابر محیط زیست اقوام	EE	0.867	5.321	تأیید
	مخاطب پژوهی اقوام	FA	0.966	28.454	تأیید
	تأثیرسنجی	FB	0.925	8.112	تأیید
راهبردهای سازمانی	تعامل	FC	0.864	3.718	تأیید
	راهبردهای قانون‌گذاری	GA	0.939	15.657	تأیید
	منابع ساختاری	GB	0.969	50.171	تأیید
محیط درونی رسانه	شکل رسانه	HA	0.986	29.055	تأیید
	محتوای رسانه	HB	0.988	23.023	تأیید
	فناوری ارتباطی	HC	0.991	52.192	تأیید
محیط بیرونی رسانه	نظام اجتماعی	IA	0.989	18.158	تأیید
	رقابت	IB	0.991	79.710	تأیید
	چالش‌های قومی	JA	0.977	48.142	تأیید
محدودیت‌های سازمانی	رقبای رسانه‌ای	JB	0.954	17.966	تأیید
	موانع مدیریتی	KA	0.994	10.694	تأیید
	سیاست‌گذاری رسانه‌ای	KB	0.995	21.732	تأیید
تقویت همگرایی اقوام استان	ارتقا رضایت‌مندی اقوام استان	LA	0.995	35.654	تأیید
	تقویت سرمایه اجتماعی	LB	0.995	78.764	تأیید
	ارتقاء مسئولیت‌پذیری	MA	0.977	27.762	تأیید
اجتماعی رسانه ملی	ارتقاء پاسخگویی	MB	0.979	5.058	تأیید

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری

یافته‌های مرحله کمی به منظور اعتباریابی نشان داد که ۱۳ مقوله اصلی، ۳۴ زیرمقوله و ۱۳۰ شاخص در زمینه مسئولیت اجتماعی رسانه‌ی ملی در تقویت همگرایی اقوام استان مورد تأیید قرار گرفتند که بر این اساس، الگو تأیید و نهایی

شد. با توجه به یافته‌های حاصل از این تحقیق برای عمل به مسئولیت اجتماعی رسانه ملی در راستای تقویت همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان پیشنهاد می‌شود:

- موضوع همگرایی اقوام مرزنشین استان سیستان و بلوچستان به عنوان یک مسئولیت مهم و محوری در رسانه ملی مورد تجدیدنظر و بازنگری قرار گیرد.
- رعایت حقوق شهروندی، حقیقت‌گرایی، مسئولیت‌پذیری و حرفه‌ای‌گرایی که به عنوان عوامل مؤثر بر مسئولیت اجتماعی رسانه در تقویت همگرایی اقوام روی آن اثرگذار است باید سرلوحه تصمیمات، سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ها و امور رسانه ملی قرار گیرد.
- کارکردهای گوناگون رسانه‌ای رسانه ملی در جهت رفع مسائل مهمی نظیر؛ مشکلات اقتصادی، محرومیت نسبی، امنیت و مسائل زیست محیطی که اقوام استان، سال‌های طولانی است با آن‌ها درگیر هستند، به‌کارگرفته شود.
- ایجاد واحد مطالعات قومی استان سیستان و بلوچستان در رسانه ملی ضروری است.
- زمینه‌های مهم تحقق هدف همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان در شکل و محتوای سازمانی رسانه ملی و محیط بیرونی و نظام اجتماعی به طور پیوسته مورد پایش قرار گیرد.
- چالش‌هایی نظیر چالش‌های قومی و محدودیت‌های سازمانی که در ایجاد همگرایی بین اقوام استان سیستان و بلوچستان توسط رسانه ملی مداخله می‌کنند، شناسایی و رفع گردد.
- الگوی جامع همگرایی اقوام استان سیستان و بلوچستان در صدا و سیمای مرکز، با همکاری مراکز مطالعاتی و صاحب‌نظر تدوین و اجرا شود.
- دفاتر صدا و سیمای در مناطق مختلف استان سیستان و بلوچستان گسترش و توسعه یابد.

منابع و ماخذ

- احمدی، حمید (۱۳۷۸). قومیت و قوم‌گرایی در ایران؛ از افسانه تا واقعیت. تهران: نی.
- احمدی، منیژه (۱۳۹۵). طراحی الگوی شایستگی سربازرسان سازمان بازرسی کل کشور. پایان‌نامه دکتري، دانشگاه علامه طباطبائی.
- اشتراوس، آنسلم، و کوربین، جولیت (۱۳۹۳). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- باهر، ناصر، و روحانی، محمدرضا (۱۳۹۰). رسانه‌های جمعی و مسئولیت اجتماعی مطالعه تطبیقی رویکرد اسلامی و غربی. دوفصلنامه پژوهشی دین و ارتباطات، ۱۸ (۳۹)، ۵-۳۴.
- بهشتی، سیدصمد، و حق‌مرادی، محمد (۱۳۹۶). فراتحلیل مطالعات مرتبط با رابطه بین هویت قومی و هویت ملی در ایران با تأکید بر نقش رسانه. مسائل اجتماعی ایران، ۲ (۲)، ۵-۲۷.
- بیابانی، غلامحسین (۱۳۹۶). بررسی واکاوی مسئولیت‌های اجتماعی رسانه. فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، ۱۲ (۳۸/۲)، ۵۵-۶۶.
- بیرو، آلن (۱۳۸۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان، چاپ چهارم.
- خرازی‌آذر، زهرا، مظفری، افسانه، بهرامیان، شفیع (۱۳۹۵). تأثیر استفاده از رسانه‌های جمعی و اجتماعی بر همگرایی بین قومی در ایران. فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ۱۷ (۳۴)، ۶۹-۱۰۱.
- دانایی‌فرد، حسن، و امامی، سیدمجتبی (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تاملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد. اندیشه مدیریت، ۲ (۲)، ۶۹-۹۷.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- سورین، ورنر جوزف، و تانکارد، جیمز (۱۳۸۸). نظریه‌های ارتباطات. ترجمه علیرضا دهقان، تهران: دانشگاه تهران.
- سیاسر، قاسم (۱۳۹۸). تبارشناسی شکاف‌های قومی و اجتماعی سیستان و بلوچستان،

- چاپ اول، تهران: دریافت.
- شرف‌الدین، سیدحسین (۱۳۹۰). طراحی الگوی مطلوب سرگرمی در یک رسانه دینی، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، ۲(۴)، ۷۳-۱۰۲.
- صمدی، مهرانریا، و شاه‌محمدی، شورش (۱۳۹۷). مطالعه رابطه بین میزان هویت‌پذیری قومی و مشارکت‌پذیری سیاسی با مصرف رسانه‌ای شهروندان ارومیه. مطالعات جامعه‌شناسی، ۱۱(۳۹)، ۴۳-۵۸.
- عباس‌زاده، روح‌الله (۱۳۹۹). اصول هنجاری رسانه‌های جمعی. قم: مصباح اندیشه.
- علیرضایی، ابوتراب، و محقق، نادر (۱۳۹۲). طراحی الگو جهت سنجش میزان مسئولیت اجتماعی در صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران. مجله مدیریت فرهنگی، ۷(۲/پیاپی ۲۰)، ۸۶-۱۰۱.
- کوثری، مسعود، و آذری، سیدحسن (۱۳۹۴). تنوع فرهنگی ایران و الزامات سیاستگذاری رسانه‌ای مطالعه موردی شبکه‌های استانی صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه رسانه، ۲۶(۱)، ۵-۲۴.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). ضد روش. جلد ۱ و ۲. تهران: جامعه‌شناسان.
- مشبکی، اصغر، و بختیاری، حسین (۱۳۹۰). بررسی مسئولیت اجتماعی سازمانی در رسانه ملی. پژوهش‌های ارتباطی، ۱۸(۶۶)، ۱۷۷-۲۰۸.
- مک‌کویل، دنیس (۱۳۸۵). درآمدی بر نظریه‌ی ارتباطات جمعی. ترجمه‌ی پرویز اجاللی، تهران: انتشارات دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، چاپ دوم.
- مهردوست، حسین و رویایی، رمضانعلی (۱۳۸۸). بررسی نقش مدیران فرهنگی در ارتقای مسئولیت اجتماعی. پژوهشنامه علوم اجتماعی آزاد گرمسار، ۳(۳)، ۴۳-۵۹.

References

- Abbaszadeh, R. (1398). *Normative principles of mass media*. Qom: Mesbah e andishe. (in Persian)
- Ahmadi, H. (1382). *Ethnicity and ethnicity in Iran; From myth to reality*. Tehran: ney. (in Persian)
- Ahmadi, M. (1395). *Designing a competency model for the inspectors of the National Inspection Organization*. Tehran: Allameh Tabatabaei University. (in Persian)
- Alirezaei, A., & Mohaghegh, N. (1392). Designing a model for measuring the level of social responsibility in the radio and television of the Islamic Republic of Iran. *Modiriat e farhangi*, 86-101 (in Persian)
- Bahonar, n., & Rohani, M. (1390). Mass Media and Social Responsibility A Comparative Study of the Islamic and Western Approaches. *Din va ertabatat*, 34-50. (in Persian)
- Beheshti, S., & Haq Moradi, M. (1396). Meta-analysis of studies related to the relationship between ethnic identity and national identity in Iran with emphasis on the role of the media. *Masaele ejtemaee Iran*, 5-27. (in Persian)
- Biabani, G. (1396). Investigating the social responsibilities of the media. *Media Studies*, 55-66. (in Persian)
- Birou, A. (1380). *Social science culture*. Tehran: Keyhan. (in Persian)
- Danaei Fard, H., & Emami, S. (1386). Qualitative research strategies: Reflections on data foundation theorizing. *Andisheh modiriat*, 69-97. (in Persian)
- Dehkhoda, A. (1377). *Dehkhoda dictionary*. Tehran: Institute of Publishing and Printing, University of Tehran. (in Persian)
- Esman, M. (2004). *an Introduction to ethnic conflict*. London: Cambrige.
- Kharazi Azar, Z., Mozaffari, A., & Bahramian, S. (1395). The effect of using mass and social media on inter-ethnic convergence in Iran. *Motaleaat e farhang - ertebatat*, 69-101. (in Persian)
- Koc-Damgaci, F., & Aydin, H. (2018). Social Media and its Potential Impacts on Multicultural Education in Turkey. *Journal of Mathematics, Science and Technology Education*, 797-810.
- Kowsari, M., & Azeri, S. (1394). Iran's Cultural Diversity and Media Policy Requirements: A Case Study of the Provincial Broadcasting Networks of the Islamic Republic of Iran. *Media Quarterly*, 5-24. (in Persian)

- Malesevic, S. (2004). *Sociology of Ethnicity*. London: Sage Publication Ltd.
- McQuail, D. (1385). *An Introduction to Mass Communication Theory*. Tehran: Office of Media Studies and Development. (in Persian)
- Mehrdoust, H., & Royaei, R. (1388). Investigating the role of cultural managers in promoting social responsibility. *Journal of Garmsar Social Sciences*, 43-59. (in Persian)
- Meshbaki, A., & Bakhtiari, H. (1390). Investigating organizational social responsibility in national media. *Communication Research*, 177-208. (in Persian)
- Mohammadpour, A. (1390). *Anti-method. Volumes 1 and 2*. Tehran: Jameeishenasan. (in Persian)
- Natcha, K. (2015). The Role of New Media in Multicultural Australia: A Study of Thai, Rohingya and Hmong Communities. *Athens Journal of Mass Media and Communication*, 71-82.
- Piontek, D. (2016). normative media theories: the media in the new democracies. *Przegląd Politologiczny*, 49-62.
- Ristu, Y., & Masana, T. (2011). *Broadcasting in a Multicultural Society: A Case Study in Hamamatsu*. Tokyo: NHK Broadcasting Studies.
- Rogers, J., Oboyle, N., Peterson, P., & Fehr, F. (2014). the significance of small differences: Cultural diversity and broadcasting in Ireland. *Dublin City University, Ireland*, 399-415.
- Samadi, M., & Shah Mohammadi, s. (1397). Study of the relationship between ethnic identity and political participation with media consumption of Urmia citizens. *Sociological studies*, 43-58. (in Persian)
- Severin, W. J., & Tankard, J. (1388). *Communication theories*. Tehran: University of Tehran. (in Persian)
- Sharafuddin, S. (1390). Designing an optimal pattern of entertainment in a religious medium. *Marefat e farhangi ejtemaei*, 73-102. (in Persian)
- Siasar, G. (1398). *Genealogy of Sistan and Baluchestan Ethnic Social Gaps*. Tehran: Daryaft. (in Persian)
- Strauss, A., & Corbin, J. (1393). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. (in Persian)
- Yun, H. (2008). *Social Responsibility Theory*, in: *Encyclopedia of Political Communication*. London: L.L.Kaid, C.Holtz-Bacha.